

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلد ۱

چند مصاحبه با جوانان کاربر اینستاگرام
درباره اثرهای فرهنگی کاربری از اینستاگرام

/ دکتر مرتضی منطقی /
/ استاد دانشگاه خوارزمی /

زمستان ۱۴۰۰

فهرست کامل

۰۱ مقدمه

۰۲ گزارش مصاحبه‌های میدانی

«بعد فروشنده گفت وایسید برنامه‌ها رو براتون نصب کنم، یهو اون دوقلوهای ۵، ۶ ساله داد زدن، تلگرام و اینستاگرامم بریز!» (مصاحبه با روزان، ۱۷ ساله)،

«بعد خودت توی همون سن ۸ سالگی می‌رفتی انواع مطالب مثبت ۱۸ رو می‌دید؟
آره، متأسفانه» (مصاحبه با مهسا، ۱۶ ساله)،

«از اینستا درباره این که داره فیلم جدید بازی می‌کنه یا مثلاً قدش چه قدره، چند کیلوئه، سگ داره یا نداره، اطلاع به دست آوردم» (مصاحبه با ترانه، ۱۵ ساله)،

«من توی اینستاگرام دیدم هم برای پسر هم برای دختر، می‌شه دوست دختر، دوست پسر اجاره‌ای گرفت» (مصاحبه با مه‌لقا، ۱۸ ساله)،

«هزار سال حاضر نیستم برم سراغ برنامه‌هایی مثل سروش که ابزارهای... و کنترل آدم‌ها هستن»
(مصاحبه با علی، ۱۹ ساله)،

«کشور ما هیچ وقت هیچ چیزی برای ارایه به دنیا نداشته... کشور ما خیلی کشور ضعیف و عقب افتاده‌ایه و به نظر من مهاجرت لازمه خوشبختی و زندگی راحت» (مصاحبه با پگاه، ۱۷ ساله)،

«گاهی با خودم می‌گفتم که چرا من نمی‌تونم سفر آن‌چنانی برم؟ چرا من نمی‌تونم فلان وسیله رو بگیرم و اون بلاگر همه این کارا رو می‌کرد» (مصاحبه با فرشته، ۲۰ ساله)،

«همین باعث می‌شه، بچه ۴ ساله فامیل مون بگه، بچه توی اینستا چشمش آبی، منم لنز می‌خوام یا من غذا نمی‌خورم که بزرگ شدم لاغر باشم» (مصاحبه با زهرا، ۲۰ ساله)،

«اینستاگرام جذاب‌تر از یه کتابه، اینستا عکس باهاشه، صدا، جذابیت» (مصاحبه با آرشام، ۲۳ ساله)،
«همین که گلشیفته تابوشکنی کرد و خواست نشون بده اگر لخت بشی دنیا به آخر نمی‌رسه، برام

قابل احترامه» (مصاحبه با دُرُسا، ۱۷ ساله)،

«از جولیا و اییگل خیلی خوشم میاد، خیلی کیوتن، از رافین و میکا و کاتیه و استف هم خیلی خوشم میاد» (مصاحبه با آلا، ۱۵ ساله)،

«اگه بچه ۶، ۷ ساله جی‌تی‌ای بازی کنه، دیگه خدا رحمتش کنه» (مصاحبه با راد، ۱۶ ساله)،
«در روز ده، پونزده ساعت بازی می‌کنم، البته بستگی به حال هم داره، اگه حوصله‌ی بازی رو

اون روز داشته باشم بیش‌تر» (مصاحبه با مهشید، ۱۶ ساله)،

«خب یه نکته‌ای که درباره نازنین هست، اینه که عادت ماهانه‌اش خیلی زود و از ۹ سالگی شروع شد» (مصاحبه با کوثر، ۲۴ ساله)،

«فصل ۶ پیکي بلایندرز رو توی همین اینستا فهمیدم کی میاد که البته هنوز نیومده، من عالاشق پیکي بلایندرز شدم» (مصاحبه با امیرعلی، ۱۸ ساله)،

«مثلاً بی‌بند و باری، ازدواج سفید، بارداری خارج از ازدواج و چیزای دیگه همه هست توی این سریالا، اما خب فان هم هستن دیگه» (مصاحبه با سمیه، ۲۱ ساله)،

«بازی‌های جرأت حقیقت و never have I ever حال می‌ده، همه رسوا می‌شن» (مصاحبه با مرجان، ۲۱ ساله)،

«قضیه بی‌پروایی جنسی، خیلی باعث شده پیج‌های مبتذل هم زیاد فالو بشن، حتی خود من هم یه سری از این پیج‌ها رو فالو داشتم» (مصاحبه با یوسف، ۲۱ ساله)،

«مثلاً یه دوست دارم تام بوی شده و دوست دختر هم داره، این برای من واقعاً عادیه... گرایششه دیگه، مگه دست خودش» (مصاحبه با زینب، ۲۰ ساله)،

«من فن پیج نیلوفر و ویدا و امیر ویکتور رو توی اینستاگرام ساختم» (مصاحبه با آریا، ۱۷ ساله)،

«دیدن سریال سکس اجوکیشن باعث شد که رابطه... با چند نفر برام عادی سازی بشه» (مصاحبه با صبا، ۲۲ ساله)،

«پروپلیرهای کال آف رو می‌شناسم، مثلاً توی پروپلیرهای بازی آبتین خیلی خوبه، امیر لینچ، مژگان، حمید وای-تی هم هستن، اینا خیلی خوبن» (مصاحبه با بهروز، ۱۸ ساله)،

«من دنیا جهان‌بخت، کیمیا تاج‌زاد و چندتا بلاگر مثل گل منگولی، مامان پانیز اسماعیلی، فاطمه خاله‌ی پانیز اسماعیلی و شل بیوتی رو دنبال می‌کنم» (مصاحبه با ریحانه، ۱۸ ساله)،

«مهرداد و آيسان هم همیشه دوربين مخفی می‌ذارن، توی یکیش مهرداد به آيسان می‌گفت، برای یوتیوب همین الان باید بچه‌دار بشیم...» (مصاحبه با نرگس، ۲۰ ساله)،

«جمله‌های دپ می‌داشت که مثلاً حلالم کنید، شاید فردا نباشم و عکس خودزنی و این جور چیزا، کلاً از لحاظ روحی پاچید (پاشید)» (مصاحبه با ساره، ۲۰ ساله)،

«می‌دونید پت داشتن خیلی خرج داره، ماهی فقط دو تومن پول غذای خشکش می‌شه، همه‌اش هم خارجی، کلی وسیله می‌خواد، هر سه ماه چکاپ داره، واکسن می‌خواد، ضدانگل و ویتامین‌هاش هم گرونه» (مصاحبه با مامان‌لیا، ۲۶ ساله)،

«دلم می‌خواد شیطان‌پرست بشم، اون قدر جذابه لوسیفر، بعضی حرفاشم واقعاً حقه به نظرم، خدا واقعاً همون جور که لوسیفر می‌گه، خودخواه» (مصاحبه با مریم، ۱۹ ساله)،

«کلی بخوام از تغییراتم بگم، تحت تأثیر اینستا، تفریحاتم و مدل خرید کردنم، شبیه اروپایی شده و ترند رفتار می‌کنم» (مصاحبه با رؤیا، ۱۶ ساله)،

«اینستا سبب شده دیگه ما خودمون رو در این چارچوب‌ها حبس و خفه نکنیم، می‌بینیم، اگر پسندیدیم، انتخاب می‌کنیم، وگرنه، نه» (مصاحبه با غزاله، ۲۰ ساله)،

«می‌لاد این جووری نیست و کلیپ‌هاش خب برای ماها نرماله، ولی مامان و بابام ببینند، احتمال سخته‌شون می‌ره بالا که اینا چی هستن دیگه» (مصاحبه با نسترن، ۱۷ ساله)،

«یه پیچ فیکم دارم که باهاش اکسم رو استاک می‌کنم» (مصاحبه با ترانه، ۲۱ ساله)،

«من همیشه خدا رو شکر می‌کنم که فن بلک پینک و بی‌تی‌اس شدم» (مصاحبه با ثنا، ۱۵ ساله)،

«قدیما که یه کار زشتی می‌کردم، عذاب وجدان شدید می‌گرفتم، از خدا می‌خواستم من رو ببخشه ... الان نه، عین خیالم نیست» (مصاحبه با امیرحسین، ۱۸ ساله)،

«حتی سگاشون رو مثل این مهدکودکا که بچه‌ها رو می‌برن، سگاشون رو همچنین جاهایی می‌برن، بهش می‌گن هتل سگ» (مصاحبه با رضا، ۱۸ ساله)،

«آرین راجع به مرلین منسون پست می‌ذاره، درباره ابعاد دنیا که با مصرف روان‌گردان می‌شه دیدش می‌نویسه. می‌گه اگر مصرف کنین، چیزایی می‌بینین که الان نمی‌بینین» (مصاحبه با اشکان، ۲۱ ساله)،

«من وقایع سیاسی- اجتماعی رو دنبال می‌کنم و گهگاهی هم درباره‌شون متن می‌نویسم. گاهی هم با دوستانم بحث‌های اجتماعی داریم که نتایج اون‌ها رو هم می‌نویسیم و ممکنه اون‌ها رو هم پست کنیم» (مصاحبه با مهدی، ۲۱ ساله)،

«من بیش‌تر در صفحه خودم کتاب‌های فلسفی و گاهی روان‌شناسی رو معرفی می‌کنم، و البته فقط محدود به کتاب هم نیستم و گاهی کلیپ‌های فلسفی هم می‌گذارم» (مصاحبه با الناز، ۲۴ ساله).

۳۰ جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از مصاحبه‌های میدانی

فصل اول: برخی از پیش فرض‌های موجود در مورد روان‌شناسی اجتماعی کاربران نوجوان و جوان قبل از ورود به اینستا (ضعف رسانه‌های داخلی در برابر قدرت رسانه‌های آن سوی آب، کاهش سن کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، سواد رسانه‌ای اندک کاربران، تحقق یادگیری و آموزش فعال، پر رنگ شدن نقش آموزش‌های غیرمستقیم، جذابیت کاربری از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، اثرات فرهنگ جمع‌گرایی ایران، ارضای هیجان‌جویی کاربران، تربیت هیجان‌مدار کاربران فضای مجازی، تغییر فرهنگ مکتوب به فرهنگ بصری، افسردگی اجتماعی نوجوانان و جوانان، ایجاد زمینه برای بروز برخی از اختلال‌های روانی، نسل تجربه‌گرا، تحول‌های هویتی، گسست نسلی، تحول‌های فرهنگی- اجتماعی- عقیدتی برخی از خانواده‌ها، ترجیح محصولات فرهنگی و رسانه‌های خارجی به محصولات فرهنگی و رسانه‌های داخلی، تحقق جهانی اندیشیدن نوجوانان و جوانان، نقد سیاسی نظام -با مشاهده فروریزی آرمان شهر انقلاب-، نقد دینی نظام -به تبع نقد سیاسی-).

فصل دوم: ورود به اینستا و اثرپذیری از آن (امکان برخورداری از ابعاد آموزشی اینستا به شکل رایگان یا با هزینه اندک، اطلاع‌رسانی‌های مفید، ارتقای دید زیست محیطی برخی از کاربران در جریان فرهنگ‌سازی‌های زیست محیطی، ارتقای فرهنگ کتاب‌خوانی، تبدیل قسمت‌هایی از اینستا به یک گالری هنری، پذیرش دیگر اقوام بشری، پذیرش تولید محتوای کاربران، اثرپذیری از سلبریتی‌ها، اثرپذیری از بلاگرها، اینفلوئنسرها و شاخ‌های مجازی -به عنوان منابع ارزشی جدید- پا به عرصه نهادن هویت‌های حاشیه‌ای در فضای مجازی، اثرپذیری از منادیان پاسداشت ارزش‌های غرب در داخل، استقبال از فرهنگ فمینیستی، گسترش نگاه ابزاری و تحقیر آمیز نسبت به زنان، کاربری از بازی‌های دیجیتال، کلیپ‌ها، فیلم‌ها و سریال‌های عرضه شده در فضای مجازی؛ کاربری از زیور آلات و وسایل نمایش داده شده در فیلم‌ها، سریال‌ها و گروه‌های موسیقی آن سوی آب؛ اثرپذیری از فرهنگ انتقالی از طریق موسیقی، استفاده از اینستا به مثابه ابزاری برای دور زدن محدودیت‌های اجتماعی، جهانی شدن و آمیختگی فرهنگی پدید آمده برای کاربران، آزادی عمل در انتخاب منابع فرهنگی مورد استفاده، اثرگذاری روی ذائقه و عادات غذایی کاربران، تحول‌آفرینی‌های نامناسب در زبان، جایگزینی فعالیت‌های فرهنگی سنتی با فعالیت‌های فرهنگی آن سوی آب، سرگرمی و گذران فراغت، مواجهه کاربران با فضایی مالا مال از هیجان در اینستاگرام، رقابت در جهت کسب هوادار، پسند، دیده شدن و دریافت اظهار نظر؛ کاهش شدید حریم خصوصی کاربران در فضای مجازی، انجام چالش‌های نامتعارف، دامن زدن به هرزه‌نگاری، استقبال از صور مختلف حیات جنسی، استقبال از روابط آزاد و ازدواج سفید یا مدنی، تحول‌یابی مقوله عشق، کم رنگ شدن مقوله خانواده در ذهن کاربران، پررنگ شدن مقوله شرط‌بندی و قمار در ذهن کاربران، کاهش حساسیت در برخورد با سوء‌مصرف مواد، سایه‌گستر شدن معیارهای لذت‌مدار و لاکچری در زندگی، نهادینه شدن تقلب در اذهان برخی از کاربران، مواجهه با نمایش ویتترین زندگی دیگران در اینستاگرام، ایجاد فضایی جهت تحقق خودشیفتگی برخی از افراد خودشیفته، بروز تبعات ناشی از فقدان سازوکارهای تهاجم شکن، جایگزینی رسانه‌های غربی به جای رسانه‌های داخلی، تشویق غیرمستقیم کاربران به تجربه همه چیز، اتکاء به منابع غیرموثق، سطحی شدن دانش افراد با اتکاء به هشتگ‌ها، محوریت یافتن مقوله اینستاگرام و فضای مجازی در مدارس پنهان، ضروری ندانستن طی مراتب آموزش عمومی، تنزل دید زیست محیطی کاربران، تبدیل فضای مجازی و اینستاگرام به یک مرجع اطلاعاتی برای نوجوانان و جوانان، تغییر مرجع فرهنگی نوجوانان و جوانان از خانه، محیط آموزشی و جامعه به اینستاگرام و فضای مجازی، دامن زدن به فرهنگ مبتنی بر جسم، گسست ارزشی و فرهنگی).

فصل سوم: ماحصل اثرگذاری‌های اینستا بر کاربران نوجوان و جوان: تغییر سبک زندگی از سبک زندگی تکلف‌مدار به سبک زندگی لاکچری و لذت‌مدار.

فهرست کتاب حاضر

- ۱- مقدمه..... ۱۱
- ۲- گزارش مصاحبه‌های میدانی..... ۴۹
- مصاحبه با روزان، ۱۷ ساله..... ۴۹
- بعد فروشنده گفت وایسید برنامه‌ها رو براتون نصب کنم، بهو اون دوقلوهای ۵، ۶ ساله داد زدن، تلگرام و اینستاگرامم بریز..... ۴۹
- مصاحبه با مهسا، ۱۶ ساله..... ۶۸
- بعد خودت توی همون سن ۸ سالگی می‌رفتی انواع مطالب مثبت ۱۸ رو می‌دید؟..... ۶۸
- مصاحبه با ترانه، ۱۵ ساله..... ۹۷
- از اینستا درباره این که داره فیلم جدید بازی می‌کنه یا مثلاً قدش چه قدره، چند کیلوئه، سگ داره یا نداره، اطلاع به دست آوردم..... ۹۷
- مصاحبه با مهلقا، ۱۸ ساله..... ۱۳۱
- من توی اینستاگرام دیدم هم برای پسر هم برای دختر، می‌شه دوست دختر، دوست پسر اجاره‌ای گرفت..... ۱۳۱
- مصاحبه با علی، ۱۹ ساله..... ۱۷۴
- هزار سال حاضر نیستم برم سراغ برنامه‌هایی مثل سروش که ابزارهای... و کنترل آدمها هستن..... ۱۷۴
- مصاحبه با پگاه، ۱۷ ساله..... ۲۰۱
- کشور ما هیچ وقت هیچ چیزی برای ارایه به دنیا نداشته... کشور ما خیلی کشور ضعیف و عقب افتاده‌ایه و به نظر من مهاجرت لازمه خوشبختی و زندگی راحت..... ۲۰۱
- مصاحبه با فرشته، ۲۰ ساله..... ۲۳۲
- من گاهی با خودم می‌گفتم که چرا نمی‌تونم سفر آنچنانی برم؟ چرا من نمی‌تونم فلان وسیله رو بگیرم و اون بلاگره همه این کارا رو می‌کرد..... ۲۳۲

۱- مقدمه

با سایه‌گستر شدن فضای مجازی، در عمل فرصت‌ها و تهدیدهای زیادی رخ نموده است و باید برای کاربری بهینه از آن دست به بسترسازی‌های فرهنگی لازم زد. منطقی (۱۴۰۰ الف) با اشاره به تاریخچه ارایه فناوری‌های ارتباطی جدید به جامعه بشری در همین رابطه می‌نویسد:

«بررسی تاریخچه ارایه فناوری‌های ارتباطی پیشرفته به جامعه دلالت بر آن دارد که با ارایه هر فناوری ارتباطی جدیدی به جامعه موجی از بیم‌ها و امیدها در پی آن پدید آمده است و در حالی که برخی از مسوولان از تهدید بودن آن یاد کرده‌اند، افراد دیگری از فرصت‌های فناوری موردنظر سخن گفته‌اند. گفتمان ایده‌های مخالف و موافق فناوری‌ها در غرب، سرانجام به این راهبرد انجامیده است که با افزایش و ارتقای بهره‌وری شهروندان از فرصت‌های فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، خود به خود عرصه کاربری نامناسب از این فناوری‌ها تحدید شده، در مجموع شهروندان قادر به استفاده مثبت از این فناوری‌ها گردند. در راستای اندیشه اخیر، حتی کشورهایی که به فیلترینگ اعتقادی ندارند، در صدد «بسترسازی فرهنگی» برای کاربری مثبت و بهینه از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته برآمده‌اند و در این راستا به انجام مواردی مانند: تولید ادبیات فاخر برای فضای مجازی، پاسخ مناسب به برخی از خلاءهای اجتماعی موجود (نظیر تهیه پویانمایی‌های جنسی برای کاربران متقاضی این دست از اطلاعات)، ارتقای سواد رسانه‌ای کاربران (تا جایی که در برخی از کشورهای غربی، بحث اخیر به صورت یکی از مباحث درسی نظام آموزش عمومی درآمده است)، انجام اطلاع‌رسانی‌های لازم به اولیا و کاربران، تهیه ابزارهای کنترل‌کننده (تبلت، تلفن همراه، اینترنت و ماهواره) برای اولیا، اعمال نظارت (در اتاق‌های گپ اینترنتی و مانند آن)، تدوین قوانین منع آسیب و ایزدای کاربران فضای مجازی، تدوین قوانین خاص برای حمایت از کودکان، نوجوانان و جوانان کاربر فضای مجازی، ایجاد خطوط مستقیم برای تماس اضطراری با مسئولان برای ایجاد محیطی امن‌تر (در اتاق‌های گپ اینترنتی و مانند آن)، درجه‌بندی محتوای رسانه‌ای، تشویق سازمان‌های مدنی برای حضور، اعمال نظارت، مداخله و اثرگذاری فعال در فضای مجازی؛ ایجاد صندوق حمایت از مراکز پژوهش در حوزه رسانه‌های نوین جهت ارایه خدمات و به اشتراک نهادن دانش، منابع و امکانات مورد نیاز پژوهش‌گران؛ ایجاد کتابخانه، موزه و محصولات علمی جهت کاربران فضای مجازی و مانند آن، دست زده، کوشیده‌اند با بسیج امکانات لازم از پزشک و کتابدار گرفته تا وزارتخانه‌های مختلف (نظیر

وزارت آموزش و پرورش، آموزش عالی، ارتباطات) و حتی کلیسا، روشنگری‌های لازم در جهت کاربری بهینه از فضای مجازی را در جوامع خویش پدید آورند.

علاوه بر بسترسازی‌های فرهنگی اخیر، «مدیریت فضای مجازی» و «تدوین قوانین لازم جهت کاربری مناسب از فضای مجازی»، مد نظر مسئولان جوامع مختلف قرار گرفته، کوشیده‌اند با اعمال مدیریت مناسب از سویی و تدوین قوانین لازم از سوی دیگر، محیط فضای مجازی را حتی الامکان پاک نگاه دارند....

اما برخلاف تجربه بشری پیش گفته که اکثریت قریب به اتفاق کشورهای جهان در برخورد با فرصت‌ها و تهدیدهای فضای مجازی با بسترسازی فرهنگی، تدوین قوانین لازم، مدیریت فضای مجازی و تولید محتوا، در صدد کاهش تهدیدهای فضای مجازی و افزایش فرصت‌های آن برآمده‌اند، اولیای فرهنگی ایران در مواجهه با فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، به صرف آن که امکان کاربری نامناسب از این فناوری‌ها وجود دارد، به طور عمده با دیده نفی و انکار با این فناوری‌ها برخورد کرده‌اند و روند ممنوعیت کاربری از ویدیو در اوایل انقلاب، به روند ممنوعیت کاربری از ماهواره و برخی از شبکه‌های اجتماعی تلفن همراه انجامیده است، حال آن که برخلاف تصور اولیای فرهنگی کشور، فناوری‌های جدید، انتخاب نبوده، تحمیل هستند و در شرایط اخیر باید برای کاهش آسیب فناوری‌ها و افزایش فرصت‌های آن‌ها، با استفاده از تجربه بشری، دست به بسترسازی فرهنگی لازم برای کاربری کاربران از آن زد.

رویکرد اخیر مسئولان، خود به خود امکان بسترسازی فرهنگی جهت کاربری بهینه از فضای مجازی را در جامعه به میزان زیادی محدود کرده است. مضاف بر این، خلاء قانون‌های لازم برای کاربری مناسب از فضای مجازی و برخورد با کاربری‌های نامناسب از این فضا، امر مهم دیگری است که در جامعه به وضوح ملاحظه می‌گردد و با وجود برخی از اقدام‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی در دهه هشتاد و تشکیل شورای عالی فضای مجازی در سال ۱۳۹۰ و گذشت قریب به یک دهه از عمر این شورا، ماحصل چندی در جهت تولید ادبیات فاخر، مدیریت فضای مجازی و تدوین قوانین لازم جهت کاربری بهینه از این فضا، به جامعه ارایه نگردیده است و شورای مزبور در همایش‌های سالانه خود، با طرح موضوع دست نیافتنی «دستیابی به اینترنت پاک»، هنوز از مرحله شعار دادن، به مرحله عمل و اقدام مناسب نرسیده است.

گذشته از آنچه از آن یاد شد، گره‌خوردن برخی از خلاءهای اجتماعی با فضای مجازی در ایران از سویی و عدم توجه به برخی از فرآیندهای اجتماعی موجود در جامعه، نظیر شکل‌گیری نوعی از مقاومت منفی در برابر مسئولان و اولیای فرهنگی از سوی مردم، کار را به آنجا کشانده است که

سردرگمی مواجهه مسئولان با فضای مجازی در کشور نزدیک به ربع قرن (از آغاز بحث ماهواره در سال ۱۳۷۳ در مجلس تا حال حاضر) برسد.

در مقوله فضای مجازی نگارنده بر این مسأله اذعان دارد که گوشی‌های هوشمند از بدو نصب برنامه‌های مختلف روی آن‌ها، پیشاپیش مجوز مرور تمامی اطلاعات صوتی، تصویری و متنی کاربر را از وی گرفته و در عمل تمامی اطلاعات او (و جامعه وی) را به سمت سرویس‌های اطلاعاتی غرب تخلیه می‌کنند، اما همان‌گونه که از آن یاد شد، باید به این نکته توجه داشت که فناوری‌های ارتباطی پیشرفته یک انتخاب نبوده، بلکه یک تحمیل است.

به بیان دیگر، صرف نفی فناوری‌های ارتباطی که از سوی برخی از مسئولان ارایه شده و مورد تأکید قرار می‌گیرد، راهکار مؤثری نیست، همان‌گونه که به سبب کاهش قابل توجه سرمایه اجتماعی، دل بستن به جایگزین کردن «کامل» شبکه‌های اطلاع رسانی داخلی، برنامه موفق نخواهد بود، اما در این میان می‌توان با بسترسازی‌های فرهنگی لازم، ضمن اطلاع‌رسانی به کاربران (اعم از کودکان، نوجوانان، جوانان، اولیا و اولیای آموزشی و فرهنگی جامعه)، در باب خطرهای بالقوه کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، آنان را از سویی در جهت به حداقل رساندن آسیب‌های فناوری‌های ارتباطی جدید و از سوی دیگر به حداکثر رساندن منافع آن‌ها یاری رساند، زیرا رویکرد مبتنی بر نفی و انکار فناوری‌های جدید خودبه‌خود امکان بسترسازی فرهنگی جهت فضای مجازی را به میزان زیادی محدود خواهد کرد.

با توجه به آنچه از آن یاد شد، نگارنده با ملاحظه رویکرد نادرست مسئولان امر در فضای مجازی، برای کمک به اولیا و اولیای آموزشی کودکان، نوجوانان و جوانان در صدد روشنگری در این امر برآمد که نشر بیش از ۴۰ کتاب منتشره در باب فناوری‌های ارتباطی پیشرفته و فضای مجازی و قریب به ۲۰ کتاب توقیف شده توسط ارشاد (که به صورت پی‌دی‌اف در فضای مجازی بارگذاری شده‌اند)، حاصل قسمتی از این تلاش‌ها است.

در راستای آنچه از آن یاد شد، مجموعه قریب ۴۰ جلدی «اینستا از درون»، کوشش دیگری در جهت ترسیم فراز و فرودهای آثار زیستی، روانی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، سیاسی، عقیدتی، اخلاقی، تربیتی، اقتصادی و زیباشناختی کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام^۱ در سطح کاربران

۱- دانشنامه ویکی‌پدیا (انگلیسی)، در توصیف شبکه اجتماعی اینستاگرام می‌نویسد:

اینستاگرام یک شبکه اجتماعی اشتراک‌گذاری عکس و ویدیو است. این سرویس در سال ۲۰۱۰ توسط کوین سیستروم و مایک کریگر بنیان نهاده شد و بعداً توسط شرکت فیس بوک که اکنون با عنوان متاپلتفرمز (Meta Platforms) نامیده می‌شود، خریداری شد.

اینستاگرام در آغاز توسعه خود را با عنوان بوربن (Burben) شروع کرد، اما از آنجا که سیستم و کریگر متوجه شدند که نام آنان شباهت زیادی به برنامه فوراسکوار دارد، با تغییراتی برنامه خود را معطوف به عکس و ویدیو کرده و با این محوریت اینستاگرام را پیش بردند.

عناوین خدماتی که اینستاگرام در حال حاضر به کاربران خویش ارائه می کند، به قرار زیر است:

هشتگ (Hashtags)، جوینده اکسپلور (کاوش) (Explore)، فیلترهای عکاسی (Photographic filters)، ویدیو، دایرکت اینستاگرام (Instagram Direct)، استوری اینستاگرام (Instagram Stories)، تبلیغات، برنامه‌های مستقل (Stand-alone apps)، خدمات شخص ثالث (Third-party services)، بررسی واقعیت یا راستی آزمایی (Fact checking)، تغییرات الگوریتم و طراحی (Algorithm and design changes).

اینستاگرام در ابتدا با توجه به عرض صفحه نمایش گوشی آیفون در آن زمان، یک مربع با ظرفیت ۶۴۰ پیکسل را برای ارائه محتوا در نظر گرفت که ظرفیت اخیر، در سال ۲۰۱۵، به ۱۰۸۰ پیکسل افزایش یافت. به همین ترتیب امکان گنجاندن چند تصویر یا ویدیو در یک پست برای کاربران فراهم آمد و ویژگی استوری (نظیر رقیب اینستاگرام، یعنی اسنپ چت) به کاربردهای اینستاگرام افزوده شد.

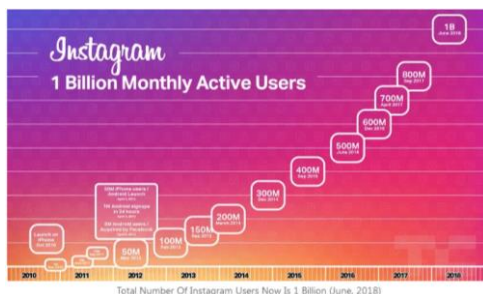
در دسامبر ۲۰۱۶ اینستاگرام امکان لایک را برای برنامه خود در نظر گرفت و در همین راستا، امکان غیرفعال شدن نظردهی در مورد پست گذاشته شده برای افراد را فراهم آورد.

اینستاگرام در ادامه تحولات خویش، به شکل آزمایشی حذف تعداد لایک برای نمایش عمومی را در برخی از کشورها اجرایی کرد تا فقط فردی که پست می‌گذارد، از تعداد لایک‌های خویش مطلع شود. استدلال مسوولان اینستاگرام در این زمینه این بود که افراد باید کمتر نگران تعداد پسندها (لایک‌های) پست‌های خودشان باشند و بیش‌تر توجه خود را معطوف به کسانی کنند که برایشان اهمیت دارند.

اینستاگرام در اگوست ۲۰۲۰، برای رقابت بیش‌تر با سایت اشتراک گذاری ویدیویی تیک تاک، در عمل به مقوله ویدیوها با عنوان قرارها، توجه بیش‌تری نشان داد. به همین ترتیب اینستاگرام اعلان داشت، بزرگ‌سالان اجازه ندارند به کودکان و نوجوانانی که آنان را دنبال نمی کنند، پیام ارسال دارند.

میلمو (۲۰۲۱) گزارش می‌دهد، پس از افشای تحقیقات محرمانه اینستاگرام دال بر آسیب‌زایی این برنامه برای برخی از کاربران، این شرکت تلاش برای راه‌اندازی اینستاگرام کودکان را موقتاً متوقف کرده است.

تصویر زیر میزان کاربران اینستاگرام تا سال ۲۰۱۸ را نشان می‌دهد:



در راستای امن سازی (نسبی) اینستاگرام، مسوولان اینستا اعلان داشتند که به طور خودکار سعی می کنند که نظرات توهین آمیز و آزار دهنده را فیلتر کنند و این هدف را در ارتباط با چند زن مشهور جامعه شروع کردند. اما مطالعه آوریل ۲۰۲۲ اینستاگرام، نشان داد برنامه مورد استفاده در ۹۰٪ موارد، موفق عمل نکرده است. حذف حساب کاربری برخی از ستاره‌های پورن اقدام دیگری از اینستا در جهت مقابله با هرزه‌نگاری بود (فابری، ۲۰۱۹).

ایرانی این برنامه است. این مجموعه مبتنی بر انجام حدود ۴۰۰ مصاحبه نسبتاً عمیق و عمیق، سامان یافته است که برخی از این مصاحبه‌ها در طول هفته و طی چند جلسه گفت‌وگو اخذ گردیده‌اند.

در مقدمه حاضر، نخست ترسیمی اجمالی از مطالعات پژوهشی انجام شده در مورد اثرات کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام در سطح جهان ارایه خواهد شد و در ادامه با ارایه دورنمایی از یافته‌های میدانی پژوهش، فاصله زیاد واقعیات کف میدان با مطالعات پژوهشی انجام شده در باب اثرات اینستاگرام به نمایش نهاده شده است.

در ادامه، پس از اشاره به خط‌مشی‌های فرهنگی- اجتماعی موجود در مواجهه با مقوله فضای مجازی به شکل عام و اینستا به شکل خاص‌تر، روی توهم زدگی سیاست‌گذاران فرهنگی داخل تأکید شده است و در انجام مقدمه، ضمن تذکری در روش‌شناسی پژوهش انجام شده، دورنمایی از عناوین مجلدات این مجموعه و همکاران تحقیق که بدون زحمات بی‌شائبه آنان، تحقق این مهم امکان‌پذیر نبود، ارایه گردیده است.

در ادامه پس از بررسی اجمالی ادبیات پژوهش درباره اثرات اینستا بر روی کاربران، به تفاوت‌های یافته‌های میدانی در این جهت در ایران، اشاره شده و مقدمه با معرفی سایر مجلدات کتاب و همکاران پژوهش، به انجام رسیده است.

تأملی در ادبیات جهانی درباره آثار کاربری از اینستا در کاربران

بررسی ادبیات پژوهشی موجود در زمینه اینستاگرام، ناظر بر بررسی اثرات مختلف این شبکه اجتماعی است که می‌توان آن‌ها را در اثرات مثبت و منفی طبقه‌بندی کرد.

پژوهش‌هایی که به ابعاد مثبت اینستاگرام اشاره دارند، پس از تأکید در زمینه محبوبیت شبکه اجتماعی اینستا، در چشم و دل کاربران شبکه‌های اجتماعی، به طور عمده به طرح موضوع‌هایی نظیر: کاربری‌های آموزشی اینستا، استفاده از اینستا در زمینه‌های پژوهشی، گسترش ارتباطات، کاربری از اینستا در جهت ایجاد موج‌های اجتماعی، اثرات هویتی اینستا برای نوجوانان و جوانان،

در ماه مه ۲۰۲۱ نیز پس از آن که واشنگتن پست اعلان داشت، برخی از افراد با کسب اطلاع از اطلاعات شخصی برخی از افراد که در اینستاگرام درج شده بودند، دست به سوءاستفاده از آنان زده، آنان را با اهداف سوء به کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس می‌کشاند، قوانین ضد استثمار افراد خویش را مطرح کرد و پست‌های افرادی را که در این امر دخیل بودند، حذف ساخت.

اگر چه اینستاگرام، در برخی از موارد کوشیده است، مدافع حقوق کاربران خویش باشد، اما مطالعات محرمانه این شرکت دال بر سمی بودن اینستا برای یک سوم از کاربران دختر وی برای چند سال افشا نشدند (بی‌بی‌سی، ۲۰۱۷) و اینستا در دسامبر ۲۰۲۱ در شرایط ارایه خدمات خود، اعلان داشت که کاربران باید فروش اطلاعات خودشان توسط اینستاگرام را بپذیرند (پاتل، ۲۰۲۱).

اینستاگرام در راستای تبعیت از ارزش‌های نظام سرمایه‌داری امریکا، ذیل عنوان مبارزه با تروریسم، مبادرت به سانسور تمامی پست‌های مربوط به حاج قاسم سلیمانی و موارد مشابه کرده و می‌کند.

استفاده از اینستا در جهت گذران فراغت، سلامت، مسایل حقوقی، اقتصادی، زیباشناختی، زیست محیطی و مانند آن‌ها است.

پژوهش‌هایی که از آثار منفی اینستا یاد کرده اند، به طرح موضوع‌هایی مانند: اثرات منفی آموزشی، اعتیاد به اینستاگرام، اثر منفی بر عزت نفس، کاهش سازگاری، کاهش رضایت از زندگی، احساس طرد اجتماعی، نوسان‌های عاطفی، تنیدگی، اثرات منفی هویتی، اثرات عقیدتی، اثرات منفی بر سلامت روان، افسردگی، اضطراب، احساس بدشکلی بدنی، اختلال‌های خوردن، اختلال خواب، ترس از دست دادن، مصرف سیگار و مواد مخدر، مصرف الکل، تحریک جنسی و دامن زدن به مسایل جنسی، افکار خودکشی، آزارگری و قلدری سایبری، کودک آزاری، بزه‌کاری، خودشیفتگی و بی‌توجهی به ارتقای سواد رسانه و امنیت اندک اینستا، پرداخته اند. در ادامه از موارد پیش گفته، به شکل گذارا یاد خواهد شد.

بخشی^۱ و همکاران (۲۰۱۴)، عکس محور بودن و اخذ لایک (پسند) در موارد مختلف را از دلایل جذابیت بیش‌تر اینستا گزارش کرده اند.

نگل^۲ و همکاران (۲۰۱۸)، لاوسون^۳ (۲۰۲۱) و اوزکان^۴ و یتیر^۵ (۲۰۲۲) از اینستا به عنوان یکی از شبکه‌های محبوب کاربران شبکه‌های اجتماعی یاد کرده اند و مرتضوس^۶ و همکاران (۲۰۲۱)، نیز از عطف توجه بیش‌تر معلولان ناشنوا به اینستا جهت اخذ اطلاعات، برقراری ارتباط و سرگرمی، یاد کرده اند.

ظرفیت‌های آموزشی اینستا، مقوله مهمی است که پژوهشگران به آن توجه وافری مبذول داشته اند. میتچل^۷ و بنیون^۸ (۲۰۱۸) از بین‌المللی شدن آموزش با به کارگیری از مواردی مانند: اینستا، فیس‌بوک، واتساپ، اسنپ‌چت، اسکایپ و فیس‌تایم، یاد می‌کند.

دیاو^۹ و هدبرگ^{۱۰} (۲۰۲۰) و اوفوری^{۱۱} و همکاران (۲۰۲۱) از ضرورت به کارگیری امکانات شبکه‌های اجتماعی در امر آموزش یاد کرده، اثر محیط تعاملی یادگیری در شبکه‌های اجتماعی در یادگیری فراگیران را مثبت ارزیابی کرده اند.

-
- 1- Bakhshi, S.
 - 2- Nagel, T. W. S.
 - 3- Lawson, C.
 - 4- Özcan, K.
 - 5- Yeter, S.
 - 6- Martzos, T. G.
 - 7- Mitchell, A.
 - 8- Benyon, R.
 - 9- Diao, M.
 - 10- Hedberg, J. G.
 - 11- Ofori, S.

ساری^۱ و همکاران (۲۰۱۹)، کاسکان^۲ (۲۰۲۱)، اوزترک^۳ و همکاران (۲۰۲۱) اوزکان^۴ و کرکوز^۵ (۲۰۲۱) و دیویس^۶ و یی^۷ (۲۰۲۲) از کاربری معلمان از اینستا در امر آموزش خویش یاد کرده اند. یه^۸ و همکاران (۲۰۲۰)، عبیدالله^۹ و همکاران (۲۰۲۱) و ساهین^{۱۰} (۲۰۲۱) از کارآیی اینستا در آموزش از راه دور یاد کرده و شرودر^{۱۱} و کریسو^{۱۲} (۲۰۲۲) در مقاله خویش تأکید می‌کنند که سواد رسانه معلمان، برای کاربری بهینه از شبکه‌های اجتماعی مانند اینستا باید افزایش پیدا کند. برخی از پژوهشگران از آثار مثبت کاربری از اینستا در امر زبان‌آموزی دانش‌آموزان و دانشجویان یاد کرده اند (ارارسلان^{۱۳}، ۲۰۱۹، دینسر^{۱۴}، ۲۰۲۰، احمدی^{۱۵}، ۲۰۲۱، آویلا^{۱۶}، ۲۰۲۱) پژوهشگران دیگری از کاربری از اینستا در امر آموزش درس‌هایی مانند جغرافیا (داویس^{۱۷} و همکاران ۲۰۱۹)، علوم (سرپاگلی^{۱۸}، ۲۰۲۱)، زیست‌شناسی (تاجیک و جلیل‌پور، ۱۳۹۸) و هنرها (ماتوس^{۱۹}، ۲۰۲۱، السوایدا^{۲۰}، ۲۰۲۱) و حتی فوق برنامه (اردنی^{۲۱} و همکاران ۲۰۲۱)، یاد کرده اند. برخی از پژوهشگران نیز در مقالات خود به تشریح چگونگی کاربری از اینستا در امر آموزش در دوران فراگیری کووید ۱۹ یاد کرده اند (دمویاکور^{۲۲}، ۲۰۲۱، اریکسن^{۲۳} و همکاران، ۲۰۲۱، آریفین^{۲۴}، ۲۰۲۱).

-
- 1- Sari, F.
 - 2- Coskun, H.
 - 3- Ozturk, N.
 - 4- Özcan, M.
 - 5- Kirkgöz, Y.
 - 6- Davis, S.
 - 7- Yi, J.
 - 8- Ye, S.
 - 9- Ubaedillah, P.
 - 10- Sahin, M.
 - 11- Schroeder, S.
 - 12- Curcio, R.
 - 13- Erarslan, A.
 - 14- Dincer, A.
 - 15- Ahmadi, Z.
 - 16- Ávila, J. A.
 - 17- Davis, S.
 - 18- Serpagli, L.
 - 19- Matthews, M.
 - 20- Alsuwaida, N.
 - 21- Ardeni, V.
 - 22- Demuyakor, J.
 - 23- Ericksen, K. S.
 - 24- Arifin, Z.

گستره به کارگیری اینستا در مسایل آموزشی چنان زیاد است که برونیگ^۱ (۲۰۲۱) گزارش می‌دهد ارتش امریکا در آموزش‌های خویش به افراد نظامی -و البته غیرنظامی- از شبکه‌های اجتماعی، از جمله اینستا سود می‌برد.

پژوهشگران دیگری از ارتقای مهارت‌های فنی دانش آموزان در جریان کاربری از اینستا (او- کیفی^۲ و کلارک پیرسون^۳، ۲۰۱۱، پریفا نوو^۴ و همکاران ۲۰۲۱ و ادمین شدن کاربران (اودوم^۵ و همکاران، ۲۰۱۹) و افزایش خلاقیت (ایسر^۶ و همکاران، ۲۰۲۱) و یادگیری خلاق کاربران (صلاح الدین^۷ و همکاران ۲۰۲۱) یاد کرده اند.

تعدادی از محققان از کاربری از اینستا در جهت تعمیق تحقیقات دانشگاهی (گروسک^۸ و همکاران، ۲۰۱۶)، گردآوری داده‌های مورد نیاز (سیلورت^۹ و همکاران، ۲۰۲۱) پژوهش‌های مبتنی بر مداخله و درمان (برونر^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۹)، اقدام پژوهی (فیلوتو^{۱۱} و همکاران، ۲۰۲۱)، نظرسنجی (مکنزی^{۱۲} و همکاران، ۲۰۲۱) و تهیه مقیاس (توتگان اونا^{۱۳} و همکاران، ۲۰۲۱) یاد کرده اند.

وجه ارتباطی اینستا مورد توجه پژوهشگران دیگری بوده، آنان در این جهت به مطالعه پرداخته اند (شاپیرو^{۱۴} و همکاران ۲۰۱۴، یی و همکاران ۲۰۲۰، پوولز^{۱۵} و همکاران، ۲۰۲۱) اطلاع‌رسانی (فوایگل^{۱۶} و کینگ^{۱۷}، ۲۰۲۲) و ارتقای نقد اجتماعی (ساکر^{۱۸}، ۲۰۲۰) و ذی سهم بودن در جریان سازی‌های اجتماعی از دیگر مواردی است که پژوهشگران درباره شبکه اجتماعی اینستا از آن یاد کرده اند.

-
- 1- Breunig, S.
 - 2- O'Keeffe, G.
 - 3- Clarke-Pearson, K.
 - 4- Perifanou, M.
 - 5- Odom, S.
 - 6- Acar, S.
 - 7- Salehudin, M.
 - 8- Grosseck, G.
 - 9- Silvert, C.
 - 10- Brunner, M.
 - 11- Filoteo, M.
 - 12- Mackenzie, E.
 - 13- Tutgun Ünal, A.
 - 14- Shapiro, Lauren A.
 - 15- Pouwels, J. L.
 - 16- Fluegel, S.
 - 17- King, K.
 - 18- Sakr, M.

راه‌اندازی کارزارهای (کمپین‌های) مختلف (مسنر^۱ و همکاران ؛ بونه‌وی^۲ و همکاران، ۲۰۲۱) و استفاده از اینستا در جهت پیشبرد نهضت‌های عدالت‌خواه و ضد تبعیض نژادی (نگوین^۳ و همکاران، ۲۰۲۱ بوردلی^۴، سانچز لوزا^۵؛ ۲۰۲۱ و جین-فرانسیسکو^۶؛ ۲۰۲۱)، از دیگر کاربری‌های مثبت اینستا به شمار می‌رود.

کمک به ارتقای هویتی کاربران (شاپیرو و همکاران، ۲۰۱۴؛ وینستین^۷؛ ۲۰۱۸) و تأکید بر آثار مثبت پذیرش تولید کاربران (والدیوا^۸؛ ۲۰۲۱)، از دیگر موارد مطرح شده توسط پژوهشگران رسانه‌های اجتماعی بوده است.

برخی از پژوهش‌های دیگر به گزارش مواردی مانند: کاهش احساس تنهایی کاربران در جریان کاربری از اینستا (فالانز^۹ و همکاران، ۲۰۲۱)، اینستا به مثابه عرصه گسترده‌ای برای گذران اوقات فراغت (رمضان قلی^{۱۰} و تویتوک^{۱۱}؛ ۲۰۲۱) اثرات اینستا در ارتقای بهداشت و تندرستی افراد (لی^{۱۲} و آزاریتو^{۱۳}؛ ۲۰۲۱، هندرسون^{۱۴} و همکاران، ۲۰۲۱)، مسایل حقوقی جدید مطرح شده با اینستا (بوگوندر^{۱۵}؛ ۲۰۱۶) و همین طور خط‌مشی مقابله اینستا با سکس (هیند^{۱۶}؛ ۲۰۱۵) مواد مخدر و خشونت (کایا^{۱۷}؛ ۲۰۱۹)، پرداخته اند.

مسایل اقتصادی (نعامی و همکاران، ۱۳۹۵؛ عربلوی مقدم و همکاران، ۱۳۹۷)، زیباشناختی (حسن‌پور و همکاران، ۱۳۹۷؛ بیچرانلو و همکاران، ۱۴۰۰) و زیست محیطی (رضایی و همکاران، ۱۳۹۴؛ رضایی و همکاران، ۱۳۹۵) نیز از جمله مواردی است که برخی از مقالات تهیه شده در ارتباط با اثرات اینستاگرام ناظر بر آن‌ها است.

۱- Messner, M.

2- Bonnevie, E.

3- Nguyen, T.

4- Borrelli, C.

5- Sánchez Loza, D.

6- Jean-Francois, S.

۷- Weinstein, E.

8- Valdivia, A.

9- Faelens, L.

10- Ramazanoglu, M.

11- Toytok, E.

12- Lee, J.

13- Azzarito, L.

14- Henderson, A.

15- Burgunder, L. B.

16- Hinde, N.

17- Kaya Y.

پژوهشگران دیگری در گزارش پژوهشی خویش ضمن طرح برخی از فرازهای اینستا، به طرح برخی از فرودهای اینستا نیز پرداخته اند.

اثرات منفی کاربری از اینستا در مسایل آموزشی دانش آموزان و دانشجویان، یکی از مواردی است که برخی از پژوهشگران به گزارش آن پرداخته اند. تقلب (بست^۱ و شلی^۲، ۲۰۱۸)، کاربری از اینستا در حین کلاس درس (اولیویرا^۳، ۲۰۲۱) و افت تحصیلی (فروغی^۴ و همکاران، ۲۰۲۱)، از جمله موارد آموزشی است که بعضی از محققان در مقالات خود از آن‌ها یاد کرده اند.

صرف وقت بیش از اندازه در ارتباط با اینستا و یافتن اعتیاد و وابستگی به اینستا، از دیگر نکات منفی هست که تعداد قابل توجهی از مقالات علمی- پژوهشی به آن اشاره داشته اند (برازیل- مورای^۵، ۲۰۱۸، تویو^۶ و همکاران ۲۰۱۹، یسیلیورت^۷ و سولپوک^۸، ۲۰۲۰، گزگین^۹ و می‌هس^{۱۰}، ۲۰۲۰، توتگان- اونال، ۲۰۲۰). الله‌وردی^{۱۱} (۲۰۲۲) در مقاله خویش گزارش می‌دهد، حدود ۷۰٪ از ۳۸۰ دانشجوی مورد بررسی وی از ۷۵ تا ۱۰۰٪ اعتیاد به رسانه‌های اجتماعی (از جمله اینستا) داشته اند.

اثر منفی بر عزت نفس کاربران (شاپیرو و همکاران، ۲۰۱۴)، کاهش سازگاری (یانگ^{۱۲} و لی^{۱۳}، ۲۰۲۰) و کاهش رضایت از زندگی (فرادولی^{۱۴} و همکاران، ۲۰۱۸ و فیوراوانتی^{۱۵} و همکاران، ۲۰۲۰) از دیگر موارد منفی و آسیب‌زایی است که در نتایج پژوهش بر روی اینستا، از آن‌ها یاد شده است. به همین ترتیب احساس طرد اجتماعی (بوتنر^{۱۶} و رودرت^{۱۷}، ۲۰۲۱)، نوسان‌های عاطفی (مک- کروی^{۱۸} و همکاران، ۲۰۲۱) تنیدگی (سانزبلاس^{۱۹} و همکاران، ۲۰۱۹)، اثرات منفی هویتی بر کاربران

-
- 1- Best, L. M.
 - 2- Shelley, D. J.
 - 3- Oliveira, D.
 - 4- Foroughi, B.
 - 5- Brazill-Murray, C. M.
 - 6- Tayo, S. S.
 - 7- Yesilyurt, F.
 - 8- Solpuk T. N.
 - 9- Gezgin, D. M.
 - 10- Mihci, C.
 - 11- Allahverdi, F. Z.
 - 12- Yang, Chia-chen
 - 13- Lee, Y.
 - 14- Fardouly, J.
 - 15- Fioravanti, G.
 - 16- Büttner, C. M.
 - 17- Rudert, S. C.
 - 18- McCrory, A.
 - 19- Sanz-Blas, S.

(هاوسیاکس؛ ۲۰۲۰) و استفاده از هویت قلبی (فیک) (بودنز^۲ و همکاران، ۲۰۲۲) و آثار عقیدتی اینستا (چاکیم^۳، ۲۰۲۲)، از مواردی است که برخی از پژوهشگران بدان‌ها اشاره داشته‌اند. اثرات منفی کاربری اینستا در سلامت روان، مسأله مهمی است که برخی از پژوهشگران از آن یاد کرده و نسبت به آن هشدار داده‌اند.

آماندا مک میلان^۴ در مقاله «چرا اینستاگرام بدترین رسانه اجتماعی برای سلامت روان است؟» گزارش می‌دهد، بر اساس نظرسنجی از نزدیک به ۱۵۰۰ نوجوان و جوان ۱۴-۲۴ ساله، اینستاگرام بدترین شبکه اجتماعی برای سلامت روان و بهزیستی است. از بین پنج شبکه اجتماعی که در این نظرسنجی گنجانده شده بود، یوتیوب بالاترین نمرات را برای سلامتی و رفاه دریافت کرد و تنها سایتی بود که از نظر پاسخ دهندگان نمره مثبت دریافت کرد. توییتر در رتبه دوم قرار گرفت، فیس بوک و سپس اسنپ‌چت.

برخلاف یوتیوب، چهار شبکه دیگر با افزایش افسردگی و اضطراب همراه بودند. مطالعات قبلی نشان داده بود که جوانانی که بیش از دو ساعت در روز در شبکه‌های اجتماعی وقت می‌گذرانند، بیش‌تر در معرض ناراحتی روانی هستند. در گزارش اخیر آمده است: «دیدن دوستان به طور مداوم در تعطیلات یا لذت بردن از اوقاتشان باعث می‌شود، جوانان احساس کنند که در حال از دست دادن هستند، در حالی که دیگران از زندگی لذت می‌برند. این احساسات می‌تواند نگرش «مقایسه و ناامیدی» را افزایش دهد. پست‌های رسانه‌های اجتماعی همچنین می‌توانند انتظارات غیرواقعی ایجاد کنند و احساس عدم کفایت و عزت نفس پایین ایجاد کنند.

نشریه گاردین^۵ در شماره ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۱ خود طی گزارشی به درج قسمتی از پژوهش محرمانه فیس‌بوک در مورد شبکه اجتماعی اینستاگرام پرداخته است. این نشریه می‌نویسد:

فیس بوک تحقیقات داخلی خود را که نشان می‌دهد برنامه اینستاگرام آن مشکلات تصویر بدنی را برای دختران نوجوان بدتر می‌کند، به مدت دو سال مخفی نگه داشته است. در این تحقیق آمده است: «سی و دو درصد از دختران نوجوان گفتند که وقتی از بدن خود احساس بدی داشتند، اینستاگرام باعث بدتر شدن آن‌ها می‌شد... نوجوانان اینستاگرام را مسوول افزایش میزان اضطراب و افسردگی خویش می‌دانند. این واکنش در همه گروه‌ها یکسان بود».

1- Housiaux, A.

2- Budenz, A.

3- Chakim, S.

4 - MacMillan, A.

5- The Guardian

افسردگی و اضطراب از شایع‌ترین اختلال‌هایی هستند که کاربران اینستا از آن در پژوهش‌ها یاد کرده‌اند. خدارحمی^۱ و فتحی^۲ (۲۰۱۷)، در مقاله خویش گزارش می‌دهند که کاربران اینستاگرام، حتی زمانی که درگیر مواردی مانند پست و لایک نیز نباشند، علایم افسردگی بیش‌تری را در خود نشان می‌دهند.

گزارش بررسی ملی سلامت و مصرف مواد مخدر^۳ (۲۰۱۵)، خطر ابتلا به افسردگی کاربران اینستا را ۲۷٪ بیش‌تر از جمعیت غیرکاربر اعلان کرده، والتون^۴ (۲۰۱۷) از مقایسه اجتماعی که در جریان کاربری از اینستا برای کاربران پیش می‌آید و مون^۵ و کیم^۶ (۲۰۲۱) از نیاز به تأییدی که برای برخی کاربران حاصل نمی‌شود، به عنوان دلایل افزایش افسردگی بیش‌تر آنان یاد می‌کنند. ملوتی^۷ (۲۰۱۸) در مقاله «آیا اینستاگرام باعث افسردگی می‌شود؟» می‌نویسد:

مطالعات بیش‌تر نشان می‌دهد، در عوارض جانبی که رسانه‌های اجتماعی بر سلامت روان ایجاد می‌کنند، اینستاگرام بدترین اثرات را به ویژه روی جوانان می‌گذارد. بر اساس برخی از مطالعات انجام شده، اینستاگرام کیفیت خواب، تصویر بدن و عزت نفس جوانان را تحت تأثیر منفی قرار می‌دهد و باعث ایجاد احساس عدم کفایت، ترس از دست دادن، اضطراب و افسردگی می‌شود که در موارد شدید - اما موجود - منجر به خودکشی می‌شود. مطمئناً نوجوانان بیش‌تر تحت تأثیر قرار می‌گیرند، اما این مشکل به همه کاربران تسری می‌یابد.

ما دائماً تحت فشار هستیم؛ فشار برای زیبایی، محبوبیت، ثروتمند بودن، شاد بودن، کامل بودن و داشتن یک زندگی کامل... اما کمال مزخرف است، تصاویر ما در اینستاگرام عبارتند از: مزخرف! ما دنیایی را ایجاد کردیم که در آن قلب دائماً به عنوان زندگی واقعی فروخته می‌شود و تصور جمعی از واقعیت را منحرف می‌کند و آسیب‌های باورنکردنی به ذهن و عزت نفس ما وارد می‌کند، حتی زمانی که ما حتی آن را نمی‌دانیم.

امروزه افراد بی‌شماری به اصطلاح اینفلوئنسر وجود دارند که تصاویر زیبایی از زندگی خود را به نمایش می‌گذارند. هنگامی که وارد اینستاگرام می‌شوید، با تصاویری از افرادی که صبحانه‌های مجلل در کنار استخر می‌خورند، به هتل‌های مجلل می‌روند، همیشه بی‌عیب و نقص به نظر می‌رسند، همیشه لباس‌های شیک می‌پوشند و همیشه کارهای خفن انجام می‌دهند، بمباران می‌شوید....

1- Khodarahimi, S.

2-Fathi, R.

3- National Survey on Drug Use and Health

4- Walton, A. G.

5- Mun, I. B.

6- Kim, H.

7- melotti, S.

همه عکس‌های زیبا و زیبایی که در اینستاگرام مشاهده می‌کنید، صحنه‌سازی شده و توسط متخصصان بصری ساخته شده است. آن‌ها لحظات زیبایی از زندگی ما را ثبت نمی‌کنند، ما زندگی خود را متوقف می‌کنیم تا آن لحظات را خلق کنیم!

وقتی شما انبوهی از عکس‌های بی‌نقص افراد مختلف را می‌بینید که زندگی کاملی دارند، احساس ناراحتی می‌کنید، فکر می‌کنید: «هوم، زندگی این شخص عالی است»، «زندگی این شخص دیگر خیلی عالی است» و سپس به آرامی در گرداب اجتناب ناپذیر نفرت از خود می‌پایید: «لعنت بر من، زندگی من این طور نیست»، «زندگی من خراب است»، «زندگی من گند است».

زاگوسکی^۱ (۲۰۱۷)، خدارحمی و فتحی (۲۰۱۷)، ویوک^۲ (۲۰۱۹)، بالتا^۳ و همکاران (۲۰۲۰)، کوچر^۴ (۲۰۲۰) همگی در نتایج پژوهشی خویش بر افزایش اضطراب کاربران اینستا صحنه نهاده اند. جارویس^۵ (۲۰۲۱)، خاطرنشان می‌سازد: نوجوانان اینستاگرام را مسوول افزایش اضطراب و افسردگی خویش می‌دانند.

تردید یافتن نسبت به ظاهر و بدن خویش، از دیگر اختلال‌های مهمی است که پژوهشگران در سطح کاربران شبکه‌های اجتماعی، خاصه اینستا، بر آن صحنه نهاده اند.

مولی^۶ (۲۰۲۱)، در مقاله خویش به درستی اشاره می‌کند که چون نوجوانان و جوانان در اوان زندگی خویش هنوز به علم و فضل و درایت چندانی دست نیافته اند، خود به خود بدن و ظاهرشان برای‌شان اهمیت بیش‌تری پیدا کرده، حساسیت آن‌ها در این ارتباط بیش‌تر می‌گردد.

شاپیرو و همکاران (۲۰۱۴)، گزارش می‌دهند، در مطالعه آنان، دخترانی که شاهد تصاویر زنان زیبا در رسانه‌های اجتماعی بودند، بیش‌تر از دخترانی که شاهد تصاویر زنان با جذابیت معمولی در رسانه‌ها بودند، تصویر منفی بدنی را گزارش می‌کردند.

موضوع احساس بدشکلی بدنی، توسط محققان دیگری تکرار شده است (پرلوف^۷؛ ۲۰۱۴، فریسون^۸ و اگرمون^۹؛ ۲۰۱۷، کوهن^{۱۰} و همکاران، ۲۰۱۷، فرادولی و همکاران، ۲۰۱۸). ویلز^{۱۱} و همکاران (۲۰۲۱) در گزارش خویش تأثیر اینستا به ویژه برای دختران جوان را سمی برمی‌شمردند

1- Zagorski, N.

2- Vivek, H.

3- Balta, S.

4- Couture B.

5- Jarvis, T.

6- Molly C.

7- Perloff, R.

8- Frison, E.

9- Eggermont, S.

10- Cohen, R.

11- Wells, G.

و کانگ^۱ (۲۰۲۱) تأکید می‌کند، از هر سه دختر، یک نفر تحت تأثیر اینستا به احساس بدشکلی بدنی گرفتار آمده است. لی^۲ (۲۰۲۱) نیز گزارش می‌کند، نیمی از افرادی که در صدد گذاشتن تصاویر ویرایش شده خودشان در اینستا هستند، در مورد تصویر بدنی خویش نگرانی دارند.

تصویر بدنی منفی منجر به نظارت بیش‌تر بر بدن (کوهن^۳ و همکاران، ۲۰۱۷)، ناراحتی در مورد ظاهر فرد (ابه‌رگ^۴ و همکاران، ۲۰۲۰)، رضایت کم‌تر از بدن خویش (فرادولی و همکاران، ۲۰۲۰) و همین‌طور اختلال‌های خوردن (فرادولی و همکاران، ۲۰۲۰) می‌گردد.

اعتراض فمینیست‌ها به رسانه‌های مختلف، دقیقاً مبتنی بر شواهد اخیر صورت پذیرفته، از زنان می‌خواهند تا به جای اقدام به پیکرتراشی و گرفتن رژیم‌های مفرط برای رسیدن به بدنی ایده‌آل، ورزش را در دستور کار خود قرار دهند (کاماکو^۵ و همکاران، ۲۰۱۹).

به دنبال احساس بدشکلی بدنی، اختلال‌های خوردن رخ می‌نماید، به این معنا که کاربرانی که در اثر کاربری از اینستا دچار توهّم بدریختی بدنی شده‌اند، با پناه جستن به مصرف کم غذا یا تحریک گلو برای بالا آوردن آنچه خورده‌اند و مانند آن، می‌کوشند با کاهش کالری ورودی به بدنشان، به ظاهر ایده‌آلی که در اینستا شاهد آن بوده‌اند، دست یابند (اپل^۶ و همکاران، ۲۰۱۶، فلتمن^۷ و سیزیمانسکی^۸، ۲۰۱۸، ویلکاش^۹ و همکاران، ۲۰۲۰، فالنز و همکاران ۲۰۲۱).

اختلال خواب از دیگر موارد گزارش شده در کاربران اینستا است. نورآبی ساطع از تلفن همراه سبب توقف ترشح ملاتونین^{۱۰} می‌گردد که هورمون خواب نامیده می‌شود.

کوین^{۱۱} و اسکای^{۱۲} (۲۰۱۵) درباره اثرات نور آبی که از صفحه تلفن همراه ساطع می‌شود، گزارش می‌دهند: نور آبی صفحه تلفن همراه در شب‌ها، مغز را به اشتباه انداخته، مغز تصور می‌کند نور اخیر نور خورشید است، بنابراین تولید هورمون ملاتونین را که زمان خواب را به بدن آدمی یادآور می‌گردد، متوقف می‌کند.

1- Kang, C.

2- Lee, M.

3- Cohen, R.

4- Åberg, E.

5- Camacho-Miñano, M. J.

6- Appel, H.

7- Feltman, C E

8- Szymanski, D. M.

9- Wilksch, Simon

10- Melatonin

11- Kevin, L.

12- Skye, G.

کاترون^۱ (۲۰۱۸) در مقاله خود یادآور می‌گردد، نور آبی صفحه نمایش تلفن همراه می‌تواند خواب کاربر تلفن همراه را مختل کند، اما مسأله به همین جا ختم نمی‌شود. به این معنا که دانشمندان دانشگاه گراندای اسپانیا دریافته‌اند، نور ساطع شده از صفحه تلفن همراه سبب می‌شود، در حالی که فرد خوابیده است، بدن احساس بیداری کند و به تولید هورمون‌هایی بپردازد که به طور معمول در هنگام خواب تولید نمی‌شوند. بنابراین با بهم خوردن تعادل هورمون‌های گرلین و لپتین در بدن که اشتها را در هنگام بیداری وی تنظیم می‌کنند، فرد مورد نظر در عمل به سمت بیماری‌های دیابت و چاقی سوق داده می‌شود.

ترس از دست دادن، مقوله دیگری است که برخی از پژوهشگران و محققان از آن یاد کرده‌اند (دریک^۲، ۲۰۱۴، باری^۳ و همکاران، ۲۰۱۹، بورنل و همکاران، ۲۰۱۹، بالاتا و همکاران، ۲۰۲۰).

افراد کاربر شبکه تصویر محور اینستا، پس از حضور در اینستا و مشاهده ۵۴۴ میلیون عکس آپلود شده در روز در اینستا که ۹۰٪ آنان نیز زیر ۳۵ سال دارند (دریک، ۲۰۱۴)، در عمل با میدان مسابقه دشوار و تنگاتنگی مواجه می‌گردند که باید در آن برای عقب نماندن از دیگران تا می‌توان عکس گرفت و برای اخذ لایک در تصاویر خویش، تا حد امکان در پردازش تصاویر تهیه شده دقت داشت و به این ترتیب توجه فرد در زندگی به میزان زیادی معطوف به از دست ندادن موقعیت‌ها و لایک‌های آتی خواهد شد که ترس از دست دادن، مترادف همین معنا است.

تبلیغ مصرف سیگار، مواد مخدر و الکل، از دیگر مواردی است که در پژوهش‌های انجام شده در ارتباط با اینستاگرام مشاهده شده است. جوهانسن^۴ و میس^۵ (۲۰۲۱) از تبلیغ مواد دخانی در اینستا یاد کرده، بی‌بی‌سی (۲۰۱۳)، از واسطه قرار گرفتن اینستا در خرید و فروش مواد مخدر خبر می‌دهد، ادیجوه^۶ و همکاران (۲۰۲۰) نیز از نقش شبکه‌های اجتماعی از جمله اینستا در خرید و فروش غیرقانونی مواد مخدر در نیجریه یاد می‌کنند.

ترغیب کاربران به مصرف الکل، از دیگر مواردی است که تعدادی از پژوهش‌ها به طرح آن پرداخته‌اند (سبالوس^۷ و همکاران، ۲۰۱۶، بویل^۸ و همکاران، ۲۰۱۶، چنی^۹ و همکاران، ۲۰۲۲).

1- Catron, E.

2- Drake B.

3- Barry, C.

4- Johnson, A. C.

5- Mays, D.

6- Adejoh, S. O.

7- Ceballos, Natalie A.

8- Boyle, S. C.

9- Chaney, B. H.

اگر چه مسولان اینستا گزارش می‌دهند که آنان دست به سانسور تصاویر سکسی می‌زنند، و مثلاً تصویر پترا کالینز عکاس کانادایی را به سبب بیرون بودن قسمتی از موهای زهاری از بیکینی وی حذف کرده اند (هیند، ۲۰۱۵) یا تصویر خون قاعدگی رویی کاور هنرمند و شاعر را حذف کرده (بنکر، ۲۰۱۷) و یا تصویر نوک پستان زنان را سانسور می‌کند (فولر، ۲۰۱۶)، ولی برخی از پژوهشگران داعیه اینستا دال بر حذف تصاویر هرزه‌نگار را با استناد به مواردی مانند ۵۷ میلیون پست ذیل هشتک سکسی که بسیاری از آنان فیلم‌های پورنو هستند را رد کرده اند (برر، ۲۰۱۸) و یا گزارش می‌دهند، افرادی از جمعیت مورد بررسی آنان از دریافت پیام مثلاً دعوت به سکس دختری در سر کلاس درسشان یاد کرده اند (نانسی، ۲۰۱۳).

در همین ارتباط مقوله شکارچیان جنسی نیز مطرح است. به این معنا که چون اینستا در عمل فضایی برای فریاد ناشنیده نیز هست (بری من^۵ و همکاران، ۲۰۱۷)، شکارچیان جنسی با تشخیص این افراد، بلافاصله در صدد شکار آنان برآمده، آنان را طعمه هوس‌های خویش می‌سازند. بری من و همکاران (۲۰۱۷) در مقاله خود از این مسأله یاد کرده اند که کاربری از اینستا ممکن است به افسردگی بعضی از کاربران انجامیده، این گروه از کاربران در ادامه افسردگی خویش دچار افکار خودکشی شوند.

ویلز و همکاران (۲۰۲۱) و کانگ (۲۰۲۱) با استناد به پژوهش‌های محرمانه افشا شده فیس بوک، گزارش می‌دهند در بین جوانانی که افکار خودکشی را در خود گزارش کرده اند، ۱۳٪ از کاربران انگلیسی و ۶٪ از کاربران امریکایی، موضوع خودکشی را در اینستا دنبال می‌کرده اند.

اینستاگرام عرصه بازی است که آزارگران، زورگیران و بزه‌کاران متوجه آن شده، با توجه به آن که برخلاف فضای واقعی، در فضای مجازی تاحدودی پنهان مانده و یا گلوله‌های آتشین پلیس در آن وجود ندارد، ترغیب به کاربری از این فضا برای تحقق منویات شرّیرانه خویش می‌گردند.

اخبار بی‌بی‌سی در ۱۸ می ۲۰۱۷ به گزارش پژوهش انجمن سلطنتی بهداشت عمومی بریتانیا پرداخت که طی آن از ۱۴۷۹ جوان ۲۴-۱۴ ساله درباره رسانه‌های اجتماعی اظهارنظر کنند در این نظرسنجی ضمن آن که مشخص شد، کاربران اینستا را برای سلامت خود بیش‌تر از سایر رسانه‌های اجتماعی خطرناک ارزیابی می‌کنند، از مواردی مانند اضطراب، افسردگی و درگیر شدن یا قلدرهای سایبری یاد کردند که در اینستا با آن مواجه شده اند.

-
- 1- Banks, G.
 - 2- Fuller, Gillian
 - 3- Berr J.
 - 4- Nancy J. S.
 - 5- Berryman, C.

هام^۱ و همکاران (۲۰۲۲) نیز گزارش می‌دهد که ۱۵/۵٪ از جمعیت مورد بررسی دانش‌آموزی آنان طی یک سال گذشته مورد اذیت و آزار آزارگران سایبری قرار گرفته‌اند.

کودک آزاری دیجیتال، مقوله جدیدی است که با گسترش شبکه‌های اجتماعی رخ نموده است. برخی از اولیا، با نادیده گرفتن حقوق کودک خویش، می‌کوشند تا با متمسک قرار دادن فرزندشان در فضای سایبری، به نوعی دست به جذب فالور (و به دنبال آن کسب درآمد ناشی از تبلیغات صفحه‌شان) بزنند. برخی از پژوهشگران در پژوهش خویش از این دست اولیا که به شکل ابزاری از فرزندشان سوءاستفاده می‌کنند، یاد کرده‌اند (قاسم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۹؛ بیر، ۲۰۲۰؛ ار، ۲۰۲۲).

بزه‌کاری مقوله دیگری است که برخی از محققان از آن یاد کرده، فضای اینستا و سایر شبکه‌های اجتماعی را مستعد مهاجران بزه‌کار از فضای واقعی به فضای سایبری دانسته‌اند.

اوهانیسن^۲ و وانوکسی^۳ (۲۰۲۱)، در مقاله خود گزارش می‌کنند، جمعیت کاربر رسانه‌های اجتماعی از جمله اینستا، رفتارهای بزهکارانه‌تری را در قیاس با جوانان غیرکاربر رسانه‌های اجتماعی در خود نشان می‌دادند.

فضای رسانه‌های اجتماعی مستعد بال و پر گرفتن افراد خود شیفته نیز هست. به این معنا که کسانی که آب و رنگ بیش‌تری نسبت به سایرین داشته یا از امکانات بیش‌تری برخوردارند، ممکن است به سادگی دچار غرور و خودشیفتگی شوند. فیدان^۴ و همکاران (۲۰۲۱)، در گزارش اثرات منفی کاربری از اینستا، از مواردی مانند خودشیفتگی و زیر پا نهادن اخلاقیات در بعضی از کاربران اینستا یاد کرده‌اند. چالاک^۵ (۲۰۲۱) نیز از نمونه‌هایی در پژوهش خویش یاد می‌کند که دست به لاف زدن و فخرفروشی به دیگران می‌زنند.

کاستی‌های اینستا در ارتقای سواد رسانه‌ای کاربران و امنیت پایین آن، از دیگر مواردی است که برخی از پژوهشگران بدان اشاره داشته‌اند. فیجو^۶ و همکاران (۲۰۲۱) در بررسی که در سطح نوجوانان ۱۴-۱۰ ساله شیلیایی داشتند، دریافتند که بیش از نیمی از جمعیت مورد بررسی متوجه آثار تبلیغاتی که در رسانه با آن مواجه می‌شوند، نیستند، به همین خاطر ارتقای سواد رسانه آنان امر لازمی است که در این زمینه باید صورت پذیرد. فرادولی و همکاران (۲۰۱۸) نیز گزارش می‌دهند، در مواردی که اولیا در صدد نظارت و ارتقای سواد رسانه فرزندشان در کاربری از شبکه‌های اجتماعی

1- Hamm, M.

2- Bare, C.

3- Er, S. Y.

4- Ohannessian, C.

5- Vannucci, A.

6- Fidan, M.

7- Chalak, A.

8- Feijoo, B.

بوده اند، فرزندان آنان از سلامت روانی بیش‌تری برخوردار بوده اند. پاپایونو^۱ (۲۰۲۱) نیز در پژوهش خویش از اثرات مثبت ارتقای سواد رسانه‌ای دانشجویان مقطع کارشناسی یاد کرده است که این مسأله با گزارش پژوهشی پیاژه^۲ و همکاران (۲۰۱۷) دال براین که کاربری مفرط از اینستا با سواد بهداشتی و رسانه‌ای دانشجویان همبستگی مثبتی را نشان می‌دهد، همخوانی دارد.

سرانجام امنیت پایین اینستا، مورد دیگری است که برخی بدان اشاره داشته اند. به عنوان مثال بوهر^۳ (۲۰۱۷) با گزارش پخش تصاویر برهنه جاستین بiber که برای دوست دخترش سلیناگومز ارسال داشته بود یا هک ۶ میلیون حساب کاربری کاربران اینستا، امنیت پایین اینستا را نتیجه گرفته است.

تأملی دوباره در اثرات کاربری از اینستا در کاربران ایرانی

تا اینجا از برخی از آثار زیستی، روانی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اخلاقی، تربیتی، اقتصادی، سیاسی، عقیدتی و زیباشناختی کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام در ادبیات پژوهشی موجود ذیل عناوین: کاربری‌های آموزشی اینستا، استفاده از اینستا در زمینه‌های پژوهشی، گسترش ارتباطات، کاربری از اینستا در جهت ایجاد موج‌های اجتماعی، اثرات هویتی اینستا برای نوجوانان و جوانان، استفاده از اینستا در جهت گذران فراغت، سلامت، مسایل حقوقی، اقتصادی، زیباشناختی، زیست محیطی، اثرات منفی آموزشی، اعتیاد به اینستاگرام، اثر منفی بر عزت نفس، کاهش سازگاری، کاهش رضایت از زندگی، احساس طرد اجتماعی، نوسان‌های عاطفی، تنیدگی، اثرات منفی هویتی، اثرات عقیدتی، اثرات منفی بر سلامت روان، افسردگی، اضطراب، احساس بدشکلی بدنی، اختلال‌های خوردن، اختلال خواب، ترس از دست دادن، مصرف سیگار و مواد مخدر، مصرف الکل، تحریک جنسی و دامن زدن به مسایل جنسی، افکار خودکشی، آزارگری و قلدری سایبری، کودک آزاری، بزه‌کاری، خودشیفتگی و بی‌توجهی به ارتقای سواد رسانه و امنیت اندک اینستا، یاد شد.

با بررسی تطبیقی ادبیات پژوهشی غرب با یافته‌های میدانی در کاربران ایرانی اینستا، اگر چه ملاحظه می‌شود که برخی از فرازها و بسیاری از فرودهای مطرح شده در ادبیات پژوهشی غرب در باب اینستا، با یافته‌های میدانی در کاربران ایرانی اینستا نیز ملاحظه می‌گردد، اما تفاوت‌های قابل تأملی نیز در این میان وجود دارد که در سطح ادبیات پژوهشی در جهان، گزارش نشده اند و نمی‌توان به سادگی از آن‌ها چشم پوشید و گذشت. از این رو ضرورت دارد که با طرح مقدماتی در روان‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی نوجوانان و جوانان کاربر اینستا، به ریشه‌یابی دلایل ایجاد تفاوت‌های قابل توجه در دو جمعیت غربی و ایرانی پرداخت.

1- Papaioannou, T.

2- Paige, Samantha R.;

3- Buhr, S

در بررسی اجمالی روان‌شناسی اجتماعی نسل نوجوان و جوان ایران می‌توان بیان داشت، نسل جدید در برخورد با فروریزی آرمان‌های اولیه انقلاب که در عین دادن وعده معنویت، حتی از آب و برق و گاز مجانی برای مردم سخن می‌گفت؛ و مواجه شدن با واقعیات تلخی مانند این که جمعیت زیر خط فقر جامعه که در ابتدای انقلاب ۲۰٪ بود، به ۶۰٪ افزایش یافته است^۲ و برخی از نظریه-پردازان جامعه^۳ از سیستماتیک شدن فساد در ایران سخن رانده، مثلاً بیان می‌دارند، در فساد سیستماتیک، افراد سوءاستفاده کننده خود در مصدر تدوین قانون قرار می‌گیرند (و به همین دلیل وجه دریافتی دولت از ۳۲۰۰۰ معدن اجازه داده شده کشور، از سود یکی از همین معادن کم‌تر است)^۴،

۱- آیت‌الله خمینی در بیانات خودش، سه بار به موضوع آب و برق مجانی اشاره کرده است. سه بار موصوف به قرار زیر است:
بار اول:

آیت‌الله خمینی در پیام ۱۴ ماده‌ای نهم اسفند سال ۵۷، قبل از ترک تهران به مقصد قم بیان داشته است: «من به دولت راجع به مجانی کردن آب و برق و بعضی چیزهای دیگر فعلاً برای طبقات کم‌بضاعتی که در اثر تبعیضات خانمان‌برانداز رژیم شاهنشاهی دچار محرومیت شده‌اند و با برپایی حکومت اسلامی به امید خدا این محرومیت‌ها برطرف خواهد شد، سفارش اکید نمودم که عمل خواهد شد» (صحیفه نور، ج ۶).

مرتبه دوم:

آیت‌الله خمینی در بدو ورود به قم (۱۰ اسفند ۵۷) در سخنرانی مدرسه فیضیه اظهار داشت: «ما علاوه بر این که زندگی مادی شما را می‌خواهیم مرفه بشود، زندگی معنوی شما را هم می‌خواهیم مرفه باشد. شما به معنویات احتیاج دارید. معنویات ما را بردند این‌ها. دلخوش نباشید که مسکن فقط می‌سازیم، آب و برق را مجانی می‌کنیم برای طبقه مستمند، اتوبوس را مجانی می‌کنیم برای طبقه مستمند، دلخوش به این مقدار نباشید. معنویات شما را، روحیات شما را عظمت می‌دهیم؛ شما را به مقام انسانیت می‌رسانیم» (صحیفه نور، ج ۶، ص ۲۶۳).

بار سوم:

آیت‌الله خمینی روز جمعه ۱۱ اسفند ۵۷ در کتابخانه مدرسه فیضیه خطاب به خبرنگار روزنامه اطلاعات بیان داشت: «هر چه زودتر باید مشکل مسکن برای بی‌خانمان‌ها و فقرای ایران حل گردد و برای هر خانواده، مسکن مورد نیازشان تأمین شود. آب و برق برای فقرا و بی‌بضاعت‌ها باید مجانی گردد. به نظر من بیش‌تر انقلابیون واقعی، یعنی آن‌ها که نیروی عظیم و کوبنده این انقلاب بودند، مردم غیرمرفه بودند. کسانی که بیش‌ترین کشته‌ها را دادند و با نیروی ایمان واقعی و اعتقاد راسخ، باعث پیروزی انقلاب شدند، همان کسانی بودند که به هیچ وجه اشرافی و مرفه نبودند و از طبقه پابرنه بودند» (صحیفه امام، ج ۶، ص ۲۶۲).

ایسنا (۱۳۹۶/۶/۲۳) در همین رابطه می‌نویسد:

سه بار اشاره آیت‌الله خمینی به آب و برق مجانی محدود به همان اسفند ۱۳۵۷ است و دیگر تکرار نشد. همین سه بار اشاره در اسفند ۵۷ چنان بود که صدای مهندس بازرگان را درآورد و نخست وزیر در پیام تلویزیونی خویش با صراحتی بی‌سابقه، گفت: «آقا، شما هم که ما را کلافه کرده‌اید با این آب و برق مجانی».

۲ - روزنامه جهان صنعت، ۱۴۰۱/۵/۲۳

۳ - نظیر احمد توکلی که در دوره‌های قبل انتخابات ریاست جمهوری ایران از کاندیدهای این انتخابات بود.

۴ - «... چه قدر غم انگیز است که از برخی شرکت‌های رانتی معدنی تحقیق و تفحص شده و نماینده آن شهر می‌گوید، چرا گزارش تحقیق و تفحص از شرکتی که در شهر خود فعالیت می‌کند را نمی‌دهید بخوانم. بیش از ۳۲ هزار مجوز معدنی صادر شده و نتیجه‌ی فعال شدن این ۳۲ هزار معدن این است که در سال ۱۳۹۸ شش هزار و هشتصد میلیارد تومان عایدی برای دولت ایجاد شده است. فقط

نوجوانان و جوانان با نگاه نقادانه‌ای که با دیدن اوضاع و احوال جامعه می‌یابند، دست به نقد سیاست موجود در جامعه می‌زنند و البته از آنجا که در ایران سیاست با گره زدن دین به خود، در عمل خود را زیر پوشش دین پنهان کرده است، نقد سیاسی جوانان بعضاً با نقد عقیدتی آنان توأم شده، دست به نفی توأمان سیاست و اعتقاداتی که رهبران جامعه منادی آن بوده و هستند، می‌زنند (و بعضاً قرائت‌های عقیدتی متفاوتی را از خود مطرح می‌سازند).

قبل از پرداختن به چگونگی یافتن جایگزین و آلترناتیو سیاست توسط نوجوانان و جوانان، ترسیم بستر عامی که جوان با آن در جامعه مواجه است، ضروری می‌نماید.

ضعف تولیدهای فرهنگی داخل که نشأت گرفته از سرمایه‌گذاری‌های اندک، عدم کار کارشناسی و علمی لازم و جذابیت‌های هنری اولیه است، جوانان را اغنا نمی‌کند، خاصه آن که آثار اخیر که غالباً توسط بودجه‌های دولتی تهیه می‌شوند، به شکل اغراق آمیزی در صدد ترسیم کشور به صورت گل و بلبل بوده، مجدانه در صدد نفی دیگران برمی‌آیند، حال آن که در برابر، تولیدهای فرهنگی غرب با سرمایه‌گذاری‌های قابل توجه توأم است (و مثلاً به جای تهیه یک پویانمایی که در ایران توسط یک تیم ۴-۵ نفره صورت می‌پذیرد، برای تهیه پویانمایی منجمد شده- فروزن-، یک تیم ۶۵۰-۷۰۰ نفره به کار گرفته می‌شوند). مضاف بر این، پیوست مطالعات علمی و روان‌شناختی در تولید آثار فرهنگی و تلاش در جهت پردازش هنری و جذاب آثار تولید شده در غرب، در عمل امکان رقابت تولیدهای اندک داخل را در مواجهه با تولیدهای فراگیر و گسترده غرب، از آثار بومی را می‌گیرد!

افزون بر ضعف تولیدهای داخل، باید توهمزدگی برخی از مسوولان فرهنگی و تحولات فکری، فرهنگی، عقیدتی خانواده نوجوانان و جوانان را در این میان از یاد نبرد. در ارتباط با توهمزدگی بسیاری از مسوولان فرهنگی جامعه باید بیان داشت، همان‌گونه که پیش‌تر به آن اشاره شد، بعضی از مسوولان با غفلت از این که نمی‌توان علم را در زندان اسیر کرد، در اندیشه اینترنت پاک بوده و هستند (که طرح صیانت از فضای مجازی هم در ادامه همین تفکر، مطرح شده است).

مسوولان اخیر با از دست دادن بیش از ربع قرن فرصت، هنوز درگیر و دار فیلتر کردن این سایت و آن سایت بوده، از بسترسازی فرهنگی در این جهت نه تنها غفلت ورزیده اند بلکه مجدانه به

سود خالص یکی از شرکت‌های معدنی در همان سال حدود ۱۰ هزار میلیارد تومان بوده است» (گزارش جماران از نشست مجازی مؤسسه دین و اقتصاد؛ سخنرانی فرشاد مؤمنی، ۱۴۰۱/۲/۱۸).

۱ - طبق گزارش خوراکیان (معاون وقت محتوای شورای عالی فضای مجازی) در همایش فضای مجازی دانشگاه فرهنگیان که در شهریور ۱۳۹۷ برگزار شد، ۵٪ از کاربری کاربران ایرانی، بازی‌های داخلی بوده، بقیه کاربری آنان از تولیدهای کمپانی‌های غربی است.

برخورد و توقیف آثاری می‌پردازند که دلسوزانه در صدد روشنگری برای اولیا، اولیای آموزشی و اولیای فرهنگی جامعه برآمده‌اند.

تصاویر زیر مثال بارزی در جهت آن چه از آن یاد شد، هست. به این معنا که نگارنده پس از ارایه ۴ جلد کتاب (دو جلدی) به ارشاد جهت اخذ مجوز نشر، در عمل خود را با ابلاغیه‌های زیر مواجه دید که حکایت از برخوردی غیر علمی و قلع و قمع آثاری دارد که بخواهند اندکی از توصیف شرایط گل و بلبل مورد نظر مسوولان امر تخطی ورزند.

تاریخ: ۱۴۰۱/۰۱/۱۷				
ابلاغیه اول				
نام کتاب: چند مصاحبه با دانش‌آموزان دبستانی درباره تحولات رای- اجتماعی آنان نشر: بعثت ناشر محترم: با سلام و احترام و ضمن تشکر از فعالیت های فرهنگی ارزشمند آن ناشر محترم، نظر به این‌که بعضی از مطالب درج شده در کتاب با قوانین و ضوابط نشر مطابقت ندارد، موارد زیر برای اصلاح و اقدام لازم ابلاغ می‌شود. لازم است پس از اصلاح، فایل جدید کتاب پیوست شود. فهرست موارد موردنظر به شرح زیر است:				
ردیف	صفحه	سطر	شرح	نوع رفع
1	کل کتاب	۰	جهت موارد درخواستی زیر اصلاحات لازم صورت گیرد: 1- توصیف خوانندگان متحرکی مانند نئلو و ساسی مانکی به همراه آمار تعداد فالوور ها، نوع فعالیتها و تصاویر آنها 2- معرفی گروه های کنسرت رقص و خوانندگی و تصاویر آن ها 3- توصیف احتمالی مانند چالش های رقص پیشنه‌های در فضای مجازی و روش هایی که نوجوانان برای دور زدن والدین مذهبی از آنها استفاده می کنند. 4- استفاده از واژه های دوست پسر/ دختر، بوسیدن، به عنوان تقلید از الگوهای خارجی و با واقعیت که بان ایها توصیف ارتباطات داخل کشور 5- تصاویری از مدلها، هنرپیشه ها، فیلمها واریتهایی که که انتشار آنها به طور معمول، در رسانه‌های جمعی کشور هم دارای محدودیت است. 6- جزئیات و نحوه استفاده کودکان از نرم افزارها برای همگام شدن با فضای مجازی و درگاههای اینترنت با ذکر مشخصات و تصاویر آنها	اصلاح

شماره پیگیری: ۲۲۵۹۸۷۹				
تاریخ: ۱۴۰۱/۰۱/۱۷				
ابلاغیه اول				
نام کتاب: الگوهای کودکان سرزمین من نشر: بعثت ناشر محترم: با سلام و احترام و ضمن تشکر از فعالیت های فرهنگی ارزشمند آن ناشر محترم، نظر به این‌که بعضی از مطالب درج شده در کتاب با قوانین و ضوابط نشر مطابقت ندارد، موارد زیر برای اصلاح و اقدام لازم ابلاغ می‌شود. لازم است پس از اصلاح، فایل جدید کتاب پیوست شود. فهرست موارد موردنظر به شرح زیر است:				
ردیف	صفحه	سطر	شرح	نوع رفع
1	--	--	1- سلبیتهای های ایرانی و خارجی و آمار تعداد فالوور ها، نوع فعالیتها و تصاویر آنها 2- واژه های دوست پسر/ دختر، بوسیدن، رقص، 3- تصاویر مدلها، هنرپیشه ها، فیلمها ، باربها و حتی الگوهای غروبکی که انتشار آنها به طور معمول، در رسانه‌های کشور دارای محدودیت است.	اصلاح یا حذف

شماره پیگیری: ۲۲۶۰۳۸۷		برگ ابلاغ	
تاریخ: ۱۴۰۱/۰۱/۱۷			
ابلاغیه اول نام کتاب: اختلال در روند جامعه‌پذیری کودکان و نوجوانان نشر: بعثت ناشر محترم با سلام و احترام و ضمن تشکر از فعالیت های فرهنگی ارزشمند آن ناشر محترم، نظر به این‌که بعضی از مطالب درج شده در کتاب با قوانین و ضوابط نشر مطابقت ندارد، موارد زیر برای اصلاح و اقدام لازم ابلاغ می‌شود. لازم است پس از اصلاح، فایل جدید کتاب پیوست شود. فهرست موارد موردنظر به شرح زیر است:			
ردیف	صفحه	سطر	شرح
1	کل کتاب	۰	اصلاح جهت موارد درخواستی زیر اصلاحات لازم صورت گیرد: 1- توصیف برخی از سلیبریتی های ایرانی و خارجی به همراه نوع فعالیتها و تصاویر آنها 2- استفاده از واژه های دوست بسیر/ دختر، بوسیدن و رقص 3- تصاویری از مدل‌های واقعی و عروسکی وبازرهبانی که انتشار آنها به طور معمول، در رسانه‌های جمعی کشور هم دارای محدودیت است.

شماره پیگیری: ۲۲۶۰۳۸۷		برگ ابلاغ	
تاریخ: ۱۴۰۱/۰۱/۱۷			
ابلاغیه اول نام کتاب: اختلال در روند جامعه‌پذیری کودکان و نوجوانان نشر: بعثت ناشر محترم با سلام و احترام و ضمن تشکر از فعالیت های فرهنگی ارزشمند آن ناشر محترم، نظر به این‌که بعضی از مطالب درج شده در کتاب با قوانین و ضوابط نشر مطابقت ندارد، موارد زیر برای اصلاح و اقدام لازم ابلاغ می‌شود. لازم است پس از اصلاح، فایل جدید کتاب پیوست شود. فهرست موارد موردنظر به شرح زیر است:			
ردیف	صفحه	سطر	شرح
1	کل کتاب	۰	اصلاح جهت موارد درخواستی زیر اصلاحات لازم صورت گیرد: 1- توصیف برخی از سلیبریتی های ایرانی و خارجی به همراه نوع فعالیتها و تصاویر آنها 2- استفاده از واژه های دوست بسیر/ دختر، بوسیدن و رقص 3- تصاویری از مدل‌های واقعی و عروسکی وبازرهبانی که انتشار آنها به طور معمول، در رسانه‌های جمعی کشور هم دارای محدودیت است.

متن تقریباً یک‌سان ابلاغیه‌های ارشاد به ۴ کتاب متفاوت و کپی پیست نامه لغو مجوز یک کتاب، برای کتابی دیگر (با عنوان الگوهای ویرانگر)، از نکات قابل توجهی است که در ابلاغیه‌های مورد اشاره ملاحظه می‌شوند.

به نظر می‌رسد اولیای فرهنگی مزبور فیلترینگ و توقیف کتاب‌ها و نشریات و احیاناً زندانی کردن پژوهشگران را از سویی و مداح تربیت کردن دانش‌آموزان را از سوی دیگر، بهترین راهکار مواجهه با مسایلی مانند تحولات فضای مجازی و تحولات روز جهان می‌دانند.^۱

درباره تحولات فکری، فرهنگی، عقیدتی خانواده و اولیای نوجوانان و جوانان نیز باید بیان داشت که برخی از اولیا با از دست دادن اعتقاد خویش به بهبود اوضاع زندگی‌شان در جامعه، شخصاً از هنجارشکنی‌های ارزشی فرزندان‌شان در جامعه جهت چشم پوشیده و یا با تأیید آن می‌نگرند (نظیر مادرانی که خود مشوق دخترانشان در بی‌قیدی نسبت به حجاب یا آرایش کردن و گرفتن دوست جنس مخالف بوده یا لب زدن فرزندان به الکل را در میهمانی‌های خانوادگی خود بر نمی‌تابند). تلاش برخی از نوجوانان و جوانان منتقد نظام سیاسی، با بسترهایی که از آن‌ها یاد شد، غالباً به اینجا می‌انجامد که آنان به جست‌وجوی جایگزین و آلترناتیو نظام برآمده، در بعد فیزیکی، مهاجرت از ایران را جذاب یافته، آن را در دستور کار خویش قرار دهند و در بعد غیرفیزیکی، متوجه فضای فرهنگی - اجتماعی - عقیدتی می‌گردند که فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی موجب آن هستند. ویژگی‌های روان‌شناختی اولیه نوجوانان و جوانانی که در اندیشه یافتن جایگزین برای نظام هنجاری و ارزشی خویش هستند، به این صورت است که در نسل جوان ایران، مواردی مانند: «کاهش سن کاربری از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته»، «تحقق اندیشه و روش‌های حل مسأله هیجان‌مدار»، «تحقق جهانی‌اندیشیدن»، «بصری شدن فرهنگ مکتوب»، «خستگی ذهنی کاربران نوجوان و جوان در بمباران اطلاعاتی آنان در فضای مجازی»، «ایجاد نوسان‌های روانی در کاربران» و «اتخاذ برخوردها و خطمشی‌های مبتنی بر صفر و یک»، قابل مشاهده است که این موارد در اتخاذ هر نوع تصمیم آنان ذی‌نقش و مؤثر ظاهر می‌گردند.

۱ - با ملاحظه دو ابلاغیه آخر مشخص می‌شود، با وجود آن که شماره نامه‌های متفاوت دال بر متفاوت بودن کتاب‌های ارایه شده به ارشاد است، اما با شگفتی هر چه تمام‌تر، مسوولان ارشاد، در پاسخ به تخصص، صرف وقت و عمر استادی که عناوینی مانند پژوهشگر برتر فضای مجازی و نظایر آن را هم به دست آورده است، حتی زحمت درج عنوان صحیح کتاب را هم به خود نداده‌اند و دلایل رد یک کتاب او را عیناً برای کتاب دیگر وی هم ارسال داشته‌اند!

۲ - پایگاه خبری تحلیلی دیده بان ایران در تاریخ ۶ شهریورماه ۱۴۰۱، طی خبری گزارش می‌دهد: یوسف نوری وزیر آموزش و پرورش در گردهمایی «مداحان تعلیم و تربیت» گفت: ان شاء الله با رئیس جامعه مداحان کشور تفاهتنامه‌ای ببندید و آموزش مداحی به ۴۰۰ نفری که در این گردهمایی حضور دارند را به صورت مجازی و حضوری شروع کنید و این عزیزان در کل کشور نیرو تربیت کنند.

«کاهش سن کاربری از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته»، به این ترتیب است که کاربری از فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در برخی از کاربران به سن دبستانی و حتی پیش از دبستان رسیده است (منطقی، ۱۳۹۹ الف).

«تحقق اندیشه و روش‌های حل مسأله هیجان‌مدار» به این معنا است، کودکان، نوجوانان و جوانان در مواجهه با انبوهی از تولیدهای فرهنگی غرب در عمل با الگوهایی مواجه می‌گردند که با شیوه‌ای هیجان‌مدار به حل مسایل فرارویشان نایل می‌آیند و مثلاً کودکان و نوجوانان شاهدند، الگوهای آنان (نظیر بن‌تن، اسپایدرمن، هالک، مرد پنجه طلایی و مانند آن‌ها) با یک ضربه ویران کننده، مشکلات فرارویشان را حل می‌کنند (منطقی، ۱۴۰۰ ب). در بسیاری از بازی‌های رایانه‌ای (نظیر فوتبال بازی کردن با ماشین جیپ)، هیجان شدید بازی‌ها سبب می‌شوند، سیکل پیام رسانی عصبی کودکان و نوجوانان به جای آن که به کورتکس مغز برسد، در همان سیستم حاشیه‌ای و برزخی مغز (لیمبیک سیستم)، که مرکز هیجانی مغز است، پاسخ بیابند و در ادامه همین روند، ماحصل بازی‌های اخیر، افرادی خواهند شد که اندیشه آنان به جای آن که مبتنی بر کورتکس و منطق قشر مغز باشد، مبتنی بر سیستم حاشیه‌ای و هیجانی مغز خواهد بود.

«تحقق جهانی شدن و جهانی اندیشیدن» به این معنا است که نوجوانان و جوانان در برخورد با مردمان دیگر کشورهای جهان در اینستا (که فارغ از سانسورها و بزرگ‌نمایی‌ها یا کوچک‌نمایی‌های تبلیغات دولتی است)، در عمل با اوضاع و احوال دیگر مردم جهان و نظام اجتماعی آنان آشنا شده، به سادگی دست به مقایسه تطبیقی وضعیت و امکانات خویش و جامعه‌شان، با امکانات و رفاه اجتماعی مردم دیگر نواحی جهان می‌زنند و به این ترتیب رفته رفته تفکر محدود در چارچوب مرزها و محدوده‌های کشور خودشان را به کل کره زمین تعمیم داده و به این ترتیب با معیارهای متفاوتی که می‌یابند، جهانی شدن و جهانی اندیشیدن را پیشه خود می‌کنند.

«بصری شدن فرهنگ مکتوب» نیز به این معنا است که کاربران شبکه‌های اجتماعی (خاصه شبکه اینستاگرام که تصویر محور است)، در جریان کاربری مدام از محتواهای تصویری، رفته رفته به کاربری از محتواهای تصویری عادت کرده، از کاربری از محتواهای مکتوب به میزان زیادی دست می‌کشند (منطقی، ۱۳۹۵).

به تعبیر دیگر می‌توان بیان داشت، در گذشته که امکانات تصویری به شکل حال حاضر وجود نداشت، افراد با مطالعه متن‌های مکتوبی مانند روزنامه و کتاب، در عمل تفکری انتقادی می‌یافتند، به این معنا که وقتی فردی مشغول مطالعه می‌شود، از این امکان برخوردار است که متنی را چندبار بخواند و یا روی قسمتی از متن، شروع به تفکر و تأمل کرده و دست به نقد آن بزند، در حالی که در فرهنگ بصری این امکان وجود ندارد، زیرا سرعت عبور تصاویر در فیلم و نظایر آن بسیار زیاد است و فرد با متمرکز شدن در یک قسمت، بلافاصله قسمت‌های بعد را از دست خواهد داد.

بنابراین برخلاف فرهنگ مکتوب که به انتقادی شدن هر چه بیش‌تر تفکر فرد می‌انجامد، فرهنگ بصری با بمباران تصویری ذهن فرد، به وی اجازه کم‌ترین تأمل و تفکری را نداده، در نهایت تفکری مبتذل را برای کاربران خویش رقم خواهد زد.

«خستگی ذهنی کاربران نوجوان و جوان»، به این معنا است که ذهن کاربران در برابر حجم عظیمی از اطلاعات جسته و گریخته و غالباً نامرتبط به هم، به خستگی و فرسودگی گرفتار می‌آید. زیرا ذهنی که در یکی، دو نسل پیش، شاید در طول هر روز، با اطلاعات بسیار اندکی مواجه می‌شد، در حال حاضر با هجوم اطلاعات مختلف مواجه شده، در برابر آن مستاصل می‌شود. در حالت اخیر انتظار موضع‌گیری مستدل و عقلانی از سوی کاربران، کم و کم‌تر خواهد شد.

«اتخاذ برخوردهای مبتنی بر صفر و یک» یا سیاه و سفید دیدن مسایل، به این معنا است که کاربران نوجوان و جوان، غالباً کم تجربه بوده و به سبب آن که تازه به تفکر انتزاعی (که در حدود ۱۶-۱۵ سالگی به بعد محقق می‌گردد) دست یافته اند، به سبب عدم ممارست ذهنی و منطقی ذهنشان، ممکن است در مواجهه با مسایل فرارویشان، به جای پیش گرفتن برخوردهای اندیشیده و از سر تأمل و تدبیر، با استفاده از بر چسب‌های سیاه یا سفید دیدن مسایل، دست به اتخاذ تصمیم بزنند که بالطبع ندیدن گزینه‌های حدواسط، خسران زیادی را در این دست از تصمیم‌گیری‌ها، وارد خواهند آورد.

«ایجاد نوسان‌های عاطفی، روانی و اجتماعی در نوجوانان و جوانان» نیز به این معنا است که اگر چه در سابق یک فرد حداکثر خودش را با ۳۰ نفر از هم‌کلاسی‌های خودش مقایسه می‌کرد و ممکن بود، در این میان خود را پایین‌تر از تنی چند از هم‌کلاسان خودش بباید، در شرایط کاربری از فضای مجازی، ناگهان به مقایسه خود با میلیون‌ها نفر دیگر می‌رسد (که البته برخی از آنان نیز با فیلترهای مختلف پردازشی غیرواقعی از خود را به دست داده اند). در حالت اخیر، بالطبع وقتی فرد به جای مقایسه خودش با ۳۰ نفر به مقایسه خودش با میلیون‌ها نفر می‌پردازد، احساسات و عواطفی همچون احساس عدم اعتماد به نفس، اضطراب، افسردگی، بدشکلی بدنی و مانند آن‌ها را در خود احساس کرده و به گزارش آن‌ها می‌پردازد.

نوجوانان و جوانان کاربری که با پیش زمینه‌های اجتماعی و روانی پیش‌گفته، مواجه می‌گردند، در جریان کاربری از فضای مجازی و شبکه تصویر محور اینستاگرام، جذب جذابیت‌های ظاهری این شبکه عظیم شده، رفته رفته قانع می‌شوند که در جست‌وجوی جایگزین مورد نظر خویش، به لحاظ فیزیکی باید مهاجرت به کشورهای خارجی را در دستور کار خود قرار دهند و به لحاظ فرهنگی و اجتماعی، باید هنجارها و ارزش‌های تبلیغ شده در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی همچون اینستا را مدنظر خود قرار دهند.

در مورد ارزش‌های القایی شبکه‌های اجتماعی که جوانان خود را با آن‌ها مواجه می‌بینند، لازم به توضیح است که فضای مجازی در عمل عرصه گسترده‌ای را برای هویت‌های حاشیه‌ای، شاخ‌های مجازی، اینفلوئنسرها و بلاگرها گشوده و پدید آورده است که پیش‌تر در فضای فرهنگی و اجتماعی جوامع مختلف مطرح نبودند، اما همان‌گونه که خاطرنشان شد، سایه گستر شدن فضای مجازی، امکان طرح افراد اخیر و اندیشه‌هایشان (هر چند اندیشه‌های انحرافی هم باشند، نظیر تشویق افراد افسرده به خودکشی کردن) را فراهم آورده است و افراد اخیر که غالباً عاری از علم و فضل و مرتبت چهره‌های شاخص پیشین جوامع بودند، نوجوانان و جوانان کاربر را به سمت و سوی فضاهای لاکچری، زندگی‌های بی‌قید و لذت‌مدار و پرستش پول به عنوان بت جدید سرمایه‌داری، فرا می‌خوانند.

گذشته از موج آفرینی جدیدی که با سایه‌گستر شدن فضای مجازی، هویت‌های حاشیه‌ای، شاخ‌های مجازی، اینفلوئنسرها و بلاگرها برای کاربران پدید آورده اند و بعضاً آنان را به سمت و سوی یک زندگی تجملاتی، مصرف‌زده، لذت‌مدار و مبتنی بر هوس سوق می‌دهند، عناصر پیشین فرهنگ غرب، در دسترس کاربران فضای مجازی از جمله شبکه اجتماعی اینستاگرام قرار می‌گیرند. کلیپ‌ها، پویانمایی‌ها، بازی‌های رایانه‌ای، فیلم‌ها، سریال‌ها، سرگرمی‌ها، مدها، عرضه و وسایل تزیینی (برگرفته از فیلم‌ها و سریال‌های غربی) و در کنار همه آن‌ها، طرح سلبریتی‌های غربی، عرصه گسترده‌ای را برای القاءات فرهنگی - اجتماعی - عقیدتی - زیباشناختی کاربران فراهم آورده و رقم می‌زنند. آثار اخیر غالباً واجد ارزش‌هایی نظیر علم‌گرایی، مدنیت، دموکراسی و اقتصاد قوی که در غرب وجود دارند، نبوده، بیش‌تر واجد ارزش‌هایی مانند مصرف‌زدگی، هیجان‌طلبی، روابط نامتعارف جنسی، اعتیاد، الکلیسم، شیطان‌پرستی و مانند آن‌ها هستند که ذهن جوان ایرانی را در جریان کاربری از محتواهای اخیر، مخدوش می‌سازند.

بنابراین در فضایی که تولیدهای فرهنگی داخل (که عمدتاً با بودجه‌های دولتی تهیه شده اند و غالباً جنبه شعاری دارند)، در برابر انبوه تولیدهای فرهنگی غرب که با مطالعات علمی روان‌شناختی و جامعه‌شناختی اولیه و صرف بودجه‌های گزاف و پردازش‌های هنری و جذاب، خلع سلاح می‌گردند، کاربران نوجوان و جوان ایرانی تحت تأثیر انبوه کلیپ‌ها، پویانمایی‌ها، بازی‌های رایانه‌ای، فیلم‌ها، سریال‌ها و خاصه سلبریتی‌های غربی که بعضاً مبلغ موضوع‌هایی مانند لذت‌مداری و هوس‌پرستی و نظایر آن‌ها هستند، قرار می‌گیرند.

۱- برخی از پژوهش‌گران غربی، برای توصیف هویت‌هایی که در غرب چندان مورد پذیرش نیستند (مانند افراد هم‌جنس باز، بچه باز، طرفداران نژاد پرستی، معتاد و نظایر آن‌ها)، اصطلاح هویت‌های حاشیه‌ای (Marginalised identities) را وضع کرده اند.

اثربخشی نوجوانان و جوانان کاربر فضای مجازی و خاصه شبکه‌های اجتماعی اینستاگرام، با توجه به شرایط فرهنگی جامعه ایران که از ضعف‌های مفروطی در تولیدهای فرهنگی خویش برخوردار است و با توجه به روان‌شناسی اجتماعی نسل جدید ایران که واجد ویژگی‌هایی همچون: «کاهش سن کاربری از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته»، «تحقق اندیشه و روش‌های حل مسأله هیجان‌مدار»، «تحقق جهانی‌اندیشیدن»، «بصری شدن فرهنگ مکتوب»، «خستگی ذهنی کاربران نوجوان و جوان در بمباران اطلاعاتی آنان در فضای مجازی»، «ایجاد نوسان‌های روانی در کاربران» و «اتخاذ برخوردها و خط‌مشی‌های مبتنی بر صفر و یک» است، اقشار قابل تأملی از نوجوانان و جوانان را بر آن می‌دارد که با ملاحظه سقوط آرمان شهری که رهبران انقلاب برای جامعه و مردمش ترسیم کرده بودند، در جریان نقد سیاسی نظام، دست به نقد و نفی مبتنی بر صفر و یک آن زده و مضاف بر نفی سیاسی نظام، از آنجا که سیاست خود را زیر لفافه‌ای از دین پنهان ساخته است، از دین هم زده شوند و در نتیجه با شدت بیش‌تری در جست‌وجوی گزینه جایگزین، با اطلاعاتی که از فضای مجازی و اقدام‌های فرهنگی غرب به دست آورده‌اند، پس از مأیوس شدن از تحول‌آفرینی در داخل کشور، متوجه خارج از مرزهای کشور شده، در این میان به لحاظ فیزیکی گریز از کشور و مهاجرت به کشورهای دیگر و به لحاظ روانی و ارزشی، به پذیرش ارزش‌های مادون فرهنگ غرب

دست بزنند، به این معنا که آنان یا به حمایت از نهضت فمینیسم (در اشکال افراطی آن که مثلاً با شعار ضرورت له کردن مردان، در عمل مروج هم‌جنس‌گرایی زنان بوده یا ازدواج با مرد ایرانی را نفی می‌کنند) یا حمایت از جامعه اقلیت جنسی (ال‌جی‌بی‌تی)، شیطان‌پرستی، خرافه‌پرستی (نظیر پناه جستن به فلسفه فنگ‌شویی) پرداخته، به فضای ارزشی جدیدی گام نهند که در کنار تبلیغ مدام زندگی‌های لاکچری، در مجموع نوجوانان و جوانان را به سمت سبک زندگی جدیدی سوق می‌دهد که در تعارض عمیقی با سبک زندگی تکلیف‌مدار در جامعه و فرهنگ خودشان هست.

به تعبیر دیگر، هجمه فرهنگی، عقیدتی، سیاسی، اجتماعی، زیباشناختی اینستاگرام از سویی و توهم زدگی مسوولان فرهنگی جامعه و ضعف‌های مفروطی نهادهای فرهنگی، اجتماعی، عقیدتی و اقتصادی آن از سوی دیگر، در عمل ضمن ایجاد تحول‌هایی نظیر از خودیگانه کردن کاربران نوجوان و جوان، القای فرهنگ لاکچری به آنان، رقم زدن تحول‌های هویتی شدید در جوانان (نظیر تحقق یافتن هویت‌های کاذب، پنهان، دوپاره شده و معارض)، سبک زندگی کاربران را تغییر می‌دهد و البته تغییر اخیر به نوبه خود، تحول‌های عمیقی را در نوع نگاه زیباشناختی، اخلاقی، عقیدتی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی کاربران پدید آورده و رقم می‌زند.

موضوع‌های درج شده در زیر، تنها عناوین برگرفته شده از یک مصاحبه از بیش از چند صد مصاحبه انجام شده جهت تهیه مجموعه «اینستا از درون» است که تفاوت عمیقی را با آنچه مبتنی بر ادبیات پژوهشی اینستاگرام در غرب مطرح شده از خود نشان می‌دهند:

«کاربری علمی از اینستاگرام، کاربری اطلاعات از اینستا، ترغیب شدن به حمایت از زیست محیط، نقد سیاسی، نقد اجتماعی، ارضای هیجان‌جویی، گذران فراغت (با صفحات طنز)، سرگرم کردن خویش (با تمسخر دیگران در فضای مجازی، ایجاد مزاحمت برای خاله‌هایی که می‌گویند دختر دارند)، اتلاف وقت، اختلال در ساعت خواب، کاهش آستانه تحمل، عصبانی شدن، درگیری ذهنی، خرید اینترنتی، مصرف زدگی، شکل‌گیری هویت‌های جدید (تحقق هویت لاکچری، هویت دوپاره شده)، به نمایش نهادن زندگی‌های لاکچری (جشن تولد برای سگ‌ها، بردن سگ‌ها به هتل سگ‌ها، تهیه وسایل آرایشی و بهداشتی و تقویتی برای سگ‌ها، خرید البسه برای سگ و گربه خویش)، از خودبیگانگی، به نمایش نهادن تحولات عشق (عینیت یافتن بیش از پیش عشق با مصادیقی مانند انداختن شیشه‌ای از خون معشوق به گردن یکدیگر یا به دست کردن دستبندی بافته شده از موهای وی در دست)، به نمایش درآوردن بی‌غیرتی در اینستا (مانند ارسال تصویر شکم صاف همسر در چالش ارسال عکس از شکم زنان)، تلاش برای به نمایش نهادن خویش (با مستمسک قرار دادن یک فرد اعدام شده)، غوغای لایک، شایعه‌سازی در فضای مجازی، به دست آمدن شهرت‌های یک روزه در فضای اینستا، تبلیغ پرسینگ، خرید و کاربری از زیور آلات به نمایش درآمده در فیلم‌ها و سریال‌های خارجی، انجام رفتارهای ضدزیست محیطی (مانند عقیم کردن گربه خویش برای فرار نکردن در فصل جفت‌گیری آن‌ها)، تلاش برای کسب پول به هر طریق ممکن، تقلب (مانند فروش سوال‌های آیین‌نامه راهنمایی و رانندگی در اینستا)، تبدیل شدن اینستا به عرصه‌ای از فریب، ایجاد عرصه‌ای جهت تعمیق روابط دختران و پسران کاربر با یکدیگر، تلاش برای جنسی کردن فضای اینستا، کاربری از صفحات و لایوهای هرزه‌نگار، تلاش برای عادی سازی چهره اقلیت جنسی در جامعه، حمایت از اقلیت جنسی، کاربری از لایوهای مشروب‌خوری، خرید و فروش مشروب با استفاده از برنامه اینستا، تحقق تحول ارزشی (احساس بزرگی با مصرف الکل در فضای اینستا)، تشویق برای مهاجرت کردن».

بنابراین در یک جمع‌بندی اجمالی باید بیان داشت، پژوهش‌هایی نظیر پژوهش هارپر^۲ (۲۰۲۱) که داعیه آن را دارد که کاربران اینستا در جریان کاربری خویش، در عمل مهارت‌های نوشتاری خویش را افزایش می‌دهند یا پژوهش ایتفاک^۳ و همکاران (۲۰۲۱)، دال بر این که گرفتن عکس پیهویی (سلفی) در هنگام زدن واکسن کووید ۱۹، تبلیغی برای زدن واکسن در جامعه به شمار می‌رود،

۱ - این مصاحبه با عنوان: «حتی سگاشون رو مثل این مهدکودکا که بچه‌ها رو می‌برن، سگاشون رو همچین جاهایی می‌برن، بهش می‌گن، هتل سگ» (مصاحبه با رضای ۱۸ ساله)، در مجموعه مصاحبه درباره اثرهای فرهنگی اینستاگرام درج شده است.

2- Harper, R. G.

3- Ittefaq, M.

از نگاهی بسیار جزء نگر برخوردارند و نباید در تحلیل آثار مختلف اینستا، با این حد از جزءینی عمل کرد.

مضاف بر این، پژوهش‌هایی نظیر پژوهش‌های شاپیرو و همکاران (۲۰۱۴)، وینسین (۲۰۱۸)، گیلیمور^۱ و همکاران (۲۰۲۰) که بالاتفاق از آثار مثبت هویتی کاربری از اینستا در سطح نوجوانان و جوانان یاد می‌کنند، شاید در محیط غرب درست باشد، اما در محیط ایران، شواهد میدانی حکایت از آن دارند که تعارض فرهنگ بومی با آنچه جوانان از فضای اینستا اخذ کرده اند، در عمل جوانان را وامی‌دارد که هویتی پنهان، قلابی (فیک)، دوپاره شده و مانند آن را اخذ کرده و پیشه خود کنند.

به شکل مشابهی می‌توان بیان داشت، برخلاف پژوهش وینستین (۲۰۱۸) که از اینستا به عنوان عرصه مثبتی که برای تعمیق روابط عاشقانه دو جنس پدید آورده است، یاد می‌کند، مطالعات میدانی در محیط ایران حکایت از آن دارند که در بسیاری از مواقع، در همان چند دقیقه نخست صحبت پسران و دختران غریبه با هم در فضای مجازی، برخی از پسران تقاضای نود (تصاویر برهنه)، سکس چت و یا سکس حضوری از طرف مقابل‌شان را می‌کنند و یا برخلاف پژوهش برایلوفسکایا^۲ و مارگراف^۳ (۲۰۱۸) که بین عضویت در اینستا و رضایت از زندگی، همبستگی مثبت یافته است، یا پژوهش مکسون^۴ و همکاران (۲۰۱۹) که گزارش عزت نفس بالاتر کاربران اینستا را می‌دهند، مطالعات میدانی انجام شده، دال بر برعکس بودن موارد اخیر در ایران هستند.

آنچه از آن یاد شد، حکایت از این دارد که آثار اینستا در ایران را باید تا حدودی متفاوت از آثار اینستا در غرب دانست، چرا که در ایران برخلاف غرب که از فلسفه‌ای انسان‌مدار (و بالطبع لذت‌مدار) تبعیت می‌کند، در این مرز و بوم در طول تاریخ، اندیشه خدامدار (و بالطبع تکلیف‌مداری انسان)، مطرح بوده است و برخلاف غرب که در مواجهه با فرصت‌ها و تهدیدهای فناوری‌های ارتباطی جدید، با بسترسازی فرهنگی، کوشیده است تا با افزایش ابعاد مثبت، در عمل آثار منفی فناوری‌ها را تقلیل بدهد، مسوولان ایرانی به جای تبعیت از تجربه بشری پیش‌گفته، با تصور این که می‌توان علم را اسیر و زندانی کرد، ستیز با فناوری‌ها را در دستور کار خود قرار داده اند و البته همین مسأله و مسایلی نظیر فیلتر کردن این شبکه و آن شبکه و به اصطلاح سیانت از جامعه، در عمل به سبب معطل نهادن بسترسازی فرهنگی، به فرصت سوزی رسیده اند. به تعبیر دیگر، اگر زمانی در سال ۱۳۷۴ با طرح ماهواره در ایران، برای گرفتن کانال‌های ماهواره، دیش‌های ۵-۴ متری لازم بود، در حال حاضر به دلیل پیشرفت‌های علمی، دیش‌هایی با یک صدم طول دیش‌های پیشین، عملکردی بهتر از دیش‌های بزرگ سابق را به معرض دید نهاده و در آینده‌ای نزدیک، با زیر پوشش قرار گرفتن

1- Glimour, J. M.

2- Brailovskaia, J.

3- Margraf, J.

4- Mackson, S.

تمامی کره زمین با ماهواره‌های ایلان ماسک، در عمل هر نوع فیلترینگی به گنجینه تاریخ سپرده خواهند شد.

مشکلات اقتصادی، سیاسی، عقیدتی، اجتماعی و فرهنگی موجود در جامعه، به علاوه ضعف تولیدهای فرهنگی برای کاربران ایرانی از سویی و برخورد علمی و هنری قدرتمند غرب در تولیدهای خویش از سوی دیگر، سبب شده اند، نوجوانان و جوانان ایرانی در حالی که در ایران می‌زیند، نگاهی غربی بیابند و در شرق بخوانند غربی ببیندیشند و رفتار کنند.

مجموعه آنچه از آن یاد شد، تفاوت‌های عمیقی را به سهم خود رقم می‌زنند که از نمونه‌ای از آن یاد شد و این خود بر ضرورت انجام پژوهش‌هایی عمیق و میدانی در جامعه را در ارتباط با فضای مجازی و شبکه‌های پر طرفداری همچون اینستاگرام صحه می‌گذارند.

پژوهش حاضر با عنوان «اینستا از درون»، مبتنی بر مصاحبه‌های عمیقی در ارتباط با اثرات مختلف روانی، اجتماعی، فرهنگی، آموزشی، اخلاقی، تربیتی، عقیدتی، سیاسی، اقتصادی، زیباشناختی، زیست محیطی و زیستی است که نگارنده با دانشجویان کارشناسی و تحصیلات تکمیلی خویش به انجام آن همت گمارد و بدون یک ریال اخذ کمک از نهادهای رنگارنگ فرهنگی نظام، ماحصل پژوهش را که قریب به ۴۰ جلد کتاب است، طی دو سال آینده، به جامعه و جامعه علمی، عرضه می‌دارد. عناوین کتاب‌های اخیر به قرار زیر است:

چند مصاحبه با جوانان کاربر اینستاگرام درباره اثرهای روانی کاربری از اینستاگرام (۵ جلد)،
چند مصاحبه با جوانان کاربر اینستاگرام درباره اثرهای فرهنگی کاربری از اینستاگرام (۵ جلد)،
چند مصاحبه با جوانان کاربر اینستاگرام درباره اثرهای اجتماعی کاربری از اینستاگرام (در دست تألیف)،

چند مصاحبه با جوانان کاربر اینستاگرام درباره اثرهای اخلاقی - تربیتی کاربری از اینستاگرام (در دست تألیف)،

چند مصاحبه با جوانان کاربر اینستاگرام درباره اثرهای عقیدتی کاربری از اینستاگرام (در دست تألیف)،

چند مصاحبه با جوانان کاربر اینستاگرام درباره اثرهای اقتصادی - سیاسی کاربری از اینستاگرام (در دست تألیف)،

چند مصاحبه با جوانان کاربر اینستاگرام درباره اثرهای زیباشناختی کاربری از اینستاگرام (در دست تألیف)،

بررسی اثرهای روانی کاربری از اینستاگرام بر روی جوانان (در دست تألیف)،
بررسی اثرهای فرهنگی کاربری از اینستاگرام بر روی جوانان (در دست تألیف)،
بررسی اثرهای اجتماعی کاربری از اینستاگرام بر روی جوانان (در دست تألیف)،

بررسی اثرهای اخلاقی، تربیتی کاربری از اینستاگرام بر روی جوانان (در دست تألیف)،
 بررسی اثرهای زیباشناختی کاربری از اینستاگرام بر روی جوانان (در دست تألیف)،
 بررسی اثرهای عقیدتی کاربری از اینستاگرام بر روی جوانان (در دست تألیف)،
 بررسی اثرهای اقتصادی-سیاسی کاربری از اینستاگرام بر روی جوانان (در دست تألیف)،
 بررسی اثرهای زیستی کاربری از اینستاگرام بر روی جوانان (در دست تألیف).
 لازم به ذکر است که مصاحبه‌های ارایه شده در این اثر، متعلق به جوانان دبیرستانی و دانشجویان
 دانشگاهی (و در چند مورد محدود، افراد فارغ‌التحصیل) در شهرهای مختلف ایران بوده، افراد مصاحبه
 شده نیز به شکل تصادفی (تنها با این شرط که کاربر شبکه اجتماعی اینستاگرام باشند)، از نمونه‌های
 در دسترس انتخاب گردیده‌اند!

۱- درباره روش پژوهش حاضر باید بیان داشت که در این تحقیق، روش پژوهش، روش کیفی بوده است.
 گاهی پژوهش‌گران حوزه‌های انسانی با مسأله‌ها و پرسش‌هایی رو به رو می‌شوند که امکان پاسخ‌گویی آن‌ها با کمک روش‌های
 معمول پژوهش میسر نیست. معمولاً در این پرسش‌ها مؤلفه‌ها و مفاهیمی وجود دارد که نمی‌توان به راحتی آن‌ها را تعریف
 کرد، یا سابقه‌ای از موارد مشابه آن‌ها در متون قبلی وجود ندارد و بر این اساس نمی‌توان فرضیه‌ای تدوین کرد و در نتیجه
 نمی‌توان به آزمون فرضیه پرداخت. پژوهش کیفی برای پاسخ به شرایط اخیر، مناسب‌ترین گزینه است.
 اجرای پژوهش کیفی فرآیندی غیرخطی است و قسمت‌های مختلف آن بیش از آن که در پی یکدیگر قرار گیرند، در کنار هم
 قرار می‌گیرند. به تعبیر دیگر، در پژوهش کیفی هم‌زمان با گردآوری داده‌ها تحلیل نیز آغاز می‌شود و این فرآیند تا زمانی ادامه
 می‌یابد که پژوهش‌گر به نقطه اشباع برسد. منظور از نقطه اشباع زمانی است که می‌توان از کیفیت و کفایت (بسندگی) داده‌های
 گردآوری شده برای رسیدن به تحلیلی دقیق اطمینان یافت.
 رویکرد پژوهش کیفی در این پژوهش روش داده‌بنیاد بود. روش داده‌بنیاد، روش مناسبی برای پژوهش در حوزه‌هایی است که
 دانش اندکی درباره آن‌ها در دسترس است.
 نظریه‌پردازان نظریه داده‌بنیاد، سعی بر آن دارد که درکی از فرایندهای مرتبط با موضوع‌های بنیادی به وجود آورند. در همه
 پژوهش‌های کیفی محقق باید یافته‌های خود را که بیش‌تر جنبه تفسیری دارند، بدون تکیه بر روش‌های آماری، به نحو متقاعد
 کننده‌ای گزارش کنند.
 معمولاً کتاب‌های روش تحقیق کیفی در مورد حجم نمونه مورد بررسی ارقام ۸، ۱۲ و یا ۲۰ مصاحبه کیفی عمیق را در مورد
 مسأله مورد بررسی پیشنهاد کرده‌اند که به زعم پژوهش‌گر، این ارقام به چند دلیل در ایران درست جواب نمی‌دهند.
 دلیل نخست را می‌توان در تفاوت روند جامعه‌پذیری در غرب و در ایران خلاصه کرد، به این معنا که به نظر می‌رسد روند
 جامعه‌پذیری در ایران، روندی دشوار و بعضاً متناقض است، در حالی که در غرب چنین نیست. به عنوان مثال، آنچه خانه،
 مدرسه و جامعه (به عنوان مهم‌ترین نهادهای جامعه‌پذیر کننده) در ایران به کودک یا جوان القا می‌کنند، خط‌مشی‌هایی متفاوت
 است. به تعبیر دیگر، در ایران اولیا از فرزند می‌خواهند، وی تنها به فکر بیرون کشیدن گلیم خویش از آب باشد، اولیای آموزشی
 در مدرسه به دانش‌آموز مستقیم و غیرمستقیم القا می‌کنند که وی باید ایثار، جهاد و شهادت را در دستور کار خود داشته باشد
 و سرانجام همین فرد در جامعه شاهد آن است که بسیاری از افراد در زمینه رانت‌خواری یا یکدیگر مسابقه نهاده‌اند، از این رو
 روند جامعه‌پذیری در ایران با دشواری و تنگنا پیش رفته و محقق می‌گردد، در حالی که نهادهای خانه، مدرسه و جامعه (به
 عنوان مهم‌ترین نهادهای جامعه‌پذیر کننده) در غرب، در غالب موارد به گونه‌ای یک‌دست و هماهنگ عمل می‌کنند.
 دلیل بعدی احتیاط در افزایش حجم نمونه در پژوهش‌های کیفی در ایران را باید در عدم حمایت مالی بسیاری از پژوهش‌ها در
 ایران دید. به این معنا که به فرض در غرب، پژوهش‌گر خود را موظف می‌داند، در برابر گرفتن وقت مصاحبه‌شونده، با پرداخت

در هر یک از مجموعه کتاب‌های پیش‌گفته، پس از درج کامل مصاحبه مصاحبه‌شوندگان^۱، در یک بررسی کیفی با اتکا به بیانات آنان، با روش داده بنیاد، جمع‌بندی و بحث لازم در مورد موضوع مورد نظر صورت پذیرفته است.

در مورد بنیان و رویکرد نظری کتاب حاضر (و سایر کتاب‌های این مجموعه) نیز لازم به یادآوری است رویکرد نظری کتاب، رویکرد تربیت مغز بنیان^۲ انتخاب شده است تا مباحث مطروحه، فارغ از مواضع سیاسی موجود در جامعه درباره فضای مجازی، پی گرفته شود.

تربیت مغز بنیان، رویکرد جدید علمی است که چند دهه پیش‌تر از عمر آن نمی‌گذرد، این رویکرد با اتکا به تحول‌های مغزی کودک، نوجوان و جوان، چگونگی تربیت بهینه وی را به اولیا (و اولیای آموزشی و اولیای فرهنگی - اجتماعی کودکان در جامعه) پیشنهاد می‌کند.

وجهی، قدردانی لازم را از همکاری و صرف وقت فرد مصاحبه‌شده به عمل بیاورد، در حالی که این امکان در ایران، در غالب موارد میسر نیست و همین مسأله سبب می‌شود، مصاحبه‌شوندگان به ویژه در پژوهش‌های کیفی که مستلزم صرف وقت نسبتاً زیاد است، حاضر به صرف وقت کافی نشده، مصاحبه خود را زودتر از حد لازم به پایان برسانند. ترس سیاسی پاسخ‌دهندگان در محیط ایران و بی‌حوصلگی، عدم تمرکز و پاسخ‌های بعضاً متعارض پاسخ‌دهندگان، از دیگر مشکلات پژوهش کیفی به شمار می‌روند.

مسائل اخیر سبب می‌شود، پژوهش‌گران ایرانی برای وقوف کامل به پدیده کیفی مورد نظر، آمار مصاحبه‌های عمیق خویش را افزایش دهند، همان‌گونه که در پژوهش حاضر، تعداد مصاحبه‌های مورد نظر برای گردآوری داده‌های تحقیق، بیش‌تر از موارد توصیه شده در کتاب‌های پژوهش کیفی در نظر گرفته شده است.

جهت گردآوری داده‌های پژوهش، پس از ارایه کلیتی از ادبیات پژوهش در جهان و ارایه برخی از یافته‌های میدانی اولیه نگارنده به دانشجویان، از آنان خواسته شد تا با یافتن افرادی که حاضر به مصاحبه عمیق در مورد موضوع مورد نظر پژوهش هستند، با آنان مصاحبه به عمل بیاورند.

نگارنده در غالب موارد روی مصاحبه‌های انجام شده توسط دانشجویان بازخورد گذاشته، از آنان می‌خواست تا با توجه به فرازاها و فرودهای مصاحبه انجام شده، در مصاحبه مجدد با همان افراد، در صدد تکمیل مصاحبه انجام شده خویش برآیند. فرایند اخیر که گاهی به انجام مصاحبه‌های تکمیلی دوم و سوم نیز می‌رسید، در تکمیل اطلاعات مورد نیاز پژوهش مؤثر واقع می‌آمدند. روایی مدل نظری ارایه شده از طریق انطباق یا عدم انطباق یافته‌های پژوهش با پژوهش پیشین، ارزیابی متخصصان مربوطه و پژوهش‌های مشابه یا تکرار پژوهش حاضر در زمانی دیگر، بررسی خواهد شد.

۱- با توجه به سرعت تحولات اجتماعی از سویی و بی‌عنایتی به بررسی‌های پژوهشی در مورد مسائل انسانی - اجتماعی جامعه در کلان نظام دانشگاهی و مؤسسات پژوهشی کشور، درج مصاحبه‌های انجام شده با دانش‌آموزان دبیرستانی و دانشجویان واجد این مزیت هست که ترسیمی هر چند نسبی از تحول‌های روانی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، عقیدتی و حتی زیباشناختی آنان را به دست می‌دهد و اگر چه نگارنده در انتهای کتاب‌های یاد شده، با اتکا به همین مصاحبه‌ها دست به جمع‌بندی‌های لازم و برهمان مبنای ارایه رهنمود زده است، اما این مصاحبه‌ها می‌توانند به عنوان یک ماده خام، مورد استفاده سایر پژوهشگران انسانی - اجتماعی قرار گیرند.

از این رو ارایه کامل مصاحبه‌های انجام شده، در برهوت تحقیقاتی ایران به نظر می‌رسد، ابداع ارزشمندی باشد که به پژوهشگران مختلف در فهم بهتر تحول‌های نسل جدید یاری رساند.

اجمال بحث تربیت مغز بنیان به این شرح است که با تولد کودک، وی (به لحاظ تربیتی) در عمل واجد دو مغز پایینی (پایین پل بینی) و بالای (بالای پل بینی) است و اگر چه مغز پایینی کودک (که دارای مراکز نظیر مرکز ضربان قلب، تنفس و مانند آن‌ها است) در هنگام تولد، ساخته شده و تام و تمام است، اما مغز بالایی کودک باید با هدایت اولیا (و همین طور اولیای آموزشی و فرهنگی- اجتماعی کودکان در نظام آموزشی و کلان جامعه) ساخته شود. به این معنا که در کنار برخی از ظرفیت‌های بالقوه مغز (نظیر مدارهایی که کار بینایی را برعهده می‌گیرند)، مغز دارای ظرفیت‌های بالقوه دیگری است که کودک در برخورد عملی با مثلاً نمایش شفقت ورزیدن اولیا یا احترام آنان به زیست محیط و نظایر آن‌ها، مدارهای شفقت ورزیدن، احترام به زیست محیط و مانند آن‌ها در مغز کودک شکل می‌گیرد و بالطبع با بزرگ شدن کودک، همین ذخایر کودک را قادر می‌سازند که وی علاوه بر در دست داشتن کنترل مغز پایینی خویش (که یک مغز غریزی به شمار می‌رود)، در مسیری انسانی و متعالی گام بردارد. اما اگر اولیای پیش‌گفته، از تربیت بهینه کودک غفلت ورزند، مدارهایی مشابه آنچه از آن یاد شد، در مغز کودک شکل نگرفته، در فرایند هرس شدن سلول‌های مغزی بلا استفاده که در اوان بلوغ رخ می‌دهد، مدارهای بالقوه‌ای که می‌توانستند به عنوان مدارهای شفقت، احترام به زیست محیط و مانند آن‌ها انجام وظیفه کنند، هرس شده و از بین می‌روند و جای آن‌ها به سلول‌های دیگری داده می‌شود که به فرض در غیاب برخورد فعال اولیا در تربیت کودک، توسط رسانه و فضای مجازی با مواردی همچون پرخاشگری و فرارپر خاشگری، شهوت‌گرایی، مصرف‌گرایی، مدگرایی و مانند آن‌ها تکمیل شده و به کار گرفته می‌شوند. در حالت اخیر انتظار می‌رود به جای آن که مغز بالا، کنترل مغز غریزی پایین را برعهده داشته باشد، مغز غریزی پایین، زمام امور مغز بالا را در دست بگیرد که در حالت اخیر، به لحاظ فرهنگی (و بالطبع عقیدتی) دورنمای تیره و تاری فراروی کودک قرار خواهد گرفت.

سیگل^۱ و براسیون^۲ (۲۰۱۸)، ترجمه شهرآرای، (۱۳۹۸)، در توصیف مغزهای پایین و بالای نوزاد

می‌نویسند:

«مغز آشکارا بسیار پیچیده است، بنابراین یکی از راه‌های ساده کردن این مفهوم خاص، مقایسه مغز در حال رشد کودک با یک خانه در دست ساخت است که طبقه پایین و طبقه بالا دارد. طبقه پایین نماینده بخش‌های پست‌تر مغز- ساقه مغز و منطقه لیمبیک (کناری)- است که در قسمت پایین‌تر مغز، از بالای گردن تا پل بینی (استخوان بین دو چشم) قرار دارند. این بخش که آن را مغز طبقه پایین می‌نامیم، مسوول بنیادی‌ترین اعمال عصبی و ذهنی ما از جمله هیجان‌های شدید مانند خشم و ترس، غریزه‌ها و کارکردهای اصلی اولیه‌ای نظیر هضم و تنفس است. مغز طبقه پایین فوق

1- Siegel, M. D.

2- Bryson, T. P.

العاده سریع و عمدتاً بدون این که ما بر کار آن آگاهی داشته باشیم، عمل می‌کند. این نوع عملکرد باعث می‌شود در برخی موقعیت‌ها بسیار واکنشی باشیم، و پیش از اندیشیدن دست به عمل بزنیم، زیرا طبقه پایین جایی است که این فرایندهای غریزی، پست‌تر و اغلب غیر ارادی اتفاق می‌افتد... . در هنگام تولد، بخش پایین مغز بسیار رشد یافته است. اما مغز طبقه بالا، بخش در دست ساخته شدن خانه، و مسوول تفکر پیچیده‌تر و مهارت‌های هیجانی و ارتباطی پیچیده‌تر است. این بخش متشکل از قشر مغزی است که بیرونی‌ترین لایه مغز است که مستقیماً پشت پیشانی قرار دارد و مانند یک نیم گنبد به پشت سر ادامه می‌یابد و طبقه پایین مغز را در زیر خود می‌پوشاند. مغز طبقه بالا به ما اجازه می‌دهد، پیشاپیش برنامه‌ریزی کنیم، پیامدها را در نظر بگیریم، مسایل مشکل را حل کنیم، چشم اندازه‌های گوناگون را در نظر بگیریم و فعالیت‌های شناختی پیچیده دیگری را که با کارکرد اجرایی مغز ارتباط دارند، انجام دهیم. بسیاری از تجربه‌های آگاهانه روزانه ما، و نه همه آن‌ها، پیامد فرایندهای ذهنی عالی‌تر مغز طبقه بالای ماست.

مغز طبقه بالا به موازات رشد و رسش کودک تکامل می‌یابد و نقش اصلی شما به عنوان مراقب کودک این است که او را پرورش دهید و به او عشق بدهید و در عین حال به او کمک کنید، مغز طبقه بالای خود را بسازد و قوی کند. تا زمانی که مغز بالای کودک به طور کامل رشد نکرده است، شما به عنوان والد، به گونه‌ای مغز طبقه بالای بیرونی او هستید».

هیوز و بیلین (۲۰۱۲، ترجمه شهرآرای، ۱۳۹۶)، در همین ارتباط گزارش می‌دهند:

«در حالی که مغز طبقه پایین، حتی در زمان تولد بسیار رشد یافته است، مغز طبقه بالا تا اواسط بیست سالگی به بلوغ کامل نمی‌رسد. در واقع، یکی از آخرین قسمت‌های مغز است که رشد می‌کند. مغز طبقه بالا در چند سال اول زندگی در دست ساخته شدن گسترده است، سپس طی دوره نوجوانی به شدت تغییر می‌کند و این وضع تا سنین بزرگسالی ادامه می‌یابد.

طبقه پایین را به عنوان خانه‌ای که کامل است و به طور کامل اسباب و وسایل در آن چیده شده است، مجسم کنید، ولی وقتی به طبقه دوم نگاه می‌کنید، می‌بینید که ناتمام و پر از ابزارهای ساخت و ساز است».

با توجه به آنچه از آن یاد شد، می‌توان به سادگی تصور کرد، اولیایی که از فناوری‌های ارتباطی جدید به مثابه پرستار الکترونیکی فرزندشان سود می‌برند و یا اولیای آموزشی و فرهنگی کودکانی که در بسترسازی فرهنگی برای کاربری بهینه از فضای مجازی غفلت می‌ورزند، در عمل سبب می‌شوند به جای مدارهای شفقت، نועدوستی، عشق، احترام به زیست محیط و مانند آن‌ها، محصول‌های تهیه شده توسط نهادهای تبلیغاتی جهان سرمایه‌داری از مدارهای بالقوه مغزی آنان در جهت تحقق منویات دنیای سرمایه‌داری سود برده، از آنان موجوداتی مصرف کننده، شهوی و سردرگم بسازند که شاید اصلاح آن هرگز میسر نشود.

سرانجام درباره مجموعه مصاحبه‌های انجام شده در مورد اثرات روانی کاربری از اینستاگرام، لازم به ذکر است که در این مجموعه ۳۶ مصاحبه انجام شده با دانش‌آموزان دبیرستانی و دانشجویان مقاطع کارشناسی و کارشناسی ارشد درج گردیده است. عناوین مصاحبه‌های درج شده در این مجموعه، به قرار زیر است:

«بعد فروشنده گفت وایسید برنامه‌ها رو براتون نصب کنم، یهو اون دوقلوهای ۵، ۶ ساله داد زدن، تلگرام و اینستاگرامم بریز!» (مصاحبه با روزان، ۱۷ ساله)،

«- بعد خودت توی همون سن ۸ سالگی می‌رفتی انواع مطالب مثبت ۱۸ رو می‌دید؟»

آره، متأسفانه» (مصاحبه با مهسا، ۱۶ ساله)،

«از اینستا درباره این که داره فیلم جدید بازی می‌کنه یا مثلاً قدش چه قدره، چند کیلوئه، سگ داره یا نداره، اطلاع به دست آوردم» (مصاحبه با ترانه، ۱۵ ساله)،

«من توی اینستاگرام دیدم هم برای پسر هم برای دختر، می‌شه دوست دختر، دوست پسر اجاره‌ای گرفت» (مصاحبه با مهلقا، ۱۸ ساله)،

«هزار سال حاضر نیستم برم سراغ برنامه‌هایی مثل سروش که ابزارهای... و کنترل آدم‌ها هستن» (مصاحبه با علی، ۱۹ ساله)،

«کشور ما هیچ وقت هیچ چیزی برای ارایه به دنیا نداشته... کشور ما خیلی کشور ضعیف و عقب افتاده‌ایه و به نظر من مهاجرت لازمه خوشبختی و زندگی راحت» (مصاحبه با پگاه، ۱۷ ساله)،

«گاهی با خودم می‌گفتم که چرا من نمی‌تونم سفر آن‌چنانی برم؟ چرا من نمی‌تونم فلان وسیله رو بگیرم و اون بلاگره همه این کارا رو می‌کرد» (مصاحبه با فرشته، ۲۰ ساله)،

«همین باعث می‌شه، بچه ۴ ساله فامیل مون بگه، بچه توی اینستا چشمش آبی، منم لنز می‌خوام یا من غذا نمی‌خورم که بزرگ شدم لاغر باشم» (مصاحبه با زهرا، ۲۰ ساله)،

«اینستاگرام جذاب‌تر از یه کتابه، اینستا عکس باهاشه، صدا، جذابیت» (مصاحبه با آرشام، ۲۳ ساله)،

«همین که گلشیفته تابوشکنی کرد و خواست نشون بده اگر لخت بشی دنیا به آخر نمی‌رسه، برام قابل احترام» (مصاحبه با دُرسا، ۱۷ ساله)،

«از جولیا و ابیگل خیلی خوشم میاد، خیلی کیوتن، از رافین و میکا و کاتیه و استف هم خیلی خوشم میاد» (مصاحبه با آلا، ۱۵ ساله)،

«اگه بچه ۶، ۷ ساله جی‌تی‌ای بازی کنه، دیگه خدا رحمتش کنه» (مصاحبه با راد، ۱۶ ساله)،

«در روز ده، پونزده ساعت بازی می‌کنم، البته بستگی به حاله هم داره، اگه حوصله‌ی بازی رو اون روز داشته باشم بیش‌تر» (مصاحبه با مهشید، ۱۶ ساله)،

«خب یه نکته‌ای که درباره نازنین هست، اینه که عادت ماهانه‌اش خیلی زود و از ۹ سالگی شروع شد» (مصاحبه با کوثر، ۲۴ ساله)،

«فصل ۶ پیکي بلاینדרز رو توی همین اینستا فهمیدم کی میاد که البته هنوز نیومده، من عالاًشق پیکي بلاینדרز شدم» (مصاحبه با امیرعلی، ۱۸ ساله)،

«مثلاً بی‌بند و باری، ازدواج سفید، بارداری خارج از ازدواج و چیزای دیگه همه هست توی این سریالا، اما خب فان هم هستن دیگه» (مصاحبه با سمیه، ۲۱ ساله)،
«بازی‌های جرأت حقیقت و I ever never have حال می‌ده، همه رسوا می‌شن» (مصاحبه با مرجان، ۲۱ ساله)،

«قضیه بی‌پروایی جنسی، خیلی باعث شده پیج‌های مبتذل هم زیاد فالو بشن، حتی خود من هم یه سری از این پیج‌ها رو فالو داشتم» (مصاحبه با یوسف، ۲۱ ساله)،
«مثلاً یه دوست دارم تام بوی شده و دوست دختر هم داره، این برای من واقعاً عادیه... گرایششه دیگه، مگه دست خودش» (مصاحبه با زینب، ۲۰ ساله)،
«من فن پیج نیلوفر و ویدا و امیر ویکتور رو توی اینستاگرام ساختم» (مصاحبه با آریا، ۱۷ ساله)،
«دیدن سریال سکس اجوکیشن باعث شد که رابطه... با چند نفر برام عادی سازی بشه» (مصاحبه با صبا، ۲۲ ساله)،

«پروپلیرهای کال آف رو می‌شناسم، مثلاً توی پروپلیرهای بازی آبتین خیلی خوبه، امیر لینچ، مژگان، حمید وای - تی هم هستند، اینا خیلی خوبن» (مصاحبه با بهروز، ۱۸ ساله)،
«من دنیا جهان‌بخت، کیمیا تاج‌زاد و چندتا بلاگر مثل گل منگولی، مامان پانیز اسماعیلی، فاطمه خاله‌ی پانیز اسماعیلی و شل بیوتی رو دنبال می‌کنم» (مصاحبه با ریحانه، ۱۸ ساله)،
«مهرداد و آيسان هم همیشه دوربین مخفی می‌ذارن، توی یکیش مهرداد به آيسان می‌گفت، برای یوتیوب همین الان باید بچه‌دار بشیم...» (مصاحبه با نرگس، ۲۰ ساله)،
«جمله‌های دپ می‌داشت که مثلاً حلالم کنید، شاید فردا نباشم و عکس خودزنی و این جور چیزا، کلاً از لحاظ روحی پاچید (پاشید)» (مصاحبه با ساره، ۲۰ ساله)،

«می‌دونید پت داشتن خیلی خرج داره، ماهی فقط دو تومن پول غذای خشکش می‌شه، همه‌اش هم خارجی، کلی وسیله می‌خواد، هر سه ماه چکاپ داره، واکسن می‌خواد، ضدانگل و ویتامین‌هاش هم گرونه» (مصاحبه با مامان لیا، ۲۶ ساله)،

«دلم می‌خواد شیطان پرست بشم، اون قدر جذابه لوسیفر، بعضی حرفاشم واقعاً حقه به نظرم، خدا واقعاً همون جور که لوسیفر می‌گه، خودخواه» (مصاحبه با مریم، ۱۹ ساله)،

«کلی بخوام از تغییراتم بگم، تحت تأثیر اینستا، تفریحاتم و مدل خرید کردنم، شبیه اروپایی شده و ترند رفتار می‌کنم» (مصاحبه با رؤیا، ۱۶ ساله)،

«می‌لاد این‌جوری نیست و کلیپ‌هاش خب برای ماها نرماله، ولی مامان و بابام ببینند احتمال سخته‌شون می‌ره بالا که اینا چی هستن دیگه» (مصاحبه با نسترن، ۱۷ ساله)،

«اینستا سبب شده دیگه ما خودمون رو در این چارچوب‌ها حبس و خفه نکنیم، می‌بینیم، اگر پسندیدیم، انتخاب می‌کنیم، وگرنه، نه» (مصاحبه با غزاله، ۲۰ ساله)،

«یه پیج فیکم دارم که باهاش اکسم رو استاک می‌کنم» (مصاحبه با ترانه، ۲۱ ساله)،
«من همیشه خدا رو شکر می‌کنم که فن بلک پینک و بی‌تی‌اس شدم» (مصاحبه با ثنا، ۱۵ ساله)،
«قدیما که یه کار زشتی می‌کردم، عذاب وجدان شدید می‌گرفتم، از خدا می‌خواستم من رو ببخشه ... الان نه، عین خیالم نیست» (مصاحبه با امیرحسین، ۱۸ ساله)،

«حتی سگاشون رو مثل این مهدکودکا که بچه‌ها رو می‌برن، سگاشون رو همچنین جاهایی می‌برن، بهش می‌گن هتل سگ» (مصاحبه با رضا، ۱۸ ساله)،

«آرین راجع به مرلین منسون پست می‌ذاره، درباره ابعاد دنیا که با مصرف روان‌گردان می‌شه دیدش می‌نویسه. می‌گه اگر مصرف کنین، چیزایی می‌بینین که الان نمی‌بینین» (مصاحبه با اشکان، ۲۱ ساله)،

«من وقایع سیاسی - اجتماعی رو دنبال می‌کنم و گهگاهی هم درباره‌شون متن می‌نویسم. گاهی هم با دوستانم بحث‌های اجتماعی داریم که نتایج اون‌ها رو هم می‌نویسیم و ممکنه اون‌ها رو هم پست کنیم» (مصاحبه با مهدی، ۲۱ ساله)،

«من بیش‌تر در صفحه خودم کتاب‌های فلسفی و گاهی روان‌شناسی رو معرفی می‌کنم، و البته فقط محدود به کتاب هم نیستم و گاهی کلیپ‌های فلسفی هم می‌گذارم» (مصاحبه با الناز، ۲۴ ساله).

در انتهای مقدمه لازم می‌دانم که از همکار تحقیق خانم فاطمه‌سادات میرجلالی و دانشجویان محترم کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری که در امر پژوهش میدانی گسترده تحقیق، به نگارنده یاری رسانده و وی را رهین منت خویش کردند، سپاس‌گزاری داشته باشم. این عزیزان عبارتند از خانم‌ها و آقایان: آتنا طاهرکناره، آذر شعاعی، آرمان ابراهیمی، آرمان علی‌اصغریور، آیسا شکیبایی، ارغوان کوچک حسینی، ارشیا انصاری، افسانه شاکری، امیرحسین حیدری، المیرا داودخانی، الهام اسماعیلی، الهه موسایی، بیتا تهران‌فر، پارسا شامحمدی، پانته‌آ سهیلی، پانید اکبری، پرستو اسماعیلی، پریا الله دینی، پریا مینایی‌پناه، پریسازادمهر، حدیثه کریمی، دنیا نودری، رضا غفارزاده، روزان شهبازنژاد، روژین پناهی زنگنه، رؤیا حسین‌نژاد، ریحانه ایزدپناه، ریحانه علیمحمد، ریحانه غفوریان، زهرا تقدیری، زهرا خجوی، زهرا خوشدل، زهرا صادقی، زهرا قاضی زاهدی، ساجده فرخی، سارا موحد، ساناز سلیمان‌زاده، سجاد محسنیان، سروش آسوده، سیدپویا مهدوی، سیدمحمد تربالی، سینا خوش‌ذات، سینا زنوسی، شیدا نجف‌پور، شیما رضائی‌فر، صدف کبیری، عرفان نژادجعفری، علی

امینی، علی شهباز، علی ناظم‌زاده، علی نصیبی، علیرضا ضیغمی، فاطمه انصاری والا، فاطمه ایمانی، فاطمه حاجی‌باقری، فاطمه حسن‌زاده، فاطمه حسینی، فاطمه ساکی یاراحمدی، فاطمه صفری، فاطمه معدنی، فاطمه‌سادات داودالموسوی، فاطمه عبادی‌خواه، فایزه شوکت‌پور، فرزانه مظفری‌نژاد، فریناز رضایی، کیانا امیدی، کیمیا سروقدی، کیمیا کیارس شیرازی، لایا فضلی، لایلا ابراهیمی ورزنده، لایلا بیات، لایلا فتحی، محدثه رحمتی، محسن قربانی، محمد سهرابی، محمدحسن منوچهری، محمدعلی اصغری، مریم جعفری، مریم کاشفی‌فرد، مریم محمدی، مریم نظری، مونا قائمی‌فر، مهدی کمانکش، مهدی موسوی، مهدی نوربخش، مهدیس مرادمند، مهدیه خسروجردی، مهدیه سعادت‌نیا، مهدیه قره‌داغی، مهران نمازی، مهنوش طراوتی، مینا آقاجانی، نازنین حنیفه‌زاده، نازنین شهابی مقدم، نبی محمدی، نجمه خوش‌روز، نگار حاجی‌باقری، نیره حسینی، هدیه معصوم‌خانی، یاسمن عقلی، یاسمن یوسفی، یگانه علی‌اکبری و یونس یوسفی.

زحمت تایپ کتاب نیز بر عهده خانم اکرم مظاهری بود که از ایشان نیز تشکر و قدردانی می‌گردد.
اجرشان مأجور باد.

۲- گزارش مصاحبه‌های میدانی

مصاحبه با روزان، ۱۷ ساله

بعد فروشنده گفت وایسید برنامه‌ها رو براتون نصب کنم، یهو اون دوقلوهای ۵، ۶ ساله داد زدن، تلگرام و اینستاگرامم بریز!

- سلام.

سلام.

- حالت خوبه؟

ممنون.

- روزان جان اجازه می‌دی یک سری پرسش از کاربری جوانان از فناوری‌های ارتباطی جدید از شما داشته باشم.

اشکالی نداره.

- در ابتدا یه معرفی از خودت و خانواده‌ات بده.

خوب من بچه وسط خانواده هستم. خواهر بزرگترم ۲۴ سالشه و برادر کوچک‌ترم ۱۱ سالشه. پدرم کار می‌کنه و مادرم خونه‌دار هست. وضعیت اقتصادی ما هم متوسطه.

- خیلی خوب. راجع به استفاده‌ات از برنامه‌های مختلف مجازی هم یک توضیح کوتاهی می‌دی؟
خب من تقریباً از هر برنامه‌ای استفاده می‌کنم و محدودیت هم نداره، هر موقع که بخوام از هر کدومش استفاده می‌کنم، استفاده‌های متنوعی هم دارم، یعنی این‌طوری نیست که هر کدوم مختص به یه چیزی باشه.

- می‌شه یک توضیح کوتاهی از برنامه‌های مختلفی که داری بدی.

باشه. من از جفت واتساپ و تلگرام استفاده می‌کنم، از یوتیوب، توئیتر هم استفاده می‌کنم، از تیک‌تاک به تازگی که تونستم از یه کانال نسخه مدش رو بردارم دارم استفاده می‌کنم، هر کدوم هم زیاده دیگه، همیشه گوشیم دسته‌ای، به خصوص اینستا، غیر از زمانایی که دارم ساز می‌زنم. البته اون موقع‌ها هم دسته‌ای، چون از روش آهنگ رو می‌خونم.

از اینستاگرام که ترکیب همه ایناس استفاده می‌کنم و عاشقشم. الانم که فیلماش رو مثل تیک‌تاک کرده، خیلی بهتر شده و این که مثل توئیتر می‌شه متن گذاشت، مثل تیک‌تاک فیلم مثل تلگرام، واتساپ می‌شه چت کرد و از همه نظر کامله به نظر من.

- ساعت استفاده روزانه‌ات از اینستاگرام تقریباً چه قدر هست؟

روزی ۵، ۶ ساعت، البته شاید زیاد به نظر بیاد، ولی برام همه چیزه و از همه چیز استفاده می‌کنم.

- چه جنبه‌ها و چه سبک پیج‌هایی رو فالو کردی؟

من توی فالوینگام پر از خواننده و نوازنده هست. پر از پیج‌های آموزشی نوازندگی‌ام، پر از دوست و رفیق‌ام، پر از کسانی که می‌پرستم‌شون و دوست‌شون دارم، چه ایرانی و چه خارجی. پر از پیج‌های فان و بامزه، پر از بیوتی بلاگرها، آهان پر از پیج‌های کنکوری و مطالب کنکوری‌شون.

- خانواده‌ات می‌دونن اینستاگرام داری؟

آره، خودشون هم دارن.

- همه‌شون؟

آره، حتی داداشم. همه‌مون یه گوشی داریم و یه اینستاگرام، البته اون‌ی که توی گوشی مامانم بیش‌تر تزیینیه و ازش استفاده نمی‌کنه، می‌گه من حوصله این چرت و پرتا رو ندارم. براش هر چی پیج‌های مورد علاقه‌اش رو آوردم، اصلاً دوست نداره و خوشش نمیاد.

- بقیه اعضای خانواده‌ات محدوده، استفاده‌شون چه طور هست؟

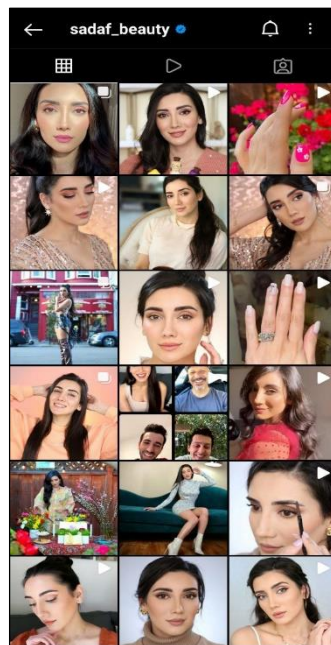
بابام که از صبح تا شب اخبار رو دنبال می‌کنه توش، پیج‌هایی که استوری‌های بامزه می‌ذارن رو دنبال می‌کنه، یکی، دوتا فوتبالیست خارجی. کلاً چون از صبح تا شب سر کاره زیاد نمی‌رسه گوشیش رو چک کنه، فقط وقتی میاد خونه گوشی دستش می‌گیره و یه کم چک می‌کنه که مامانم از این هم شکیه که چرا بابام چند ساعت هم که میاد خونه، گوشی دستش می‌گیره می‌ره اینستاگرام. خواهرمم که دانشجو هست و به بیوتی بلاگرا علاقه داره و به این بازیگرا، یعنی خدا نکنه یه فیلم بینه و خوشش بیاد، درجا می‌ره اسم واقعی همه‌شون رو درمیاره اگه خارجی باشن، البته فرقی نمی‌کنه ایرانی هم باشن همین‌طور، اما بیش‌تر خارجی. بعد فالوشون می‌کنه و می‌شینه وقت می‌ذاره تمام پستاشون رو می‌بینه، کپشن‌هاشون رو می‌خونه و قربون صدقه همه‌شون می‌ره، دو برابر تایم فیلم وقت می‌ذاره، می‌ره چهره واقعی و سبک زندگی بازیگرایی که دوست داره رو می‌بینه. آرایشی‌ها رو هم که گفتم... چون کلاً زیاد آرایش می‌کنه و دوست پسر هم داره و منم دارم. داداشم چرت و پرت! هر چی دستش میاد فالو می‌کنه، به این حساب که اونا بهش فالو بک می‌دن و دنبال کننده‌هاش می‌ره بالا، یعنی صفحه اینستاگرامش رو باز کنی عالم و آدم این بچه رو فالو کرده و فکر کنم البته از این نظر به من رفته.

- از صفحات آرایشی کاربری داری؟

آره. خیلی زیاد.

- تصاویری رو که از خودت در اینستا می‌گذاری چه طوری هست؟
همه‌اش با افکت هست.

- خواهر و بردارت هم از افکت‌های اینستاگرام برای عکس‌هاشون استفاده می‌کنند؟
نه، اصلاً. خواهرم برعکس من از افکت متنفره، ولی عوضش می‌شینه برای عکساش آرایش می‌کنه، چون خیلی زیاد این پیج بیوتی بلاگرا رو می‌بینه و عاشق صدف بیوتیه!



بعدش که یاد می‌گیره می‌خواد تمرین کنه، بعد این که آرایش کرد، اگه خوب شد با چندتا لباس عکس می‌گیره که توی روزای مختلف بذاره، تا این که دوباره یه روز بشینه آرایش کنه بعد عکس بگیره. ولی زیاد هم عکس بدون آرایش می‌ذاره، چون واقعاً خوشگله، من اصلاً به خوشگلی خواهرم نیستیم و اصلاً انگار نه انگار ما خواهریم، هر چی که آرزوی منه که داشته باشم، صورت لاغر و دماغ کوچیک و قلمی رو اون داره، من تلاش می‌کنم با افکت درستش کنم. من در واقع دارم صورت

۱ - صدف مسایلی متولد ۱۴ تیر ۱۳۶۸ در تهران، بلاگر و آرایشگر است. فارغ التحصیل لیسانس رشته شیمی از دانشگاه آزاد تهران شمال است و با انتشار ویدیوهای آموزش آرایش با نام صدف بیوتی در فضای مجازی مشهور است. صدف بیوتی در ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۶ وقتی ۲۹ ساله بود با همسرش علی ازدواج کرد تا این که در همان زمان تصمیم گرفتند برای زندگی راهی آمریکا شوند.

خودم رو یه کم قابل تحمل تر می‌کنم، اما اون با آرایش فقط خوشگل تر می‌شه. ولی به طور کلی از افکت خوشش نمیداد، چون کیفیت عکساش رو میاره پایین و حتی استوری هم با افکت نمی‌ذاره، برعکس من.

- برادرت چه طور، در اثر کاربری از اینستاگرام تغییری در ملاک‌های زیباییش به وجود اومده؟
آره. من و خواهر و مادرم کلاً موهامون بلنده و داداشم یه دختره رو فالو کرده و کلاً کراش زده روش، موهای کوتاهه، خیلی کوتاهه. می‌ره میاد با اشاره به موهای من و خواهرم می‌گه اینا چیه، اینا مثل ماکارانی روی سرتونه! برید کوتاه کنید، این گیسو رو ببینید، موهای من و خواهرم چه قدر جذابه! صورتش چه قدر لاغره، موهای من و خواهرم عسلیه، عکسش رو دارم، اسمش گیسوئه فکر کنم و می‌ره و میاد ازش تعریف می‌کنه. خواهرم همه ویژگی‌هایش رو داره، غیر از این که موهای کوتاه باشه، من چون احساس عقب موندن از زیبایی جفت‌شون رو دارم، همه‌اش مجبورم از افکت استفاده کنم، می‌ترسم که برادرم اون رو چون خوشگل تر از منه بیش تر از من دوست داشته باشه... .



حالا می‌گی تغییر، دقیقاً همین، داداش من تا قبل این که این دختره رو ببینم که البته دختره تقریباً ۳۰ سالش هست، خواهرم موهای کوتاه بود و می‌اومد و می‌رفت می‌گفت، مگه دختر موهای رو کوتاه می‌کنه؟! الان میاد می‌گه این ماکارانی چیه روی سرتون!

- پدر و مادرت چه طور؟

نه، چیز مهمی نبوده که دیده باشم ازشون.

- توی فضای اینستاگرام دوست پسر داری؟

توی اینستاگرام؟ آره. یعنی توی اینستا آشنا شدیم، اما الان بیش تر توی تلگرام چت می‌کنیم،

چون اینستا جای چت‌های طولانی نیست.

- چه طوری توی اینستاگرام آشنا شدید؟

هیچی استوریم رو ریپلای کرد و بعد دیگه یه کم با هم صحبت کردیم و از هم خوشمون اومد. البته زیاد جدی نیستا، یعنی بحث اصلاً ازدواج و اینا نیست، فقط این که دوست باشیم و از تنهایی دریاییم.

- بیش‌تر توضیح می‌دی راجع به رابطه‌ای که توی اینستاگرام داری؟

توی اینستاگرام فقط با آدما آشنا می‌شم، یعنی اکثراً، بعدش وقتی با هم بیش‌تر دوست می‌شیم، توی تلگرام تماس صوتی می‌گیریم، چت می‌کنیم. دوست پسر من ۴ ماه پیش شناختم، بعد که با هم دوست شدیم یه کم دوستیه جدی شد و اون روی من غیرت پیدا کرد، دیگه رابطه‌مون عاطفی شد از یه دوستی معمولی، یعنی مثلاً می‌اومد می‌گفت به دایرکت پسرای دیگه جواب نده یا اگه پسر برات کامنت گذاشت بهشون جواب نده یا پاک‌شون کن. من فهمیدم دیگه دوستم داره و این طوری غیرتی می‌شه، بعد دیگه کم‌کم جدی شد و خیلی جدی می‌گفت، استوری می‌ذاری با لباس باز نذار یا از موهات می‌ذاری یه کلاهی روسری‌ای چیزی سرت کن. البته یه بارم جدی شد و البته تقصیر من بود، یه پسره گیر داده بود می‌ای با هم دوست شیم؟ و من بهش گفتم که خودم الان توی رابطه‌ام، هی عکساش رو می‌فرستاد و می‌گفت من به‌تر با اون به‌ترم و با من دوست شو. من به دوست پسر من گفتم و آیدیش رو دادم و از چتاش براش اسکرین شات فرستادم، بعد فهمیدم که جدی شده و دعوا شده، یعنی دوست پسر من با اون پسره قرار گذاشته و بعد با هم دعوا کردن و بزن بزن، سر من! اونم عکسایه افکتی! اونم کسی که تا حالا من رو از نزدیک ندیده بود! من خودم تعجب کردم. فکر کنم این اولین دوست پسریه که رابطه‌مون رو این قدر جدی گرفته، منم شاید بخوام بعداً اگه رابطه‌مون به سال کشید، بیش‌تر بهش فکر کنم. البته نمی‌دونم واقعاً دعوا کرد یا نه، من چون خودم توی اینستا زیاد خالی می‌بندم، نمی‌دونم حالا اون راست گفت یا نه، ولی بعد اون طرف دیگه پی‌ام نداد. رابطه‌ی جدی دیگه‌ای نداشتم، همه‌اش سوال جوابای معمولی و سلام و احوال پرسی‌های معمولی.

- خواهرت چه طور، در اینستاگرام رابطه‌هاش چه طوری هست؟

ما زیاد معمولاً توی این کارای هم دخالت نمی‌کنیم، اما می‌دونم دوست پسر داره و توی همین اینستا هم بوده، بیش‌تر می‌ره بیرون، چون اجازه داره تنها از خونه بره بیرون. زیاد می‌بینه دوست پسرش رو و استوری می‌ذاره، مامان و بابام و بعضی فامیلامون رو از استوری‌هاش هاید می‌کنه یا همون کلوز فرندز می‌ذاره، این رو من یادش دادم و من اون‌جا عکساشون رو می‌بینم، بیش‌تر از این نمی‌دونم.

- برادرت چه طور، رابطه‌ی عاطفی‌ای توی اینستاگرام نداره؟

نمی‌دونم، اون این قدر مرموزه که نگو! همه چیش رو از ما قایم می‌کنه، نه تنها مامان و بابام، بلکه من و خواهر منم اصلاً نه پیجش رو داریم، نه می‌دونیم این بچه یازده ساله داره چه کار می‌کنه،

هر چند وقت یه بار اصلاً آیدیش رو عوض می‌کنه، به خاطر همین من اصلاً نمی‌دونم پیجش کدومه و با کدوم عکسه. یه موقع عکس کارتونی می‌ذاره، بعد آیدی رو عوض می‌کنه عکس یه پسر خارجی می‌ذاره، اصلاً هر چی... حالا نمی‌دونم این کار رو برای تنوع می‌کنه یا واقعاً دلیلی داره که این قدر تغییر می‌ده. مثلاً یهو بعضی اوقات همه عکساش رو پاک می‌کنه و انیمیشن می‌ذاره، بعد همه اونا رو پاک می‌کنه بازیگرا رو می‌ذاره، تنها چیزی که ندیدم بذاره، عکس خودش!

- نظر خودش چی هست؟

چند بار ازش پرسیدم، ولی هر بار می‌گه که دوست داره متناسب موج اینستا عمل کنه. یعنی مثلاً الان بازی اسکویید گیم این جوری معروف شده، برداشته دوباره همه پستاش رو پاک کرده، عکسای اون سریالا و فیلم و کلیپ سریال و بازیگراش رو می‌ذاره و کلاً ثابت نیست. مثلاً اون موقع که سریال زخم کاری خیلی معروف شده بود، همه‌اش پستایی راجع به همین جواد عزتی رو می‌داشت، بعد دیگه پستاش شد ۱۰، ۱۲ تا همه رو پاک کرد، یه چیز جدید گذاشت.

الانم زده توی کار سریال جزیره^۱ و می‌خواد فکر کنم الان که دیگه یه کم از موج اسکویید گیم گذشته از امیر مقاره خوشش اومده و دوست داره، این چندتا پستی رو که گذاشته پاک کنه و راجع به امیر مقاره و جزیره بذاره، تاحدودی شروع هم کرده و یهو پیجش رو پر کرده از عکسای امیر مقاره.



۱ - جزیره یک مجموعه تلویزیونی به کارگردانی سیروس مقدم و نویسندگی علی طالب‌آبادی است. پخش این مجموعه از ۲ آبان ۱۴۰۰ از طریق سرویس استریمینگ فیلمو آغاز شده است. ساخت این مجموعه نخستین بار در دی ۱۳۹۹ اعلام شد. تصویربرداری اصلی در اردیبهشت ۱۴۰۰ در جزیره کیش آغاز شد و تا تیر همان سال در کیش ادامه داشت.

- ازش پرسیدی چرا این کار رو می‌کنه؟

بین یه استدلالی داره خودش و من که قبولش ندارم خب، می‌گه که من دوست ندارم یه جا ثابت باشم و اگه فقط عکس از خودت بذاری که مردم فالوت نمی‌کنن یا اگه از اون طرف هم هم‌اش فن یه نفر باشی فقط همون آدم‌ها و طرفداراشون فالوت می‌کنن، پس برای این که ثابت نباشی و این روند صعودی قطع نشه، تو هم نباید بشینی نگاه کنی، باید هر سری طبق سلیقه مردم پیش بری تا فالور جمع کنی همیشه.

- فالور رو برای چی می‌خواهد؟

نمی‌دونه خودشم، یه ولعی داره برای فالور و یه کل کلی داره با رفیقاش فکر کنم. اون سری که مثلاً میلاد حاتمی رو گرفته بودن و هشتگش خیلی داغ بود، هم‌اش استوری و عکس از اون می‌داشت، من بعدش بهش گفتم برای چی ازش پست می‌ذاری، مگه طرفدارش هستی یا ازش خوشش میاد؟ گفت نه برام مهم نیست، ولی الآن برای مردم مهمه و من باید از این راه فالور بگیرم، چون دوستش فالوراش بیش‌تر شده و استوریاش سین بیش‌تری می‌خوره. کلاً داداش من زیاد توی کار این رقابت‌ها و زیاد راجع بهش تحقیق می‌کنه. یه چیز دیگه هم که هست یه بار توی یه استوری تبلیغی دیده بود که تبلیغ این بازی رو می‌کردن که طرف بازی می‌کنه، بعد پول درمیاره براش، قمار نیست یا شرط‌بندی... نمی‌دونم چه جور توضیح بدم، یه سری بازی هستن که بازی می‌کنی و بعد توش تبلیغ می‌بینی و چون باعث می‌شی تبلیغ‌ها سین بیش‌تری بخورن یه مقداری پول به حسابت واریز می‌کنن. بعد الآن چند وقته فکر و ذکرش شده از این راه پول دربیاره، من هرچه قدر بهش می‌گم اینا الکیه، باور نمی‌کنه و استوری‌ها و پست‌های آدمای مختلف رو بهم نشون می‌ده، تازه حالا اگه هم درست باشه، همه‌شون خارجی‌ن و کلی با هم جرّ و بحث داشتیم.



- می‌شه ادامه بدی؟

اینم بعد این که من بهش گفتم اونا اگه این کار رو هم بکنن، می‌ریزن توی حساب خارجی نه ایرانی آخه، چون بازی هم خارجیه دیگه! بعد فهمیدم رفته دایرکت یکی از همون افرادی که ادعا کرده از این بازی کلی پول درآورده، ازش خواسته که این بازی رو کرد، پول رو بریزه برای اون و شماره حساب اون رو بده و بعد نمی‌دونم چه کار کنه! اون چنج کنه واسش یا انتقال بده یا همچین چیزی... و به خاطر همین این روزا هر چی دستش هست و نگاه کنی، داره سرچ می‌کنه راجع به این بازی و اطلاعاتش و ذهنش رو درگیر کرده، منم بهش گفتم بی خیال شه و تمرکزش رو بذاره روی درسش، جای این که همه‌اش توی این پیج و اون پیج بچرخه و راجع به همچین چیز بی‌محتوا و غیرمفیدی اطلاعات جمع کنه.

- روزان جان شما در اینستا از فیلم هم استفاده می‌کنی؟

من گفتم که عاشق فیلمم، هم فیلم ایرانی و هم فیلم خارجی، یه اتفاق خیلی خوبی که برام افتاده، اینه که من فکر می‌کردم که هیچ‌وقت نمی‌تونم از سایت و اپلیکیشن رسمی نتفلیکس استفاده کنم. تا آخر عمرم باید برای سریال و فیلمای مختلف بگردم توی هزارتا سایت که نمی‌دونم، کیفیتش خوب باشه یا مهم‌ترینش این که سانسور شده نباشه. من از طریق یه دختره که بلاگر بود یه تبلیغ کرد، با کسایی آشنا شدم که بهشون پول می‌دادی و برات درستش می‌کردن و می‌خریدن و ثبت نامت می‌کردن. نمی‌دونم اونام شاید حساب خارجی داشتن که می‌تونستن دلار پرداخت کنن، ولی خب این باعث شد من خیلی راحت دیگه فیلم و سریال نتفلیکس رو از اپلیکیشنش اورجینال ببینم و مجبور نباشیم به استفاده فقط از فیلیمو و نماوا، آخه خیلی هم گروووونن. چند روز پیش توی یه پستی خوندم که نوشته بود، توی سال اخیر ۹۳ درصد گرون‌تر شده هزینه اشتراک فیلیمو! بعد توقع دارن که نریم سمت پیج‌های خارجی.

- چه قدر به اخبارهایی که توی اینستاگرام می‌بینی اعتماد می‌کنی؟

اگه منظورت همین خبره که زیرش نوشته بود اخبار بی‌بی‌سی اعلام کرده توی پیجش. ولی این که حالا واقعیه یا نه، این که خودم دارم می‌بینم رو چون می‌خرم هر ماه اشتراک، کاملاً مطمئنم. اما

^۱ - بازی SecondLife هم بستری برای بازی آنلاین و هم بستری جهت پولدار شدن است. شایعه‌ای وجود دارد که تقریباً می‌توان گفت واقعیت دارد و آن هم این است که فردی به نام Anshe Chungthe توانست با بازی کردن در این وب سایت میلیونر شود! این بازی هم اکنون ۲ میلیون عضو فعال دارد و آن‌ها تنها با آواتارهای سه بعدی هم دیگر را می‌بینند. یکی از کارهایی که معمولاً در این بازی صورت می‌گیرد، فروش اقلام مجازی است، اما در کنار آن می‌توان به ایجاد و فروش محتوا، اسباب بازی‌ها و اجرای برنامه‌ها و رویدادها نیز دست زد.

چیزی دیگه رو شاید بینم و راحت از کنارشون رد شم، بعضی اوقات هم اگه جالب باشه، به بقیه می‌گم، حالا اونا می‌خوان باور کنن، می‌خوان باور نکنن.

- با شخص یا اتفاق تأثیرگذاری توی اینستاگرام مواجه شدی.

آره، یکی این اشتراک تتفلیکسه که خیلی خیلی خوشحالم کرد، یه دونه هم برای اسپاتیفای خریدم و اتفاق دیگه‌ای نبوده. اما شخص تأثیرگذار تا دلت بخواد هست، بیش‌ترشون هم در زمینه موسیقیمه، مثلاً من اولش عاشق پیانو بودم و نسبت به گیتار گارد داشتم، می‌گفتم خیلی دم دستی شده و الآن هر بچه‌ای دیگه گیتار دستشه. بعد که با یکی آشنا شدم که گیتار می‌زد و اون قدر خوب می‌زد و چیزی خوبی رو هم می‌زد که من از گیتار هم خوشم اومد، تصمیم گرفتم بعد تموم کردن پیانوم، برم گیتار هم یاد بگیرم. این اتفاق برای ویولن هم افتاد، فکر می‌کردم خیلی سخته و اذیت کننده، ولی بعد که یکی رو داشتم که ویولن هم می‌زد در کنار پیانو، یعنی خودش پیانو می‌زد و همسرش ویولن و از کلاسا و تمریناشون استوری می‌ذاشت، خیلی خوشم اومد. الآن ویولن هم می‌رم کلاسش رو و یادمه برای همه خیلی عجیب بود که من پیانو رو سلطان سازهای موسیقی حساب می‌کردم، اما الآن برای ویولن هم زیاد وقت می‌ذارم و تازه به گیتار هم که این قدر ازش بد می‌گفتم، فکر می‌کنم.

- تغییر دیگه‌ای نسبت به چیزی یا علاقه پیدا کردن و یا تنفر پیدا کردن نسب به چیز دیگه‌ی بعد از کاربری از اینستاگرام نبوده.

بذار فکر کنم... من از موسیقی‌های کره‌ای اصلاً خوشم نمی‌اومد، اصلاً تحقیرش می‌کردم و مسخره می‌کردم کسایی که گوش می‌دادن و دیوونه‌ی خواننده‌هاش بودن، چون خودم پیانو و موسیقی کلاسیک زیاد گوش می‌دم، اصلاً اونا به گوش من موزیک نبود، بیش‌تر یه صدای گوش خراش بود. بعد یکی از دوستانم برام یه آهنگ فرستاد، در واقع یه کلیپی بود که فیلم مورد علاقه‌ام هانگر گیمز بود که آهنگ کره‌ای روش میکس شده بود و پخش شده بود توی اینستا. من یه کلام ازش پرسیدم اسم این آهنگه چیه و بعد برام پیچ خواننده‌هاش رو فرستاد، من یه کم گشتم و چندتا رو پلی کردم، با این که از قیافه‌ها و زبون‌شون اصلاً خوشم نمیاد، اما به خاطر یکی، دوتا آهنگی که خوشم اومد فالوشون کردم، هر چی می‌گذره و آهنگ جدیدی یا موزیک ویدیو جدید می‌دن، من بیش‌تر ازشون خوشم میاد و تبدیل به طرف‌دارشون شدم و من که اصلاً قیافه‌های ژاپنی و چینی خوشم نمی‌اومد، با این که خودمون آسیایی هستیم، ولی اصلاً فیلم آسیایی ندیده بودم، دوتا اتفاق افتاد، اول از اینا خوشم اومد و الآن حتی چندتا از عکاشون رو توی گالریم دارم.



بعد این که تحت همون موج تقریباً یک ماهه اینستاگرام برای اسکویید گیم نشستم سریاله رو دیدم. ۹ قسمت بود یعنی ۹ ساعت نشستم، زل زدم به قیافه اینا، ازشون خوشم نیومدا، ولی باعث شد ارزشم رو زیر پا بذارم و بشینم سریال ژاپنی ببینم، نمی‌دونم شاید کره‌ای بود، من از اینا سر درنمی‌ارم.

من که نه فالوшон می‌کنم، نه هیچی، به استثنای اون چند نفر که توی اون گروه ژاپنی هستن، هیشکی و از آسیایا هم هیشکی رو فالو نکردم، منظورم همون کره و ژاپن و ایناست، اگر هم فیلمی ساخته باشن یا فیلمی باشه که قشنگ باشه، ولی اینا زیاد توش باشن رو نمی‌بینم.

- پس افراد آسیای شرقی رو دنبال نمی‌کنی در صفحات اینستاگرام و به تبع اون در فیلم‌هاشون. درسته؟

بله، اصلاً فالو نمی‌کنم و دنبال نمی‌کنم.

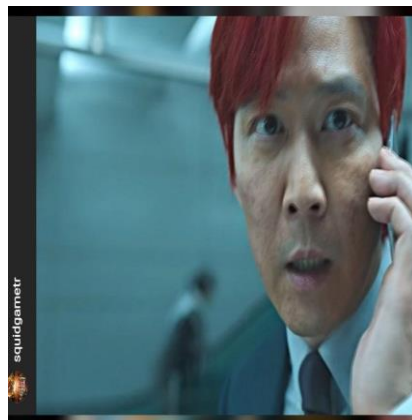
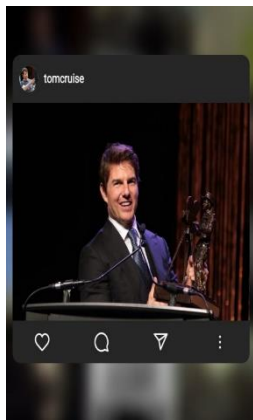
- چرا به نظرت نباید اون‌ها رو فالو کرد؟

چون از لحن حرف زدن‌شون متنفرم، از قیافه‌های زشت و بد ترکیب‌شون متنفرم و این که همه‌شون شبیه هم و مرداشون این قدر زشتن و اون قدر فیلم سازی‌شون ضعیفه، حتی همین بهترین سریال‌شون که اسکویید گیمه! و اصلاً جذابیت مردای آمریکایی و انگلیسی رو ندارن! و من اصلاً درک نمی‌کنم اینایی رو که دیوانه‌وار عاشق اینان، من توی اینستا هم می‌بینم که این قدر اختلاف قیافه‌هاشون زیاده.

- تفاوت جذابیت در چه زمینه‌ای منظورت هست؟

همه اینایی که گفتم، بعد اصلاً برو توی صفحه تام کروز، بعد برو توی صفحه ستاره فیلم‌شون اسکویید گیم، اصلاً می‌بینید تفاوت رو خدایی! آدم از این که خودش هم آسیاییه خجالت می‌کشه، این قدر اینا زشتن! یا ما ایرانی‌ها خیلی خیلی بهتر از اوناییما. البته با این که خیلی بدتر از آمریکاییا و انگلیسیاییم، ولی باز به بدی آسیای شرقی نیستیم. من که توی اینستاگرام هیچ کدوم‌شون رو فالو نکردم، ولی برعکس همه بازیگر جذبا و اکثراً نقش اولای فیلم‌هاشون رو فالو می‌کنم، عاشق‌شونم و

همه رو می‌بینم و لایک می‌کنم. حتی بعضیاش رو دانلود می‌کنم توی گالریم باشه، هر چند وقت یه بار ببینم، نیازیم به اینترنت نباشه.



- این دیدی که الان داری رو قبلاً هم داشتی؟
قبل کی؟

- قبل این که توی اینستاگرام ببینی شون و بخواهی مثلاً اون‌ها رو با هم مقایسه کنی. نه، اون موقع نه... البته بچه هم که بودم از این ژاپنی، کره‌ای‌ها بدم می‌اومد و فیلما و کارتوناشون رو نمی‌دیدم. اما به میزان تباه بودن شون، این قدر زیاد پی نبرده بودم! این که واقعاً چه قدر شبیه همن و این که واقعاً چه قدر لحن حرف زدن شون بده و کلاً چه قدر فیلماشون ضعیفه. اون موقع نهایتاً یه کارتون یا فیلم می‌دیدیم از شون، اونم هم دوبله شده هم سانسور. نه الان که بری توی صفحه‌شون به تباه بودن زبان نوشتاری شون هم پی می‌بری که چه قدر از مد افتاده و زشته.

- از اینستاگرام از جنبه‌ی محیط زیستی تا حالا استفاده‌ای کردی؟

مطلب توی پیجایی که فالو کردم زیاد می‌بینم، راجع به حفظ محیط زیست، اما به طور مستقل نه، پیجی رو فالو نکردم. یکی از کسانی که فالو کردم و بلاگره طرف‌داره محیط زیسته و هی چالش می‌ذاره براش. من خودم چون زیاد اهل بیرون رفتن نیستم، زیاد برام اتفاق نمی‌افته که انجام بدم مثل بقیه فیلم بگیرم بفروشم، ولی حالا توی ذهنم می‌مونه برای بعداً.

- مثلاً چی ازش یاد گرفتی؟

این که خب همیشه یه کیسه پارچه‌ای خوشگل و ناز داره توی کیفش، هر جا خرید می‌کنه نمی‌ذاره توی کیسه، این‌طوری باعث می‌شه پلاستیک کم‌تری مصرف بشه، شاید فقط یه نفر باشه، اما با اشتراک گذاشتنش و تشویق بقیه و دلپذیر نشون دادن این اتفاق، باعث می‌شه کم‌کم پخش

شه بین مردم. مثلاً اون سری رفته بود پرتقال بخره، طرف ۵ تا پرتقال گذاشت توی کیسه‌اش و این فیلم رو گرفت که همون‌جا کیسه رو پس می‌ده و ساکش رو درمیاره.

- توی زمینه‌های هنری از اینستاگرام چی یاد گرفتی؟

خب اول که نوازندگی، بعد این که مامانم تل درست می‌کنه و قراره من یه کم که کارام سبک‌تر شد بفروشم، همون تل‌ها رو مامانم خیلی از طرح‌هاش رو از اینستا پیدا کرده و خیلی باعث پیشرفتش شده و کارش خیلی تمیزتر و کیوت‌تر درمیاد. به نظرم الان کاملاً مد روز داره کار می‌کنه، از اون سبکای قدیمی و از مد افتاده‌اش که برای فامیلا استفاده می‌کرد، دیگه استفاده نمی‌کنه. دیگه این که من از آشپزی خیلی خوشم میاد و پیچ‌های آشپزی زیادی رو فالو نکردم، ولی آیدی‌هاشون رو بلدم و زیاد می‌رم سر می‌زنم، هر موقع حالش رو داشته باشم، از هر پیچ گفتم یه پستی سیو می‌کنم که بعداً برم نگاه کنم.

منظورم از آشپزی آشپزی غذاها نیست. مثلاً کیک، نون، شیرینی و انواعش... از اینا دوست دارم، چون مثلاً قرمه سبزی و قیمه رو که مامانم بلده بهم یاد بده، من و خواهرم علاقه زیادی داریم و هر جمعه یکی از دستور پختای شیرینی رو برمی‌داریم و درست می‌کنیم برای خودمون، داداشم عاشق‌شونه. بچه بودم یادمه مامانم مهمونی داشت، گوشیش رو برمی‌داشتم می‌رفتم توی گوگل می‌نوشتم و دستور پخت یه کیک بیسکوئیتی چیزی پیدا می‌کردم، الان توی اینستاگرام هم چیزیای خیلی خوبی پیدا می‌شه.

- به نظرت داداش چه چیزی از اینستاگرام یاد گرفته؟

والا اینا که همه چی رو می‌دونن و بلدن. می‌گم من سنم تقریباً مثل داداشم بود، حتی کم‌تر می‌رفتم از گوشه مامانم استفاده می‌کردم، فقط هم توی گوگل می‌رفتم، چون نمی‌دونستم بقیه برنامه‌ها چیه. این الان سه، چهار سال زودتر از زمانی که من گوشی خریدم، گوشی خریده. البته این برای من و خواهر بزرگم هست، ولی نه این قدر فاصله. مثلاً اختلاف سنی که ما گوشی خریدیم شاید کم‌تر از یک سال بود، اما این رو می‌گم ۳، ۴ سال زودتر خرید و از همون اولم طرف گفت می‌خواید براتون برنامه و بازی بریزم؟ اینم گفت آره و اینستاگرامم براش نصب کرد و اینم هی از من می‌پرسید، این چیه من می‌خوام برم توش، همه‌اش نمی‌شه. من برای این که از سرش بیفته گفتم دوربین، علامتش رو ببین شکل دوربین، دیگه نهایتاً قبول نکرد و رفته بود از دوستاش پرسیده بود، اونا گفته بودن توش پر عکس و فیلمه، اون‌جا می‌تونن عکسای هم رو ببینن و برای هم نظر بذارن و قلب بذارن و اینا... بچه‌های ۷ ساله تقریباً واقعاً برام عجیب بود، من ۷ سالم بود اصلاً بابام اجازه نمی‌داد سمت گوشیش برم، همه‌مون التماس می‌کردیم و زار می‌زدیم تا مامانمون یا بابامون بذاره ما یک ساعت با گوشیش بازی کنیم. بعد اینا نشستن ویژگی‌های اینستاگرام رو برای هم شرح دادن، بعدشم ریختم براش.

- وقتی رفت توی برنامه نظرش چی بود؟

اولش خیلی بامزه بود، من همه‌اش دستش می‌انداختم. چون کلی عکس آدمای غریبه می‌اومد توی اکسپلوررش دیگه، بعد کلی هم زن با قیافه‌های عجیب و غریب اون موقع بود. بعد چون بابام بهش تأکید کرده بود عکس غریبه‌ها رو نبینه و باهاشون یه موقع حرف نزنه، این با بغض و استرس می‌اومد توی اتاق من و می‌گفت روزان من به خدا نمی‌دونم این زنا از کجا اومده، من به خدا به چیزیش دست نزدیم! منم می‌گفتم، نه عزیزم خودش میاد تقصیر تو نیست و یه موقع‌هایی هم که اذیت می‌کرد، بهش می‌گفتم من می‌رم به بابا می‌گم رفتی کلی عکس زن و دختر بی‌حجاب ریختی توی گوشیت، این بچه واقعاً می‌ترسید که بابام چه فکری راجع بهش می‌کنه.

- الان چه طور؟

الآن که چند سال گذشته و دستش اومده، اصلاً براش مهم نیست و از هر کی خوشش میاد فالوش می‌کنه، از هر کسی خوشش بیاد باهاش پت می‌کنه، تازه اینا بچه‌های قدیمی‌ترین نسبت به الآن! یعنی می‌گم این اون اولاش یه کم حس ناراحتی و عذاب وجدان رو داشت که داره عکسای غریبه‌ها رو می‌بینه و بابام بهش گفته نبین و دنبال نکن، حتی اگه بدون خواست خودش هم می‌اومدن، نگران می‌شد، الآن بچه‌ها رو که اصن نگم. من چند روز پیش یه مغازه رفته بودم و بند ساعت هوشمند رو عوض کنم، گفت چند دقیقه بشینید تا از انبار بیارم، بعد یه خانواده اومد تو و توی همون شاید ۱۰ دقیقه گفت، من از فلان مدل تبلت سامسونگ دوتا می‌خوام، دوتا دوقلو داشت که شاید ۵، ۶ سال شون بود، همون‌جا دوتا براشون خرید، جفتشم دونه‌ای ۱۰ میلیون بود. همون‌جا ۲۰ میلیون کارت کشید، بعد فروشنده گفت، وایسید برنامه‌ها رو براتون نصب کنم، یهو اون دوقلوهای ۵، ۶ ساله داد زدن تلگرام و اینستاگرامم بریز!

بعد طرف گفت به من که من بند رو پیدا نکردم، برو یه چرخ توی پاساژ بزن چند دقیقه دیگه برگرد، بعد چند دقیقه که برگشتم دیدم کارشون تموم شده، اون فروشنده که داشت فاکتور می‌نوشت، اینا نشستن روی صندلی کنار من، یکی شون می‌گفت برو برو تلگرام من بهت پی‌ام دادم بین! اون یکی هم گفت بعداً سین می‌کنم، بیا یه سلفی بذاریم اینستا. همون‌جا با هم سلفی گرفتن بعد پست کرد و گفت بذار اینا باشه که به دوستامون آیدی‌مون رو دادیم بدونن ماییم و فالومون کن!

من دهنم وا مونده بود یعنی! این همه اصطلاحات و لفظای خارجیش توی یه دقیقه از دهن اینا بیرون اومده بود. یاد داداش بیچاره‌ام افتادم که می‌اومد توی اتاقم و دست و پاش می‌لرزید که این همه عکس غریبه چیه توی گوشی من یهو اومده... و خود بیچاره‌ترم که دو ساعت التماس می‌کردم تا بابام گوشیش رو بده باهاش بازی کنم، هیچ جای دیگه گوشی رو بلد نبودم، خواهرمم که دیگه هیچ.

- باز هم نمونه‌ای از رفتار بچه‌های امروزی در اینستاگرام توی ذهنت هست؟
تالا دلت بخواد که اینا زیادن توی اینستا، یه سری‌ها اصلاً یاد گرفتن با کارای مسخره و با این که معلومه خیلی بچه اند، ولی شاخ بازی درآوردن شون معروف می‌شن که مردم اینا رو به هم نشون بدن و بهشون بخندن و می‌خوان از این روش فالورهاشون بالا بره.



- برای من چندتا شون رو می‌فرستی؟
آره، اتفاقاً منم توی اکسپلور دیدم. بعد دیدم وای چه و چه قدر مسخره‌اش کردم، برای دوستانم فرستادم چندتا که اونام ببینن، بچه‌ها چه قدر پررو شدن و بخندن. می‌رم از دایرکتام پیدا می‌کنم یا توی این روزا اگه توی اکسپلور دیدم برات می‌فرستم.

- دیگه چی از این کارهای بچه‌ها توی اینستاگرام دیدی؟
دوستای داداشم زیاد پست می‌ذارن، یعنی دیگه خیلییی زیاده. یکی از دوستاش فقط ببخشید از دستشویی رفتنش عکس نمی‌ذاره! بعد فالوری هم نداره‌ها، فامیلاش و دوستاش هستن و من و یکی دو نفر دیگه که می‌شناسیمش، روی هم ۴۰ نفر به زور می‌شه، ولی نزدیک هزار و خورده‌ای پست داره، هر کدوم هم نهایتاً ۳۰، ۲۰ تا لایک، من نمی‌دونم چرا واقعاً این کار رو دوست داره، مثلاً ظرف میوه‌ای که مامانش براش پوست کنده آورده رو برای چی می‌ذاره؟ مردم مگه خودشون میوه ندارن خونه‌هاشون که اینا فکر می‌کنن این چیزا بامزه و قشنگه، کلاً می‌گم هنوز بچه اند خب. بعد یه موضوع دیگه هم که اذیتم می‌کنه، اینه که برای بچه‌های کوچیک صفحه اینستاگرام باز می‌کنن، خیلی زشت و لوسه این کار.

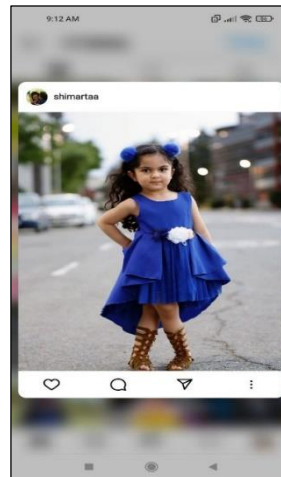
- چه طوری؟

بابا اینا یه صفحه باز می‌کنن بچه‌شون که به دنیا میاد و عکساشون رو می‌ذارن اون‌جا و حالا فکر می‌کنن برای ماها و کلاً بقیه مهمه که طرف عکس از تلویزیون دیدن بچه‌اش می‌ذاره، نمی‌دونم

با اسباب بازی بازی کردن بچه‌اش و می‌دونی شعارشونم اینه که این صفحه رو برای یادگاری بچه‌مون درست می‌کنیم که بزرگ شد، عکساش رو ببینه.

- از اطرافیان نمونه‌ای دیدی؟

همون دیگه، دختر پسرعمه‌ام. یعنی همون نوهی عمه‌ام از روزی که به دنیا اومده، یه پیچ زدن به اسمش و به همه‌مون هم گفتن فالوش کنید و لایک کردنامون رو هم چک می‌کنن، مثلاً چرا فلان پست بچه‌ام رو لایک نکردی؟ من که اکثراً نمی‌کنم و اگرم پپرسه می‌گم حواسم نبود یا ندیدم! آخه خوب که چی الان از موز خوردن بچه‌ات روی مبل عکس می‌داری؟ می‌خوای آلبوم خاطرات باز کنی برای بچه‌ات، برو یه آلبوم بخر اون‌جا نگه دار یا توی گالری سیو کن و بعداً بهش نشون بده. آخه با افکت آرایشی از بچه یک سال و نیمه عکس می‌گیرن؟!



برمی‌دارن از این افکت‌ها که طرف رو آرایش می‌کنه و گوش خرگوش اینا براش می‌ذاره و مژه مصنوعی عکس می‌گیرن می‌دارن، واقعاً خجالت آورده. دختر عموم همسن همین دختر پسر عمه‌ام! مامانش یعنی زن عموم، دیوونه‌مون کرد این قدر با افکت‌های آرایشی اینستا از این بچه عکس گرفت گذاشت.

- نظر خودت چی هست؟

به نظرم همه‌ی زیبایی یه بچه کوچیک به چشم و ابروش و مژه‌اش که نیست، به صورت معصوم و پاکشه. بعد اینا فکر می‌کنن چی با خودشون که بچه یک سال و نیمه رو، با افکت چشم آبی و دماغ عملی می‌دارن عکسش رو؟ من اون قدر حرص خوردم، چندبار هم اومدم بهشون بگم مامانم نداشته، گفته نظر خودشونه و ما بهتره دخالت نکنیم توی بچه‌داری‌شون. ولی اگه به من بود، نه تنها ساده‌ترین افکت رو هم روی صورت بچه‌ام نمی‌انداختم، بلکه عکسشم همه‌جا پخش نمی‌کردم و

براش پیچ بزنم که یه موقع بچه‌ام چشم بخوره. بعدشم اون بچه که الآن عقلش نمی‌رسه، مثلاً شاید بزرگ شه و از این کارشون خیلی ناراحت شه. من مثلاً خودم دوست نداشتم و خدا رو شکر اون موقع این چیزا نبود. ولی اگه بود و اونا این کار رو می‌کردن، اتفاقاً اصلاً خوشم نمی‌اومد و اولین لحظه‌ای که عقلم می‌رسید و می‌تونستم پاک‌شون می‌کردم. مثلاً فکر کن با همه آدمای فامیل که رودروایی داری، عکس لخت ۳ سالگیت توی وان حموم رو ببینن. بعد این پسرعمه‌ام زیرش از زبون بچه‌ه متن می‌ذاره، مثلاً می‌نویسه من الآن از حموم اومدم و این لباس جدیدم رو پوشیدم، خوشگل شدم؟

وقتی بچه هنوز نمی‌تونه حرف بزنه، از زبونش این‌طوری حرف می‌زنن، خب معلومه زبون باز کنه می‌شه گودزیلاهای الآن.

- بیش‌تر راجع به کسانی که توی اینستاگرام می‌گی گودزیلا بگو.

همه‌شون گودزیلا ان، مخصوصاً اون دوتا دوقلوچه که اون روز دیدم و گفتم. حالا اون یکی نوه عمه‌ام ۵ سالشه و صبح تا شب با گوشی بازی می‌کنه، نمی‌دونم اینستا می‌ره یا نه، با اون زیاد اوکی نیستم و نمی‌دونم، ولی الآن دست هر بچه‌ای یه گوشی هست و توی اکثر گوشیا هم اینستا هست. یه دوست دیگه داداشم هست که گوشی رو برده بوده مدرسه و عکس گرفته و استوری کرده، کجا؟ ته کلاس و وقتی تایم کلاس بوده، استوری کرده و معلم داشته درس می‌داده، اینم یواشکی برده بوده و می‌خواسته به بقیه رفیقاش مثلاً ثابت کنه، ببینید ما چه خفنیم و چه دل و جرأتی داریم که سر کلاس گوشی می‌بریم و می‌تونیم عکسم بگیریم. بعد مادر یکی از بچه‌ها توی گوشی پسرش استوری رو می‌بینه و می‌گه اینا هم کلاسیات هستن؟ اینم می‌گه آره، اینا همیشه گوشی میارن اون پشت بازی می‌کنن یا پیامک بازی می‌کنن. اینم اسکرین شات گرفته رفته مدرسه و گفته، کلی دردرس درست شد برای اون ۳، ۴ نفر! و مامان و باباشون رو خواستن و یه وضعی اصلاً!

- دوست‌های خواهرت چه طور؟

اونا رو نمی‌شناسم، داداشم میاد می‌شینه همه اتفاقای مدرسه‌شون رو تعریف می‌کنه، زیاد هم گوشیش دست منه و دوستاش رو اکثراً می‌شناسم. بعدشم به نظر من اونا بزرگن و هر کاری بکنن بالاخره بالای ۲۳، ۲۴ سال شونه، فرق می‌کنه با پسر بچه ۱۰، ۱۱ ساله. اونا هم وقتی ده سال شون بوده وضع‌شون از منم بدتر بوده که فقط باباهامون گوشی داشتن و ما واسه بازی کردن باهاش گریه می‌کردیم. اونا احتمالاً باباهاشونم از این گوشی لمسپا نداشته، مشکل این نسل جدید ان.

- روزان جان شما تجربه‌ای در زمینه شرط‌بندی داشتی؟

نه.

- خواهر و برادرت چه طور؟

نه، اصلاً. خواهرم که متنفره، داداشمم اهل این چیزا نیست خدا رو شکر.

- دوستانش چه طور، از دوستانش نمی‌گه که این کارها رو می‌کنن یا نه؟
نه، خدا رو شکر اهل این چیزا نیست، به خاطر تربیتشه فکر کنم، مامانم از بچگی اون روی این چیزا خیلی حساس بوده. مثلاً بچه بود، یه بار اومد گفت، مامان من و رضا (دوستش) شرط بستیم، اگه پرسپولیس برد، من براش بستنی بخرم و اگه استقلال برد اون برای من بستنی بخره و مامانم قشنگ یادمه به جای این که عصبانی شه و یا تنبیهش کنه، روز فوتبال جفت‌شون رو دعوت کرد و بهشون بستنی داد و گفت که هیچ وقت سر هیچ چیزی با هم که حتی بهترین دوست همند شرط نبندن، چون کار درستی نیست و از اون به بعد واقعاً هیچ وقت این کار رو تکرار نکرد. ولی یه بار پای ماهواره بودیم که رفت تبلیغ و سایت انفجار که یکی از سایتای معروفه شرط‌بندی و پیش‌بینی بازیاست رو تبلیغ کرد. البته من حتی نمی‌دونم انفجار مال کدوم این شاخس و یا اصلاً ربطی بهشون داره یا نه، اما بحث شد بین من و داداشم و هر دو موافق بودیم که مردم واقعاً پول‌شون رو از سر راه آوردن که این جواری حرومش می‌کنن و داداشم گفت، من اگه پول از سر راه هم پیدا کنم، می‌رم باهاش یه چیز خوب مثلاً یه لباس می‌خرم، ولی باز نمی‌رم شرط‌بندی کنم!
- شخص دیگه‌ای توی اطرافیان نبوده که تجربه استفاده از این سایت‌های شرط‌بندی رو داشته باشه؟
نه.

- برای گشتن توی اکسپلور چه قدر وقت می‌گذاری؟
برای خود اکسپلور نه، پیج‌هایی که از اکسپلور می‌رم توشون رو زیاد وقت می‌گذرونم.
- تا حالا برایت اذیت کننده نشده؟
برای تفریح خوبه دیگه، کلی هم چیز ازش یاد می‌گیرم وقتی که لازم باشه، وقتی هم که لازم باشه توش می‌خندم، وقتی هم لازم باشه از اخبار روز با خبر می‌شم.
- مطلب دیگه‌ای هم مونده که بخوای اضافه کنی؟
خیر، روز خوش.

تأملی دوباره:

روژان ۱۷ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی- تربیتی، اقتصادی، خانوادگی، روان‌شناختی، زیباشناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است.

روژان در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به مواردی مانند: یادگیری‌های رسمی و غیررسمی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

روژان در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: باز کردن صفحه شخصی برای نوزادان و کودکان، تلاش‌های وافر برای جذب فالور، رقابت بین نوجوانان و جوانان بر سر تعداد فالور در جست و جوی اعتبار اجتماعی، غوغای لایک و فالور، احساس بی‌هویتی اقشار قابل تأملی از کاربران اینستا -خاصه در سطح کودکان و نوجوانان- و گسست نسلی (با تعبیر گودزیلا برای کودکان و خردسالان فعال در اینستا) در جریان کاربری از فناوری‌ها و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

روژان در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اخلاقی کاربران، به مواردی مانند: نازل شدن اخلاق و پذیرش اصل هدف وسیله را توجیه می‌کند در سطح کاربران اینستا، اشاره داشته است.

روژان روژان ساله در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به مواردی مانند: آشنایی با بازی‌هایی برای کسب درآمد از طریق اینستا و تحقق مسأله کودکان کار سایبری با استفاده از امکان عمل‌های ایجاد شده توسط اینستا، اشاره داشته است.

روژان در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، به مواردی مانند: کودک آزاری برخی از خانواده‌ها (با انتشار عکس‌های از کودکان با آرایش و یا افکت‌های آرایشی) یاد کرده است.

روژان در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به مواردی مانند: از خودبیگانه شدن کاربران در جریان کاربری از اینستا و برخی از اختلال‌های روانی دیگر، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

روژان در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیبانشاختی کاربران، به مواردی مانند: نفی زیبایی مردمان قاره خویش، کاهش سن آرایش (با انتشار عکس‌هایی از کودکان با آرایش و یا افکت‌های آرایشی) و تأیید زیبایی مردم غرب، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

روژان ۱۷ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیستی کاربران، به مواردی مانند: دردهای مختلف جسمی در جریان کژکاری از اینستا، اشاره داشته است.

مصاحبه شونده در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به ترغیب برخی از کاربران و صفحات اینستاگرامی مبنی بر ضرورت عطف توجه به مسایل محیط زیست، اشاره داشته است.

روژان ۱۷ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: تمایل به فعالیت در اینستا، استفاده از امکانات برنامه‌های غربی جهت دور زدن

موانع فرهنگی و اجتماعی موجود در داخل، کاهش سن کاربری از اینستا و تولیدهای مبتذلی که فضای مجازی را به ابتدال می‌کشند و اختلاف‌های شدید در شروع و میزان کاربری نسل‌های جدید و پیشین از اینستا، اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه روژان ۱۷ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، روژان در مصاحبه خویش با گزارش مشاهدات میدانی خود در عمل از تفاوت‌های بین نسلی در شروع کاربری و میزان کاربری از اینستا یاد کرده، خاطر نشان می‌سازد که نه تنها سن کاربری از شبکه‌های اجتماعی به پیش از دبستان رسیده است، بلکه میزان کاربری اخیر نسبت به نسل‌های پیش، از تفاوتی کیفی برخوردار شده و کودکان و نوجوانان استفاده و کاربری بیش‌تری از فضای مجازی در مقایسه با افرادی که تنها چند سال بزرگ‌تر از آنان هستند، دارند.

مصاحبه با مهسا، ۱۶ ساله

- بعد خودت توی همون سن ۸ سالگی می‌رفتی انواع مطالب مثبت ۱۸ رو می‌دید؟

آره، متأسفانه.

- سلام مهسا خانم!

سلام!

- مهسا خانم، خوب هستی؟

بله، شما خوبین؟

- من هم خوبم، مقدماً از وقتی که برای مصاحبه می‌گذاری متشکرم.
خواهش می‌کنم.

- درباره‌ی مصاحبه قبلاً توضیحات لازم رو دادم، اگر سوال دیگه‌ای نداری، می‌تونیم شروع کنیم؟
نه، سوالی ندارم، شروع کنیم.

- در ابتدا چی شد که شما اینستاگرام رو نصب کردی؟

اولین بار من کلاس دوم دبستان بودم که ما تازه تبلت خریده بودیم، یعنی اون موقع گوشی هوشمندی نبود، اون موقع فقط گوشی نوکیا بود که نمی‌شد اینستاگرام و تلگرام و اینا رو روش نصب کرد، بعد که تبلت خریدیم، دیگه با ذوق و شوق، هر چی برنامه بود، مثل وایبر و اینستا و هر چی بود، نصب کردیم.

- گفتی نصب کردیم، یعنی تبلت فقط مال شما نبود؟

نه، مال همه بود، ولی باز بیش‌تر من و داداشام بازی می‌کردیم، پدر و مادرم خیلی کاری به تبلت نداشتن.

- از برنامه‌های توی گوشی هم به طور مشترک استفاده می‌کردید؟

نه، نه، اونا اینستاگرام نداشتن، اینستاگرام فقط برای من بود.

- همه راحت به تبلت دسترسی داشتن؟

تبلت رو آره، همه بهش دسترسی داشتن.

- خوب گفتی که اون موقع هشت سالت بود، درسته؟

بله.

- چه کسی شما رو با اینستاگرام آشنا کرد؟

وقتی که تبلت خریدیم، اینستا چون تازه اومده بود، بعد دیگه داداشام و دختر خاله‌ام که چهار سال از من بزرگ‌تر بود، اون از قبل تبلت داشت، مثلاً به ما می‌گفتش که این برنامه رو نصب کن، اون برنامه رو نصب کن، شروعش با دختر خاله‌ام بود.

- اولین باری که وارد اینستاگرام شدی، یادت میاد؟

اولین بار خب راستش اصلاً نمی‌دونستم باید چه کار کنم، دختر خاله‌ام به من گفت که این شکلی باید پست بذاری، این شکلی باید پروفایل عوض کنی، همه چیز رو دختر خاله‌ام بهم یاد داد.

- با کمک دختر خاله برای خودت پیج درست کردی؟

آره، پیجم عمومی بود.

- اون زمان چه چیزهایی توی پیجت می‌گذاشتی؟

خب پیجم از اون پیجای پابلیک^۱ بود که مثلاً عکس خودم رو نمی‌ذاشتم، عکس لاک و این جور چیزا می‌ذاشتم که بیش‌تر مردم فالوم کردن، اعضای خانواده نبودن.

- چه مطالبی توی پیج خودت می‌گذاشتی؟

طراحی ناخن یا بچه کوچیکای بامزه یا بستنی و زغال اخته، این جور چیزا اون موقع خیلی مد بود، همه یه دونه از این پیجا داشتن.

- عکس‌های طراحی ناخن یا بقیه چیزها رو از کجا پیدا می‌کردی؟

اون رو هشتگ می‌زد، مثلاً ناخن یا هشتگ صورتی می‌زد که عکس می‌آورد، من اسکرین می‌گرفتم و بعد پستش می‌کردم.

- معمولاً چه قدر پست می‌گذاشتی؟

پست، فکر کنم دو روز در میون.

- معمولاً بیش‌تر چه پست‌هایی رو می‌دیدي؟

اون موقع‌ها بیش‌تر چیزای دخترونه، مثل طراحی ناخن یا دختر بچه‌ها یا هاپو یا مثلاً خوراکیای خوش مزه و این جور چیزا.

- تا کی توی پیج فعال بودی و پست‌های مختلف می‌گذاشتی؟

از کلاس دوم تا کلاس چهارم که خونه‌مون رو عوض کردیم، بعد نت خونه‌مون مشکل داشت، کلاً یه مدت زیادی نتونستم فعالیت کنم و خب پیج بلاک شده دیگه، منم دیگه فعالیت نکردم و بی‌خیالش شدم.

- یعنی پیجت رو خودت پاک کردی؟

نه، بعد از یه مدت فالورا قدیمی شده بودن یا پیجاشون رو پاک کرده بودن، اوایل اگه پست می‌ذاشتم ۱۰۰ تا لایک می‌گرفت، بعدش فقط ۱۰ تا لایک می‌گرفت.

- چه مدت توی پیجت نرفتی که فالورهای کم شد؟
- یه ۴، ۵ ماهی شد که به خاطر همون مشکل نت خونه موم بود.
- اون موقع بقیه اعضای خانواده اینستاگرام داشتن؟
- نه، نداشتن، ولی بعد از این که تبلت گرفتیم، یه سال بعدش برادرارم گوشی هوشمند گرفتن و اینستاگرام و واتساپ و اینا برای خودشون ریختن.
- پدر و مادر که اینستاگرام نداشتن، می اومدن توی تبلت پیج شما رو ببینن؟
- نه، اصلاً، آخه می دونستن پیج من چیا هست و با کیا حرف می زنم، برای همین اون قدرها نگران نبود.
- چرا پدر و مادر اینستاگرام برای خودشون نصب نکردن؟
- چون که گوشی هوشمند نداشتن که اینستاگرام بریزن، یکی هم این که علاقه خاصی نداشتن دیگه.
- از کی نصب کردن؟
- همین دو سال پیش، تازه نصب کردن.
- چه طور شد که اینستاگرام رو نصب کردن؟
- پدر و مادر من تا سه سال پیش گوشیاشون از این نوکیاها بود، بعدش که گوشی شون خراب شد، رفتن گوشی هوشمند گرفتن، اول تلگرام و واتساپ و اینا رو ریختن، بعد از اون موقع بود که تبلت خونه دست داداشام افتاد و من هم اومدم اینستا رو روی گوشی مامانم ریختم، در ادامه دیگه مامانم نیومد پیج شخصی بزنه، بعد که دیگه خودم گوشی گرفتم، این قدر گفتیم که اینستا خوبه، بعدشم پدر و مادرم نصب کردن.
- پدر و مادر وقتی نصب کردن، چه طور استفاده می کردن؟
- مادر من پست نمی ذاره، مثل من فقط می ره ببینه چه خبره، ولی بابای من خیلی علاقه داره و پست و استوری می ذاره.
- پدرت چه پست هایی می گذارن؟
- عکس خودش رو می ذاره با دوستاش یا عکس برادراراش رو.
- گفتی که بعد از دو سال پیج اولت بلاک شد، بعدش چه کار کردی؟
- بعدش یه مدت دیگه اومدم همه عکسا رو پاک کردم، اسمش رو هم عوض کردم، اسم خودم رو گذاشتم، خصوصیش کردم که دیگه نیان فالو کنن، فقط برای همین بود که ببینم چه خبره.
- خوب شما وقتی کلاس دوم بودی، اینستاگرام نصب کردی، از بین دوست ها و هم کلاسی ها کسی بود که اینستاگرام داشته باشه؟

نه، نه، اونا نداشتن، ولی دوستای دختر خاله‌ام که اونا بزرگ‌تر بودن، اینستا رو داشتن و با من حرف می‌زدن و فالو می‌کردن.

- توی اینستاگرام راجع به چه چیزهایی با هم صحبت می‌کردید؟

مثلاً یکی که حیوون خونگی داشت، عکساش رو می‌فرستاد، درباره‌ی اون با هم حرف می‌زدیم، یه وقتایی دختر خاله‌ام با اونا دعواش می‌شد، به منم می‌گفت که برم با اونا دعوا کنم (خنده)، ولی خب کلاً منم گاهی وقتا همین جوری الکی باهاشون دعوا می‌کردم، البته قبل از این که دعوا بشه، خودم بهشون پیام می‌دادم، حال و احوال شون رو می‌پرسیدم.

- سر چی با هم دعوا می‌کردین؟

الآن نمی‌دونم، فقط یادمه دختر خاله‌ام به من زنگ می‌زد، می‌گفت: مهسا بیا باهاش دعوا کنیم.

- بعد شما چه کار می‌کردی؟

(خنده) خجالت آورده، ولی مثلاً اون برام پیام می‌فرستاد، مثلاً دعوا خیلی بچه‌گونه بود، مثلاً می‌گفت احمق با ایموجی حالت تهوع، بعد دختر خاله‌ام می‌گفت، مهسا این رو ده بار یا بیست بار کپی بگیر که بلند بشه، هی بفرست، هی بفرست، بعد اونا هم هی می‌فرستادن (تلاش برای جلوگیری از خنده خود).

- دختر خاله‌ات از کی اینستاگرام داشت؟

اون رو نمی‌دونم، ولی می‌دونم که قبل از این که ما تبلت بگیریم، یه سال قبل از ما گرفته بود، نمی‌دونم، فکر کنم، یازده سالش بود داشت.

- بعد یادت میاد، اون چه چیزهایی توی پیجش می‌گذاشت؟

پیج من و دختر خاله‌ام مشترک بود، یعنی با هم اداره‌اش می‌کردیم.

- همون پیجی که طراحی ناخن و عکس بچه می‌گذاشتی؟

آره، ولی بعد از یه مدت دیگه با هم دعوامون شد، اون رفت پیج خصوصی زد و دیگه عکس خودش رو گذاشت، البته من با دختر خاله‌خودم هم خیلی دعوا می‌شد.

- سر همین پیج اینستاگرام با هم دعواتون شد؟

دقیق یادم نمیاد، ولی یادمه اون موقع پست چرت و پرت زیاد می‌ذاشتم، اون هم من رو دعوا می‌کرد که این چرت و پرتا رو نذار، فالورامون رو از دست می‌دیم، بعد اون خودش رفت یه پیج جدا زد که خیلی فالوراش رفت بالا، دیگه هم با من نیومد.

- دختر خاله‌ات به چه پست‌هایی چرت و پرت می‌گفت؟

مثلاً می‌گفت مهسا به جای این که هر روز پست بذاری یا هر یه ساعت یه بار، یه پست بذاری، برو فالو، آنفالو کن که فالورات بره بالا.

- پیج دختر خاله که گفتی فالورهاش زیاد بود، درباره‌ی چی بود؟

اون اومد ناخن و مدل مو گذاشت.

- فالورهای پیج مشترک تون تا چه قدر شد؟

بیشترین فالوری که داشتیم، سه هزارتا بود.

- پیج دختر خالهات که از شما جدا شد، خیلی بیش تر از سه هزارتا شد؟

آره، اون ۱۲ کا شد.

- دختر خاله چه کار کرد که فالورهایش این قدر زیاد شد؟

همون چیزایی که قبلاً با هم می داشتیم رو می داشت، ولی خب تنوعش بهتر بود، مثلاً عکس نوشته هست، از اون جور چیزا... خیلی فالو، آنفالو می کرد، یعنی می رفت فالو می کرد، بعد بهش بک می دادن، بعد که بهش بک می داد، می رفت اونا رو آنفالو می کرد، این شکلی فالوراش می رفت بالا (خنده).

- بعد اون آدمها آنفالو نمی کردن؟

نه دیگه، از پیج خوششون می اومد.

- مثلاً دختر خاله چه کسانی رو می رفت فالو می کرد؟

مثلاً از این پیجا مثل پیج خودش بود دیگه، می رفت توی فالورای اونا یا کسانی که همچین پستایی رو لایک کرده بودن، می رفت اونا رو فالو می کرد.

- دختر خالهات از این پیج، کار تبلیغات و کسب درآمد هم انجام می داد؟

نه، اون موقع مد نبود که کسی مثل الان تبلیغات انجام بده، اول این که اون موقع خودش حساب بانکی نداشت، یکی هم که مد نبود، اگه می خواستن هم دیگه رو تبلیغ کنن، این شکلی بود که آیدیش رو می داشت هم دیگه رو شات می کردن، ولی پولی رد و بدل نمی شد.

- توی پیج مشترک تون، وقتی افراد زیادی توی دایرکت می اومدن، مزاحمتی ایجاد نمی شد؟

چون پیج مون دخترونه بود، بیش تر دخترا می اومدن و با هم دیگه حرف می زدیم یا اونا پستاشون رو می فرستادن، از هم دیگه حمایت می کردیم.

- چه طوری از هم حمایت می کردین؟

مثلاً ما ده تا کامنت می داشتیم، اونا هم ده تا کامنت می داشتن، همه پستاشون رو لایک می کردیم،

اونا هم می اومدن همین کار رو می کردن.

- کسی تا حالا توی پیج نیامده بود که حرف نامناسبی زده باشه یا توهین کرده باشه؟

امممم... آره، مثلاً یه وقتایی... چون دختر خاله ام خیلی دنبال دعوا بود، مثلاً می رفت با یه پیج دعوا می کرد، اونا هم می اومدن توی دایرکت به ما فحش می داد، ما جوابشون رو می دادیم، اونا هم می رفتن دوستاشون رو می آوردن، یه وقتایی هم پسرا می اومدن و این چیزا... .

- می تونی یک مثالش رو بگی؟

از دخترا یا پسرا؟

- از هر دو.

یادم نمیاد جزییاتش چی بود، ولی یادمه که با دخترا دعوا می‌کردیم، پسرا هم قاطی دعوا می‌شدن، بعد من نمی‌دونم دختر خاله‌ام از کجا این همه دعوها رو پیدا می‌کرد، بعد دختر خاله‌ام بهم زنگ می‌زد که بیا مهسا دعوا شده.

- موقع دعوا چه چیزهایی می‌گفتین؟

(با خنده و تن صدای آرام‌تر) فحش می‌دادیم.

- مثلاً چه فحش‌هایی؟

آخه اصلاً نمی‌تونم کلمه‌اش رو بگم، پسرا خیلی فحشای بد می‌دادن، حالا باز دخترا مثلاً می‌گفتن احمق، ولی پسرا فحش رکیک می‌دادن.

- گفتی پسرها قاطی دعوا می‌شدن، می‌شه بیش‌تر توضیح بدی؟

من که نمی‌شناختم، ولی دختر خاله‌ام توی وایبر باهاشون توی یه گروه بوده، نمی‌دونم واقعاً... می‌رفت باهاشون دعوا می‌کرده، نمی‌دونم واقعاً... .

- منظورت این دعوایی هست که آدم‌ها فقط کل‌کل می‌کنن؟

آره، آره.

- حالا توی دعوا از چه کلمه‌ها و فحش‌هایی استفاده می‌کردن؟

مثلاً یکیش خنگ و یه چیزی که الآن توی ذهن من هست، این بود که یه پسره گفتش که چیزت اگه چشم داشت، روی صورتت بود (خنده)، معصومیت من برای این فحشا آماده نبود (کلمات جمله آخر بسیار ناواضح تلفظ شد) یا مثلاً از این فحشای ناموسی می‌دادن، مادرت رو، خواهرت رو، این‌جور چیزا... .

- به نظرت پسرها بیش‌تر از کلمات رکیک استفاده می‌کردن یا دخترها؟

(بدون وقفه) پسرها.

- به نظرت دلیلی داره، مگه چه فرقی دارن؟

نمی‌دونم، فکر کنم چون که پسرا راحت‌تر بودن، بعد اونا سن‌شون از ما بیش‌تر بود، ما اگه کلاس سوم بودیم، اونا هفده، هجده سال‌شون بود. ولی دخترا نمی‌دونم حالا، یه خورده با حجب و حیاطر بودن، ولی یه چیزی که بود این بود که پسرا سن ما رو نمی‌دونستن.

- شما سن اون‌ها رو از کجا فهمیدید؟

مثلاً ازشون می‌پرسیدیم، چند سالته، اون موقع که هنوز دعوامون نشده بود، بعد مثلاً می‌گفت ۱۷ یا ۱۸ سالمه، بعد از ما می‌پرسیدن که چندسال‌مونه، منم پیام بگم که ۸ سالمه، مثلاً آره، منم ۱۵ سالمه.

- خوب احتمالش بود که اون‌ها هم سن‌شون رو دروغ بگن، درسته؟
امممم... اونا عکس پروفایل داشتن و قیافه‌شون به سن‌شون می‌خورد، ولی ما پروفایل عکس خودمون نبود.

- چرا سن‌تون رو بالاتر می‌گفتین؟
نمی‌دونم، برای این که ما رو بچه حساب نکنن، به خاطر سن‌مون بهمون توهین نکنن، بگن برو بابا بچه، تو این‌جا چه کار می‌کنی و اینا.

- بعد وقتی که بهتون فحش می‌دادن، ناراحت نمی‌شدین یا بهتون بر نمی‌خورد؟
نه اون قدر، چون ما هم فحش می‌دادیم، من یه خورده ناراحت می‌شدم، ولی خب ما هم جبران می‌کردیم.

- کجای اینستاگرام دعوا می‌کردین؟
توی دایرکت، مثلاً یه گروه بود که دختر و پسر بودن، بعد بیش‌تر اون‌جا توی گروه دعوا می‌کردیم.
- راجع به اون گروه بیش‌تر برای من توضیح می‌دی؟
نمی‌دونم اینا رو دختر خاله‌ام می‌رفت پیدا می‌کرد، دوستای خودش بودن، بعد با یه‌سری از پسرا که نمی‌دونم از کجا آورده بودن، بعد با هم حرف می‌زدن، خب یه چیزی می‌شد، مثلاً پسر به دختره یه چیزی می‌گفت، اونم بهش برمی‌خورد، بعد دیگه اون دختره می‌رفت، همه دوستاش رو می‌آورد، پسر به همه دوستاش رو می‌آورد، به هم‌دیگه توهین می‌کردن.
- شما رو دختر خاله‌ات عضو گروه کرد؟
آره.

- بیش‌تر توی گروه دعوا می‌شد؟
نه، بعد از یه کم دعوا سریع لغت می‌دادیم، راجع به گروه هم، من زیاد توش نمی‌رفتم، یادم نیست واقعاً، بیش‌تر موقعی می‌رفتم که دختر خاله‌ام می‌گفت، موقع دعواست... (خنده)، همین چت عادی‌شون رو اصلاً نمی‌رفتم.

- بعد که از اون گروه لغت می‌دادین و گروه رو ترک می‌کردید، چی می‌شد؟
یه گروه دیگه می‌زدیم، (خنده) بعد دوباره همه از اول شروع می‌شد، چت می‌کردیم...
- افراد توی گروه هم سن و سال شما بودن، یعنی ۸، ۹ سال‌شون بود؟
هم‌سن دختر خاله‌ام بودن، مثلاً از ۱۲ سال تا ۱۸ سال بودن دیگه.
- گفتی که همه توی خونه می‌تونستن تبلت رو باز کنن، مادر و پدر تاحالا این گروه‌ها و پیام‌ها رو دیدن؟

مامان و بابام می‌تونستن بیان توی تبلت، ولی من سریع بعدش پیام رو پاک می‌کردم، کسی نفهمه یا از گروه لغت می‌دادیم.

- گفتی که بعد یک مدت پیجت رو خصوصی کردی، اون موقع چند سالت بود؟
اون موقع کلاس پنجم بودم، پیجم رو خصوصی کردم، بعد اون فالورایی که مونده بودن رو دیگه ریمو نکردم، حتی الانم هستن، بعد دوستامم الان فالوم کنن، درخواستشون رو رد می‌کنم، چون پستی که نمی‌ذارم، الکی درخواست فالو می‌کنید.
- فالورها ت بیش‌تر آشنا بودن یا غریبه؟
بیش‌ترشون غریبه بودن.
- بعد شما که هیچ پستی نمی‌گذاشتی، چه فرقی داشت پیجت باز باشه یا خصوصی؟
بیش‌تر برای این که نیا فالو کنن، نمی‌دونم اینش رو واقعاً، چون دیگه نمی‌خواستم همین جوری الکی بره روی پیجم، نمی‌دونم واقعاً... .
- وقتی کلاس پنجم بودی چه طور، دوستان تو اون موقع اینستاگرام داشتن؟
اون موقع هم نداشتن، می‌گم مال من کلاً غیرطبیعی بوده... .
- چرا غیرطبیعی؟
آخه خیلی زوده برای بچه کلاس دوم که بخواد اینستا داشته باشه، بعد تازه فعالیت کنه، این همه ضررهاش رو هم گفتم براتون.
- ضررهاش رو به صورت جزئی می‌گی چی هست؟
مثلاً همین دعوها و فحش و فحش‌کاری‌هایی که می‌شد، برای بچه کلاس دوم خیلی چیز بزرگ و سختیه، بعد اون موقع، اینستاگرام این جوری بود که مثل الان این قدر نظارت نداشت، مثلاً پستای مثبت ۱۸ خیلی توش زیاد بود، برای همین می‌گم، برای بچه‌ی کلاس دوم بهتر بود اون موقع اینستا نداشته باشه.
- مثلاً اگه الان یک بچه‌ی ۸ یا ۹ ساله از شما بخواد کار با اینستاگرام رو بهش یاد بدی، کمکش می‌کنی؟
اصلاً (لحن جدی‌تر و قاطعانه)، نه، چون اصلاً خیلی زوده.
- چه اثراتی ممکنه داشته باشه؟
مثلاً باعث شد یه سری چیزا رو زودتر از هم‌سن‌های خودم بفهمم، مثلاً الان یه سری چیزا برام عادیه، ولی اون موقع خیلی برای بچه کلاس دوم چیز سختیه و یه کار وحشتناکيه، برای همین خیلی چیزا به خاطر اون آسیب دید، اون فحشایی که افراد می‌دادن، قطعاً تأثیر می‌داشت دیگه.
- خوب گفتی که خیلی از فحش‌ها رو برای اولین بار توی سن کم دیدی و شنیدی، بعد از اون خودت هم از فحش‌های رکیک توی پیام‌هاست استفاده می‌کردی؟
نه، من روم نمی‌شد استفاده کنم، مثلاً من در جواب می‌گفتم برو بابا تو چی می‌گی با اون سیبیلات، با اون جوشات، من این شکلی حرف می‌زدم، روم نمی‌شد از اون فحش‌ها بدم.

- به غیر از فحش‌ها، گفتی یک‌سری مطالب مثبت ۱۸ هم بود که فیلتر نمی‌شد، درسته؟

آره، اون موقع خیلی راحت همه می‌داشتن، ولی الان اینستا گیر داده.

- بعد خودت توی همون سن ۸ سالگی می‌رفتی انواع مطالب مثبت ۱۸ رو می‌دید؟
آره، متأسفانه.

- به نظرت اگه آدم این مطالب رو زود ببینه، چه مشکلاتی می‌تونه ایجاد کنه؟

چون که خب بین مثلاً مسأله‌ی رابطه جنسی برای یه بچه ۸ ساله خیلی مسأله بزرگ و سختیه، مثلاً ممکنه... حالا رو منم اون قدر تأثیر نداشت، یعنی گذاشتا، این طور که من اون موقع از پدر و مادرم خیلی بدم می‌اومد، بعد مثلاً باهاشون حرف نمی‌زدم، مثلاً وقتی به هم دست می‌زدن چندشم می‌شد، بعد به خاطر پرخاشگری، اینا باعث می‌شد که تأثیر بدی روم داشته باشه.

- پرخاشگری از چه نظر، یعنی صحنه‌هایی که دیدی پرخاشگری داشت؟

نه، آخه وقتی فهمیدم رابطه جنسی چه شکلیه و وقتی فهمیدم همه پدر و مادرا هم این کار رو می‌کنن و پدر و مادر منم انجام می‌دن، خیلی برام چیز چندشی بود. من فکر می‌کردم که پدر و مادر من آدم خرابی هستن که دارن همچین کاری می‌کنن. من نمی‌دونستم، به خاطر حاملگی هم می‌تونه باشه، فکر می‌کردم مثلاً آدمایی که خراب ان، این کار رو می‌کنن و حالا بیش‌تر پدر و مادرا هم می‌کنن.

- یادت میاد چه قدر در روز وقت می‌گذاشتی تا فیلم‌های روابط جنسی رو ببینی؟

اولش که فهمیده بودم، طبیعتاً آدم خیلی کنجکاو و می‌ره دنبالش، مثلاً فکر کنم می‌رفتم توی اتاق یواشکی شاید روزی یک ساعت، اینا رو می‌دیدم.

- بعد همه‌اش کلیپ بوده؟

آره دیگه، همه‌اش کلیپ بود.

- محتوای بیش‌تر کلیپ‌ها چی بود؟

خود رابطه جنسی بود.

- گفتی که رفتارت با پدر و مادرت عوض شد و کم‌تر باهاشون حرف می‌زدی، پدر و مادر متوجه

این تغییر رفتارت شدن یا نه؟

نمی‌دونم، من حس اونا رو نمی‌تونم درک کنم، ولی خب چیز خاصی به من نمی‌گفتن، منم چیزی بهشون نمی‌گفتم مستقیم، مثلاً چه می‌دونم شاید فکر کردن، چون حوصله نداشته، این جور می‌کنه.

- در مورد کلیپ‌هایی که می‌دید، به پدر و مادر یا دوستان یا هر کی که می‌شناختی، چیزی

می‌گفتی؟

راستش رو بخوام بگم، باز همین دختر خاله‌ام من رو با همچین چیزی آشنا کرد، مثلاً شاید وقتی

با دختر خاله‌ام حرف می‌زدیم، پدر و مادرم نمی‌دونستن، ولی بعد از یه مدت، مامانم، اون چتی که

من و دختر خاله‌ام توی اینستا داشتیم رو دید و فهمید، بعد خاله‌ام هم فهمید، حالا من چون بچه بودم چیزی بهم نگفتن، ولی دختر خاله‌ام رو خیلی دعوا کردن.

- چه طور دختر خاله، شما رو با این مطالب مثبت ۱۸ آشنا کرد؟

خب توی تلگرام با هم حرف می‌زدیم، یادم نیاد اولین بار چی و کجا بود، ولی یادمه که اون باعث شد، حتی یه وقتایی با هم می‌دیدیم.

- یعنی بیش‌تر وقت‌ها با هم می‌دیدین؟

اون تهران زندگی می‌کرد، وقتایی که می‌اومد پیش ما، با هم می‌دیدیم، بیش‌تر وقتا هم تنهایی.

- با هم در مورد کلیپ‌ها صحبت می‌کردین؟

آره.

- مثلاً چی می‌گفتین؟

وای، وای، نه نمی‌تونم جواب بدم (خنده).

- خوب بگو دختر خاله چی می‌گفت؟

نه، اصلاً، واقعاً نمی‌تونم بگم، البته شاید بتونم حرفای اون رو بگم، مثلاً من خیلی چیزی نمی‌گفتم، ولی دختر خاله‌ام شروع می‌کرد، بعد منم که خوشم می‌اومد، چون یه چیز جدید و هیجان انگیزی بود، منم براش تعریف می‌کردم. دختر خاله‌ام هم ازم می‌پرسید که تو رابطه جنسی رو دوست داری؟ بعد من می‌گفتم که نمی‌دونم، بعد اون می‌گفت که نه من دوست ندارم، درد داره، این جور چیزا... .

- یعنی توی کلیپ‌ها نشون می‌داد که درد داره؟

آره دیگه، چیزه اون درد و خشم و اینا... .

- پیش نمی‌اومد برای دوستان و هم‌کلاسی‌ها تعریف کنی؟

نه، ولی فکر کنم کلاس ششم که دوستم کم‌کم رابطه جنسی رو فهمید، می‌گفت آره من رفتم این فیلم رو دیدم، خیلی حال داد و اینا، مثلاً همچین چیزی بود.

- شما بهشون می‌گفتی که آره توی اینستاگرام هست و می‌تونید از اون جا ببینید؟

اونا خودشون می‌اومدن سوال می‌کردن، من هم سوالاشون رو خیلی ماهرانه جواب می‌دادم.

- مثلاً چه چیزهایی بهشون می‌گفتی؟

البته یه چیزی بگم، من خودم تا کلاس ششم نمی‌دونستم این رابطه برای حاملگیه، تا خود کلاس ششم من فکر می‌کردم قرص می‌خورن بچه‌دار می‌شن، فکر می‌کردم فقط آدمای خراب این کار رو انجام می‌دن، بعد که دیگه از ششم گذشت، فهمیدم که نه، این مال حاملگیه و همه این شکلی بچه‌دار می‌شن.

- توی این مدت، یعنی از کلاس دوم تا ششم، پدر و مادر درباره‌ی این مسایل چیزی نگفتن یا

خودت ازشون سوال نکردی؟

نه، نه.

- مثلاً از این سوال‌ها برایت پیش نمی‌اومد که از مادر بپرسی چه طور من به دنیا اومدم؟ چرا، اون موقع هنوز رابطه جنسی رو نمی‌دونستم، از مامانم که پرسیدم، گفت که ما قرص می‌خوریم، بچه‌دار می‌شیم. منم چیز دیگه‌ای نپرسیدم، در همین حد....

- یادت میاد از چه زمانی اینستاگرام این فیلم‌ها رو فیلتر کرد؟ فکر کنم از کلاس همون ششم که بودم، دیگه ویدیوها خیلی کم‌تر شد که دوستم می‌گفت برای من بفرست تا با دختر خاله‌ام بشینیم ببینیم، منم می‌گفت که دیگه توی اینستا این فیلما نیست، توی همون گوگل باید بگردید.

- گفتی که شما و دختر خاله‌ات وقتی داشتن کلیپ‌های مثبت ۱۸ می‌دیدن، توسط مادر و خاله لو رفتین، می‌خواهم بدونم مادر و خاله‌ات چه واکنشی نشون دادن؟

من چون بچه بودم و اونا هم می‌دونستن که بچه‌ی پاکي بودم و تقصیر دختر خالمه، ولی وقتی مامانم فهمید گفت دخترم این خیلی کار بدیه، دیگه این کار رو انجام نده، حالا من به داداشات نمی‌گم، ولی تو دیگه این کار رو انجام نده. خیلی کار عیبیه و زشتیه، منم گفتم باشه، ولی رفت به داداشام گفت. خاله‌ام رفت به خواهر دختر خاله‌ام گفت، دیگه اونا هم فهمیدن، ولی می‌گم دختر خاله‌ام رو خیلی دعوا کردن، البته اونایی هم که فهمیدن دیگه به روی من نیاوردن، ولی مثلاً خاله‌ی من که با دختر خاله‌ام می‌اومد خونه‌ی ما و ما با هم بازی می‌کردیم، به من می‌گفتش که دیگه کار زشتی انجام ندین، منم به عمو اکبر نگفتم، عمو اکبر بابای دختر خالمه، اگه عمو بفهمه، خیلی عصبانی می‌شه، این کارای زشته رو انجام ندین، بعد منم می‌گفتم باشه.

- پس بعد از این اتفاق دیگه با هم اون کلیپ‌ها رو نمی‌دیدن و راجع به اون‌ها صحبت نمی‌کردین؟

راستش رو بگم چرا، ولی این دفعه دیگه توی گروه حرف نمی‌زدیم، این شکلی بود که مثلاً می‌دیدیم، بعد ردهاش رو پاک می‌کردیم.

- چه جوری ردهاش رو پاک می‌کردین؟

مثلاً اون موقع ما توی هشتگ می‌دیدیم دیگه، مثلاً می‌زدیم فیلم فلان و می‌دیدیم و اینا، بعد اون موقع این شکلی نبود که ضربدر داشته باشه، هشتگ رو پاک کنیم و اینا، مثلاً دختر خاله‌ام می‌اومد می‌زد هشتگ ناخن، هشتگ صورتی، بعد این می‌رفت پایین و از یه جایی به بعد دیگه پاک می‌شد، برای همین دیگه اصلاً کسی نمی‌فهمید.

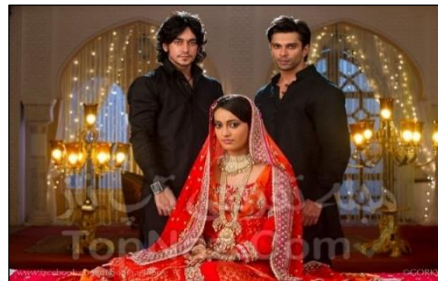
- توی قسمت اکسپلور چه طور، چون اینستاگرام بر اساس سابقه‌ی جست‌وجو و علاقه‌ات یک-سری پست‌ها رو برایت میاره، از طریق اون قسمت نمی‌فهمیدن؟

آخه اونا زیاد توی اینستاگرام من نمی‌اومدن، چیزی هم می‌شد، فکر می‌کنم من بلاک می‌کردم که اون پستا دیگه نیاد.

- بعد از این که شما و دختر خاله‌ات رو دعوا کردن، مادر یا پدر نگفتن که دیگه اینستاگرامت رو پاک کن؟

نه، مامانم نگفت، بابام هم که اصلاً خبردار نشد.

- تبلتت رو بیش‌تر از قبل چک نمی‌کردن؟
نه.



- گفتی که بعد از یک مدت پیجت رو خصوصی کردی، بعد از اون توی دایرکت، پیام از آدم‌های ناآشنا کم‌تر شد؟

آره، ولی تک و توک پسرا می‌اومدن، مثلاً سلام خوبی یا اصل بده، بعد منم همین جور بلاک می‌کردم، دیگه جواب‌شون رو نمی‌دادم.

- از کلاس ششم به بعد که پیجت رو خصوصی کردی، بیش‌تر چه پیج‌هایی رو می‌دید؟
اون موقع که کلاس ششم بودم، بازیگرای هندی رو خیلی دوست داشتم، اون موقع فیلم هندی خیلی زیاد می‌دیدم و اینا، بعد مثلاً فن پیج‌اشون رو می‌دیدم، همین شبکه جم فیلم‌اشون رو نشون می‌داد دیگه، بعد من می‌رفتم فن پیجای ایرانی‌شون رو فالو می‌کردم، دیگه اکسپلور من شده بود این هندی‌ها و این چیزا.

- بیش‌تر چی می‌دید؟

مثلاً یه فیلم هندی بود، قبول می‌کنم، جودها اکبر، زبان عشق و اینا.



- بعد توی اینستاگرام چه چیزی می‌دید که به این فیلم‌ها مربوط هست؟

مثلاً تیکه‌های فیلما، چون جم از خود شبکه هند عقب بود دیگه، بعد مثلاً می‌رفتم تیکه‌های جلوترش رو می‌دیدم یا مثلاً ادیتایی که فن پیجا می‌زدن، می‌رفتم می‌دیدم.
- به نظرت چه چیزی توی این سریال‌ها جذاب بود که می‌رفتی توی اینستاگرام و جلوتر تیکه- هاش رو می‌دیدي؟

اممم... اون موقع مثلاً داستان باحالی داشت که دو نفر عاشق همن، ولی یه‌سریا میان دشمنی می‌کنن و نمی‌ذارن اینا به هم برسن، ولی الآن که مثلاً گاهی وقتا شبکه‌ها نشون می‌دن، می‌گم چه فیلم مزخرفی رو من می‌نشستم نگاه می‌کردم.

- یعنی الآن سلیقه‌ی فیلم دیدنت خیلی عوض شده؟
اصلاً دیگه فیلم نگاه نمی‌کنم.

- از موقعی که همه‌ی پست‌ها رو پاک کردی تا حالا پست یا استوری گذاشتی؟
نه، از اون موقع تا حالا پیجم خالیه.

- الآن فالورهایت چه قدر هست؟

الآن فالورام فکر کنم هزارتا هست.

- الآن بیش‌تر چه پیج‌هایی رو دنبال می‌کنی؟

الآن من طرفدار گروه بی‌تی‌اسم، برای همین بیش‌تر فن پیجای بی‌تی‌اس رو فالو می‌کنم و ویدیوهای بی‌تی‌اس رو می‌بینم.



- چی شد که طرفدار بی‌تی‌اس شدی؟

این رو دخترعمه‌ام اول باهاش آشنا شد، بعد به من گفت، چند بارم ویدیوهاشون رو برام فرستاد، بعد دیگه منم همین جور ی رفتم ویدیوهاشون رو دیدم، خوشم اومد و فالوشون کردم.

- دقیقاً از چه چیز ویدیوها خوشت اومد؟

مثلاً اعضای بی‌تی‌اس خیلی بامزه بودن، کارای بامزه می‌کردن، بیش‌تر خنده‌دار بودن، خوشگل بودن، مثلاً حرفای قشنگی می‌زدن که خودت رو دوست داشته باش، اعتماد به نفس داشته باش، این جور چیزا... این شد که من طرفدارشون شدم.

- الان چند وقته که طرفدارشون هستی؟

الآن فکر کنم یه نه ماهی شده.

- بعد پیج خواننده‌ها رو هم فالو کردی؟

نه، خواننده‌ها توی اینستاگرام پیج ندارن، گروه‌شون به شکل کلی داره، ولی شخصی ندارن.

- گفتی فن پیج‌ها رو خیلی فالو کردی، توی فن پیج‌ها چی رو می‌گذارن که خیلی دوست داری؟ مثلاً ادیت خنده‌دار می‌ذارن، ویدیوهای صحنه‌های کنسرتا رو می‌ذارن، حرفایی که اعضای زدن و این جور چیزا.

- بعد از این که با بی‌تی‌اس آشنا شدی، تغییری در شما ایجاد شد؟

اول این که من آدمی بودم که اعتماد به نفسم خیلی پایین بود، الآن اعتماد به نفسم خیلی رفته بالاتر، یه خورده راحت‌تر شدم. قبلاً خیلی سخت می‌گرفتم و یه خورده یوبس بودم، ولی خب الآن خیلی بگو بخندتر شدم، بعد خودم رو بیش‌تر دوست دارم و خیلی از اون کلیشه‌های جنسیتی و چیزایی که داشتیم، الآن خیلی عادیه برام.

- گفتی که قبلاً زندگی رو سخت می‌گرفتم، یک کم بیش‌تر توضیح می‌دی؟

من بعد از یه مدت، حدود سیزده سالم که بود، با دوستانم قطع رابطه کردیم و دعوامون شد، بعد خیلی به دوستانم وابسته بودم، وقتی که باهاشون دعوام شد و کات کردیم، من خیلی افسرده شدم، بعد از اونم دیگه، اون آدمی که خیلی بگو بخند بود، خیلی درون‌گرا شد، خیلی ساکت‌تر شد، خیلی جدی‌تر شد، دوستانم می‌دونستن، مثلاً آگه هم کلاسیام با هم می‌گفتن و می‌خندیدن، من فقط نگاه‌شون می‌کردم.

- گفتی که خیلی از کلیشه‌های جنسیتی برایت از بین رفت، راجع به این هم توضیح می‌دی؟

مثلاً این که مردا نمی‌تونن موهاشون رو رنگ کنن، الآن رنگ کردن موی مردا خیلی چیز عادیه برام یا مثلاً از جواهرآلات و زیورآلات استفاده کنن یا روابط گی و این جور چیزا خیلی برام عادی‌تر شده یا مثلاً این که مردا لاک بزنن، البته این که دخترا هم موهاشون رو پسرانه بزنن، خیلی برام عادی‌تر شده، حتی پسرا میکاپ کنن.

- یعنی قبل آشنایی با بی‌تی‌اس، این‌ها برایت غیرعادی بود؟
آره تا حدودی، چون که فرهنگ ما همچین چیزی نیست، فرهنگ ما اینه که مرد نباید گریه کنه، مرد باید سیبیل داشته باشه، مرد باید ریش داشته باشه، مرد نباید گوشواره بندازه، به خاطر فرهنگ و جامعه‌ای بود که توش بزرگ شده بودم. ولی خب بعد این که با بی‌تی‌اس آشنا شدم و فرهنگ اونا رو دیدم، دیگه این چیزا خیلی برام عادی‌تر شد.

- یعنی الان از نظر شما هم‌جنس‌گرایی یا دوجنس‌گرایی مشکلی نداره؟
نه، البته هم‌جنس‌گرایی مشکلی نداره، ولی اگه هم‌جنس‌باز باشه، نه.
- این دوتا چه فرقی دارن؟

مثلاً الان من به دخترا گرایش ندارم و چیز جذابی توش نیست که بخوام، باهاش رابطه داشته باشم، ولی خب به طور طبیعی و غریزی، یه پسر من رو به خودش جذب می‌کنه. هم‌جنس‌گرا هم همینه، دست خودش نیست، مثلاً اگه پسر، از پسر خوشش میاد، اگه دختر، از دخترا خوشش میاد. ولی هم‌جنس‌باز کسیه که از روی هوسه، یعنی مثلاً شاید یه پسر گرایشش به دخترا باشه‌ها، ولی از روی هوس و برای اون حس شهوتش، می‌ره با یه پسر می‌خوابه.

- توی اینستاگرام افرادی که هم‌جنس‌گرا هستن رو دیدی یا دنبال می‌کنی؟
مثلاً همین اعضای بی‌تی‌اس، خیلیا می‌گن که دو نفرشون با هم هستن، ولی خب هنوز جایی رسماً اعلام نکردن، ولی می‌گم اینم نمی‌دونم با هم هستن یا نه و درکل از بین اطرافیانم کسی رو ندیدم که گی باشه.

- چی باعث شد فکر کنی که این دو نفر گی هستن، از طریق فن پیج‌های اینستاگرام؟
آخه مثلاً یه وقتایی که ویدیوها رو آنالیز می‌کنن، مثلاً جوری که به هم‌دیگه نگاه می‌کنن یا جوری که خیلی وقتا خود کمپانی میاد اونا رو از هم‌دیگه جدا می‌کنه، مثلاً باعث می‌شه که فن‌ها بگن این‌ها با هم هستن، خیلی ویدیو هست که آنالیزش اینه که این‌ها دارن فلان کار رو انجام می‌دن، مثلاً همین حسودی و این جور چیزا.

- به جز بی‌تی‌اس، توی پیج‌های دیگه هم مطالب مربوط به هم‌جنس‌گرایی رو می‌بینی؟
نه، آخه زوج گی قشنگی رو پیدا نکردم.

- به نظرت چی باعث می‌شه یک نفر جذب هم‌جنس خودش بشه؟
مثلاً همون طور که من به این شکل به دنیا اومدم که جذب پسرا می‌شم، این توی خود ژنشه، نه این که خودش بخواد این رو تصمیم بگیره و انتخاب کنه.
- تاحالا به این فکر کردی که چرا توی بعضی از دین‌ها، مخصوصاً دین اسلام، انسان‌ها رو از هم‌جنس‌گرایی منع کردند؟

من نمی‌دونم، ولی مثلاً دختر عمه‌ام یادمه می‌گفت که اون چیزی که توی دین اسلام اومده یا اون چیزی که درباره قوم لوط می‌گن، اونا هم‌جنس‌بازند. یعنی مثلاً شاید گرایش‌شون به زنا بود، ولی از روی هوس و این‌جور چیزا این کار رو می‌کردند. بعد یه نفر که هم‌جنس‌بازه، از رفتارش معلومه، مثلاً دو نفر که کاپل گی هستند، خیلی به هم محبت می‌کنند و حواس‌شون به همه، ولی اگه هم‌جنس‌باز باشه، فقط برای شبهه و تموم شد و رفت، البته خب تعداد کسانی که استریت هستن، خیلی بیش‌تر از گی هست.

- این اطلاعات مربوط به گرایش‌های جنسیتی رو بیش‌تر از کجا فهمیدی؟
این‌ها رو من مثلاً از همون پیجایی که ویدیوهای جونگ گوک و تهیونگ رو آنالیز کرده بودن، فهمیدم. توی اینترنت دیدم یا توی اکسپلور اینستا و این‌جور چیزا.



- مثلاً از اکسپلور اینستاگرام چی دیدی؟
مثلاً فکر کنم، می‌گفتن که این بنده خداها دست خودشون نیست یا مثلاً اونایی که گی هستن، خودشون به اندازه کافی سختی می‌کشن، دیگه نیازی نیست ما با حرفا و رفتارمون اذیت‌شون کنیم و اینا و چیزی که دست یه انسان نیست و نباید اذیت‌شون کنیم. مثل اینه که کسی که اوتیسم داره بگیم که چرا این اوتیسم داره یا مثلاً اذیتایی رو می‌دیدم که دوتا کاپل گی بودن، مثلاً اومده بودن که بگن چه قدر ناراحت ان که جامعه اذیت‌شون کرده بود.
- شما این مدل پیج‌ها رو فالو می‌کنی؟

نه، فقط یه وقتایی میام از اکسپلور میبینم.

- در مورد این جور مسایل با دوستان خودت هم صحبت می کنی و از چیزهایی که توی اینستاگرام فهمیدی، برای شون می گی؟

آره، بیش تر با دخترعمه ام راجع به این جور چیزا حرف می زنیم، ولی خیلی با دوستانم حرف نمی زنم.

- با پدر و مادر چه طور، شده پیش بیاد راجع بهش صحبت کنید؟

نه، ولی خب یه وقتایی که توی من و تو، یه کاپل گی رو میاره، مثلاً مامانم بهشون توهین می کنه و می گه، آه چه قدر چنشدن، ولی من ازشون حمایت می کنم، می گم که بابا دست خودشون که نیست، چند بارم که ازش پرسیدم، گفتش که من چندشم می شه.

- مادر تا حالا سعی نکرده شما رو قانع کنه که اشتباه می کنی؟

نه، مامان منم چیزی نگفته، آخه می گم خیلی راجع به این مسأله حرف نمی زنیم، مثلاً یه وقتایی که تلویزیون نشون بده، در همین حد.

- یکی دیگه از مواردی که گفتی، درباره ی آرایش کردن مردها و رنگ کردن موها بود، توی کشور ما به نظرت این ها چه طور دیده می شه؟

خب به همون دلیلی که می گن مرد نباید گریه کنه، اینا رو هم می گن مرد نباید انجام بده، انگار که مرد باید خشن باشه، باید زمخت باشه.

- بعد توی منابع دینی هم درباره ی گرایش های جنسیتی جست و جو کردی؟

آره، خوب من خیلی به خدا اعتقاد دارم و باور دارم هر چی که خدا می گه راسته، ولی مثلاً یه وقتایی که توی اینترنت سرچ می کنم که حالا من یه همچین فکری دارم، خدا نظرش چیه و اینا، یه سری چیزا درباره ی هم جنس بازها پیدا کردم، چیز خاصی درباره ی هم جنس گرا پیدا نکردم.

- یعنی فقط از اینستاگرام و گوگل مطلب دیدی؟

آره دیگه، بعضیا رو هم دخترعمه ام یا خاله ام که مشاوره بهم گفته.

- گفتی که خیلی به خدا اعتقاد داری، یک کم بیش تر توضیح می دی که منظورت از اعتقاد چی هست؟

من بیش تر به خدا اعتقاد دارم، البته دین اسلام رو هم قبول دارم، ولی خب باز می گم که این دین ها باعث شده خیلی دعوا بشه و این جور چیزا، یعنی اگه بخوام خودم رو بگم، من نماز نمی خونم، روزه نمی گیرم، ولی اصلش اینه که به خدا اعتقاد دارم و سعی می کنم انسان خوبی باشم. مثلاً به حیوونا آسیب نرسونم، آدما رو اذیت نکنم، فحش ندنم، ولی خب از یه طرفم ثابت شده همین نماز که می خونیم، کلی انرژی مثبت می ده و باعث می شه انرژی های منفی بره، ۵ صبح که برا نماز پا می شی، باعث می شه خطر ابتلا به سکنه کاهش پیدا کنه، برای همین چیزایی که خدا می گه، بیش تر

برای سلامت بدنه و این که دستورات دینم انجام بدیم بهتره، من خودمم جدیداً می‌خوام که نماز بخونم.

- گفتی قبل از این که با بی‌تی‌اس آشنا بشی، اعتماد به نفست کم بود، چه طور بعدش اعتماد به نفست افزایش پیدا کرد؟

مثلاً وقتی که... خب توی اعتماد به نفس داشتن، شاد بودن و خودشون رو دوست داشتن، خود اعضاء هم این شکلی بودن، خودشون هم اول این کمبود رو داشتن، ولی بعدش به این کمال رسیدند. نمی‌گم که شعار باشه، ولی یکی از عضوهایش که اسمش آر امه یا همون نام جون که اون خودش کمبود اعتماد به نفس داشت و اوایل که تازه اومده بودن، عینک می‌ذاشت، چون از قیافه‌اش خجالت می‌کشید، بعد که با اعتماد به نفس شد، دیگه عینک نمی‌ذاشت. این جور چیزا باعث شد که منم اعتماد به نفس بگیرم یا مثلاً وقتی می‌دیدم یکی از اعضاء خیلی بگو بخنده، خیلی راحت، سخت نمی‌گیره، باعث شد روی منم تأثیر بذاره که این قدر سخت نگیرم، واقعاً خبری نیست.



- یعنی این گروه علاوه بر خوانندگی، می‌تونن الگوی خوبی باشن؟ آره.

- به بقیه دوستان خودت توی اینستاگرام گفتی که اون‌ها هم با بی‌تی‌اس آشنا بشن؟
الآن که دیگه تقریباً همه بی‌تی‌اس رو می‌شناسن، تعداد زیادی هم طرفدارشون ان، ولی خب صمیمی‌ترین دوست من که ساغره، مثلاً به اون گفتم که من طرفدار همچین کسی هستم، دوستانم می‌دونن.

- تا حالا توی اینستاگرام چیزی دیدی که نقطه ضعف این گروه رو نشون بده؟
خود اعضاء که نه، چون به هر حال سعی می‌کنن خودشون رو بی‌نقص نشون بدن، ولی یه سری ادیتایی هست از جونگ گوک و تهیونگ که مثبت هجده.

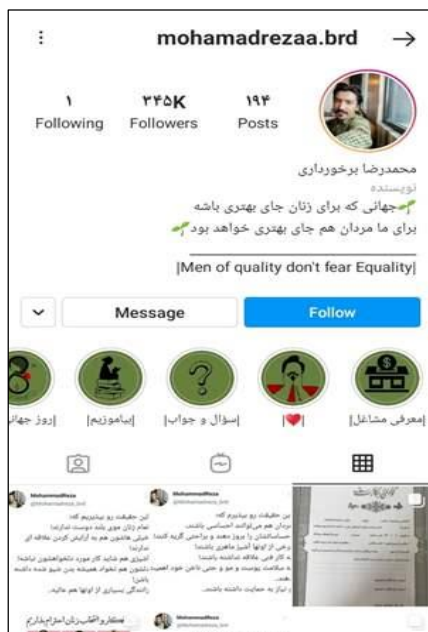


- یک کم بیش تر توضیح می‌دی؟

مثلاً می‌رن یه سری ویدیوها درباره‌ی بی‌تی‌اس توی یوتیوب پیدا می‌کنن، یه قسمتی که اعضا انگار گی هستن رو می‌ذارن کنار هم، بعد مثلاً این ویدیوهای خاص هستن که بدن شون رو نشون می‌ده یا روناهاشون رو نشون می‌ده، اینا رو بیش تر فن پیجا می‌ذارن، ولی ویدیوهای مثبت هجده رو توی اکسپلور دیده بودم.

- به جز فن پیج‌های بی‌تی‌اس، دیگه چه جور پیج‌هایی رو دنبال می‌کنی؟

به جز بی‌تی‌اس... یادم نیست، باید برم پیدا کنم. آهان یه پیجی که دنبال می‌کنم، محمدرضا برخوردار هست، یه مرد فمینیسته که مثلاً میاد به دختری می‌گه که همین کلیشه‌های جنسیتی که دختر سطحش از پسر کم‌تره و اینا، می‌گه همچین چیزی نیست، شما می‌تونید به چیزایی که می‌خواید برسید، مثلاً اگه یه مرد می‌تونه مکانیک باشه، دخترم می‌تونه مکانیک کار باشه.



- با فمینیسم از این طریق آشنا شدی؟

نه، خب قبلاً هم با فمینیسم از همین اینستا و تلویزیون آشنا شدم و تقریباً هم باهاش موافقم، بعد حالا اینم که دیدم حرفای درستی می‌گفت، ولی خب یکی دیگه از پجایی که دیده بودم، ادمینش زن بود، مثلاً مردا رو می‌کوبید، ولی فمینیست درست، برابریه، نه کم‌تر، نه بیش‌تر، محمدرضا برخورداری هم دقیقاً همین رو می‌گه، برای همین می‌گم که من تقریباً فمینیست هستم.

- چه چیزهایی رو در فمینیسم قبول داری و چه چیزهایی رو نه؟

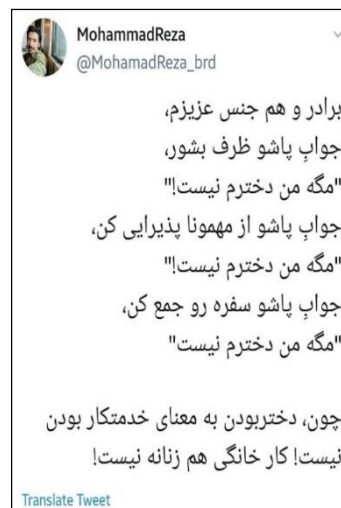
مثلاً این که یک دختر می‌تونه کارهای مردونه بکنه، مثلاً مکانیک کار بشه یا یک دختر می‌تونه... همین تابوهایی که داریم دیگه...، دختر می‌تونه بلند بخنده، حتماً دختر نباید ازدواج کنه، حتماً نباید خونه‌دار باشه، یه دختر اگه بخواد به هر چی که بخواد می‌تونه برسه، آهان اینم هست که ما لازم نیست خودمون رو به خاطر مردها عمل کنیم یا به خاطر مردها خوشگل کنیم، ما زیبایی رو به کسی بدهکار نیستیم.

- چیزهایی هست که توی فمینیسم قبول نداشته باشی؟

فمینیسم افراطی که من دیده بودم...، مثلاً یه پیج رو دیده بودم که دختری زیر هجده سال رو تشویق می‌کرد به رابطه‌ی جنسی، در حالی که توی خود آمریکا هم زیر هجده سال غیرقانونیه، بعد این داشت دختری زیر هجده سال رو با این فرهنگی که ما داریم، تشویق می‌کرد به رابطه‌ی جنسی یا مثلاً می‌گفتش که اصلاً نباید ازدواج کنید، اگه ازدواج کردید، باز می‌تونید با فرد دیگه که دوستش دارید رابطه داشته باشید، مثلاً یه دوست پسر داشته باشید، خب این خیلی چیزه دیگه... .

- پیج‌هایی که درباره‌ی فمینیسم هست، زیاد دیدی؟

آره، بعد از بین اونایی که دیدم به نظرم پیج محمدرضا برخورداری از همه بهتر بود، بیش‌ترش هم درباره‌ی برابری می‌گه.



- یادت میاد توی همین پیج محمدرضا برخورداری مطلبی گفته شده که خوشت نیاد؟ مثلاً یه چیزی که بود و من یادمه اینه که ما نباید از خریدن نوار بهداشتی خجالت بکشیم، می‌گه که این یه چیز بهداشتیه و ما نباید ازش خجالت بکشیم، یه چیز طبیعی بدنه، اولش این یه کم درکش برام سخت بود، ولی خب الان نه... .

- دلیل این که دیگه خودت پست و استوری نمی‌گذاری چی هست؟ آخه اگه بخوام فعالیت کنم، حوصله ندارم که مثلاً فن پیج یه گروه باشم، اگر هم بخوام، باید عکس خودم رو بذارم که اصلاً آدمی نیستم که از خودم عکس بگیرم، برای همین این جور کارا خیلی به شخصیت من نمی‌خوره.

- خوب گفتی که وقتی بچه‌تر بودی، خیلی بیش‌تر پست می‌گذاشتی، ولی الان دقیقاً برعکس شده، این مسأله چه دلیلی داشت؟

اممم... مثلاً الان حریم شخصی خیلی برام مهم‌تره، بچه‌تر که بودم لحظه به لحظه رو می‌ذاشتم، ولی الان حریم شخصی خیلی برام مهمه، علاقه‌ای ندارم که همه در مورد همه چیز شخصی من بدونن. - اگر که خودت در آینده بچه داشت باشی، می‌گذاری که از اینستاگرام استفاده کنه؟ آره، ولی خب از کلاس ششم به نظرم بهتره، البته به نظرم کلاس هفتم باز یه خورده بهتره، چون حالا یه خورده پخته‌تر شده، آمادگیش بیش‌تر شده.

- یعنی چی پخته‌تر و آماده‌تر هست؟

مثلاً عقلش بیش‌تر شده، می‌دونه سمت چه چیزایی باید بره و سمت چه چیزایی نباید بره.

- یعنی قبل کلاس هفتم آماده نیست؟

نه این که آماده نیست، منم قبلش خیلی چیزا رو می‌دونستم، ولی همون حس کنجکاوی و اینا کار دستش می‌ده.

- اگر بفهمی که بچه‌ات استفاده نادرستی از اینستاگرام می‌کنه، واکنشت چی هست؟

منم مثل مامانم رفتار می‌کنم، یعنی دعوا نمیام بکنم یا داد و بیداد کنم، به جاش با دلیل منطقی توضیح می‌دیم که این درست نیست، خودمم سعی می‌کنم جلوتر براش توضیح بدم که وقتی توی اینستا می‌بینی، اون قدر چیز عجیبی براش نباشه.

- خسته نباشی. خیلی ممنون که هم‌کاری کردی.

خواهش می‌کنم.

- خداحافظ تا جلسه بعد.

خداحافظ.

ادامه مصاحبه:

- سلام مهسا جان، خوبی؟

سلام، بله، خیلی ممنون.

- خوب اگر آماده هستی مصاحبه رو شروع کنیم؟

بله، آماده‌ام.

- خوب اگه یادت باشه توی مصاحبه قبلی گفتی که غیرطبیعی که یک بچه کلاس دومی اینستاگرام داشته باشه. می‌خواهم بدونم که چرا به نظرت غیرطبیعی، این مسأله چه آسیب‌هایی می‌تونه داشته باشه؟

غیرطبیعی نیست، یعنی این که درست نیست، اگه یه بچه کلاس دوم اینستا داشته باشه، خب وقتش گرفته می‌شه، به جاش می‌تونه کلی هنرای دیگه یاد بگیره، اینستاگرام برای یه بچه کلاس دومی خیلی مسمومه، حرفایی توش هست که شاید مناسب سنش نباشه، برای همین می‌گم.
- به نظرت کاربری زود هنگام از اینستاگرام از لحاظ روانی چه آسیب‌هایی می‌تونه داشته باشه؟
خب ممکنه به خاطر چیزهایی که می‌بینه، پرخاشگر بشه یا کلمات بدی استفاده کنه یا خیلی چیزا رو زودتر از سنش یاد بگیره، یعنی خیلی زود بزرگ شه.

- شما خودت کسی رو دیدی که در سن پایین از اینستاگرام استفاده کنه و تأثیر زیادی روش گذاشته باشه؟

خب آره، مثلاً دختر عمه‌ی خودم از یه خانواده خیلی مذهبی، بعد همون کلاس ششم بود که دیدم خیلی رفتاراش تغییر کرد، یه خورده هنجارشکن‌تر شد، افکار و عقایدش، همه چی تغییر کرد.

- مشکلات جسمانی چه طور، می‌تونه روی جسم هم تأثیراتی داشته باشه؟

عه خب آره، بستگی داره، مثلاً یه نفر می‌ره بیش‌تر سراغ پیجایی که حالت افسردگی دارن، بعد مثلاً حالت افسردگی به خودش می‌گیره یا دست به خودکشی بزنه یا به بدنش آسیب برسونه.

- به نظرت روی جسم خودت تأثیر گذاشته؟

آره خب، مثلاً من خودم کلاس ششم خیلی چشمم ضعیف شد، چون خیلی وارد اینستاگرام می‌شدم، بعد از اون من عینکی شدم، یعنی عینکی شدم ولی عینک نزد، چشمم خیلی ضعیف شد، توی خانواده‌مون هم من قبلاً کسی بودم که چشمم خیلی قوی بود، خیلی از دوستانم رو می‌شناختم که مدرسه داشتیم، ولی تا ساعت ۲، ۳ شب توی اینستاگرام بودن، فردا صبح می‌اومدن مدرسه، اصلاً نمی‌تونستن مثل آدم درس رو گوش بدن.

- تا حالا دیدی کسی توی سن پایین از طریق همین فضا پول دربیاره؟

توی خانواده و دور و بریام ندیدم، ولی یه پسر رو دیدم توی اینستا، کلاس سوم بود، بلاگری می‌کرد و به این شکل که خیلی غذا می‌خورن، کلاس سوم بود، ولی خیلی چاق بود، این پولی که الان درمیاره، باید چند سال دیگه خرج انسولین و دیابتش کنه.

- چه کاری انجام می‌داد؟

- فود بلاگر بود، جلوی دوربین هم غذا می خورد، هم معرفی می کرد و کار تبلیغات انجام می داد.
- اگه یادت باشه توی مصاحبه قبل گفتم، وقتی کلاس سوم بودی توی اینستاگرام یک سری کلیپای مثبت ۱۸ دیدی و باعث شد دیدت نسبت به پدر و مادر عوض بشه، می خواهم برای من بگی که چه تغییراتی در شما ایجاد شد و دلیل تغییر رفتارت با پدر و مادر چی بود؟
- خب گفتم، چون خیلی پرخاشگر شده بودم و با پدر و مادرم بد رفتار می کردم.
- بد رفتاری به چه صورت، مثال می زنی؟
- مثلاً صبحا که از خواب بلند می شدم، باهاشون حرف نمی زدم، مثلاً هی بهشون می توپیدم، کوچیک ترین کاراشون رو مخم بود، هی بهشون توهین می کردم.
- تا کی این بد رفتاری ها ادامه داشت؟
- فکر کنم تا یه سال بود یا یه سال و نیم اینا.
- چی شد که این بد رفتاری ها و بی محلی نسبت به پدر و مادرت کم تر شد؟
- نمی دونم، انگار یادم رفت همه چیز، شاید چون دیگه نرفتم سراغ دیدن این جور چیزا، کلاً یادم رفت، دیگه پیش دوستا و اینا هم من بهشون اطلاعات می دادم، بین دوستان هم عادی شده بود، انگار یادم رفت.
- پدر و مادر متوجه این تغییر رفتار در شما نشدند؟
- نه، فکر می کردن این چون بچه هست، مودیه، خیلی اهمیت نمی دادن.
- گفتمی که اون اوایل که بچه بودی بیش تر پیچ های مدل دخترونه رو دنبال می کردی، ولی بعدش رفتی سراغ سریال ها و بازیگرهای هندی، چی شد که علاقه ات تغییر کرد؟
- هیچی یه روز زدم ماهواره، بعد فیلم هندی نشون می داد، یه فیلم عاشقانه بود، بعد منم خوشم اومد، بعد نشستم توی لپ تاپ از اول تا آخرش رو دانلود کردم.
- توی چه سنی بودی که خیلی به بازیگرهای هندی علاقه پیدا کرده بودی؟
- فکر کنم از کلاس دوم بود تا ششم.
- چه چیزهایی رو راجع به این سریال های هندی از اینستاگرام می دیدی؟
- خب مثلاً می رفتم توی اینستاگرام برم ببینم قسمتی جلوترش چی می شه، چون توی ماهواره چند قسمت عقب تر بود، بعد کنجکاو می شدم، می رفتم ببینم که چی می شه و اینا.
- طرفدار بازیگری هم بودی که بری پیجش رو پیدا کنی؟
- آره، آره، یه کسی بود که دو سال باهاش حال می کردم، این تنها بازیگر هندی بود که فالو کردم و طرفدارش بودم، بازیگر زبان عشق بود.
- چه چیزی باعث شد که شما طرفدارش بشی؟
- شخصیت کارکترش از این حالتا بود که شجاع بود، لج باز بود، حال زن داداشش رو می گرفت، خیلی باحال بود.

- چیزی از پیچ این بازیگر یادت می‌آید؟
عکسای خودش بود، بعد مثلاً برای عکساش کامنت می‌ذاشتم، معمولاً هم قلب می‌ذاشتم.
- تا کی طرف‌دارش بودی؟
یه سال و نیم، بعدش دیگه کلاً آنفالوش کردم.
- چی شد که بعد یک سال و نیم آنفالوش کردی؟
آخه بعد از یه سال و نیم دیگه تکراری شد، اون سریال زبان عشقم دیگه تموم شده بود، نمی‌دونم، دیگه جالب نبود، جذابیت نداشت، اصلاً من بیش‌تر از شخصیت کاراکترش خوشم می‌اومد تا خودش.
- خوب توی مصاحبه قبل گفتی بعد از یک مدت با گروه بی‌تی‌اس آشنا شدی و باعث شد اعتماد به نفست بیش‌تر از قبل بشه، می‌خواهم بدونم چرا اعتماد به نفست قبلاً پایین بود؟
نمی‌دونم، شاید چون توی کودکیم این‌جوری باهام رفتار می‌کردن که باعث می‌شد اعتماد به نفس بیاد پایین، مثلاً همیشه می‌گفتن که از این یاد بگیر، از اون یاد بگیر، برای همین من هر چه قدرم خوب بودم، احساس می‌کردم مثلاً دوست صمیمیم از من بهتره، این‌جوری بود که دوست صمیمی من، شاید وضع مالی‌شون خیلی از ما پایین‌تر بود، ولی من اعتماد به نفسم خیلی پایین‌تر بود، اون خیلی اعتماد به نفس داشت، خیلی از وقتا اون من رو به خونه خودشون دعوت می‌کرد، ولی من این کار رو نمی‌کردم، چون فکر می‌کردم خونه‌مون قشنگ نیست، در صورتی که خونه‌مون نسبت به اونا خیلی قشنگ‌تر بود، وقتی که رفتم خونه همین دوستم، دیدم که خونه‌شون خوب بود، ولی نسبت به خونه ما پایین‌تر بود، بعد به خودم گفتم که حتماً مشکل از منه.
- چه چیزی توی بی‌تی‌اس باعث شد اعتماد به نفست بیش‌تر بشه؟
خب نمی‌گم که همه‌اش به خاطر بی‌تی‌اسه، خودمم خیلی کار کردم، چیزی که باعث شد این بود که وقتی تعریف می‌کنن همیشه عزت نفس دارن، توی هر حالتی خودشون رو دوست دارن، مثلاً می‌گفتن لاو یور سلف و اینا، اولش خودم تلاش کردم، ولی خب بی‌تی‌اس هم کمک کرد.
- شما خودت بیش‌تر از کدوم یکی از اعضاء بی‌تی‌اس خوش‌تر می‌آید؟
جین بود، جین یه شخصیتی داره که به خودش می‌گه ورلد وایلد هندسام، یعنی خوشگل جهانی، بعد همه جا هم این رو می‌گه، حتی توی سازمان ملل و عروسکی که نماد گروه‌شون هست رو همیشه با خودش می‌بره، اون رو عاشقانه بغل می‌کنه، بعد این الگوی من شد که چه قدر خودش رو دوست داره، چه قدر با اعتماد به نفسه، همیشه درباره‌ی خودش حرف می‌زنه.



- وقتی اون اوایل اینستاگرام داشتی، پست‌ها و پیج‌های مربوط به دین و معنویت رو هم می‌دید؟

نه، اصلاً تا همین کلاس ششم هم اعتقاد خاصی برای خودم نداشتیم، ولی خب وقتی با بی‌تی‌اس آشنا شدم، خیلی دیدم وسیع‌تر شد و فهمیدم چیزای مختلفی هم وجود داره.

- از طریق بی‌تی‌اس با چه چیزهایی آشنا شدی؟

مثلاً همین دختر عمه‌ام که گفتم، خیلی چیزا برام می‌فرستاد، مثلاً راجع به گرایش‌های مختلف جنسی بود، بعد خب این فیلمایی که توی تیک‌تاک درست می‌شه هستن، در مورد هم‌جنس‌گراها حرف می‌زنن و اینا.

- یعنی قبل از اون هیچ اطلاعاتی درباره‌ی گرایش‌های جنسیتی نداشتی؟

نه که بگم نداشتیم، داشتیم، ولی فکر می‌کردم مسخره‌بازیه، قبلاً اصلاً خوشم نمی‌اومد خیلی، ولی خب الان دیگه اون دید رو ندارم، اگه این کار رو می‌کنن به خاطر اینکه توی غریزه‌شونه و دست خودشون نیست که انتخاب کنن.

- الان چه طور، اطلاعات مذهبی و معنوی رو دنبال می‌کنی؟

نه، اصلاً دنبال این چیزا نیستیم.

- پیج‌های خبری رو چه طور؟

نه خیلی، مگه این که یه خبری خیلی زیاد باشه، می‌خونم، ولی دنبال نمی‌کنم، چون خیلی انرژی منفی داره.

- چرا انرژی منفی به شما می‌ده؟

چون که می‌گن مردم ایران الان توی اصفهان آب ندارن، گازشون قطعه، مردم ایران الان دارن توی خیابونا زندگی می‌کنن و خب آدم خیلی ناراحت می‌شه که هموطن خودته و من نمی‌تونم هیچ کاری بکنم.

- مثلاً همین خبر رو از کجا دیدی؟

اینا رو مثلاً بیش‌تر از من و تو می‌بینم، ولی خب یه سری خبرای دیگه رو همین جوری توی اکسپلور اینا که از پیج من و توئه می‌بینم.



- بعد از صحت اخبار چه جوری مطلع می‌شی؟ شاید شایعه باشه.
- نه، واقعاً نرفتم دنبالش، ولی خب نمی‌دونم وقتی من و تو ویدیو می‌ذاره، بعد خود مردم می‌گن که از ساعت فلان تا فلان ما آب نداریم، خب همه قبول می‌کنن، برای همین دیگه دنبالش نمی‌رم.
- پیج‌های مربوط به مد روز و این‌ها رو دنبال می‌کنی؟
- آخه پول ندارم، دلم می‌خواد، ولی خب پول ندارم، البته خب من خودم بافت مو و این‌ها رو خیلی دوست داشتم، اطرافیانم هم اون قدر موهاشون بلند نیست که روشن انجام بدم، بعد دیدم برام حسرت می‌شه، اونم دیگه نمی‌رم دنبالش.
- مسایل مربوط به محیط زیست یا پوشش‌هایی که توی اینستاگرام وجود داره رو دنبال کردی؟
- توی اینستاگرام ندیدم، ولی کلاس هفتم که بودم یه زنگی داشتیم، زنگ محیط زیست بود، یه خانمی می‌اومد راجع به گرمایش زمین، انقراض، نحوه شکار کردن و این چیزا رو نشون می‌داد. بعد از اون‌جا بود که من فهمیدم دنیا چه خبره و الآن وقتی می‌شنوم جنگلای فلان‌جا خراب شده، خیلی بهم می‌ریزم.
- تا حالا به این فکر کردی که از اینستاگرام کسب درآمد کنی؟
- نه، البته فکر کردم، ولی خب الآن نمی‌تونم، مثلاً بزرگ شدم رفتم دانشگاه شاید یه حرکتی زدم.
- مثلاً چه برنامه‌ای رو بهش فکر کردی؟
- البته کار حضوری رو ترجیح می‌دم، ولی خب اگه خواسته باشم کار مجازی داشته باشم، شاید ماسک صورت بفروشم، چون خودمم خیلی از ماسک خوشم میاد.
- منظورت ماسک برای پوست هست؟
- آره.
- یعنی این که خودت ماسک‌ها رو درست کنی و بفروشی؟

تا همین یه سال پیش که وقت داشتیم، می‌رفتم توی اینترنت یاد می‌گرفتم و خودم ماسک خونگی درست می‌کردم. مثلاً ماسک قهوه، آلوئه‌ورا و اینا، ولی الآن وقت ندارم، اگر هم بخوام انجام بدم، از همونایی که بیرون می‌خرم، استفاده می‌کنم، اگر هم بخوام در آینده بفروشم، به نظرم ماسک رو بخرم، بفروشم، بهتره.

- چرا، شما که وقت گذاشتی یاد گرفتی؟

نمی‌دونم، آخه اگه از یه برندی باشه قطعاً فروشش بیش‌تره.

- پس به نظرت کسب درآمد از طریق اینستاگرام فکر خوبی هست؟

آره، خب مثلاً تو شاید توی شهر کوچیکی باشی، ولی اگه یه پیج داشته باشی، قطعاً درآمدت از یه مغازه کوچیک توی یه چهارراه بیش‌تره، البته اینایی که از راه بلاگری پول درمیارن خیلی خوشم نمیاد، ترجیح می‌دم همون شغل کاری باشه تا پیام با تبلیغ پول دربیارم.

- چرا از روش بلاگرا خیلی خوشت نمیاد؟

نمی‌دونم، شاید من این جوریم، ولی خیلی خوشم نمیاد، احساس می‌کنم الآنم خیلی لوس شده، فقط اگه می‌شه مصاحبه رو تموم کنیم، چون من کار دارم.

- باشه مهسا جان مشکلی نیست، تا همین جاش هم خیلی ممنونم، موفق باشی، خدانگه‌دار.

خواهش می‌کنم، ممنون از شما، خداحافظ.

تأملی دوباره

مهرسای ۱۶ ساله در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی- تربیتی، اقتصادی، خانوادگی، روان‌شناختی، زیباشناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است.

مهرسای در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به مواردی مانند: کاهش تمرکز و عملکرد آموزشی خود و دوستانش اشاره داشته است.

مهسا در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: اثرپذیری عمیق نوجوانان و جوانان از الگوهای مطرح شده در اینستا، اثرپذیری از افراد و گروه‌های نامتعارف در فضای مجازی، عضویت در گروه‌های نامتعارف اینستاگرام، غوغای اندیشه اخذ لایک و ویو از سنین پایین، حمایت جوانان از یکدیگر، تحقق روابط مبتنی بر فریب در اینستاگرام، استقبال از هنجارشکنی و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

مهسا در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اخلاقی کاربران، به مواردی مانند: گرایش فضای اینستا به ابتذال، دیگرپیروی اخلاقی برخی از کاربران از سلبریتی‌ها و پیج‌های متنوع اینستاگرام، پرخاش و اهانت به دیگران در غیاب سازوکارهای تهاجم شکن، افزایش دروغ-گویی، آسیب‌های بزرگ شدن در فضای مجازی و نظایر آن در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

مهسای ۱۶ ساله در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به مواردی مانند: بزرگ شدن دایره تجارت بدون محدودیت مکان و زمان در اینستاگرام و تحقق کودکان کار سایبری در فضای شبکه‌های اجتماعی و نظایر آن اشاره داشته است.

مهسا در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، به مواردی مانند: ضعف والدگری الکترونیکی، یافتن دید تحقیرآمیز نسبت به اولیا، دور زدن خانواده توسط فرزند و نامتعادل شدن روابط با اولیا در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

مهسا در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به مواردی مانند: افزایش اعتماد به نفس، تحول کاربری از محتواهای فضای مجازی، تسهیل برخوردهای هیجان مدار در روابط انسانی، بروز درگیری‌های روانی با شروع زودهنگام کاربری از اینستا، ورود زود هنگام به عرصه هرزه‌نگاری و نظایر آن در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

مهسا در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، به مواردی مانند: دیگر پیروی برخی از کاربران در ابعاد زیبایی شناختی از سلبریتی‌ها، بلاگرها و اینفلوئنسرهای حاضر در فضای اینستا در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

مهسای ۱۶ ساله در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیستی کاربران، به مواردی مانند: ناراحتی‌های چشمی، ضعف بینایی و کاربری از ادبیات هرزه‌نگار که سبب جلو افتادن بلوغ زیستی می‌گردد، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

مهسا در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به ترغیب برخی از کاربران و صفحات اینستاگرامی مبنی بر ضرورت عطف توجه به مسایل محیط زیست، اشاره داشته است.

مهسا در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار سیاسی کاربران، به مواردی مانند: خطرناک جلوه‌گر شدن هر گونه فعالیت اجتماعی و سیاسی در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

مهسا در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل عقیدتی کاربران، به مواردی مانند: دیگرپیروی عقیدتی برخی از کاربران از سلبریتی‌ها، بلاگرها و اینفلوئنسرها و پیج‌های متنوع

اینستاگرام، اعتماد به منابع ناموثق دینی، تحول قرائت دینی نوجوانان و جوانان، کاهش حساسیت نسبت به اوامر و نوامر دینی و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

مهرسای ۱۶ ساله در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: پایین آمدن سن کاربری از اینستاگرام، گذران فراغت در اینستا، تولید محتوای خویش در سن ۸، ۹ سالگی، القای برخی از مفاهیم فرهنگ فمینیستی به کاربران، آشنایی و استقبال از مواضع فمینیسم رادیکال، تحول آفرینی در قالب‌های جنسیتی موجود در جامعه، رکیک شدن بیان در غیاب سازوکارهای تهاجم شکن، فرهنگ‌زدایی و ایجاد گسست تاریخی و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه مهرسای ۱۶ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، مهسا در مصاحبه خویش ضمن گزارش پایین آمدن سن کاربری از شبکه‌های اجتماعی به سال‌های اول و دوم دبستان، از تولیدهای خویش (که شخصاً آن‌ها را چرت و پرت می‌نامد)، یاد کرده است که بالطبع تولیدهایی کم مایه و بعضاً مبتذل هستند و در ادامه از تأثیرپذیری خویش از فرهنگ فمینیستی و خاصه فمینیسم رادیکال در فضای اینستا، سخن گفته است. ادامه تغذیه مهسا از فرهنگ عرضه شده در فضای اینستاگرام از سویی و ضعف مفرط نهادهای فرهنگی داخل از سوی دیگر، در عمل مهسا را به سمت فرهنگ‌زدایی از فرهنگ بومی و ملی خویش و گسست فرهنگی سوق داده است.

مصاحبه با ترانه، ۱۵ ساله

از اینستا درباره این که داره فیلم جدید بازی می‌کنه یا مثلاً قدش چه قدره، چند کیلوئه، سگ داره یا نداره، اطلاع به دست آوردم.

- سلام عزیزم!

سلام.

- عزیزم خوبی؟

بله مرسی.

- از همکاریت برای مصاحبه متشکرم. اجازه می‌دی مصاحبه خودمون رو شروع کنم.

بفرمایید.

- عزیزم چند سالت بود که اینستاگرام رو نصب کردی؟

عههه... کلاس پنجم، ششم اینا بود.

- چی شد که اینستاگرام رو نصب کردی؟

همین طوری، دیدم یه برنامه هست توش عکس آپلود می‌کنن و این جور داستانا، همین طوری

دانلودش کردم.

- دوستان خودت هم داشتن؟

بعضی هاشون، اون موقع اینستا بین هم‌سن و سالای من خیلی معروف نبود، خودم همین طوری

توی چیز... گوگل پلی^۱ دیده بودم و دانلودش کردم.

- خانواده نسبت به نصب این برنامه اعتراضی نکردن؟

نمی‌دونستن (می‌خندد).

- بعد از این که داخل اینستاگرام فعالیت کردی، متوجه شدن؟

اووووممم... اولاش نه، ولی بعد مثلاً ۱ سال بعدش فهمیدم.

- علت این که بهشون نگفتی چی بود؟

علتش این بود که غر می‌زدن و می‌خواستن بگن پاکش کن و اینا، یه همچین چیزایی.

۱ - گوگل پلی یک سرویس پخش دیجیتال محتوای چندرسانه‌ای از شرکت گوگل است که شامل یک فروشگاه آنلاین برای موسیقی، فیلم، کتاب و اپلیکیشن‌ها و بازی‌های اندروید و یک مدیا پلیر است. این خدمات از طریق وب، اپلیکیشن موبایل Play Store در اندروید و گوگل تی وی در دسترس است. خریداری محتوا برای تمام پلتفرم‌ها و دستگاه‌ها قابل دسترس است. گوگل پلی در ماه مارس ۲۰۱۲ معرفی شد، زمانی که گوگل، خدمات دو برند سابق اندروید مارکت و گوگل موزیک را ادغام کرد و برند جدید گوگل پلی را معرفی کرد (ویکی پدیا).

- از کجا می‌دونستی که غُر می‌زنن؟
- خب آخه هر وقت گوشی دستم بود، گیر می‌دادن و اینا، می‌دونستم اگه بفهمن اینستا دارم، می‌خوان هی بیش‌تر گیر بدن و غُر بزَن.
- چرا غُر می‌زدن؟
- توی اون سن مثلاً می‌گفتن، برات خوب نیست و اینا.
- بعد یک سال استفاده از اینستاگرام، چه طوری متوجه شدن که داری از این برنامه استفاده می‌کنی؟
- عه‌هه... روی پروفایلم عکس خودم بود، بعد فامیلیم هم روی آیدیم بود، بعد معرفی می‌کنه خود اینستا چندتا اکانت رو...، این طوری توی اونا دیده بودن و پیدا کرده بودن.
- وقتی متوجه شدن، چه واکنشی داشتن؟
- غُر زدن و گفتن پاکش کن و اینا، بعد یه چند وقت دیگه عادی شد واسه شون.
- وقتی گفتن که پاک کن، پاک کردی؟
- الکی گفتم پاکش کردم، ولی نکرده بودم.
- گوشیت رو چک نکردن؟
- نه، چک نکردن.
- چی شد که برای شون عادی شد؟
- دیگه مثلاً دیدن الآن هر چه قدر به من بگن پاک کن، پاک کن، من پاک نمی‌کنم و هی هم می‌رفتم روی مخ‌شون، دیگه آخر سر گفتن اوکی و دیگه مهم نیست، وقتی هم فهمیدن که کار خاصی هم نمی‌کنم، دیگه گفتن اوکی.
- الآن پدر و مادر داخل صفحه‌ها هستن؟
- پدر بزرگ و مادر بزرگ نه (می‌خندد).
- چه طور؟
- پدر و مادرم طلاق گرفتن و من پیش پدر بزرگ و مادر بزرگم زندگی می‌کنم!
- شما چندتا صفحه داری؟
- یه دونه دارم، البته توی همون یه دونه همه رو بلاک (مسدود) کردم (می‌خندد).
- متوجه نشدن که بلاک‌شون کردی؟

۱ - در مورد این مصاحبه لازم به ذکر است که در جریان مصاحبه وقتی مادر بزرگ مصاحبه شونده در پارک کنار ما قرار می‌گرفت، پاسخ‌های ترانه کوتاه و محافظه‌کارانه می‌شد، اما هر وقت وی از ما فاصله می‌گرفت، پاسخ‌های وی طولانی‌تر و جدی‌تر می‌شدند.

آخه من کلاً زیاد پست و استوری و اینا هم نمی‌ذاشتم اون موقع که پیجم رو داشتن، الانم هنوز فک نکنم بدونن، از این چیزا هم زیاد سر درنمیارن (با لحنی تحقیرآمیز این جمله را بیان می‌کند).

- چرا بلاک‌شون کردی؟

چون خوشم نمی‌اومد مثلاً با دوستانم عکس اینا می‌ذارم، ببینن.

- علتش چی هست؟

خوشم نمی‌اومد دیگه یا بعضی وقتا مثلاً یه حرفایی استوری می‌کردم یا یه عکسایی با دوستانم

استوری می‌کردم، بعد مناسب نبود.

- می‌شه لطفاً مثال بزنی؟

مثلاً یه استوری می‌ذاشتم، همین طوری توش فحش بود یا مثلاً می‌رفتیم یه کافه‌ای، جایی،

قلیون می‌کشیدن دوستانم و استوری می‌کردیم و اینا.

- صفحه‌ی خودت الان چندتا فالور و چندتا فالوینگ داره؟

اووممم...، برای خودم که فعلاً ۲۰۰ و خرده‌ای بود، وای قبلاً مثلاً ۷۰۰ و خرده‌ای بود که

بیش‌تر باشون رو ریمو (حذف کردن) کردم، الان دیگه بیش‌تر دوستانم و آشناها هستن.

- یعنی قبلاً افراد غریبه داخل صفحاتات بودن؟

آره، همین طوری الکی قبول‌شون می‌کردم.

- علت این که اون موقع افراد غریبه رو قبول می‌کردی، چی بود؟

همین طوری فالورام زیاد شه.

- چرا دوست داشتی فالورهای زیاد بشن؟

توی اینستا کلاً هر چی فالورات بیش‌تر باشه، شاخ‌تری و اینا، منم دوست داشتم پیجم بره بالا،

اون موقع توی فاز این جور چیزا بودم دیگه.

- چی شد که یک مرتبه همه رو حذف کردی؟

یهو جو گرفت من رو، گفتم خب بذار همه دوستانم باشن، دیگه همه رو ریمو کردم.

- الان دیگه برایت مهم نیست که فالورهای بالا باشن؟

نه، الان دیگه نه.

- علتش چی هست؟

چون دیگه گفتم این پیج خودمه، دلم می‌خواد همه آشنا و این داستانا باشن، همین دیگه، از اون

فاز که فالورام زیاد باشن و اینا اومدم بیرون، کلاً من زیاد فازم عوض می‌شه (می‌خندد).

- از بین دوستان و آشنایانت کسی رو دیدی برای این که صفحه خودشون رو ارتقاء بدن، کار

خاصی کنن؟

آره.

- می‌شه لطفاً مثال بزنی؟

آره، مثلاً بعضی‌هاشون فالور فیک (تقلبی) می‌زدن، پول می‌دادن فالور می‌گرفتن و اینا.

- چه طوری این کار رو می‌کردن؟

یه برنامه داشت، اون رو دانلود می‌کردن و بعد می‌تونستن فالور فیک بگیرن.

- باید پول هم می‌دادی، درسته؟

آره.

- نمی‌دونی هزینه‌اش چه قدر بود؟

مثلاً ۱۰ تا می‌شد ۱۰۰۰ تومن یا مثلاً ۱۰۰ تا می‌شد، بالای ۱۰۰۰۰ تومن و اینا.

- اسم برنامه‌ای که استفاده می‌کردن، خاطرت هست؟

یه اسمایی مث فالور بگیر و فالور فیک و اینا، دقیقش رو یادم نیست.

- پس از برنامه‌های ایرانی استفاده می‌کردن؟

آره.

- می‌دونی چرا این قدر برای شون مهم بود که فالورهاشون بالا باشه؟

آره، مثلاً فالورای من بیش‌تره، من خیلی شاخم، من خیلی خوشگل ترم و اینا.

- پس وقتی فالور بالا باشه، یک جور کلاس هست؟

آره دیگه.

- این افرادی که فالور فیک می‌گیرن، طبیعتاً لایک‌ها و کامنت‌هاشون متناسب با تعداد

فالورهاشون نیست، در این مورد کار خاصی نمی‌کنن؟

مثلاً یا اصن کامنتاشون رو می‌بندن یا مثلاً زیاد اهمیت نمی‌دن، بعضی‌هاشونم مثلاً لایک اینا

می‌خرن، اونم مثلاً با همون برنامه‌ها می‌شد.

- این نفراتی که گفتم فالور فیک می‌گیرن، صفحاتشون شخصی هست یا عمومی؟

بعضی‌هاشون پابلیک (عمومی)، بعضی‌هاشون پرایوت (شخصی).

- این مسأله تفاوت خاصی ایجاد می‌کنه؟

اون‌هایی که مثلاً پرایوت ان، مثلاً این طوری اند که فالورای ما مثلاً واقعیه، پیج ما هم بسته

هست و همه آشنا اند، یه همچین چیزای مسخره‌ای.

- یعنی این که با خصوصی بودن صفحه‌شون، می‌خواهند کلاس بگذارن که ما فالورهاشون واقعی

هستن؟

آره، دقیقاً.

- اون‌هایی که صفحه‌شون عمومی‌ه، چه عقیده‌ای دارن؟

اونایی که پابلیک‌اصولاً چیزی واسه‌شون فک نکنم اهمیت داشته باشه، همین طوری پابلیک می‌کنن دیگه، مثلاً بیش‌تر دیده بشن و برن توی اکسپلور^۱ یا سین (دیده شده) استوری‌هاشون بره بالا.

- وقتی که به قول خودت سین استوری‌ها بالا می‌ره، راجع بهش استوری می‌گذارن؟
آره یا مثلاً اونایی که تیک آبی^۲ دارن و استوری‌شون رو سین می‌زنن، یهو استوری می‌کنن و اینا.

- بین دوستانت چه کسی تیک آبی داشته و استوری دوستت رو دیده؟
این کسایی که مثلاً... دی‌جی‌ها^۳ هستن که الکی تیک آبی می‌گیرن و اینا، با این که فالوراشونم خیلی زیاد نیست، اونا مثلاً یا مثلاً می‌رفتن یه آرتیستی (هنرمند) رو ده بار چیز می‌کردن... ده بار تگ (پرچسب زدن) می‌کردن تا بالاخره ببینه و بعد استوری می‌کردن.

- می‌شه بیش‌تر توضیح بدی عزیزم؟
مثلاً با آهنگ یه خواننده مثل مثلاً پوبن^۴ ویدیو می‌گرفتن، از این دابسمشا، بعد همه‌اش تگش می‌کردن، بعد استوری می‌کردن که آره وای استوریم رو دیده و اینا.
- منظورت این هست که وقتی یک فرد معروف استوری‌شون رو می‌بینه، کلاس محسوب می‌شه؟ آره.

- تیک آبی رو چه طوری می‌شه گرفت بدون این که فالور زیادی داشته باشی؟

۱ - صفحه اکسپلور اینستاگرام کلکسیونی از تصاویر، ویدیوها، ریلز و استوری‌های عمومی است. چیدمان و محتوای صفحه اکسپلور هر کاربر با سایر کاربران متفاوت است و این چیدمان به پست‌ها، حساب‌ها، هشتگ‌ها و محصولات مورد علاقه کاربران بستگی دارد. بنابراین یک کاربر، پست‌هایی را در صفحه اکسپلور خود می‌بیند که علاقه بیش‌تری به آن‌ها دارد. اینستاگرام برای شناسایی پست‌ها و محتوای مورد علاقه افراد مختلف از یک الگوریتم یادگیری ماشینی استفاده می‌کند. این الگوریتم علایق هر کاربر را تشخیص می‌دهد و سپس محتوای صفحه اکسپلور را بر اساس آن علایق مرتب می‌کند.

۲ - تیک آبی در اینستاگرام به این معنا است که صفحه مورد نظر جعلی نبوده و به همان شخص تعلق دارد. این موضوع توسط اینستاگرام تأیید شده و به این ترتیب می‌توان از بابت اصلی بودن صفحه اطمینان داشت. تیک آبی اینستاگرام را معمولاً در صفحه افراد مشهوری مثل خواننده‌ها، بازیگران، سیاستمداران و یا گاهی برندهای خاص کالا می‌توان دید. به این ترتیب اگر فردی قصد خرید از این صفحه‌ها را نیز داشته باشد می‌تواند مطمئن باشد که صفحه مورد نظر، صفحه اصلی است.

۳ - دی‌جی، به کسی گفته می‌شود که آهنگ‌های پیش‌تر ضبط شده روی دیسک را انتخاب کرده و با شکل متفاوتی برای مخاطبان مورد نظر خود پخش کند. دی‌جی‌ها برای پخش موسیقی از یک ست، شامل دو پخش‌کننده دیسک و یک میکسر حداقل دوکاناله استفاده می‌کنند. در گذشته این پخش‌کننده‌ها فقط ترن تیبیل‌ها بودند و صفحه‌های آنالوگ موزیک را پخش می‌کردند، اما امروزه سی‌دی‌جی‌ها نیز در کنار ترن تیبیل‌های آنالوگ کار پخش سی‌دی‌ها را برای دی‌جی‌ها میسر ساخته‌اند. از دی‌جی‌ها معمولاً انتظار می‌رود تا در شناخت، برگزیدن و هم‌آمیزی جالب آهنگ‌ها خبرگی کافی را داشته باشد (ویکی‌پدیا).

۴ - پوریا بنکداری متولد ۱۶ آذر ۱۳۷۲ در تهران، با نام هنری پوبون، خواننده است. فعالیت خود را به صورت اتفاقی از بازیگری شروع کرد و در نهایت رشته مورد علاقه‌اش آهنگ‌سازی و خوانندگی را ادامه داد و حالا ساکن خارج از کشور است. وی در کنار بازیگری از سال ۸۳ مشغول به یادگیری موسیقی الکترونیک شد و با هنرمندان مختلفی روی تنظیم و ایده‌پردازی کار کرد تا این که سال ۹۱ اولین آهنگ مستقل خود را منتشر کرد.

مثلاً آگه دی جی هم باشه، اینستا خودش بهش تیک آبی رو می‌ده یا بعضی‌ها مثلاً... نمی‌دونم
یه کارایی می‌کنن، الآن یادم نیست، بعد تیک آبی می‌گیرن کلاً، مثلاً اینستا رو هک (حمله سایبری)
می‌کنن یا چندتا ترفند می‌زنن و اینا.

- به جز مواردی که اشاره کردی، دوستان یا آشنایان خودت چه کارهایی انجام می‌دن که بیش‌تر
در اینستاگرام دیده بشن؟

مثلاً می‌رن با این بلاگرا دوست می‌شن یا مثلاً هی باهاشون استوری می‌ذارن، بعد لباسای باز
می‌پوشن و آره دیگه، یه همچین چیزایی.

- می‌شه از اون موردی که گفتی با بلاگرها دوست می‌شن، مثال بزنی؟
اووممم... مثلاً ویدیو تیک‌تاک^۱ می‌گرفتن با هم، بعد پست می‌کردن یا مثلاً استوری می‌کردن
و بعد همه‌اش هم‌دیگه رو تگ می‌کردن، بعد مثلاً از این تیپایی که مثلاً جدیداً مد شده، مثلاً
شلوارای پاره و آرایش‌های غلیظ مشکی، با موهای رنگ شده و اینا، بعد با این استایلا عکس
می‌گرفتن با هم.

- ویدیوی تیک‌تاک، منظورت ویدیوهای چالشی هست؟
آره.

- یک مورد از چالش‌هایی که با هم اجرا می‌کنن رو مثال می‌زنی؟
اووممم... می‌رقصن یا مثلاً یهو گوشی رو می‌ذارن و بعد می‌رن عقب یه حرکت روی اسکیت برد
می‌زنن و آره.

- چه طوری با بلاگرها دوست می‌شن؟
مثلاً می‌رن توی اینستا به بلاگرا پیام می‌دن یا مثلاً یه آشنایی کسی آشناشون می‌کنه با یه
بلاگری، مثلاً رفته رفته صمیمی‌تر می‌شن و با هم قرار می‌ذارن و هم‌دیگه رو می‌بینن و این طوری.
- بلاگرهایی که با دوستان دوست می‌شن، هم‌سن خودشون هستن؟
بعضی‌هاشون هم‌سنن.

- اون بلاگرها حدوداً چندتا فالور دارن؟
مثلاً بالای ۲۰ کا (هزار)، ۳۰ کا اینا.

- چه طوری دوست شدن با بلاگرها باعث می‌شه صفحات دوستان ارتقا پیدا کنه؟
همین که مثلاً اون بلاگرا فالوراشون بیش‌تره، یه جورایی مثلاً تبلیغ پیج دوستای من می‌شه،
فالورای بلاگره می‌رن می‌بینن، پیج دوستم رو فالو هم می‌کنن بیش‌تر وقتاً، اون بلاگرا هم با دوستای

۱ - تیک‌تاک یک شبکه اجتماعی چینی است که از طریق سیستم‌عامل‌های آی‌آواس و اندروید قابل دسترس است. تیک‌تاک
در آغاز با عنوان دوئین در سپتامبر ۲۰۱۶ در چین عرضه شد و عرضه آن برای خارج از چین، با عنوان تیک‌تاک و در سال
۲۰۱۷ صورت گرفت. تیک‌تاک به کاربران اجازه می‌دهد که موزیک و ویدیوهای بسیار کوتاه ۳ تا ۶۰ ثانیه‌ای بسازند (ویکی پدیا).

من ویدیو می‌ذارن و مثلاً همین ویدیوهای دوتایی باعث می‌شه که پیج‌شون بیش‌تر بالا بیاد و اینا، بعدم هی می‌زنن دوست صمیمیم، دوست فلانم، بستیم (با لحنی تمسخرآمیز این جمله را بیان می‌کند).

- واقعاً با هم صمیمی هم هستن؟

نه بابا، دو روز دیگه رابطه‌شون بهم می‌خوره، فقط به خاطر فالوره.

- منظورت این هست که دوستی‌های مجازی اینستاگرام بیش‌تر به خاطر فالور هست؟
آره دیگه، کلاً همه چی توی اینستاگرام فیکه دیگه کلاً، از قیافه‌شون بگیر تا دوستی‌هاشون و رابطه‌شون و خانواده‌شون.

- ترانه جان می‌شه مثال بزنی؟

مثلاً دماغ طرف اندازه‌ی کله‌ی یه نفره، بعد کلی هم جوش داره و هی روی خودش فیلتر می‌ذاره و آرایش می‌کنه، بعد دیگه همه فک می‌کنن، وای چه خوشگله، یه همچین چیزی.

- می‌شه در ارتباط با خانواده‌هایی که گفتی فیک هستن هم مثال بزنی؟
یکی‌شون مثلاً هی می‌خواد بگه پول داره یا یه نفر دیگه می‌خواد بگه، مثلاً من رابطه‌ام با مامانم خیلی خوبه، با هم استوری می‌ذارن و اینا، ولی همه‌اش خونه‌شون جنگ و دعواست و مامان از بچه بدش میاد.

- گفتی که بعضی از دوستانت برای این که صفحه‌خودشون رو ارتقا بدن، از لباس‌های باز استفاده می‌کنن. می‌شه لطفاً بیش‌تر توضیح بدی؟

اووووممم...، مثلاً لباس‌هایی که بدن نماست، دیگه چه جوری توضیح بدم.

- متوجه شدم عزیزم.

بعد خودشون رو سعی می‌کنن بیش‌تر نشون بدن.

- منظورت چی هست؟

مثلاً بازوهاشون رو جمع می‌کنن تا مثلاً بیش‌تر معلوم بشه، بعد استوری می‌گیرن با آهنگ لب خونی می‌کنن و می‌ذارن.

- صفحه‌شون عمومی هست یا شخصی؟

مثلاً همه رو قبول می‌کنن، ولی پرایوت می‌کنن پیج‌شون رو که مثلاً این پیج شخصیه و من اصن آدم اون طوری نیستم و لباسای باز می‌پوشم، پیجم پرایوته و اینا.

- معمولاً این دسته از افراد چندتا فالور دارن؟

الآن که دارم پیج یکی‌شون رو می‌بینم ۴۵۹۸ تا.

- این دوستان که لباس‌های باز می‌پوشن، از این که بقیه از عکس‌هاشون سوءاستفاده کنن، نگران نیستن؟

حتماً نیستن دیگه.

- تا به حال صحبتی بینتون در این باره نشده؟

مثلاً بعضی‌هاشون پرو، پرو می‌گن آره، این فلانی عکسای من رو برداشته و پیج زده، پیجش رو ریپورت (گزارش کردن) کنید، اصن خوش شون میاد این جوری براشون پیج بزنین که مثلاً بگن آدمای شاخی هستن و اینا.

- برگردیم به صفحه‌ی خودت، چندتا فالوینگ داری؟

فالوینگام ۲۰۶ تا.

- بیش‌تر چه پست‌هایی رو دنبال می‌کنی؟

بیش‌تر پست‌های فان (خنده‌دار) یا مثلاً راجع به فیلم مورد علاقه‌ام یا مثلاً آدمایی که فالو دارم، بیش‌تر مثلاً خواننده‌ها و بازیگرا و مثلاً فن پیجا (صفحات طرف‌داری) هست، با دوستانم دیگه.

- می‌شه لطفاً بیش‌تر راجع به پست‌های فان توضیح بدی؟

اووووممم... مثلاً میم می‌ذارن، مثلاً جوری که برمی‌گردم از خونه‌ی مادر بزرگم، جوری که مثلاً داشتم می‌رفتم و یه همچین میمایی، ویدیوهای فان هم می‌بینم.

- راجع به پست‌هایی که مربوط به فیلم‌های مورد علاقه‌ات هم هست، توضیح می‌دی عزیزم؟

مثلاً یه سریالی رو می‌بینم، از اون سریال خوشم میاد، بعد هی چون مثلاً می‌رم هشتگاش^۱ رو یا بازیگراش رو سرچ (جست‌وجو) می‌کنم، از اون فیلم دیگه می‌ره توی اکسپلورم، بعضی از قسمت‌هاش و ادیتایی (ویرایش) که می‌ذارن، روش آهنگ می‌ذارن.

- یک سریالی که خیلی بهش علاقه داری رو می‌شه نام ببری و راجع بهش توضیح بدی؟

اسنو دراپ^۲، کره‌ایه، تازه اومده، عاشقانه هست دیگه، راجع به دختریه که مثلاً توی خوابگاه دخترونه زندگی می‌کنه، بعد یه جاسوس اون طرفا پیداش می‌شه و این بهش توی همون خوابگاه پناه می‌ده و مخفیش می‌کنه.

۱ - میم اینترنت اصطلاحی است برای توصیف موضوع‌ها و عقیده‌هایی که به وسیله اینترنت گسترش و شهرت پیدا می‌کند. این واژه زیر گروهی از تعریف میم‌ها است. میم‌ها علاوه بر جنبه سرگرمی داشتن، برای تبلیغات و بازاریابی نیز استفاده می‌شوند. میم‌های اینترنتی ابزاری تأثیرگذار برای بازاریابی ویروسی و بازاریابی پارتیزانی ارزیابی می‌شوند (ویکی پدیا).

۲ - هشتک برچسبی است که برای دسته‌بندی و به اشتراک گذاری پست‌ها و نظرات درباره‌ی موضوعی خاص در سطح جهانی و فراتر از حلقه و فهرست دوستان به کار می‌رود.

۳ - اسنو دراپ (گل برفی)، یک سریال تلویزیونی محصول ۲۰۲۰ کره جنوبی است که در ۲۰۲۱ از پلتفرم استریم جی‌تی‌بی‌سی پخش شد.



- داخل اینستاگرام بیش‌تر چه سکانس‌هایی رو ازش می‌بینی؟
هم عاشقانه، هم غمگین.

- می‌شه بیش‌تر توضیح بدی، عاشقانه‌هایی که در اینستاگرام می‌بینی، چه طوری هست؟
عاشقانه مثلاً یهو صورت‌شون نزدیک هم می‌شه و نزدیکه هم‌دیگه رو ببوسن، بعد آخر نمی‌بوسن.

- غمگین‌ها چه طور هستن؟

مثلاً پسر جاسوس که دیگه داشت لو می‌رفت، اسلحه رو می‌گیره روی سر اون دختر که عاشقش شده بود، بعد تهدیدش می‌کنه.

- پس سریال رو خودت جدا می‌بینی و بعد از طریق اینستاگرام مجدداً بعضی از سکانس‌هاش رو می‌بینی؟
آره.

- تا به حال شده از طریق اینستاگرام با سریال یا فیلمی آشنا بشی؟

آره مثلاً یه چیز دارم، توی اینستا مثلاً فولدر (پوشه) می‌شه درست کرد، چه طوری بگم؟ منم سیو (ذخیره) کردم و برای هر کدوم از اون فولدرها اسم گذاشتم، اسم یکی رو گذاشتم مووی (فیلم)، مثلاً اون فیلم‌هایی که می‌خوام ببینم رو توی اون جا سیو می‌کنم.

- یک مورد از اون فیلم‌هایی که در اینستاگرام باهاش آشنا شدی رو می‌شه لطفاً مثال بزنی؟
اووووممم... آره، این چون تلفظ انگلیسیش سخته اسپل (هجی کردن) می‌کنم، خب... (اسم فیلم را هجی کرد).

۱ - سریالی که مصاحبه شونده اسمش را هجی کرد، وکیل بی‌قانون نام دارد. این مجموعه تلویزیونی کره جنوبی در ژانر جنایی و دلهره‌آور است. مجموعه اخیر در شهر تخیلی کی‌سانگ رخ می‌دهد و شهری بی‌قانون و فاسد را توصیف می‌کند (ویکی‌پدیا).



- چه چیزی باعث شد که به دیدن این فیلم علاقه مند بشی؟

البته فیلم نیست سریاله، مثلاً یه ادیت فان دیدم ازش، بعد از همون ادیت دیگه خوشم اومد و گفتم بذار حالا بعداً ببینمش.

- منظورت از ادیت فان چی هست؟

مثلاً به قسمت‌های خنده‌دارش رو گذاشته بود.

- قسمت‌های عاشقانه‌اش هم در اینستاگرام بود؟
آره.

- می‌شه لطفاً مثال بزنی؟

مثلاً روی یه تخت با هم بیدار می‌شدن و هم‌دیگه رو بغل می‌کردن و اینا.

- اینستاگرام باعث شده که با فیلم‌های بیش‌تری آشنا بشی؟

آره، مثلاً با اینستا بیش‌تر تونستم فیلم‌هایی که می‌خوام رو بینم و پیدا کنم.

- قبل از ورودت به اینستاگرام چه طوری فیلم انتخاب می کردی؟

قبلش مثلاً می‌رفتم یهو یه چیز چرت و پرت سرچ می‌کردم، ببینم چی میاد بالا، همون رو ببینم (می‌خندد).

- متوجه نشدم عزیزم، یعنی چی؟

مثلاً اووومم... عههه چه جوری بگم؟ مثلاً می‌زدم فیلم، بعد یه کلمه‌ی الکی می‌نوشتم، بعد هر

چی که چیزای گوگل می‌آورد، همون پیشنهادهای گوگل رو یکیش رو می‌زد و نگاه می‌کرد.

- سریال‌ها و فیلم‌های صدا و سیما رو هم می‌بینی؟
نه، اصلاً.

- چیرا؟

آخه خیلی داغون ان (می‌خندد)، هم مثلاً خیلی خسته کننده اند، آدم حوصله‌اش سر می‌ره، هم

این که مثلاً واقعی نیست.

- می‌شه بیش‌تر توضیح بدی عزیزم؟

مثلاً این قدر مصنوعی بازی می‌کنن، انگار دارن از رو می‌خونن یا مثلاً کلاً زنا با روسری می‌خوابن، یه همچین چیزایی دیگه.

- گفتی بازیگرها رو هم در اینستاگرام دنبال می‌کنی، می‌شه بیش‌تر توضیح بدی؟
بازیگرایی که مثلاً توی یه فیلمی می‌بینمشون، روشن کراش (علاقه داشتن)
می‌زنم، می‌رم کل زندگی خونواده‌اش رو درمیارم.



- یک بازیگری که خیلی دوست داری رو مثال می‌زنی؟
عههه... مثلاً لی جونگ گی!

- چه طوری باهاش آشنا شدی؟

خب فیلمش رو توی جم‌آنشون می‌داد، اسم فیلمش هم عاشقان ماه بود، بعد اون‌جا دیدمش و ازش خوشم اومد.



- چه طوری راجع بهش اطلاعات به دست آوردی؟

رفتم اسم فیلمش رو سرچ کردم توی گوگل، بعد رفتم توی اون قسمتی که می‌زنه اسم بازیگرا و اینا، اسمش رو پیدا کردم، همین طوری رفتم اسشم رو توی سرچ اینستا سرچ کردم، بعد اومد بالا و فالوش کردم و بعد فنش شدم دیگه.

- از طریق اینستاگرام چه اطلاعاتی راجع بهش به دست آوردی؟

اطلاعات...، مثلاً از اینستا درباره این که داره فیلم جدید بازی می‌کنه یا مثلاً قدش چه قدره، چند کیلوئه، سگ داره یا نداره، اطلاع به دست آوردم.

- تا به حال برای فردی فن پیچ زدی؟

آره، اون موقع که مثلاً پنجم، ششم بودم، همون اوایل که اینستا داشتم.

- برای چه کسی فن پیچ زده بودی؟

۱ - لی جونگ گی بازیگر، مدل و خواننده سرشناس و معروف و اهل کشور کره جنوبی است. او معمولاً با بازی در سریال‌های ایلجیما، دانشمند شب‌گرد، عاشقان ماه، دختر من و نیز فیلم سینمایی شاه و دل‌فک شناخته می‌شود.

۲ - شبکه تلویزیونی جم با نام کامل گروه سرگرمی عمومی و رسانه‌ای در سال ۲۰۰۶ میلادی در لندن بر روی ماهواره هات‌برد آغاز به کار کرد. اکنون این کانال‌ها فقط بر روی ماهواره یاهست قابل دریافت هستند و کل خاورمیانه، اروپا، آسیای مرکزی، شمال آفریقا، روسیه، تایلند و هنگ کنگ را پوشش می‌دهند. شبکه‌های جم دارای ۳۳ شبکه فعال است (ویکی پدیا).

اون موقع خیلی توی فاز کره‌ای‌ها بودم، مثلاً توی اون سن خب خیلی‌ها می‌رفتن توی فاز کره‌ای‌ها، بعد دیگه یه گروه بود اسمش بلک پینک^۱ بود، بعد برای اون زده بودم.



- محتوای این فن پیجی که زده بودی چی بود؟
- ویدیو می‌ذاشتم از شون، اونم از پیجای دیگه برداشته بودم.
- چه نوع ویدیوهایی منظورت هست؟
- ویدیوی اجراشون و رفتاری که با هم‌دیگه داشتن.
- اسم صفحه‌ای که ساخته بودی چی بود؟
- زده بودم بلک پینک آندرلاین آی آر، آره یه همچین چیزایی.
- کاری هم اون موقع انجام می‌دادی که صفحات دیده بشه؟
- آره.
- چه کارهایی می‌کردی؟
- مثلاً فن پیجای دیگه رو تگ می‌کردم، بعد پیج رو پابلیک کرده بودم، همین دیگه یا مثلاً فن پیجای دیگه رو تند، تند، فالو می‌کردم.
- هنوز این فن پیج رو داری؟
- نه دیگه، دیگه از فازش رفتم بیرون (می‌خندد).
- علت خاصی داشت؟
- نه، همین طوری.
- از بین دوستان و آشنایان کسی هست که در حال حاضر فن پیج داشته باشه؟
- نه.
- در اینستاگرام محتوای آموزشی هم دنبال می‌کنی؟

۱ - بلک پینک یک گروه دخترانه از کره جنوبی متشکل از جیسو، جنی، رزی و لیسا است که توسط وای جی انترتینمنت تشکیل شده‌است. این گروه در اوت ۲۰۱۶ با آلبوم تک‌آهنگ خود، مربع اول که شامل تک‌آهنگ‌های «سوت» و «بوم‌یا‌یا» و نخستین ورودی‌های شماره یک آن‌ها به ترتیب در جدول دیجیتال گائون کره جنوبی و فروش ترانه دیجیتال جهانی بیل‌بورد بود، آغاز به کار کرد (ویکی پدیا).

مثلاً ویدیوهای ورزشی و لاغری.

- برای چی این ویدیوها رو می‌بینی؟

برای این که مثلاً وزنم رو کم کنم و اندامم رو درست کنم و اینا.

- ویدیوهای لاغری چه طوری هستن؟

مثلاً یه ورزشی رو می‌گه که چه طوری مثلاً چربی اون قسمت رو از بین ببری و اینا.

- پس خودت از طریق این ویدیوها وقتی خونه هستی، ورزش می‌کنی؟

آره، مثلاً وقتی فازش نیست و می‌بینم روی مود (حالت) ورزش نیستم، تصمیم می‌گیرم هیچی

نخورم.

- احساس گرسنگی نمی‌کنی؟

چرا، ولی خب جلوی خودم رو می‌گیرم یا مثلاً بیش‌تر می‌خوابم.

- چی باعث شد که تصمیم بگیری وزن کم کنی؟

اعتماد به نفسم دیگه اومده بود پایین، بعد دیگه تصمیم گرفتم ورزش کنم.

- چه چیزی اعتماد به نفست رو پایین آورده؟

می‌رفتم مثلاً اینستا می‌دیدم، همه خوش هیکل و لاغر، دوستانم همه هیکلاشون خوبه، مثلاً

همون ویدیوهای تیک‌تاک که گفتم، می‌رفتم می‌دیدم طرف چه قدر لاغره، چه قدر مثلاً قشنگه

بدنش، ای کاش مثلاً منم این شکلی بودم، بعد دیگه کم‌کم خودمم بدم اومد از خودم، بعد هی کلاً

رژیم اینا می‌گرفتم و ورزش می‌کردم، بعد می‌گفتم حالا نیاز نیست اون قدر سخت بگیرم، بعد دوباره

می‌رفتم اینستاگرام، اعتماد به نفسم می‌اومد پایین، دوباره مثلاً شروع می‌کردم به هیچی نخوردن و

ورزش.

- دوستانت هم مثل خودت سعی می‌کنن از طریق رژیم‌های سخت لاغر بشن؟

آره.

- می‌شه لطفاً مثال بزنی؟

اوووممم... یه دوست دارم اونم مثلاً بعضی وقت‌ها اصن هیچی نمی‌خوره یا خیلی می‌ره ورزش

و باشگاه، هر روز ورزش رو چک می‌کنه و اینا.

- به جز ویدیوهای ورزشی، محتوای آموزشی دیگه‌ای رو دنبال نمی‌کنی؟

نه زیاد، مثلاً بعضی وقتا یه سری پست‌ها هستن که مثلاً می‌گن به زبون‌های مختلف فلان چیز

چی می‌شه و اینا رو می‌بینم.

- چیزی هم یاد گرفتی؟

آره، سیوشون می‌کنم و بعضی وقت‌ها مثلاً می‌رم دوباره می‌بینم شون که یادم نره.

- تا به حال برایت پیش اومده که کسی رو در اینستاگرام ببینی و بعد ترغیب به عمل زیبایی شده باشی؟

مثلاً یه ویدیو می بینم، طرف لباس خیلی خوشگل و بزرگه، دماغش خیلی خوشگله، بعد مثلاً اینا رو می بینم، به خودم می گم، ای کاش منم صورتم این شکلی بود و وقتی بزرگ تر شدم، دوست دارم که عمل کنم تا شبیه اونا خوشگل بشم.

- دوستان خودت هم دوست دارن که عمل زیبایی انجام بدن؟

آره، خیلی ها این شکلی شدن الان دیگه، این که عملی باشی الان لاکچری تره، حتی اونایی که عمل اینا می کنن، فالوراشون هم بیش تر می ره و کلاً بیش تر توی چشم هستن.

- الان داخل صفحه ی خودت پست هم داری؟

الان فقط یه دونه پست دارم، همه رو پاک کردم، قدیمی بودن.

- چرا پاک کردی؟

چون قدیمی بودن و اصن شبیه الانم نیستن، دوست نداشتم کسی اصن اونا رو ببینه، چون به نظرم خیلی ضایع بودن.

- ضایع از چه نظر؟

ضایع مثلاً استایلیم خیلی بد بوده یا خیلی چاق بودم یا خوب آرایش نکرده بودم.

- در ارتباط با دوستان که گفتی ارتقای صفحه شون برای شون مهمه، می خواستم بدونم، این که

تعداد فالورهاشون از تعداد فالوئینگ هاشون بیش تر باشه هم برای شون اهمیت داره؟

آره دیگه، خیلی مثلاً این طوری اند که آره، من خیلی چیز خاصی هستم، پس مثلاً فقط به بعضی ها بک می دن و فالوشون می کنن، بعد مثلاً هر چه قدر هم فالورا از فالوئینگا بیش تر باشه، این جووری اند که آره ما شاخ تریم و اینا.

- شاخ های مجازی مثل پویان مختاری، ساشا سبحانی و مواردی از این دست رو دنبال می کنی؟ نه.

- علت خاصی داره؟

کلاً اهمیتی ندارن.

- دوستان چه طور؟

بیش تر یا مثلاً مسخره شون می کنن، اما بعضی هاشون دوست دارن شبیه اونا زندگی کنن.

- می شه بیش تر توضیح بدی عزیزم؟

بعضی ها مثلاً می گن، اینا هیچی ندارن و نباید ماها گنده شون کنیم و فالوشون کنیم، بعضی ها مثلاً می گن، ای کاش من پول اینا رو داشتم، ماشین اونا رو داشتم و یه همچین چیزی، مثلاً یه سری از دوستانم هستن که مثلاً دوست دارن با اینا باشن، می گن خیلی خوبن و زیاد پول خرج می کنن و

اینا، مثلاً یکی از دوستانم این قدر روی ساشا سبحانی کراش زده که داره اسپانیایی یاد می‌گیره و دوست داره بره اسپانیا که فقط اون رو ببینه.



- به جز این شاخ‌های مجازی، افراد دیگه‌ای در اینستاگرام هستن که دوستانت دوست دارن شبیه اون‌ها باشن؟

اووووممم... یه سری‌ها هستن که عاشق این کره‌ای‌ها هستن، حالا خواننده یا بازیگر فرقی نداره، کل اینستاشون شده آدمای کره‌ای، بعد مثلاً موهاشون رو شبیه اونا می‌زنن، مثلاً مژگن اونا لباس می‌پوشن، مثلاً مژگن اونا لباسای گشاد می‌پوشن یا مثلاً موهاشون رو کوتاه می‌کنن و چتری می‌زنن یا مثلاً زیر چشمشون رو قرمز می‌کنن یا مثلاً خط چشم‌شونم شبیه اونا می‌کشن، خیلی باریک.

- از بین دوستانت کسی هست که وقتی سبک زندگی افراد معروف یا بلاگرها رو در اینستاگرام دیده، سعی کنه شبیه اون‌ها زندگی کنه؟ آره.

- می‌شه لطفاً مثال بزنی؟

مثلاً طرف سبک زندگیش این جوریه که یه رژیم سخت می‌گیره، بعد سگش هر روز می‌بره بیرون، هر روز لباسای مختلف می‌پوشه، بعد مثلاً دوستای منم می‌بینن، بعد یه رژیم سخت می‌گیره یا اصن سگ نداره، مثلاً یکی از دوستای من مامان و باباش رو مجبور کرد، براش سگ بگیرن، سر همین موضوع که مثلاً هر روز بتونه با سگش بره بیرون، مژگن اونا می‌کشن که توی اینستا دیده بود یا مژگن اونا سعی می‌کنن، لباسای تکراری نپوشن اصلاً، مثلاً تو اینستاشون هم اصلاً پست با یه لباس تکراری ندارن، هر پست یا استوری یه لباس جدید باید باشه، می‌گن تکراری خزه و اینا یا مثلاً الان اکثر بلاگرا یا خواننده‌ها و بازیگرا، اینا می‌رن توی کافه و هی عکس می‌گیرن از قهوه‌شون و یا مثلاً صبحونه‌شون، یه سری از دوستای منم فقط هی هر روز می‌رن کافه که بتونن عکس اینا بگیرن، بذارن توی پیج‌شون که بگن، آره ما هم هم‌هانش کافه می‌ریم.

- اون شاخ‌های مجازی که قبل‌تر از شما در موردشون سوال کردم، سایت‌های شرط‌بندی هم دارن، می‌خواستم بدونم خودت یا دوستانت تا به حال در این سایت‌های شرط‌بندی وارد شدید؟
من نه، ولی مثلاً قبلاً یه دوست داشتم، اون موقع مثلاً کلاس ششم بودم، بعد مثلاً اون خیلی تتلو رو دوست داشت، بعد اون موقع که مثلاً سایت بت (شرط‌بندی) داشت تتلو، همه‌اش مثلاً می‌رفت توش بازی می‌کرد، مثلاً انفجار و اینا.



- مبلغی هم برده یا باخته بود؟
بیش‌تر می‌باخت.
- از چه کسی پول می‌گرفت؟
پول توی جیبی‌هاش رو کلاً خرج این بازی‌ها می‌کرد، بعد داداششم فن تتلو بود، بعد دیده بود
هی داداشش می‌ره توی این سایتا، دیگه داداشش بهش گفته بود، من بهت پول می‌دم کم آوردی،
ولی به مامان اینا مثلاً نگو که من توی این سایت هستم و اینا.
- داداشش از خودش بزرگ‌تر بود؟
آره.
- این که بیش‌تر می‌باخت باعث نمی‌شد که دیگه بازی نکنه؟
می‌گفت آه باز باختم، ولی دوباره ادامه می‌داد (می‌خندد)، عادتش شده بود دیگه.
- این دوستت خودش هم دوست داشت که یک سایت شرط‌بندی بزنه؟
آره، می‌گفت مثلاً توی این سایتا خیلی مثلاً پول درمیاره آدم و خیلی خوبه.
- می‌دونست که این سایت‌ها حالت کلاهبرداری داره؟

آره، ولی اهمیتی نمی‌داد، چه طوریش مهم نبود یا این که مثلاً کلاه‌برداریه یا نه، براش فقط اون پول مهم بود که می‌گفت مثلاً خیلی خوب و زیاده.

- الان پول بین دوستانت مسأله‌ی مهمی هست؟
آره.

- چرا؟

چون مثلاً دوست دارن لباس بخرن هی یا مثلاً گوشی مدل بالا دست‌شون باشه که مثلاً به این و اون پز بدن و توی اینستا معروف بشن، بعد مثلاً بگن آره مثلاً ما خیلی خوش‌بختیم، مثلاً ما داریم، شما ندارین.

- تا به حال برایت پیش اومده که یک فرد غریبه هم‌جنست در اینستاگرام بهت پیام داده باشه و خواسته باشه با تو دوست بشه؟
آره.

- می‌شه بیش‌تر توضیح بدی؟

مثلاً یه آدمی بود که مثلاً از یه دختر خوشش می‌اومد و مثلاً دلش می‌خواست با طرف دوست بشه، بعد مثلاً من با اون طرف آشنا بودم و دوستم بود، بعد مثلاً اومده بود پی وی من، گفت، آره سلام چه طوری و اینا، بعد مثلاً می‌خواست از من اطلاعات بگیره که چه طوری با اون طرف دوست بشه.

- می‌خواست با یک پسر دوست بشه یا دختر؟

نه، می‌خواست با یک دختر دوست بشه، مثلاً اون دختر خیلی مثلاً شاخ بود و اینا و خوشش می‌اومده از طرف.

- از چه لحاظ شاخ بود؟

مثلاً همون فالور بالا و گوشی مدل بالا و دوستای زیاد و اینا.

- چه جوابی به اون دختر دادی؟

بهش توضیح دادم اخلاقش چه طوره و اینا و بعد چون اون دوستم بود، بهش گفتم آشناتون می‌کنم، بهش کمک کردم دیگه.

- تا به حال شده یک فرد غریبه در اینستاگرام به شما پیام بده و بعد با هم درد و دل کرده باشید؟
برای من نه، اتفاق نیفتاده.

- برای دوستانت پیش اومده؟

آره، مثلاً یه نفر توی اینستاگرام به دوستم پیام داده بود و راجع به خونواده‌اش و دوستاش و اینا حرف زده بود، مثلاً از خونواده‌شون شکایت کرده بود که آره نمی‌ذارن برم بیرون و این کار رو کنم

یا مثلاً داداشم سرم غر می‌زنه، مامانم بداخلاقه، بابام من رو می‌زنه، یه همچین چیزایی بهش گفته بود.

- اون دوستت در جوابش چی گفته بود؟

اون هم برای این که طرف فک نکنه فقط خودش مشکل داره، از بدبختی‌هاش گفته بوده، مسابقه‌ی این که کدوم یکی بدبخت‌تره (می‌خندد) یا مثلاً بهش گفته بود درست می‌شه و نگران نباشه و اینا.

- تا به حال در اینستاگرام پسری با قصد برقراری رابطه‌ی عاشقانه به شما پیام داده؟
آره.

- می‌شه بیش‌تر توضیح بدی؟

مثلاً پیام داده سلام، می‌شه با هم حرف بزنیم؟

- بعد جوابشون رو هم می‌دی؟

کلاً جواب یکی‌شون رو دادم، چون مثلاً نمی‌دونستم پسره، بعد جوابش رو دادم گفتم شما؟ بعد حرف زد فهمیدم پسره و می‌خواد مخم رو بزنه، بلاکش کردم دیگه.

- چه صحبت‌هایی می‌کرد؟

مثلاً می‌گفت کجا زندگی می‌کنی، رنگ مورد علاقه‌ات چیه، چند سالته؟

- از بین دوستان خودت کسی هست که از طریق اینستاگرام با یک نفر وارد رابطه‌ی عاشقانه شده باشه؟
آره.

- می‌شه مثال بزنی؟

مثلاً طرف پی‌ام (پیام) داده و هر روز هی با هم حرف می‌زدن که مثلاً چه کار می‌کنی و اینا؟ بعد مثلاً قرار گذاشتن هم رو دیدن، بعد هی چت می‌کردن، بعد اعتراف می‌کنن بهم که آره دوست دارم، با یک بار دیدن فقط (می‌خندد).

- حالا واقعاً نسبت به هم احساسی دارن؟

نه، فازش رو می‌گیرن فقط.

- چرا؟

برای این که به بقیه بگن آره، ما مثلاً با یکی هستیم و باهاش برن بیرون و توی اینستا استوری کنن و پست بذارن، وای چه قدر عاشق همیم و اینا (با لحنی تمسخرآمیز این جمله را بیان می‌کند).

- پس در اینستاگرام بین دوستانت دوست پسر داشتن نوعی کلاس هست؟

آره.

- اون نفراتی که با هم رابطه‌ی عاشقانه دارن، چه محتوایی از خودشون داخل اینستاگرام منتشر می‌کنن؟

مثلاً دست هم‌دیگه رو می‌گیرن استوری می‌کنن، برای هم استوری می‌ذارن و قریبون صدقه‌ی هم می‌رن.

- رابطه‌هاشون هم طولانی هست؟

دو ماه نمی‌کشه، زیر دو ماهه دیگه.

- چه طوری می‌شه که به هم ابراز علاقه می‌کنن و بعد رابطه‌شون هم خیلی سریع تموم می‌شه؟ از یه نفر دیگه خوش‌شون میاد مثلاً، کلاً همه این طوری رل (رابطه) می‌زنن، مثلاً واقعاً عاشق هم نیستن که حوصله‌شون سر می‌ره، رل می‌زنن، بعد که سرگرم می‌شن و بازی‌شون تموم می‌شه و می‌بینن دیگه از طرف زده شدن، کات می‌کنن، می‌رن با یکی دیگه.

- بعد از تموم شدن رابطه‌شون ابراز ناراحتی هم می‌کنن؟

آره، استوری می‌ذارن آره من خیلی ناراحت شدم، بعد از این متناهی دپ (غمگین) و اینا می‌ذارن که فقط مثلاً جلب

توجه کنن، در صورتی که اصن براشون مهم نیست.

- خودشون هم می‌دونن که عشق‌های مجازی خیلی زود تموم می‌شن؟

می‌دونن، ولی چون خودشونم حوصله‌شون سر رفته، قبول می‌کنن.

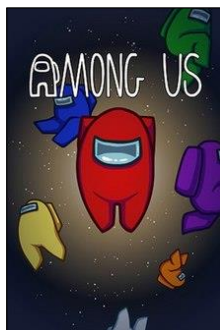
- تا به حال برای دوستانت پیش اومده که با یک نفر در اینستاگرام رابطه برقرار کنن و بعد اون فرد در واقعیت متفاوت از مجازی بوده باشه؟

آره، مثلاً بداخلاق‌تر و بد استایل‌تر بودن.

- تا به حال شده داخل اینستاگرام با یک فرد خارجی آشنا بشی؟

آره، مثلاً توی بازی امانگ آس^۱ توی قسمت چتش با هم حرف می‌زدیم و بعد آیدی اینستاگرام

به هم می‌دادیم.



۱ - بازی امانگ آس، یک بازی ویدیویی چندنفره آنلاین است که توسط استودیوی بازی‌سازی آمریکایی ساخته شده و در ۱۵ ژوئن ۲۰۱۸ منتشر شده‌است. این بازی در چهار مکان برگزار می‌شود که بازیکنان هر کدام یکی از این دو نقش را بر عهده می‌گیرند: خدمه و قاتل. هدف خدمه‌ها، شناسایی قاتل‌ها، از بین بردن آن‌ها و انجام کامل وظایف اطراف نقشه در سفینه است و هدف قاتل‌ها کشتن افراد خدمه و آسیب رساندن به جاهای مختلف نقشه بدون شناسایی شدن است (ویکی پدیا).

- در اینستاگرام با هم راجع به چی حرف می‌زنید؟
بیش‌تر مثلاً به هم می‌گیم میای بازی کنیم یا مثلاً آنالین می‌شی و اینا، زیاد حرف خاصی نمی‌زنیم، یه بار مثلاً یه پسر ترک بود، استوری من رو دیده بود و ریپلای کرده بود بیوتیفول (زیبا) و اینا.

- تا به حال در اینستاگرام با دوستانت گروه داشتید؟
آره.

- یک کم بیش‌تر راجع بهش توضیح می‌دی عزیزم؟
یه گروه می‌زدیم مثلاً یه پست رو برای همه می‌خواستی بفرستی، می‌فرستادی توی اون گروه.
- چه پست‌هایی معمولاً توی گروه می‌فرستادین؟
پست‌های فان و دوستانه.

- پست‌های دوستانه چه طور هستن؟
مثلاً دوتا دوست می‌رن هم‌دیگه رو بغل می‌کنن، بعد یه آهنگ پخش می‌شه که می‌گه من تا آخر عمرم باهاتم و اینا.

- پست‌های فان چه طوری هستن؟
همون میم‌ها و اینا.

- در گروه با هم در ارتباط با موضوع‌های مختلف هم صحبت می‌کنید؟
مثلاً یه نفر یه استوری از یه دختر دیگه می‌فرسته، بعد راجع بهش حرف می‌زنیم، مسخره‌اش می‌کنن، غیبت می‌کنن.

- چه استوری‌ای می‌بینید؟
مثلاً طرف یه ژست مسخره گرفته، بعد مثلاً استوری کرده یا مثلاً با یه نفر رفته بیرون که مثلاً در موردش خیلی بد می‌گفت، بعد این رو می‌فرستن، بعد مسخره‌اش می‌کنن و راجع بهش غیبت می‌کنن، مثلاً می‌گن طرف چه بی‌ریخته، چرا این طوری آرایش کرده یا مثلاً کل استوریا و پستاش با یه لباسه، مثلاً بیچاره نمی‌تونه یه لباس جدید بگیره و اینا.

- اون فردی که استوریش رو داخل گروه می‌بینید، دوست‌تون هست یا یک فرد معروفه؟
دوست‌مونه.

- عضو گروه دعوا هم هستی؟

مثلاً آدم (عضو کردن) کردن و همین طوری پیامشون رو دیدم.

- می‌شه لطفاً بیش‌تر توضیح بدی که سر چی دعواشون شده بود؟
مثلاً یه دختر رفته بود به یه دختر دیگه فحش داده بود، بعد اون عصبانی شده بود و یهو گروه زده بود و که همه‌ی دوستاش باهاش دعوا کنن.

- علت این که به هم فحش می‌دادن چی بود؟
- مثلاً بی دلیل از هم بدشون می‌اومد یا مثلاً طرف دیده بود، خیلی به دوست پسرش پی ام اینا می‌ده.
- داخل گروه دعوا چه صحبتی می‌کردن؟
- هی مثلاً هم‌دیگه رو فحش می‌دادن و تیکه می‌انداختن.
- در نهایت چه اتفاقی می‌افتاد؟
- در نهایت مثلاً خود طرف لفت (ترک کردن) می‌داد یا مثلاً یه نفر دیگه لفت می‌داد و همه چی تموم می‌شد.
- داخل اینستاگرام دوست معمولی پسر هم داری؟
- من ندارم، ولی بقیه دارن.
- همین دوستان که دوست معمولی دارن، رابطه‌شون با دوست‌های معمولی شون چه طور هست؟
- مثلاً با هم قرار بیرون می‌ذارن که برن فلان جا.
- داخل اینستاگرام با هم چت هم می‌کنن؟
- آره دیگه.
- می‌دونی راجع به چه مواردی صحبت می‌کنن؟
- حرف‌های معمولی دیگه، مثلاً چه طوری؟ امروز چه کارا کردی؟ بریم بیرون و یه همچین چیزایی.
- الان بین دوستان در اینستاگرام دوستی با پسرها به یک مسأله‌ی عادی تبدیل شده؟
- آره، یه جورایی.
- قبل از اینستاگرام هم این طوری بود؟
- نه، قبل از اینستا چون مدرسه‌ها این طوری نبود که هم دخترا باشن و هم پسر، مثلاً ما دخترا فک می‌کردیم، وای مثلاً الان پسر از ما جدا شدن، چه قدر مثلاً چیز خاصی و واسه‌مون عجیب بود، بعد یه مدت که شبکه‌های مجازی و اینستا اومد، خب دیگه اون‌جا محدودیتی نبود، هم دختر بود و هم پسر، دیگه کم‌کم هم یه سری دخترا توی اینستا پسر رو اکسپت کردن و بقیه‌ی بچه‌ها هم دیدن که مثلاً چیز خاصی نیست و اوکیه و روابط عادیه؛ مثلاً قرار نیست اتفاق خاصی بیفته و آره دیگه، در کل الان بعد از اینستا که ارتباطا بیش‌تر شده بین مثلاً دخترا و پسر، دیگه چیز خاصی نیست.
- در اینستاگرام دیدی که دوستان داداشی داشته باشن؟
- اوه زیاد (می‌خندد).
- می‌شه توضیح بدی لطفاً و مثال بزنی؟
- مثلاً استوری می‌ذارن داداش گلم، اون یکی می‌ذاره خواهر گلم، بعد مثلاً فرداش رل از آب درمیان (می‌خندد).
- چرا از همون اول با هم دوست پسر یا دختر نمی‌شن و داداش و خواهر می‌شن؟

مثلاً می‌خوان سر سنگین به نظر برسن.

- خودت پیچ فیک هم داری؟

آره، یه دونه دارم.

- علت این که این صفحه رو ساختی چی بود؟

مثلاً با دوستم که قهر کردم، مثلاً با اون پیج می‌رم استوریاش رو چک می‌کنم، می‌بینم داره چه

کار می‌کنه و با کی رفته بیرون.

- تا به حال با اون صفحه سر به سر کسی گذاشتی؟

مثلاً بخوام ایسگاشون رو بگیرم، حوصله‌ام سر رفته باشه، قبلاً زیاد این کار رو می‌کردم.

- می‌شه مثال بزنی لطفاً؟

مثلاً می‌رفتم پی‌وی‌شون، می‌گفتم پیجم پسر بود، بعد می‌گفتم آره روت کراش زدم، شما خیلی

دختر گلی هستی، به، به (می‌خندد).

- دوستانت باور می‌کردن؟

باورشون می‌شد، بعد فکر می‌کردن خیلی آدمای خاصی هستن، می‌زدن بلاک می‌کردن، بعد

می‌رفتن برای این و اون تعریف می‌کردن که آره همه دنبال من هستن (می‌خندد).

- تا به حال بین دوستانت دیدی که با پیج فیک بقیه رو تهدید کنن؟

آره.

- می‌شه لطفاً مثال بزنی؟

اووووممم... مثلاً یکی از همینایی که فالور خیلی واسه‌شون اهمیت داره و لباسای باز زیاد می‌پوشن،

مثلاً با یه نفر مشکل پیدا می‌کنن، می‌رن بهش می‌گن ما فیلمات رو داریم، ما عکسات رو داریم،

می‌ریم مثلاً اینا رو پخش می‌کنیم، می‌دیم به بابات، بعضی وقتا هم با پیج خودشون پیام می‌دن که

مثلاً بگن، آره من از تو خیلی سرترم، من می‌تونم با یه دکمه تو رو نابود کنم، بعد مثلاً بعضی وقتا

یه قسمت از فیلم یا عکس رو می‌ذارن و خط خطی می‌کنن، بیش‌ترش رو تا به طرف بفهمونن که

براشون کاری نداره آبروش رو ببرن، بعد طرف رو هم تگ می‌کنن که آره، نابودت می‌کنم، فلانت

می‌کنم و اینا.

- اون طرف مقابل چه کاری انجام می‌ده؟

طرف مقابل هم می‌ترسه و بلاک می‌کنه بعد یا مثلاً در عین حال باهاش دعوا می‌کنه.

- معمولاً چه فیلم و عکس‌هایی دارن؟

فیلم‌ها و عکس‌هایی که با دوست پسرش بوده.

- اون فیل و عکس‌ها همون‌هایی هست که اون فرد در صفحه‌ی خودش به اشتراک گذاشته؟

نه دیگه، مثلاً خودش وقتی با دوست پسرش بوده گرفته، بعد برای دوستش فرستاده، بعد دوستش مثلاً چیز از آب دراومده و برای همه فرستاده.

- قبل‌تر اشاره کردی که تعدادی از دوستان ارتقای صفحه‌ای که دارند، براشون مهم هست، تا به حال دیدی که از این‌که صفحه‌شون رو از دست بدن ترس داشته باشن؟
آره.

- می‌شه لطفاً مثال بزنی؟

مثلاً یه وقت پیج‌شون نپره و فالوراشون بره، عکسایی که مثلاً توی اون‌جا بوده بره، مثلاً یه بار یکی از دوستانم یه یکی، دو روز نمی‌تونست بره توی پیجش، همه‌اش به من پی‌ام می‌داد، می‌گفت خیلی حالم بده و گریه می‌کرد، دیگه بعد از دو روز این امنیتی‌ها تونستن پیجش رو براش برگردونن.
- فکر می‌کنی چرا در اینستاگرام از فیلتر زیاد استفاده می‌شه؟
چون اعتماد به نفس‌شون کمه به نظرم و دوست دارن خوشگل باشن.

- خودت هم از فیلتر استفاده می‌کنی؟

آره، برای این‌که پوستم صاف‌تر باشه و جوشام معلوم نشه، کلاً این فیلترها مثلاً آدم رو خیلی خوشگل می‌کنه، من مثلاً بعضی وقتا این جوریم که کاشکی شبیه همین فیلترها بودم.

- از بین دوستان کسی رو دیدی که از طریق اینستاگرام کسب درآمد کنه؟

آره، یکی از دوستانم دوازدهمه، بعد مثلاً یه مدت شروع کرد، از هر کاری که می‌کرد و مثلاً هر جایی که می‌رفت استوری می‌داشت، مثلاً می‌رفت مرکز خرید از تک‌تک چیزایی که می‌خرید استوری می‌گرفت و توضیح می‌داد، بعد الان پیجش اومده بالا، فک کنم ۵۰ کایی فالور داره و الان تبلیغات می‌گیره.

- خودت علاقه‌مند شدی به جای درس خوندن، صفحه‌ای بسازی و محتوایی تولید کنی و از طریق اینستاگرام کسب درآمد کنی؟

نه، چون به نظرم خیلی مسخره هست، چون آدم‌ها رو خیلی مسخره می‌کنن.

- دوستان خودت چه طور؟

آره، مثلاً می‌گن برای چی این‌قدر درس بخونیم و بریم دانشگاه که چی بشه و اینا، یه پیج بزنی و بلاگر بشی و مثلاً کار خاصی هم نکنیم و فقط از زندگی‌مون استوری و پست بذاریم، می‌تونیم پول دربیاریم و اینا یا مثلاً می‌گن، الان پول توی این چیزاست.

- تا حالا برایت پیش اومده که کنار دوستت باشی و دوستت گوشی‌اش رو به شما بده و از شما بخواهد به جای اون به یک نفر پیام بده؟
آره.

- می‌شه لطفاً مثال بزنی؟

مثلاً طرف مثلاً نمی‌دونسته چی بگه یا مثلاً روش نمی‌شده حرف بزنه، داده به من.

- می‌شه لطفاً دقیق‌تر مثال بزنی عزیزم؟

مثلاً با طرف دعواش شده، بعد نمی‌دونسته باید چه جوری از دلش دربیاره، بعد مثلاً من پی ام

دادم، بعد خیلی نرم رفتار کردم، مثلاً گفتم بیا آشتی کنیم و یه همچین چیزایی.

- علت این که به جای هم‌دیگه پیام می‌دید این هست که به هم کمک کنید یا علت دیگه‌ای

هم داره؟

نه، همون کمک کردنه.

- ورودت به اینستاگرام باعث شده که بیش‌تر به مد و لباس پوشیدنت توجه کنی؟

آره.

- می‌شه لطفاً مثال بزنی؟

اووممم... مثلاً چه جوری بگم؟ مثلاً استایل یه نفر رو می‌بینم و از نوع استایلش خوشم میاد، بعد

مثلاً سعی می‌کنم یه استایلی شبیه به اون بزنم.

- قبل از این که وارد اینستاگرام بشی، این قدر به مد و تیپ خودت توجه داشتی؟

اووممم... نه زیاد، الان بیش‌تر شده، چون الان بیش‌تر عکس می‌بینم، مثلاً قبل از اینستا فقط

بیرون آدم رو می‌دیدم دیگه.

- این که طبق مد پیش بری و استایلت یک استایل خاصی باشه، باعث می‌شه چه احساسی داشته

باشی؟

این که بدونم توی اون شرایطی که هستم، استایلم خوبه، مثلاً احساس خوبی بهم دست می‌ده.

- تا به حال از اینستاگرام خرید هم کردی؟

آره.

- چی خریدی؟

همین لباس و انگشتر و گردنبند و اینا.

- اگه بخوای مقایسه کنی، خرید از اینستاگرام رو ترجیح می‌دی یا خرید حضوری رو؟

مثلاً از اینستاگرام خرید می‌کنم، نیاز نیست مثلاً هی برم توی پاساژ و بگردم یا دیگه مثلاً نیاز

نیست خودم رو خسته کنم، همون توی خونه سفارش می‌دم.

- تا به حال شده از اینستاگرام خرید کرده باشی و به مشکل برخوردی باشی؟

برای من که نیفتاده، ولی مثلاً برای اطرافیانم آره، افتاده.

- می‌شه لطفاً بیش‌تر توضیح بدی که برای اون‌ها چه اتفاقی افتاده بود؟

مثلاً دوستم خرید کرده بود از یه پیجی، مثلاً ۴۰۰، ۳۰۰ تومان داده بود، ولی مثلاً پیج پولش رو

خورده بود.

- چه طوری؟

یعنی اول گفته بود باید پول رو واریز کنی و بعد براش عکس رضایت مشتری اینا فرستاده بوده که مثلاً یعنی رضایت مشتری داره، بعد مثلاً طرف واسش پول رو واریز کرده، بعد جواب طرف رو نداده و بلاکش کرده.

- اون فرد تونست نهایتاً پولش رو برگردونه؟

نه دیگه، پولش رو خورد.

- تا به حال شده در اینستاگرام پستی رو ببینی و این احساس به شما دست داده باشه که چرا ایران به دنیا اومدی؟
آره.

- می‌شه بیش‌تر توضیح بدی؟

مثلاً دیدن مدرسه‌هاشون، فضاشون یا مثلاً کارایی که می‌کنن، این حس رو بهم داده که ای کاش من اون‌جا بودم یا اون‌جا بودم الان مثلاً جوونیم این شکلی می‌شد، اون شکلی می‌شد.

- منظورت از مواردی که گفتی رو می‌شه واضح‌تر بیان کنی، عزیزم؟

مثلاً وقتی می‌رن مدرسه، هر لباسی که خودشون دوست دارن می‌پوشن، رفتار معلماشون خیلی خوبه، بعد یه ویدیو دیدم که دختره داشت راحت با معلمش حرف می‌زد که دوست نداره ماسک بزنه، حالا اگه این‌جا باشه، معلم یه چار تا حرف بهش می‌زنه و از کلاس می‌اندازش بیرون، بعد مثلاً عربی ندارن (می‌خندد).

- چرا گفتی که اگر در یک کشور دیگه بودی، جوونی‌ات به یک شکل دیگه سپری می‌شد؟

چون مثلاً این‌جا واقعاً هیچ تفریحی نیست، ولی مثلاً توی اینستا دیدم که می‌رن مثلاً کاریوکی^۱ آهنگ می‌خونن، مثلاً شهر بازی شون رو دیدم خیلی قشنگه و نوئه وسایل شون، یه همچین چیزایی دیگه.



۱ - کارائوکه یا کاراوکه، ابزاری سرگرم‌کننده برای دوست‌داران آوازخوانی است. این ابزار از طریق یک صفحه نمایش و یک میکروفون، این امکان را برای افراد مبتدی فراهم می‌کند تا در حین پخش موسیقی بی‌کلام آوازهای مشهور، متن اشعار آن‌ها را بر صفحه نمایش ببینند و از طریق میکروفن به ضبط صدای خود بپردازند. در ایران چندین آلبوم به صورت کارائوکه توسط شرکت آیوا ضبط و تکثیر شده است، از جمله: آلبوم تنها ماندم از محمد اصفهانی، کنسرتی از گروه آریان، این دستگاه برای اولین بار در ایالات متحده آمریکا اختراع شد و بعدها توسط ژاپنی‌ها تکمیل گردید (ویکی پدیا).

- تا به حال پستی رو در اینستاگرام دیدی و ترغیب شدی که مهاجرت کنی؟

آره، مثلاً همونایی که گفتم، همون فضا و مدرسه‌هاشون و تفریحاتی که دارن توی کشورشون، بعد مثلاً هوای تمیز دارن، این‌جا همه‌اش هوا آلوده هست، کلاً ایران انگار خاکستریه، اما مثلاً کشورای دیگه عکساشون یا فیلماشون رو توی اینستا می‌بینم، مثلاً آمریکا خیلی همه چی شفافه و تمیزه، خیابوناش و پارکاشون خیلی تمیزه، بعد خب مثلاً خوشم میاد که برم از این‌جا. یکی از دوستانم رفته آلمان، همه‌اش توی اینستا پست و استوری می‌ذاره، توی مدرسه ناخناش رو کاشته و راحته، هیچ کس بهش گیر می‌ده، منم دوست دارم برم به کشور دیگه.

- قبل از این که وارد اینستاگرام بشی هم این احساس رو داشتی که ای کاش کشور دیگه‌ای به دنیا می‌اومدی یا دوست داشته باشی، مهاجرت کنی؟

بوده، کم بوده، ولی از وقتی که وارد اینستاگرام شدم، بیش‌تر شده.

- فکر می‌کنی چرا بیش‌تر شده؟

مثلاً با کشورای دیگه آشنا شدم، عکس‌ها و ویدیوهای بیش‌تری دیدم و اینا.

- قبل از این که وارد اینستاگرام بشی، نظرت راجع به مسوولان کشور چی بود؟

اووووممم... نظرم این طوری بود که ماشالا بدجور گند زدن، مثلاً همین حجاب که اجباریه یا سرعت نت که همه‌اش داغونه و اینا.

- وقتی که وارد اینستاگرام شدی نظرت تغییری کرد؟

همون حس منفی بیش‌تر شد، آره دیگه، مثلاً اون حرف‌هایی که می‌زدن و می‌داشتن توی اینستاگرام می‌خوندم و اینا.

- قبل‌تر به حجاب اشاره کردی، منظورت چی بود؟

اووووممم... به نظرم هر کس هر جور دوست داره می‌تونه بگرده، نباید به نظرم مثلاً کسی رو مجبور کنن حجاب داشته باشه، مثلاً من خودم دلم نمی‌خواد، ولی مجبورم دیگه.

- قبل از این که وارد اینستاگرام بشی از نظر اعتقادی چه طور بودی؟

مثلاً به خدا اعتقاد داشتم، ولی به دین اینا نه، چون به نظرم دین یه چیزیه که توی کشور که به دنیا می‌ای، خودشون دین رو برات انتخاب می‌کنن، مثلاً آدم رو مجبور می‌کنن که مسلمون باشه، ولی شاید اصن یکی نمی‌خواد کلاً دین داشته باشه، این‌جوری آدم رو از دین زده می‌کنن.

- بعد از این که وارد اینستاگرام شدی، در اعتقاداتت تغییری ایجاد شد؟
آره.

- می‌شه لطفاً مثال بزنی؟

مثلاً همون که چیزی گفتم، مث همون مسایل حجاب و اینا، مثلاً اینقد می‌گن فلانی موش بیرون باشه، می‌ره جهنم، بعد می‌رن بهش تذکر می‌دن و گند می‌زنن به اعصابش، مثلاً من ویدیو

دیدم توی اینستا که پلیسه زنه رو زده که چرا مثلاً موهاش بیرونه، همینا آدم رو از دین متنفر می‌کنه دیگه.

- تا به حال در اینستاگرام صفحات شیطان پرستی رو دیدی؟
بله.

- و تا به حال در اینستاگرام به صفحات شیطان پرستی علاقه‌مند شدی؟
نه.

- دوستان خودت چه طور؟
بعضی‌ها بودن که دنبال این جور چیزا بودن.
- می‌شه بیش‌تر راجع بهشون توضیح بدی؟
مثلاً یهو فاز می‌گیرتشون استوری می‌ذارن راجع بهش یا مثلاً ادیت‌هایی که مربوط به این چیزا هست رو می‌ذارن.

- استوری چی می‌گذاشتن؟
مثلاً چشم سوم و اهرام مصر با آهنگ‌های عجیب غریبه همون شیطان پرستا.



- آداب خاصی رو هم در زندگی‌شون به واسطه‌ی شیطان پرست بودن‌شون انجام می‌دادن؟
نه، فقط مثلاً یهو فاز می‌گرفت‌شون و می‌گفتن من یه همچین چیزیم.
- منظورت این هست که افرادی در اینستاگرام اعلام می‌کنن که شیطان پرست هستن، بیش‌تر به خاطر جلب توجه هست؟

آره، یه همچین چیزایی، مثلاً می‌خوان بگن آره ما خاصیم و خفنیم و اینا.
- تا به حال برایت پیش اومده که در اینستاگرام محتوایی مربوط به فال بینی و به فال گرفتن علاقه‌مند شده باشی؟
آره، بعضی وقتا.

- چی شد که به فال گرفتن علاقه‌مند شدی؟

مثلاً می‌خواستم بدونم چه اتفاقی می‌افته، اگه فلان کار رو کنم، بعد فال می‌گرفتم و همون کار رو می‌کردم یا نمی‌کردم.

- واقعاً باور داری که صحبت‌های فال‌گیر درست هست؟
صد در صد که نه، درست نیست، ولی مثلاً بعضی وقتا آره.

- می‌شه مثال بزنی لطفاً؟

مثلاً می‌خواستم ببینم که فلان امتحانم رو می‌افتم یا نه یا مثلاً می‌تونم فلان کار رو در آینده بکنم، بعد مثلاً می‌دیدم طرف داره راجع به زندگیم یه چیز درست می‌گه، می‌گفتم خب لابد طرف یه چیزی می‌دونه دیگه، بعد مثلاً می‌گفتم چه اتفاقی می‌افته، بعد مثلاً می‌گفت این می‌افته یا مثلاً اون ۱۸ سالگی‌ات می‌افته، اون اتفاق در این سن می‌افته و اینا.

- در مورد امتحان که الان اشاره کردی، نمره‌ات رو گفته بود؟

نمره رو دقیق نمی‌گه، می‌گفت مثلاً تو قبول می‌شی، بعد قبول هم می‌شدم.

- وقتی فال می‌گیری احساس آرامش به شما دست می‌ده؟
آره، دقیقاً آرام می‌شم.

- وقتی که می‌خواهی از طریق اینستاگرام فال بگیری، دقیقاً چه کارهایی انجام می‌دی؟
می‌ری داخل پیج، بعد مثلاً می‌ری به طرف دایرکت (پیام در اینستاگرام) می‌دی یا مثلاً طرف شماره تلفن می‌ده، بعد مثلاً می‌گه قیمتش می‌شه این، بعد تو پولش رو می‌دی و بعد می‌ری به طرف زنگ می‌زنی و می‌گه و بعد همین دیگه.

- فقط از طریق یک صفحه فال می‌گیری یا از صفحات مختلف استفاده می‌کنی؟
پیش یکی.

- فالورهاش زیاد هست؟

آره، زیاده.

- تا به حال به دوستان هم پیشنهاد دادی که فال بگیرن؟

اونا نه، زیاد نمی‌گیرن، مثلاً به یه نفر گفتم، گفته وای چقد باحاله و اینا و مثلاً پیجش رو برام بفرست.
- می‌دونی که فال هم گرفته یا نه؟

اون رو نمی‌دونم دیگه، شاید گرفته، شاید نگرفته.

- اونی که فال می‌گیره و باهاش صحبت می‌کنی، خانم هست؟
آره.

- سنت رو هم می‌پرسه؟

آره، می‌پرسه.

- سن واقعی‌ات رو می‌گی؟

آره.

- وقتی متوجه می‌شه زیر ۱۸ سال هستی، چیزی نمی‌گه؟
نه، کلاً اهمیتی نمی‌ده.

- قبل از این که وارد اینستاگرام بشی، نظرت راجع به محیط زیست چی بود؟
اون قدر برام مهم نبود، ولی بهش سعی می‌کردم، مثلاً اهمیت بدم.
- منظورت از اهمیت دادن چی هست؟
مثلاً آشغال نمی‌ریختم.

- از زمانی که وارد اینستاگرام شدی توجهات نسبت به محیط زیست تغییری کرده؟
آره، مثلاً هم بیشتر شده و هم به بقیه می‌گم که فلان کار رو نکن، مثلاً یه پست راجع بهش می‌بینم، مثلاً می‌گه آره، فلان جا نباید آشغال ریخت و باید آشغال رو جمع کرد و برای بقیه هم می‌فرستم. مثلاً توی دریا آشغال بریزیم، ماهی‌ها فلان می‌شن و اینا، مثلاً پلاستیک جذب نمی‌شه، یه همچین چیزایی.

- پس منظورت این هست، از زمانی که وارد اینستاگرام شدی آگاهی‌ات نسبت به محیط زیست
بیشتر شده، درسته؟
آره، آره.

- از بین دوستانت کسی هست که مدام از لحظه‌های زندگیش عکس و استوری بگذاره؟
آره.

- بیش‌تر توضیح می‌دی عزیزم؟
مثلاً از صبحونه‌اش عکس می‌ذاره، بعد مثلاً می‌زنه صبح‌تون بخیر، بعد مثلاً ناهار می‌خواد بخوره
استوری می‌ذاره، می‌ره یه جا لوکیشن رو (موقعیت) می‌زنه، مثلاً یه پارکی رفته یه رستورانی جایی
ازش فیلم یا عکس می‌گیره و لوکیشن می‌زنه، بعد مثلاً یه بچه‌ای توی فامیلش به دنیا میاد استوری
می‌گیره، وای بچه‌ی فلانی به دنیا اومد، یه همچین چیزایی دیگه.

- از بین دوستان خودت کسی هست که فقط از لحظه‌های خاص استوری بگذاره؟
آره، مثلاً من خودم این کار رو می‌کنم، مثلاً یه جا با دوستانم می‌رم عکس می‌گیرم و بعد مثلاً
می‌ذارم توی پیجم که بعداً داشته باشیم، دوست دارم یادگاری بمونه دیگه، چون وقتی می‌بینمشون،
یاد خاطرات خوبم می‌افتم.

- از وقتی که از اینستاگرام استفاده می‌کنی، سردرد، چشم درد و به هم ریختن خواب یا موارد
دیگه‌ای رو تجربه کردی؟

چرا، مثلاً خوابم بهم ریخته شده یا از وقتی که رفتم توی اینستا، درس خوندن برام خیلی سخت شده.

- منظورت از این که گفתי از وقتی اینستاگرام رو نصب کردی به سختی می‌تونی درس بخونی، چی بود؟

مثلاً هی می‌خوام از اینستاگرام برم بیرون، بعد نمی‌تونم و هی رم پست‌های بیش‌تری می‌بینم، بعد هی زمان می‌گذره و می‌بینم دیگه حال اون درس خوندن رو ندارم.

- اگر اینستاگرام رو از شما بگیرن، چه احساسی به شما دست می‌ده؟
حوصله‌ام سر می‌ره و دیگه کاری ندارم انجام بدم.

- اگه درس داشته باشی چی؟

درس داشته باشم، این قدر بی‌حال می‌شم که دیگه حال ندارم بخونم.

- حالا چه طوری خوابت به هم ریخته؟

مثلاً می‌رم توی تخت بخوابم، بعد می‌گم که وای نه، مثلاً بذار یه کم دیگه با گوشی برم توی اینستاگرام بچرخم بعدش می‌خوابم، بعد مثلاً می‌بینم عه صبح شده (می‌خندد)، مثلاً خیلی خوابمم میاد، ولی تا می‌رم توی اینستا نمی‌دونم چه طور می‌شه که خواب انگار از سرم می‌پره (می‌خندد).

- به جز این که خوابت به هم ریخته، مشکل دیگه‌ای برایت پیش نیومده؟
سردرد، آره، مثلاً سردرد داشتم، چشمم درد می‌گیره وقتی زیاد توی اینستا می‌چرخم.

- فکر می‌کنی به اینستاگرام وابسته شدی؟

آره، مثلاً کل استوری‌ها و پست‌ها رو دیدم توی پیجم، ولی بازم هی می‌رم ریفرش (تازه‌سازی) می‌کنم، اصن دست خودم نیست، مثلاً می‌خوام برم توی یه برنامه دیگه، ولی دستم می‌ره روی اینستاگرام.

- قبل از این که اینستاگرام رو نصب کنی، رابطات با خانواده چه طور بود؟

خوب بود تقریباً، مثلاً حال اینا داشتم که حالا یه وقتایی هم با خانواده باشم.

- از وقتی که اینستاگرام رو نصب کردی چه طور؟

الآن مثلاً بهم می‌گن بیا بریم بیرون، می‌گم حال ندارم و حوصله ندارم توجه کنم به حرفاشون.

- علتش چی هست؟

حال ندارم کلاً از جام تکون بخورم، دوست دارم یه گوشه دراز بکشم یا لم بدم و توی اینستا بگردم، بعدشم هی می‌خوان بهم بگن این کار رو کن، اون کار رو کن، می‌رن روی مخم.

- جمع دوستان خودت رو به خانواده ترجیح می‌دی؟

آره، با دوستانم بیش‌تر بهم خوش می‌گذره، کسی نیست هی بهم گیر بده، ولی با اونا هم مثلاً خیلی بیرون نمی‌رم، بیش‌تر حال ندارم.

- یعنی کار خاصی انجام می‌دی که خسته می‌شی و حال نداری؟

کلاً همیشه خسته‌ام (می‌خندد).

- از وقتی که اینستاگرام رو نصب کردی این طوری شدی؟
- از قبلش هم این طوری بودم یه کم، ولی از وقتی که اینستاگرام رو نصب کردم، بیش‌تر این طوری شدم.
- زمانی که مدرسه می‌رفتی و مدارس حضوری بود، راجع به اینستاگرام با دوستان صحبت می‌کردی؟
- آره، مثلاً آیدی‌های هم‌دیگه رو می‌گرفتم، هم‌دیگه رو فالو می‌کردیم.
- راجع به محتوایی که می‌دیدید هم، با هم صحبت می‌کردین؟
- آره، مثلاً راجع به بلاگرا می‌شستیم حرف می‌زدیم، مثلاً من اون موقع کلاس موسیقی می‌رفتم، یه استادی بود گیتار تدریس می‌کرد و از خودش ویدیو می‌داشت، بعد من یه دوستی داشتم که اونم ساز می‌زد و بعد مثلاً راجع به اون حرف می‌زدیم.
- راجع به بلاگرها چه چیزی می‌گفتین؟
- مثلاً راجع به زندگی هاشون می‌گفتم، مثلاً این با اون ازدواج کرد یا نمی‌دونم بچه‌اش این طوری شد، فلانی مثلاً با فلانی بهم زد، از این جور چیزا.
- گوشی هم مدرسه می‌بردید که به هم‌دیگه در اینستاگرام چیزی نشون بدین؟
- بعضی وقتا بچه‌ها مثلاً می‌آوردن یواشکی، بعد عکس اینا می‌گرفتن، دابسمش می‌گرفتن از خودشون که بذارن توی اینستا.
- کسی متوجه نمی‌شد؟
- معمولاً هوای هم‌دیگه رو داشتن توی کلاس، مگه این که یه نفر توی کلاس آنتن بود، مثلاً می‌رفت لو می‌داد، ولی معمولاً کسانی که می‌آوردن اون قدر گنده بودن که اون آنتن بترسه از اون طرف.
- منظورت از گنده بودن چی هست؟
- یعنی مثلاً برای خودشون کسی بودن، می‌ترسیدن بچه‌ها که مثلاً برن چیزی بگن، مثلاً می‌ترسیدن از بعدش، مثلاً یهو خفت‌شون می‌کردن.
- چه طوری؟
- مثلاً یه گوشه گیرشون می‌آوردن و تهدیدشون می‌کردن.
- چه تهدیدی؟
- مثلاً تهدید می‌کردن یه بلایی سرت میارم و اینا، بعد مثلاً طرف اصن جرأت نمی‌کرد حرف بزنه.
- مرسی از هم‌کاریت عزیزم، خیلی لطف کردی.
- خواهش می‌کنم.
- موفق باشی عزیزم، خدانگه‌دار.
- مرسی، خدافظا.

تأملی دوباره:

ترانه ۱۵ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی- تربیتی، اقتصادی، خانوادگی، روان‌شناختی، زیباشناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است.

ترانه در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به مواردی مانند: آموزش مسایل زیست محیطی به کاربران، نقد آموزشی، خستگی ذهنی، شکل‌گیری مدارس پنهان، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

ترانه در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: ارتقای نقد اجتماعی، تسریع هویت محقق و در راه تحقق، حمایت‌های مشاوره‌ای نوجوانان نسبت به یکدیگر، درد دل کردن با دوستان مجازی، اینستا به مثابه دفترچه خاطرات (خاطرات گزینش شده)، جهانی شدن و جهانی اندیشیدن، علاقه به مهاجرت، پذیرش اشکال گوناگون دوستی با جنس مخالف (داداشی، جاست فرند، سوشال فرند، دوست دختر و پسر)، عادی شدن دوستی و داشتن رابطه با جنس مخالف، تعمیق رابطه با جنس مخالف، ارتقای اعتبار اجتماعی فرد با داشتن دوست جنس مخالف، انجام عمل‌های زیبایی به مثابه اعتبار اجتماعی، شکل‌گیری هویت‌های جدید (هویت اشتراکی، هویت دوپاره، هویت کاذب، هویت لاکچری)، بی‌هویتی و بحران هویت، انجام اقدامات متفاوت جهت دیده شدن در اینستاگرام، سطحی بودن روابط در اینستاگرام، بالا بودن تعداد فالور نسبت به فالوئینگ به مثابه اعتبار اجتماعی، غوغای لایک و ویو: انجام اقدامات متفاوت جهت دیده شدن در اینستاگرام، کسب اطلاعات مبتذل درباره الگوهای مبتذل مورد علاقه، مواجهه نوجوانان با الگوهای ویرانگر، ورود پر رنگ دختران در عرصه شکستن هنجارها، سوق یافتن برخی از درگیری‌ها به فضای مجازی، تهدید آبرو و افشای اطلاعات دیگران و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

ترانه در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اخلاقی کاربران، به مواردی مانند: تفاخرجویی بر اساس مسایل مادی، صرف هزینه‌های مادی جهت افزایش تعداد فالور و لایک، کاهش شرم و حیا، شکسته شدن قبح برهنگی برای جذب فالور، بروز نمودهایی از پرخاشگری الکترونیکی و نظایر آن، اشاره داشته است.

ترانه ۱۵ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به مواردی مانند: جذابیت‌های اقتصادی اینستا برای نوجوانان، امکان کاربری اقتصادی از فضای مجازی برای کاربران، ترغیب شدن کاربران اینستاگرام به مصرف‌گرایی، پررنگ شدن نقش پول در فضای اینستا، ترغیب به شرط‌بندی و قماربازی آنلاین و نظایر آن، اشاره داشته است.

ترانه در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، به مواردی مانند: دور زدن اولیا، همکاری فرزندان برای دور زدن اولیا، یافتن دید تحقیرآمیز نسبت به اولیا، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

ترانه در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به مواردی مانند: به انحراف کشیده شدن کنجکاوی کاربران، کاهش تمرکز در مواجهه با حجم زیاد اطلاعات دریافتی، خستگی ذهنی، از دست دادن انگیزه‌ها در جهان واقع به دلیل خستگی ذهنی، جذابیت‌های اینستا، جادوی اینستا، اضطراب‌های نوپدید، از خود بیگانگی، نازل شدن مقام عشق در افرادی با هویت لاکچری و از خودبیگانه، کاهش سن استفاده از دخانیات، وابستگی به شرطبندی و قماربازی آنلاین، اعتیاد به اینستاگرام و فضای مجازی، پرخشگری‌های الکترونیک، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

ترانه در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، به مواردی مانند: دیگرپیروی برخی از کاربران در ابعاد زیباشناختی از سلبریتی‌ها، عمده کردن جذابیت بدنی در چشم و دل کاربران، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

ترانه ۱۵ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیستی کاربران، به مواردی مانند: تبعات زیستی ناشی از بهم خوردن ساعت خواب، اثرات مخرب رژیم‌های نادرست و افراطی، بروز دردهای عضلانی - اسکلتی، اشاره داشته است.

مصاحبه شونده در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به افزایش توجه به زیست محیط در جریان کاربری از اینستاگرام، اشاره داشته است.

ترانه در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار سیاسی کاربران، از گرایش به دیگر کشورها در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

ترانه در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل عقیدتی کاربران، به مواردی مانند: پررنگ شدن زندگی مادی و مادی‌گرایی، سوق یافتن به سمت دین زدگی، خرافه‌گرایی، علاقه‌مند شدن به فال، آشنا شدن با برخی جریان‌های انحرافی (نظیر شیطان پرستی)، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

ترانه ۱۵ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: آشنا شدن با سرگرمی‌های جدید، اینستا به مثابه عرصه گذران فراغت، تحول آفرینی در گذران فراغت، جهانی شدن و پیش رفتن به سمت اخذ فرهنگ جهانی، اینستا به مثابه ابزاری برای دور زدن محدودیتهای اجتماعی و فرهنگی در جامعه، تحول آفرینی فیلترها در معیارهای جذابیت فیزیکی جامعه، تغییر تدریجی فرهنگ با سرازیر شدن استانداردهای هویت‌های لاکچری در جامعه، سایه گستر شدن معیارهای لاکچری در جامعه، پر رنگ کردن مقوله قمار در فرهنگ جامعه،

سایه انداختن روابط و اقدام های فیک بر روابط اجتماعی و فرهنگی جامعه، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه ترانه ۱۵ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می توان بیان داشت، ترانه در مصاحبه خویش در عمل از سایه افکن شدن ابتدال فرهنگی در جامعه یاد کرده است. این ابتدال از سویی به دلیل برخورد منفعل مسوولان با مباحث فرهنگی- اجتماعی و ضعف رسانه های داخلی و نهادهای فرهنگی داخل و از سوی دیگر در پی بمباران اطلاعاتی اینستا، خستگی ذهنی کاربران، بصری شدن فرهنگ، یادگیری حل هیجان مدار مسایل، تنگنای زمانی و نداشتن انرژی برای چالش با مسایل غامض و برخورد قدرتمند رسانه های غرب تحقق می یابد.

مصاحبه با مه‌لقا، ۱۸ ساله

من توی اینستاگرام دیدم هم برای پسر هم برای دختر، می‌شه دوست دختر، دوست پسر اجاره‌ای گرفت.

- سلام!

سلام.

- از این که برای مصاحبه قبول زحمت کردید، متشکرم.
خواهش می‌کنم.

- خودتون رو معرفی می‌کنید؟

مه‌لقا هستم، ۱۸ سالمه.

- و کلاس چندمی؟

دانش‌آموز پایه دوازدهم.

- مه‌لقا جان شما از اینستاگرام استفاده می‌کنید؟
بله.

- می‌شه بگید چه مدت استفاده می‌کنید؟

چهار، پنج سالی می‌شه.

- خوب افراد غریبه هم فالو کردی؟

آره، چند نفری فالو کردم که کره‌ای هستن، اما پیجم پرایوته.

- داخل پیجت چی می‌گذاری؟

بیش‌تر استوری می‌ذارم و پست ندارم.

- چه استوری‌هایی می‌گذاری؟

جاهایی که می‌رم و از طبیعت و یا تکست و...

- پدر و مادرت از اینستاگرام استفاده می‌کنند؟

فقط مادرم داره.

- پدرت استفاده نمی‌کنه؟

نه.

- از هیچ برنامه‌ای استفاده نمی‌کنند؟

نه، از واتساپ و تلگرام استفاده می‌کنه.

- گفتی پست نداری و بیش‌تر استوری می‌گذاری، علت خاصی داره؟

- استوری اینستاگرام وقتی بذارم، می‌تونیم کسایی که دوست ندارم استوری‌های من رو ببین هاید^۱ کنم، ولی برای پست‌ها نمی‌شه.
- دوست نداری چه کسایی استوری‌های شما رو ببینن؟
- مثلاً بعضی از فامیلا.
- فامیل‌هاتون پیج اینستاگرامت رو دارن؟
- آره، بعضیاشون رو فالوشون کردم.
- خوب اگه نمی‌خواستی استوری و پستت رو ببینند، چرا فالوشون کردی؟
- همه استوریام رو که ازشون هاید نمی‌کنم، فقط بعضی چیزا.
- می‌تونم بپرسم بعضی چیزها یعنی چی؟
- خب یه تکست می‌ذارم که حالا عاشقانه باشه، بعداً ببینن حرف می‌زنن پشت سرم.
- تا حالا همچین اتفاقی برایت افتاده؟
- آره.
- می‌شه راجع بهش بیش‌تر بگی؟
- یه بار اومدم یه تیکه از متنی گذاشتم که عاشقانه بود، از سجاد ابطحی، بعداً مامانم گفت آره خاله‌ات استوریت رو دیده، می‌گه استوری مه‌لقا رو دیدم و از این چیزا... .
- خوب عزیزم توی اینستاگرام چه پیج‌هایی رو بیش‌تر دنبال می‌کنی، می‌شه اسم چندتا از اون‌ها رو به من بگی؟
- پیج سجاد ابطحی^۲، پیج فرهنگی سفارت کره و عمو یام یام... .
- می‌خواهم راجع به پیج‌هایی که معرفی کردی بیش‌تر بدونم، می‌شه راجع به سجاد ابطحی بگی که چه کسی هست و چه کار می‌کنه؟
- سجاد ابطحی نویسنده هست.
- چه جوری باهاشون آشنا شدی؟
- خب از چند سال پیش پیجش رو داشتم، تکست‌هایی که خودش می‌نوشت رو داخل اینستاگرام می‌ذاشت، الان دوتا کتابش رو چاپ کرده.
- پس کتاب خوندن رو دوست داری؟

۱ - هاید کردن از ویژگی‌های پرکاربرد اینستاگرام به شمار می‌رود که امکان پنهان کردن استوری در اینستاگرام از یک یا چند نفر را برای کاربران فراهم می‌کند. در این صورت بدون نیاز به بلاک کردن افراد می‌توانند با استفاده از قابلیت hide story اینستاگرام، استوری‌های خود را از دید برخی کاربران مخفی کنند.

۲ - سجاد ابطحی نویسنده ۲۳ ساله‌ای است که داخل اینستاگرام فعالیت می‌کند و امروزه به دلیل متن‌های عاشقانه‌ای که در پیج خودش منتشر می‌کند، بسیار در میان جوانان معروف است.

نه، ولی دوتا کتاب ابطحی رو سفارش دادم از پيجش که برام بیاد، دوست دارم بخونمش، چون مثل تکست‌هایی که می‌نویسه، عاشقانه هست.

- از کجا می‌دونی کتابش هم عاشقانه هست؟

بعضی وقتا استوری می‌ذاره از تیکه‌هایی از کتابش.

- چه جور سفارش دادی، از داخل اینستاگرام؟

آره، بهش دایرکت دادم و دوتا کتاب ترقوه و نامه‌هایی که در زمان کرونا نوشته شد رو سفارش دادم، چند روز دیگه برام میاد، خیلی خوشحالم.

- چرا این قدر متن‌های ابطحی رو دوست داری؟

چون واقعاً عاشقانه می‌نویسه و واقعاً تجربیات خودش رو می‌نویسه، خیلی آدم با ملاحظه‌ای هست.

- از کجا می‌دونی آدم با ملاحظه‌ای هست؟

آخه توی اینستاگرام همیشه می‌نویسه به خانوم‌ها احترام بذاریم، وقتی کنارشون می‌شینیم جوری باشیم احساس معذب بودن نکنن و اذیت نشن.



- پس از شخصیتش و حرف‌هایی که می‌زنه خوشت میاد؟
آره.

- خوب از کجا می‌دونی واقعی هستن؟

واقعی واقعی هست، چند ماه پیش تولد یکی از دوستاش بود، کنار یه دختر نشسته بود، دستش رو جوری گذاشته بود، دختره معذب نشه، قبلاً همچین چیزی گفته بود که کنار یه دختر می‌شینیم دست و پامون رو باز نکنیم یا وقتی یه دختر توی کوچه‌ی خلوت جلومون راحت می‌ره، جوری پشت

سرش راه نریم که نگران بشه و خیلی چیزای دیگه، تازه باعث می‌شه خودمون رو دوست داشته باشیم و بهمون اعتماد به نفس می‌ده.

- چه جوری باعث می‌شه به شما اعتماد به نفس بده؟

من وقتی کلاس نهم بودم ۷۰ کیلو شده بودم، بعد خودم یه رژیم سخت گرفتم شدم ۵۸ کیلو، لاغر شدم، ولی باعث شد، روی پام و قسمتایی از بدنم ترک‌های سفید به وجود بیاد که اگه لباس باز بپوشم، این ترک‌ها معلوم می‌شه، همیشه ناراحت بودم که بدنم زشت شده، نباید این کار رو می‌کردم که زود لاغر بشم، ولی ابطحنی چندتا پست گذاشته بود که راجب همین ترک‌های پوستی که حالا وقتی روی بدن دلبرش می‌دید، چه قدر اون رو قشنگ‌تر کرده بود و اصلاً اهمیتی نداره ما این ترکا رو داشته باشیم، الآن هنوز یه کم ناراحت هستم که این ترکا رو دارم، ولی خب متوجه شدم فقط من نیستم که دارم و این مسأله اون قدرها هم بد نیست.

- خوب که متوجه شدی، تا حالا شده بود بخواهی خودت رو مقایسه کنی؟

آره، خیلی، وقتی می‌دیدم افراد مشهور تاپ می‌پوشن یا لباس باز می‌پوشن، ولی هیچ ترکی ندارن، همه‌اش جلو آینه نگاه می‌کردم، با این که لاغر شدم، ولی خب ترک‌های پوستیم اذیتم می‌کرد، ولی حس بهتری دارم و این به خاطر ابطحیه.

- چه قدر طول کشید لاغر بشی؟

شاید سه ماه.

- چرا تصمیم گرفتی سریع لاغر بشی؟

خیلی چاق بودم و دوستام همه‌اش بهم می‌گفتن، خب توی اینستاگرام می‌دیدم همه هیکل خوبی دارن، منم می‌خواستم اون جوری بشم.

- داخل اینستاگرام افرادی که خوش اندام بودن رو می‌دید، به نظرت الآن همه‌اش واقعی هست؟

نه، الآن دیگه خودم می‌دونم فضای مجازی با واقعیت متفاوت، الآن که یه مدت وایرال شده بود که بیان اول چیزی که توی فضای مجازی نشون می‌دن، بذارن توی فیلم، بعدش خود واقعی‌شون.

- مثلاً می‌تونن به من بگی چه جوری بود؟

مثلاً کسی که شکم داره یه جوری عکس می‌گیره که انگار خیلی ورزشکاره و شکمش معلوم نمی‌شه، یادمه یه بار یه پیجی از میا خلیفه یه پستی گذاشته بود، نشون داده بود یه قسمت از پاهاش شل شده و ترک پوستی داره، ولی خب ما این رو توی عکس نمی‌بینیم، وقتی بدن‌شون رو می‌بینیم می‌گیم خوش به حال‌شون، به نظرم این چالش خوبی بود که واقعاً فکر نکنیم اونا عالی هستن.

- می‌تونن بگی میا خلیفه کی هست؟

انگار قبلاً بازیگر فیلم بزرگ‌سال بود، ولی الآن دیگه نیست.



- از کجا می‌شناسیش؟
- توی کامنت‌ها خوندم، همه نوشته بودن راجع بهش.
- خوب دوستانت هم پیج ابطحی رو دارن؟
- آره، خودم بهشون گفتم، اونا هم کانالش رو دارن و هم واقعاً خیلی زحمت می‌کشه برای کتاباش، خودش می‌بره چاپ‌شون می‌کنه، خودش بسته‌بندی و ارسال می‌کنه، تازه همه کتاباش رو امضا می‌کنه.
- یعنی اگه بخواهی کتاباش رو بخریم فقط از طریق پیجش می‌شه، جای دیگه نمی‌فروشن؟
- آره، می‌گه نمی‌خوام واسطه‌ای باشه، تازه جدیداً به پیج جدید زده که شال می‌فروشه.
- مگه نگفتی نویسنده هست؟
- آره، ولی کار جدید شروع کرده که شال‌های محدود می‌فروشه، چون خودش می‌گفت دیگه تونستم تا الان اعتماد شما رو به دست بیارم.
- شما خرید کردی؟
- نه، ولی دوست دارم بگیرم.
- چرا تا الان نگرفتی؟
- آخه اوایل که شروع کرده بود، خیلی شال‌هایی که داشت گرون بود، ولی باز الان بهتر شده.
- خوب گفتی ابطحی توی نوشته‌هاش تجربیات خودش رو می‌نویسه، یعنی هر اتفاقی برایش افتاده رو می‌نویسه، می‌شه بگی مثلاً چه چیزهایی؟
- ابطحی با یه دختره بود، ولی حالا دیگه نیست، هر چی می‌نویسه برای دلبرشه، همه فن پیجاش می‌گن ابطحی، شاملوی زمان ما هست.
- شما برای ابطحی فن پیج داری؟
- نه ندارم، ولی دوستم فن زده براش.
- خوب دوستت چه چیزهایی داخل پیجش می‌گذاره؟
- همین عکسای ابطحی رو ادیت می‌کنه یا از لایوهای ابطحی فیلم می‌گیره می‌ذاره، ابطحی لایک می‌کنه بیش‌تر پستاش رو.
- خوب شما لایوهای ابطحی رو می‌بینی؟

آره، گاهی اوقات لایو می‌ذاره می‌بینم.

- توی لایوهاش چی می‌گه؟

همین بخشایی از کتابش رو می‌خونه، با فالوراش صحبت می‌کنه.

- معمولاً در روز چه قدر داخل اینستاگرام هستی؟

خیلی زیاد، اصلاً متوجه زمان نمی‌شم.

- می‌توننی بگی حدوداً چند ساعت؟

اون قسمت از اینستاگرام که نشون می‌ده کلاً در طول روز فعالیت می‌کنیم رو نگاه کردم، در طول هفته هر روز حدوداً ۶، ۷ ساعتی فقط داخل اینستاگرام بودم، البته حالا به خاطر تابستون بود.

- خوب این مدت که از گوشی استفاده می‌کنی، چشم‌هات ضعیف نشده؟

نه، ولی روی صندلی زیاد می‌شینم، کمرم درد می‌گیره گاهی اوقات.

- خوب اون وقت چه کار می‌کنی؟

یه پماد داریم توی خونه اسمش پیروکسیکامه، هر موقع درد می‌گیره می‌زنم، بعدش سریع یکی، دو روزه خوب می‌شه.

- گفتم پیج سفارت کره رو دنبال می‌کنی، می‌تونم بپرسم علتش چی هست؟

خب اخبار مهم می‌ذاره یا مسابقه می‌ذاره، برای این که اطلاع پیدا کنم از خبرای جدید فالوش کردم.

- چه مسابقه‌ای می‌گذاره؟

همین تابستون یه مسابقه بود راجب فرهنگ کره که اسمش Quiz about Korea بود.

- خوب شما هم شرکت کردی؟

آره.

- به چه صورت بود؟

اول باید مشخصات خودمون رو ایمیل می‌کردیم براشون و این که تا سن ۲۳ می‌تونستن شرکت کنند، بعد برام زمان مسابقه و لینک اومد، کلاً مسابقه سه مرحله بود.

- خوب شما شرکت کردی چه طور بود؟

خوب بود، مرحله اول ۳۰ تا سوال بود، در مورد فرهنگ کره، هم تستی بود هم تشریحی، من ۱۶ تا سوال درست جواب دادم، ولی خب نتونستم مرحله اول قبول بشم، اگه مرحله سوم جز نفر اول تا سوم بودم بهم جایزه می‌دادن، حیف شد، جایزه‌هاش خیلی خوب بود.

- مگه جایزه‌هاش چی بود؟

نفر اول می‌تونست سفر چند روزه به کره داشته باشه، کاملاً رایگان، نفر دوم و سوم گوشی سامسونگ، حتماً سال بعد اگه خودم نرفته بودم کره، باز هم شرکت می‌کنم.

- پس می‌خواهی کره ببری؟

آره، برای ادامه تحصیل.

- راجع به فرهنگ کره اطلاعات زیاد داری؟
آره، خیلی.

- خوب می‌تونی چندتا از سوالاتی که بود رو به من بگی؟

راجب بازی‌های سنتی کره بود یا اسم رود هان معروف به چیه که بهش می‌گن معجزه هان و جینسینگ قرمز بهترین نوعه گیاه دارویی و خیلی مفیده و... این مدل سوالات.

- خوب این اطلاعات رو از کجا می‌دونستی؟

خوندم راجع به اونا، پیجای اینستاگرام که راجع به فرهنگ و تاریخ کره هست رو دنبال می‌کنم یا توی گوگل سرچ می‌کنم. با فیلم و سریال دیدن هم می‌شه اطلاعات به دست آورد.

- گفتی اگه سال دیگه کره نبودی، دوباره توی این مسابقه شرکت می‌کنی، قصد داری کره ببری؟
آره.

- برای زندگی؟

اولش می‌خوام بورس بگیرم، بعد آره، اون‌جا زندگی کنم.

- بورس چی بگیری؟

امسال که درسم تموم بشه، می‌خوام بورس KGSP کره بگیرم و اون‌جا برم دانشگاه.

- چرا این‌جا نمی‌خواهی دانشگاه ببری؟

الکی چرا وقتی رو این‌جا تلف کنم، بیام پول کتاب و کلاس‌های کنکور بدم، آخرش برم دانشگاه، بعد بی‌کار باشم، اون پول رو می‌ذارم برم یه جای خوب درس بخونم، همین‌یه مدت پیش توی یه پیجی که راجب مافیای کنکور حرف می‌زد، دیدم می‌گفت دختره موهاش رو که بلند بود، فروخته بود تا پول کتاب کنکورش رو بده.

- موهاش رو برای چی فروخت؟

وقتی بری آرایشگاه موهاش بلند باشه ازت می‌خرن برای اکستنشن، هر چه قدر بلندتر باشه بهتره، تا ۴، ۵ میلیون می‌خرن.

- شما خودت تا حالا این کار رو کردی می‌دونی؟

نه، توی پیجای آرایشگاه‌ها دیدم.

- بعد گفتی این‌جا باشی بی‌کار می‌شی، بعد کره دانشگاه ببری، بی‌کار نمی‌شی؟

اون‌جا می‌شه بعد ۶ ماه پاره وقت کار کرد، بعد پول که اون‌جا می‌گیری، می‌گن اگه در حد خوراکی روزانه باشه و پول مشروب و... اینا ندی کافیه، اضافه میاد، می‌شه اولش یه زندگی معمولی داشت، بعد درست می‌شه، باید شجاعت داشت.

- یعنی چی شجاعت داشت؟

فرق ما با درخت همیشه، ما باید ریسک کنیم، دنبال اهدافمون بریم، نباید یه جا بمونیم فقط.

- خوب گفتمی می‌شه یک زندگی معمولی با کاره پاره وقت اون‌جا داشت، مگه راجع به هزینه‌هاش

می‌دونی؟

آره، اگه بخوام بدون بورس برم کره ۶۰۰۰ دلار کلاً برای زندگی و هزینه کالج کره و... برای ۶

ماه تا ۸ ماه کافیه، ولی همه این پول رو باید با خودم ببرم.

- چرا این همه باید با خودت ببری؟

چون سخت می‌شه اون‌جا حساب بانکی باز کرد.

- از کجا می‌دونی؟

کسایی که کره هستند، این رو می‌گن.

- خوب دیگه چه چیزهایی می‌گن این افرادی که کره زندگی می‌کنند؟

همین راجع به رفتار مردم کره می‌گن یا وقتی میان ایران، می‌خوان برگردن کره، فیلم می‌گیرن،

من اون قدر فیلم فرودگاه اینچئون رو دیدم که همه‌ی مسیرهای رفتن به کره رو بلد شدم.

- نظرت راجع به افرادی که همین‌جا درس خوندن چی هست که با وجود این شرایط تونستن

موفق بشن؟

این‌جا درس خوندن فایده نداره.

- چرا فایده نداره؟

الآن رتبه ۱ کنکور یه سالیه زندان اوینه، بقیه هم خارج هستند، اگه خوب بود ایران، این‌جا

می‌موندن.

- از کجا می‌دونی که زندانی هست؟

به خاطر حرف سیاسی که زده بود انداختنش زندان، جدیداً یه پیج پست گذاشته بود در موردش.

- خانواده‌ات مشکلی ندارند و راضی هستند برای این تصمیمت که کره بری؟

مamanم رو راضی کردم، ولی بابام مخالفه، اما راضیش می‌کنم، من اگه بتونم بورس بگیرم، دیگه

مشکلی نیست.

- اگه نتونی چی، اون موقع ایران درس می‌خونی؟

نه، گفتم که اگه نشه بورس گرفت، باز می‌شه رفت کره.

- چه جوری؟

۶ ماه یا یک سال و نیم با هزینه خودم برم کره و کالج زبان کره‌ای برم و مدرک تایپیک کره‌ای

بگیرم، وقتی این رو داشته باشم، بعد پیام ایران می‌تونم بورس بگیرم به راحتی یا همون‌جا وارد

دانشگاهش بشم.

- چه جالب، از کجا این همه اطلاعات راجع به کشور کره داری!
- آره، همین پیچ فرهنگی کره که دارم اون‌جا، می‌گه تازه اعلام کردن که کسایی که دیپلم‌شون رو گرفتن مدارک‌شون از ۲۸ شهریور تا ۱۱ مهر می‌تونن ارسال کنن، منم سال دیگه همین موقع دیپلمم رو گرفتم، ارسال می‌کنم، بعد پیچ چند نفر رو دارم که کره رفتن، دو، سه سال از من بزرگ‌تر هستن و بورس گرفتن و اون‌جا دارن درس می‌خونن.
- چرا کره رو برای درس خوندن انتخاب کردی؟
- علاقه دارم و به نظرم کشور پیشرفته‌ایه.
- گفتی راجع به کره و فرهنگش خیلی می‌خونی، راجع به فرهنگ و تاریخ ایران به اندازه کره می‌دونی؟
- می‌دونم، ولی علاقه ندارم.
- می‌تونم بپرسم چرا علاقه نداری؟
- چون همه‌اش دروغ می‌گن.
- چه چیزی رو دروغ می‌گن؟
- توی کتاب تاریخ ما چه قدر دروغه، همین یه مدت پیش مگه ندیدین، توی کل اینستاگرام پخش شده بود که توی کتاب اجتماعی پایه نهم نوشته بودن ما کرونا رو شکست دادیم و حتی کشورای غربی نتونستن شکست بدن، جلوی خودمون دارن دروغ می‌نویسن، دیگه گذشته چی بوده... .
- خوب از کجا می‌دونی تاریخ کره رو واقعیت می‌نویسن؟
- واقعیت می‌نویسن که این‌قدر پیشرفت کردن، قبلاً توی اینستاگرام یه کلیپ دیده بودم، توی اکسپلور که اومدن بیست سال پیش ایران و کره مقایسه می‌کردن، بعد توی این بیست سال کره چه قدر پیشرفت کرد، حالا ایران چی همون جوری مونده و هنوز از پراید استفاده می‌کنیم، تازه ایران باعث می‌شه آمریکا تحریم‌مون کنه، کره با آمریکا اوکیه، اون همه پیشرفت کرده.
- پس به نظرت ایران باید با آمریکا روابط خوبی داشته باشه؟
- آره، کره الان با این‌که با ژاپن زیاد خوب نیست، ولی باز رابطه‌اش رو قطع نکرده، مثل ما با آمریکا، هر چند ما الکی می‌گیمن قطع کردیم.
- از کجا می‌دونی کره با ژاپن خوب نیست؟
- از قدیم، چون ژاپن کره رو استعمار کرده بود، کره با ژاپن خوب نبود، همین المپیک که بود، کره نداشت بازیکنای المپیکش غذای اونا رو بخورن، ولی باز با هم در ارتباط هستن.
- این‌هایی که می‌دونی هم از پیج‌های اینستاگرام کره‌ای می‌دونستی؟
- آره.
- خوب گفتی ما الکی می‌گیمن رابطه‌مون رو با آمریکا قطع کردیم، منظورت چی بود؟

همه‌ی بچه‌های این وزیرا و مسوولا و حداد... آمریکا هستن، فقط چیزی که به نفع خودشون باشه رو می‌گن ما با آمریکا نمی‌خوایم رابطه داشته باشیم، همه مردم تو سختی هستن، ولی خودشون راحتن یا همین واکسن کرونا، می‌گفتن فایزر خوب نیست، ولی خودشون اون رو زدن.

- از کجا می‌دونی بچه‌های آقای ... آمریکا هستن؟

دیگه الان هر اتفاقی بیفته تو اینستاگرام هست.

- خوب عزیزم داشتیم راجع به پیج‌های دیگه که دنبال می‌کردی صحبت می‌کردیم، پیج عمو

یام یام که گفتی چه جور پیچی هست؟

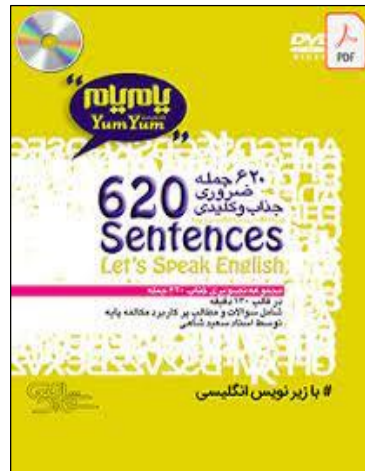
آموزش انگلیسی.

- به زبان انگلیسی علاقه داری؟

آره، باید آیلتس بگیرم، برای رفتن به کره نیازه.

- پس پیج‌های آموزشی در اینستاگرام رو دنبال می‌کنی؟

آره، همین پیج عمو یام یام همیشه لایو می‌ذاره، منم شرکت کردم یه بار.



- رفتی توی لایو؟

آره، ریکوئست دادم بردم بالا و انگلیسی صحبت کردیم.

- خوب داخل اینستاگرام از افراد بلاگر کسی رو دنبال می‌کنی؟

آره.

- می‌تونی چند نفر رو به من بگی؟

ساقی، نفس زحمت‌کش، آیدا صداقت، سوین و رومینا...

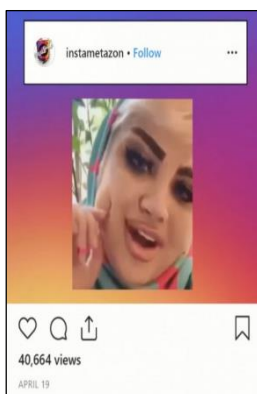
- خوب چی باعث شده بخوای دنبال شون کنی؟

پستایی که می‌دارن و استوری‌اشون.

- چه پست‌هایی مثلاً می‌گذارن که برای شما جذابه و باعث می‌شه بخوای ببینی؟
ساقی خب جاهایی که توی کرج می‌ره معرفی می‌کنه، آرایشگاه‌ها، رستوران‌ها و آنلاین شاپ و...
بقیه‌شون همین جوری هستن.

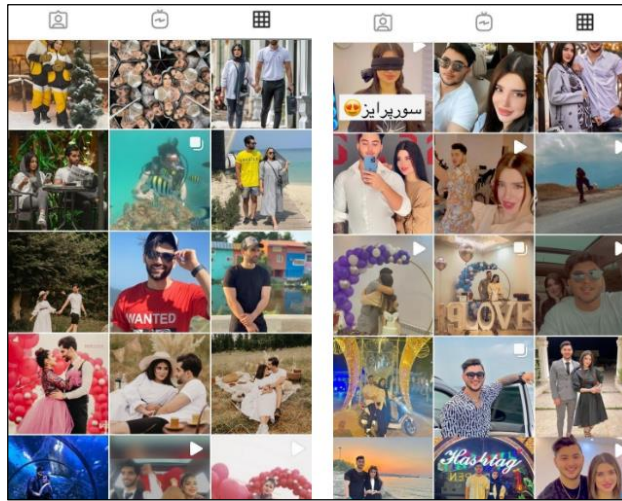
- چه جوری با این بلاگرها آشنا شدی؟
همه‌شون حاشیه درست می‌کردن، خب معروف شدن. یه مدت توی اکسپلور می‌دیدم و پیج‌شون رو پیدا کردم.

- چه حاشیه‌ای مثلاً، می‌تونن بگی؟
همین ساقی متولد ۸۰، چند سال از من بزرگ‌تره، همه‌اش دوست پسرش رو عوض می‌کرد هر ماه، بعد می‌رفت پارتی، می‌گفت من نبودم اون فیلم که پخش شده، ولی همه می‌گفتن خودش، یه مدت که عمل کرده بود بدنش و صورتش رو، کلاً همه می‌گفتن کوبیده از نو ساخته.



- پس سبک زندگی‌ش برایت جالب هست؟
نمی‌دونم، ولی خب خیلی راحت، اصلاً خانواده‌اش هیچی بهش نمی‌گن یا همین نفس و آیدا، نفس قبلاً دوست دختر یه پسری به اسم یاسین بود، همه جا با هم عکس و فیلم می‌گرفتن، الآن کات کردن، نفس با یکی دیگه، آیدا با دوست پسر نفسه، خیلی راحت. همه‌شون هم‌سن و سال من هستن، ولی خب خانواده‌شون انگار اوپن مایند هستن و می‌رن خونه هم و پیش پدر و مادرشون!

۱ - در اینستاگرام امروزه پیج‌هایی وجود دارد که اکثر آن‌ها بلاگرها و تیک‌تاکرهایی هستند که از طریق حواشی مختلف معروف شدند، البته جالب اینجاست بسیاری از ده هشتادی‌ها نیز جزو این بلاگرها هستند. وقتی سری به پیج‌هایی که معرفی شده بود بزنیم، در نگاه اول همه آن‌ها در روابطی هستند که خانواده‌های آن‌ها از روابطشان اطلاع دارند و مشکلی با دوستی آنان ندارند، آن‌ها بعد از مدتی به راحتی رابطه‌های خود را عوض می‌کنند و این مسأله را به مخاطب‌های خودشان القا می‌کنند



- اوپن مایند هستن منظورت چی هست؟
یعنی همین با پسر باشن، همه جا عکساشون رو بذارن، خانواده‌شون بهشون گیر نمی‌دن.
- به نظرت خوبه این جور باشه؟
شاید.

- دیگه چه کسایی داخل اینستاگرام این جور هستن و شما دنبال شون می‌کنی؟
نیکا فلاحی و دوستاش که رومینا و چند نفر دیگه هستن، خیلی راحت وقتی ایران بودن دختر و پسر با هم می‌رفتن کافه، فیلم و عکس می‌گرفتن، مامان و باباشون می‌دونست، ولی اصلاً مامان و بابای من اجازه نمی‌دن الان این کار رو کنم.
- خوب گفتی توی اینستاگرام چالش‌هایی بود که خود واقعی‌مون رو نشون بدیم، دیگه الان چه چالش‌هایی هست که راجع بهشون می‌دونی؟
یه چالش هست یه مدته همه خارجیا پست می‌ذارن راجبش که خیلی باحاله، دخترا خارجی که شوگر ددی دارن میان آهنگ (یه تیکه از آهنگ را می‌خواند):

که زندگی آزادی دارند و زمانی که نوجوانان و جوانان، پیج‌های این گونه افراد را نگاه می‌کنند، ممکن است حسرت آزادی و استقلال آن‌ها را بخورند و به نوعی دوست دارند همانند آن‌ها شوند.

He Give Me All His Money, He Love Me

Prada Comfy, That Gucci

My Sugar Daddy

می‌دارن روی وسایل کوچی و وسایل دیگه که شوگر ددی شون براشون خریده!

۱ - متن آهنگ کوین هربی دارای محتوایی نامناسب است، به گونه‌ای که این آهنگ در حال ترویج و القای این موضوع است که ارتباط با افراد مسنی که فقط نیازهای مالی فرد را برآورده می‌کنند و وسایل مارک می‌خرند، در ازای دوستی و رابطه با دختران جوان مشکلی ندارد و بسیاری از دختران جوان با این آهنگ شروع کردند به گذاشتن پست‌هایی از وسایلی که شوگر ددی‌شان برای آن‌ها گرفته بود.

متن آهنگ کوین هربی به نام شوگر ددی به شرح زیر است:

Me All His Money He Give, He Love Me

اون عاشقمه، اون همه پولاشو می‌ده به من،

Comfy Prada, That Gucci

اون کوچی، پرادا کامفی (اسم دو مارک گران)

My Sugar Daddy

Ah-).Ah-Ah-Ah)

شوگر ددی منه آه، آه.

One Above Me He Put No, He Love Me

اون هیچ‌کس رو بالاتر از من قرار نداده،

These Bitches Wanna Judge Me

این عوضیا می‌خوان درباره من قضاوت کنن،

Ah-Ah). But I Don't Care (Ah-Ah-Ah

اما من اهمیت نمی‌دم.

Dated (Ooh) Looking Back On The Boys That I

با نگاه به پسرانی که با آن‌ها قرار گذاشته ام اوه،

All The Popular Boys Overrated

همه پسرای بیش از حد محبوب،

If He's Ancient, Bags Money, Give Me Brains

به من مغز بده، کیسه‌های پول، اگه اون قدیمی باشه،

Yeah). Yeah, Yeah) I'm A Young Lady Taking Donations

من یه خانم جوونم که کمک مالی می‌کنم.

Take Me On Trips (On Trips) Might, CEO

مدیرعامل شرکت ممکنه منو به سفر ببره،

Have A Few Ships (Few Ships) Might, Pack A Suit

کت و شلوار بپوش، ممکنه چندتا کشتی داشته باشی.

Them Tips)) Love A Waitress Chasin' Them Tips

یه پیشخدمت عاشق توصیه اونا

His Chips Countin', But I'm A Escort

ولی من اسکورت هستم، تراششونو می‌شمرم.

Bitch ,Got A Lot

چیزای زیادی به دست میاره ***

Bitch ,On A Yacht

تو به قایق تفریحی،***

In The Tropics

تو مناطق گرمسیری

Yeah) ,Yeah ,Ooh (Yeah

اووه آره آره،

Me All His Money He Give ,He Love Me

اون عاشقمه، اون همه پولاشو می ده به من،

Comfy Prada ,That Gucci

اون گوجی ، پرادا کامفی،

My Sugar Daddy

ah-ah-ah))

شوگر ددی منه آه آه.

One Above Me He Put No ,He Love Me

اون هیچ کس رو بالاتر از من قرار نداده،

These Bitches Wanna Judge Me

این عوضیا می خوان درباره من قضاوت کنن،

Ah-Ah) ,But I Don't Care (Ah-Ah-Ah

اما من اهمیت نمی دم.

Yeah)Translate ,Yeah ,Yeah)

Cheap Wine (Ooh) All The Girls Hang Around For Some

همه دخترا برای چندتا مشروب آویزون می شن.

Mind (Ooh) But I Do ,Used To Think I Was Down

قبلاً فکر می کردم من پایینم، ولی فکر می کردم،

Love Is Really Blind (Ooh) ,Me But For ,It's Really Kind

این واقعاً مهربونه، اما برای من، عشق واقعاً کوره،

Never Decline Only Want A Love Where The Card

Yeah-Yeah-Yeah))

فقط به عشقو می خوام جایی که کارت هیچ وقت افت نکنه،

Cation)-) Never Had No Complications

هیچ وقت عارضه ای نداشته،

Skin (My Skin) And The Term Stays Clear As My

و این اصطلاح به عنوان پوست من،

For The Win)) Caviar In The Yard For The Win

خاویار حیاط خلوت برای برنده شدن باقی می مونه،

Which Car Do I Take For A Spin?

کدوم ماشین رو برای چرخش می گیرم؟

Got My New Hips

***جدیدمو بگیر،
And My New Tits
و ***جدیدم،
Who Dis? .New Life
زندگی جدید، کی دیس می‌کنه؟
Yeah) .Yeah .Ooh (Yeah
اووه آره آره
If He's Paying (If He Pays)
اگه اون پرداخت می‌کنه،
I'll Take The Oystertranslate
I'm Saying (I Can Say)Translate
I Got Some Pointertranslate
Uh)Translate .Uh .Uh .My Baby (My Baby
Is My Employer
او کارفرمای من است.
Uh)Translate .Uh .Uh .My Baby (My Baby
Knows How To Spoi

برخی از کامنت‌های زیر این پست نوشته بودند که ما شوگر ددی می‌خواهیم؛ بعضی دیگر نیز که گویا سن آن‌ها کم بود و اطلاعی درباره معنی کلمه شوگر ددی نداشتند کامنت گذاشته بودند (یعنی چی شوگر ددی!) و افراد دیگر برای آنان توضیح می‌دادند. می‌توان نتیجه گرفت در فضای مجازی دسترسی افراد به اطلاعات بسیار زیاد است و به سرعت می‌توانند مطالب جدیدی که نمی‌دانند از طریق گذاشتن کامنت و درخواست این که دیگران برایشان توضیح دهند، یاد بگیرند. نمونه‌ای از این دست کامنت‌ها در ادامه آمده است:



در ادامه نمونه‌هایی از پست‌های پیج‌های ایرانی آورده شده است که دختران و پسران جوان خارجی در حال نمایش دادن شوگر مامی و شوگر ددی‌هایشان و وسایلی که آن‌ها برایشان خریده‌اند، هستند:

- به نظرت این حرف‌ها واقعی هست؟
- آره خب، با یکی هستن براشون وسایل مارک کوچی و... اینا می‌خره، واقعیه دیگه.
- خوب نظرت راجع بهش چی هست؟
- خوبه، همه دوست دارن، دیگه حالا سن‌شون با هم تفاوت داره، مهم نیست.
- تا حالا شده داخل اینستاگرام پست یا استوری ببینی که به نظرت دروغ باشه؟
- آره، خیلی.
- می‌تونن بگی چی بوده؟
- خب استوری تبلیغ می‌ذارن بعضی از این بلاگرا، با خریدن این پک و گوش دادن به موسیقی اون می‌تونید رنگ چشم‌تون از قهوه‌ای به سبز توی یک ماه تغییر بدید یا پیجای فال و این جور چیزا تبلیغ می‌کنن.
- تا حالا نخواستی استفاده کنی؟
- نه، دیگه می‌دونم دروغه.
- خوب باز هم می‌تونن از چالش‌های اینستاگرام بگی که برای خودت جالب بوده؟
- یه چالشی بود که توی کره خیلی وایرال شده بود که با ماسک دور کمرشون می‌داشتن و دوتا کش ماسک بهم می‌چسبوندن که اندازه کمرشون اون‌قدره و لاغر هستن.
- شما دوست داشتی کمرت مثل اون‌ها لاغر باشه؟



آره خب، ولی کره‌ای‌ها کلاً لاغر هستن یا موکبانگ توی کره خیلی معروفه، الان پیجای کره‌ای که دارم غذای زیادی می‌خورن، فیلم می‌گیرن می‌ذارن توی پیج‌شون، مثل یه عالمه نودل با تخم مرغ و... البته کره‌ایا کم از اینستاگرام استفاده می‌کنن، بیش‌تر از برنامه‌های خودشون استفاده می‌کنن، الان این موکبانگ توی پیجای ایرانی هست.

- موکبانگ چی هست؟

همین غذا خوردن جلوی دوربین که با صدا می‌خورن، جوری که آدم وقتی می‌بینه دلش می‌خواد غذا بخوره.



- خوب به نظرت وقتی زیاد غذا می‌خورن چه جوری اون‌قدر لاغر هستند؟

معلومه دیگه نمی‌خورن که، حتی یه سریال کره‌ای بود، دختره شخصیت معروفی داشت توی فضای مجازی، ولی وقتی فیلم می‌گرفت سریع سعی می‌کرد هر چی خورده بالا بیاره، اینا به نظرم همین طوری هستن یا شاید عمل می‌کنن.

- عمل چی؟

پیکرتراشی یا همون لیپوماتیک.

- راجع بهش چی می‌دونی؟

همین ساقی که بلاگر کرجه این کار رو کرده، قسمتای اضافه بدن رو که چربی داره بر می‌دارن، پیجای اینستاگرام زیادی هست که اینا رو تبلیغ می‌کنه.

- شما این پیج‌ها رو داری؟

نه، فالو نکردم، ولی می‌بینم توی اکسپلور.

- شما دوست داشتی این عمل رو انجام بدی؟

آره، اگه سنم بیش تر بود به جای این که رژیم سخت بگیرم، این کار رو می کردم، دیگه الان بدنم ترک نداشت، ولی کراهای ها خیلی رژیم سخت می گیرن، ولی روی بدن شون ترکی نیست.

- از کجا می دونی رژیم سختی می گیرن؟

همه جا می نویسن دیگه، فن پیجا، اینستاگرام شون که مثلاً آيو رژيم گرفت، هر روز صبح فقط ۱ سیب زمینی شیرین می خورد، نهار یه فیله مرغ، شام اسموتی خیار، بعد توی چند روز لاغر می شن.

- شما این طوری کردی؟

نه، من برنج رو کلاً حذف کردم، شیرینی اینا نمی خوردم.

- گفتی این اطلاعات رو از پیج های کراهی که داری می دونی، می تونی اسم چندتااش رو به من بگی؟

آره پیج اینستاگرام

Dnnkorea@

korea@ -ilmc

Surankorean@

@5jbr -Fatima این پیجا که راجب کراهی اطلاعات می ده یا ایرانی هایی هستند که کراهی زندگی

می کنند که دانشجو هستن یا دانش آموز، ولی واقعاً توی کراهی درس خوندن سخته.

- چرا سخت هست؟

تا ۱۰ شب باید مدرسه باشن و کلاس های تقویتی زیادی برن یا می گن دانشجوها شبها می تونن دانشگاه برن روی پروژه هاشون کار کنن.

- باز با این شرایط دوست داری اونجا بری؟

آره، وقتی جایی باشی که دوست داری، درس خوندن دیگه لذت بخشه با وجود سختیش.

- گفتی پیج های افراد کراهی رو داری، چه جوری توی اینستاگرام پیدا شون کردی؟

توی برنامه هایی دیگه باهاشون صحبت کردم، آیدی دادن.

- چه برنامه هایی؟

مینی چت و badoo.

- چه جوری با این برنامه ها آشنا شدی؟

توی اینستاگرام که دیدم یه نفر از مینی چت استفاده می کنه، رفتم داندلودش کردم، badoo هم

دنبال برنامه دوست یابی کراهی بودم که باهاش آشنا شدم.

- خوب این برنامه ها چه جوری هستند؟

با مینی چت که فقط می شه تصویری صحبت کرد، علاوه بر کراهی ها با خارجیا دیگه می شه،

ولی badoo قسمت تنظیمات بزنی کراهی، فقط افراد کراهی میان که می شه چت کرد.

- شده تا حالا پیج‌هایی توی اینستاگرام ببینی که هم دیگه رو اذیت می‌کنند، ولی می‌گن که شوخی بوده؟

آره دیدم، ولی الآن یه مدته بیش‌تر میان کمک می‌کنند یا کارای بهتری می‌کنند، این الآن جدیدتره.

- مثلاً چه کار بهتری می‌کنن؟

همین چند روز پیش یکی از این افراد که فالور زیادی داره، اسمش مرسلیه، اومده بود، ۱۰ ایران چک پنجاه هزار تومنی و ۱۰ تا گل رز قرمز گرفته بود، رفتن وسط جمعیت به مردم می‌دادن که انتخاب کنن ببینند که مردم کدوم رو بیش‌تر می‌گیرند.

- خوب چی شد؟

گل‌ها همه رفت، ولی ۲ تا ایران چک موند که آخرش اونم خودشون دادن به چندتا آدم فقیر.

- صورت افراد رو نشون دادن؟

آره.

- خوب اگه می‌خواستن به آدم‌های فقیر کمک کنند، به نظرت چرا فیلم گرفتن؟

بیش‌تر قصدشون برای فالور بود، خب بعد حالا کمکم کردند.

- به نظرت چرا دنبال فالور هستند؟

هر چه قدر فالورشون بیش‌تر باشه بیش‌تر پول درمیارن.

- یعنی چه طوری؟

توی پیج‌شون تبلیغ می‌کنند برای آنالین شاپ‌ها و مغازه‌ها، از کسانی که براشون تبلیغ می‌کنن پول می‌گیرن دیگه، هر چه قدر فالور بیش‌تر داشته باشن، بیش‌تر بهشون تبلیغ می‌دن.

- خوب تا حالا شده پیج‌هایی ببینی یا دنبال کنی که محتواهای نامناسب توی پیج‌شون بگذارن؟ مثلاً چه چیزی؟

- مثلاً توی پیج‌شون چیزهای نامناسب بذارن یا حرف‌های خوبی نزنن؟

آره، مت، مینا نامداری، مسیحا و مسعود ترکیبی این جورین.

- چی می‌گذارن، می‌شه بیش‌تر راجع بهش توضیح بدی؟

مت اکه ترکیه و با دوست دخترش کلیپای خنده‌دار می‌سازه، اما همه‌اش +۱۸.

- شما چرا دنبالش می‌کنی؟

۱ - افرادی مانند مت، مینا نامداری و مسیحا که تمامی آن‌ها در کشور ترکیه زندگی می‌کنند، با گذاشتن پست‌هایی با محتوای نامناسب و الفظ ناشایست در پی کسب فالور هستند. بعضی از آنان نیمه برهنه در قاب اینستاگرام ظاهر می‌شوند و بی‌بند و باری را ترویج می‌دهند. پیج اینستاگرام مت، دارای کلیپ‌هایی با مضمون طنز جنسی است و نوجوانان و جوانان به دلیل خنده‌دار بودن این کلیپ‌ها، مخاطب آنان قرار گرفته‌اند.

با کلیپاش می‌خندم.

- می‌تونی بگی مثلاً چی می‌گه که برایت خنده داره؟

نمی‌شه گفت، آخه همه‌شون ۱۸+ هست، ولی یه کلیپ‌شون بود، می‌گفت دختره داشت استوری می‌ذاشت غذای خودم پز استوری کنم، بعد پسره بهش می‌گه، انقد تلاش نکن برای پسرا اینا مهم نیست، پسرا آخرش می‌رن دنبال دختری که شب بتونه بمونه و... .



- خوب نامداری کی هست؟

مینا نامداری که قبلاً دوست دختر پیام ... فوتبالیسته بوده، شبیه دنیا جهانبخته، یه جوری همه‌اش دنبال حاشیه و حرفای *** می‌زنه.

- چه جور حاشیه‌ای؟

همین دیگه بیش‌تر کلیپ یا لایوهایی که از خودش می‌ذاره، لباس نپوشیده یا چیزایی می‌پوشه که بدنش رو نشون بده یا یه لایو بود پارسال فکر کنم، با یه بچه داشت، خیلی جنجالی شد، دیگه این که یکی بهش گفته بود، آره تو عکسات رو فتوشاپ می‌کنی، با بیکیینی اومد توی لایو گفت این از بدن فتوشاپی که ازش صحبت می‌کنید، واقعیه واقعیه.

- مگه چی گفت به بچه که جنجالی شد؟

۱ - مینا نامداری سلبریتی اینستاگرام است. او در صفحه خود پست‌هایی می‌گذارد که در عین ورزش کردن، مشروب می‌خورد و سیگار می‌کشد که در عمل کاربران شاهد دو رفتار متضاد از او هستند. نیمه برهنه در قاب اینستاگرام ظاهر می‌شود، لایو می‌گذارد و اکثراً نوجوان‌ها در لایوهای خود می‌آورد و با آنان صحبت‌هایی می‌کند که بسیار زننده و برخلاف اصول اخلاقی است که این مورد چندی پیش مورد بحث و انتقاد زیادی قرار گرفت با این حال او همچنان به کارهای اخیر می‌پردازد.

پسره ۱۴، ۱۵ سالش بود فکر کنم، بعد حالا به پسره می‌گفت اگه من مامانت بودم، بعداً بقیه وقتی لایوای من رو می‌دیدن این جواری، حس تو چی بود... یا لایو می‌داشت، سوالات جنجالی رو جواب می‌داد.

- چه سوال‌هایی؟

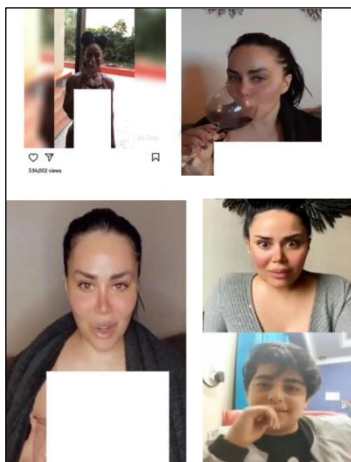
ازش سوال می‌پرسیدن با کیا رابطه داشته و یا اولین ***چند سالگی بوده.

- خوب شما چرا فالوش کردی؟

فالوش نکردم، ولی پیجش رو نگاه می‌کنم، ببینم چی استوری گذاشته و اینا.

- خوب از شخصیتش خوشش می‌آید؟

نه، از شخصیتش خوشم نمی‌آید که، ولی این که ورزش می‌کنه و اندام خوبی داره به نظرم خوبه و کلاً پول داره و هر چی می‌خواد داره.



- از کجا می‌دونی پول داره؟

توی بلندترین و گرون‌ترین برج استانبول داره زندگی می‌کنه، خودش لایو گذاشته بود از خونه‌اش، خیلی خوب بود.

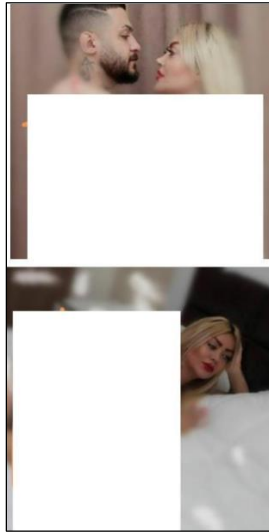
- پس توی ترکیه زندگی می‌کنه؟

آره، همه اینا مسیحا، مت، نامداری و مسعود ترکیبی همه ترکیه هستند.

- راجع به مسیحا می‌گی، این که کیه و توی اینستاگرام بلاگر هست؟

۱ - مسیحا بهمن در ابتدا چندان معروف نبود، اما با کمک حواشی، تصاویر کاملاً برهنه و ارتباط با شاخ‌های ترکیه همچون مسعود ترکیبی توانست معروف شود. او هم اکنون دارای سایت مسیحا بت است. او آن چنان مانند دنیا جهان بخت معروف نیست و تازه شروع به فعالیت کرده است. اما با محتواهای نامناسبی که داخل پیجش می‌گذارد در حال هنجار شکنی، کاهش شرم و حیاء و شکستن قبح برهنگی است.

آره، کلاً از زندگی روزانه‌اش با دوست پسرش و دوستاش که با هم توی یه خونه زندگی می‌کنن کلیپ می‌ذاره، مثل مت یا یه بار حموم ترکی رفته بودن، کلیپ گرفتن.



- به نظرت چرا همچین کلیپ‌هایی درست می‌کنن؟
به خاطر فالور و سایت مسیحا بت که بیان شرکت کنن.



- یعنی با کلیپ‌های بهتر نمی‌تونن به نظرت فالور بگیرن؟
نه، دیگه خودشونم می‌دونن، باید این جوری کنن.
- شما خودت توی سایت‌شون ثبت نام کردی؟
نه.
- چرا؟
می‌دونم واقعی نیست و کلاه‌برداریه.
- یک اسم دیگه گفتی، مسعود ترکیبی اون کی هست؟



دوست مسیحا بود.

- اون هم همچین کلیپ‌هایی می‌گیره؟

نه، اون اول می‌اومد همه چیز رو با هم قاطی می‌کرد می‌خورد، مثل تخم مرغ و سس و...

این‌جوری معروف شد.

- خیلی ممنونم به خاطر وقتی که گذاشتی.

خواهش می‌کنم.

ادامه مصاحبه:

- خوب عزیزم گفته بودی شما بعضی از استوری‌ها رو هاید می‌کنی، دوستان شما هم این کار

رو می‌کنن؟

آره یا بلاک می‌کنن یا کلوز فرندز می‌ذارن استوری‌هاشون رو.

- کلوز فرندز چی هست؟

یه قسمتی از اینستا که می‌تونیم چندتا از فالوورمون انتخاب کنیم و فقط اونا استوری‌هامون رو

بینن.

- خوب چه چیزهایی توی کلوز فرندز می‌گذارن؟

مثلاً یکی از دوستانم با دوست پسرش می‌ره بیرون، عکس می‌ذاره توی کلوز فرندز اینستاگرامش

از خودش و دوست پسرش یا عکس پروفایل واتساپش دست خودش و دوست پسرشه که دست هم

رو گرفتن، بهش گفتم مامانت اینا چه طوری بهت چیزی نمی‌گن، گفته بود بلاکشون کردم، بعد

تازه می‌شه کارای دیگه کرد توی واتساپ که عکست رو نبینن، اما بلاکشون نکنی.

- مثلاً چه کاری؟

بری توی قسمت تنظیمات واتساپ، بعدش بذاری فقط عکس پروفایل رو مخاطبینت ببینن، نه

همه، ولی یه راه دیگه هست، اگه شماره‌شون رو دیگه سیو نداشته باشی، حذف کنی از مخاطبین،

این‌جوری بهت پیام بدن، عکست رو نمی‌بینن.

- خود شما این کار رو کردی؟
آره.

- می‌تونم بدونم چرا؟
من گذاشتم فقط کسانی که شماره‌شون رو سیو کردم ببینن، چون حالا عکس خودم رو می‌ذارم، بعد توی گروه‌ها هستم، نمی‌خوام افراد گروه ببینن.
- چه طوری این رو یاد گرفتی؟
توی اینستاگرام بعضی پیج‌ها هستن که ترفندهای مخفی تلگرام و واتساپ رو می‌گن که خیلیا بلد نیستن.

- می‌تونی چندتا از اون ترفندها رو به من بگی؟
مثلاً میان یاد می‌دن چه طوری واتساپ یکی رو هک کنیم، ولی من انجام دادم، نشد یا چه طوری یه پیام رو بخونیم ولی سین نخوره یا وقتی یه پیام ارسال می‌کنیم، بعداً دقیق بفهمیم چه زمانی طرف پیام رو خونده و همچین چیزایی.
- گفתי توی گروه‌هایی هستی که نمی‌خواهی عکست رو ببینن، می‌تونم بپرسم توی چه گروه‌هایی هستی؟

توی واتساپ دوتا گروه دارم که برای دورهمی بچه‌های شهرمون هست.
- چه طوری داخل این گروه رفتی؟
دوستم آدم کرد.

- خوب توی این گروه چه کار می‌کنید؟
چت می‌کنیم، با هم حرف می‌زنیم.
- افراد داخل گروه رو می‌شناسی؟
نه.

- راجع به چی با هم صحبت می‌کنید؟
آهنگ و چیزای دیگه یا چند بار دورهمی گذاشتن هم رو ببینن.
- شما رفتی؟
نه.

- چرا؟
خب بابام نمی‌ذاره که، ولی من زیاد توی این گروه چت نمی‌کنم، گاهی اوقات حوصله‌ام سر می‌ره، بیش‌تر دوست دارم با افراد خارجی چت کنم یا تصویری صحبت کنم.
- چرا؟

این جواری زبانم بهتر می‌شه، کلاً افراد خارجی به خصوص کراهی برام جذاب‌تر هستن.

- گفته بودی از برنامه مینی چت استفاده می‌کنی، خوب وقتی توی این برنامه می‌ری با افراد خارجی فقط می‌شه صحبت کرد؟

نه، اگه فیلترشکن روشن کنی می‌تونی، وگرنه همه‌اش برات ایرانی میاره، من کشورم رو می‌ذارم روی انگلیس، بعد از همه جا برام میاره.

- خوب شما راجع به چی با افراد خارجی صحبت می‌کنی؟

مثلاً سنم رو می‌پرسن یا می‌گن چه قدر قشنگی، بعد شماره می‌خوان که بریم توی واتساپ حرف بزنیم یا می‌گن اینستاگرام داری، اسمت رو بگو فالوت کنم، ولی بعضی وقتا یهو می‌بینی دارن یه کاری می‌کنن.

- چه کاری می‌کنن؟

آخه چه جوری بگم، مثلاً می‌بینی توی تصویر دارن یه جایی از بدن‌شون رو نشون می‌دن یا می‌گن تو نشون می‌دی، ولی من سریع رد می‌کنم بره نفر بعدی بیاد، ولی چند بار ریپورت کردم‌شون.

- توی برنامه badoo چه طور، اون جا چنین اتفاقاتی افتاده که چیزهای نامناسب ببینی؟

نه badoo خیلی بهتره، ولی مثلاً وقتی با خارجی چت می‌کنی، می‌گی از ایران هستم، اصلاً هیچی راجع به اون نمی‌دونن یا اگه بدون فکر می‌کنن ما عرب هستیم، ولی یه بار توی مینی چت با یه کره‌ای داشتم صحبت می‌کردم، بهم گفت می‌تونم چندتا کلمه فارسی حرف بزنم، ولی چندتا فحش بد داد، بعد گفت ببخشید، سریع رد کردم.

- تا حالا شده شماره‌ات رو به‌شون بدی؟

آره، چند بار توی واتساپ رفتم، بعد باهاشون حرف زدم.

- چی می‌گفتی؟

همین راجع به کارهایی که توی روز انجام دادم یا راجب علایقم می‌پرسید و می‌گفتن عکسم بفرستم.

- شما فرستادی؟

آره، بعد که دیدن شال گذاشتم و با مانتو هستم توی بیرون، درباره حجاب ازم می‌پرسیدن یا می‌گفتن تو رابطه داشتی یا ویرجین (باکره) هستی و همچنین سوالایی دیگه.

- توی مصاحبه قبلی راجع به این گفتم که میا خلیفه بازیگر فیلم بزرگ‌سال هست، منظورت از فیلم بزرگ‌سال چه فیلمی هست؟

همین فیلمایی که ۱۸+ هستن دیگه.

- از کجا راجع به‌ش می‌دونی؟

همین اینستاگرام و... یا مثلاً حتی لایوش رو می‌رن بعضی جاها.

- چه طوری، توی چه برنامه‌ای؟

توی bigo live ایرانیا که هستن، بعضی زنا میان لایو می‌رن، می‌گن اگه واقعاً می‌خواین تصویری بدنم رو ببینید، به این شماره پیام بدید، شماره کارت بدن و یا نمی‌دونما، ولی من امگال سرچ کردم توی گوگل، بعد vpn روشن باید باشه، یه قسمتی داره زیر صفحه اجازه دسترسی می‌دی، بعد برات همه فیلما رو میاره که لایو هستن، ولی دقیق نمی‌دونم، اما من دیدم خارجی بودن، ولی توی bigo live ایرانی و خارجی هستن.

- این امگال رو از کجا باهاش آشنا شدی؟

اینستاگرام، بعضی پیجا میان سایتای خوب رو معرفی می‌کنن. مثلاً یه سایتی بود وبکم روشن می‌کنی، جلو همه دارن درس می‌خونن، تو شروع می‌کنی به درس خوندن، بدون این که چیزی بگی. ولی این امگال برای صحبت کردن با افراد، ولی همون یه قسمتش همچین چیزی داشت، من زدم، ولی نتونستم با کسی حرف بزنم، فکر کنم من بلد نیستم، فقط دیدم خیلی زیاد لایو میاد که حالا همه‌اش نود (برهنه) هستن.

- نود چی هست؟

همین دیگه لباس نپوشیدن و دارن یه کارایی می‌کنن.

- توی bigo live فقط همچین چیزهایی هست؟

نه، می‌شه با خارجیا حرف زد یا آهنگ آنلاین پخش کرد، لایو گذاشت صحبت کرد و... اونا بهت ستاره بدن، خیلی کارای خوبی می‌شه کرد، ولی خب بیش‌تر لایوهای زنای ایرانی این‌جوری اند که گفتم، اما صورت‌شون رو اصلاً نشون نمی‌دن.

- دوستان شما هم همچین چیزهایی می‌بینن؟

نمی‌دونم.

- قبلاً گفتم دوست فن پیچ زده برای ابطحی، شما علت این کارش رو می‌دونی؟

وقتی یکی رو دوست دارن فنش می‌شن، بعد بعضی وقتا براش فن پیچ می‌زنن، تا خود اون طرف پستای پیچ‌شون رو لایک کنه یا بیان یه کم پز بدن که آره این ما رو لایک کرده و یا زیر پست‌مون کامنت گذاشته. ولی وقتی فالورا پیچ‌شون از طریق همون فن پیچ زیاد شد، کلاً ممکن دیگه فن پیچ نباشن و پیچ شخصیش بکنن، این‌طوری فالور به دست میارن. مثلاً عسل ایزدیان هست که قبلاً با نیکا پست می‌داشت، اینم همچین کارایی می‌کرد، یه مدت فن ملیکا تهامی بود، بعد که معروف شد دیگه فن پیچش نبود، پیچ خودش رو داشت.



- خوب می‌شه بیش‌تر راجع بهش من بگی؟

آره، چندین سال پیش توی کلاس زبان هم کلاسیم بود، بعد همیشه پیجش رو می‌دیدم، می‌اومد دابسمش درست می‌کرد، بعد برای ملیکا تهمی می‌فرستاد، اونم آد استوری می‌کرد، فالوراش زیاد شد. بعد الان این جوری هی کلیپ درست کرده معروف شد، تازه همه‌اش تبلیغ می‌کنه، از اون تبلیغ حتماً خیلی پول درمیاره.

- ملیکا تهمی کی هست؟

یکی از همین بلاگرا بود، فکر کنم حدوداً دو، سه سال پیش بود که خیلی حاشیه داشت، با دلارام و دوست پسر نیلوفر بهبودی. همین طوری مثل بقیه، همه‌اش دوست پسرش رو عوض می‌کرد یا با دوست پسرای دیگران دوست می‌شد. بعد نودش توی فضای مجازی پخش شد، الان بعد این چیزا دو سال پیجش رو بست، ولی الان اومده با بچه‌اش.

- پس ازدواج کرد؟

آره، اینم مثل نیلوفر بهبودی و دلارام خسروانی بود، با خیلی از پسرا دوست بودن، ولی حالا دیگه ازدواج کردن و بچه دارن، ولی خب دلارام که بچه و شوهرش رو ول کرد رفت با یه پسر دیگه مشغول شد.

- دوست داشتی جای عسل ایزدیان باشی؟

آره خب، ولی می‌دونم خانواده‌ی من نمی‌ذارن با پسر بگرم یا بذارن که پیجم رو باز بذارم همه عکسام رو ببینن. واقعاً خیلی خوبه این‌قدر آزاد هستن، هر جا دوست دارن می‌رن، خانواده‌شون کاری بهشون نداره.

- شما قبل از این که اینستاگرام داشته باشی همچین نظری داشتی؟
چه نظری؟

- همین که خانواده‌ات بگذارن راحت باشی؟
نه، خب اون موقع بچه بودم، ولی الآن که بزرگ‌تر شدم، وقتی می‌بینم توی اینستاگرام اونا این‌قدر راحت ان، من محدود شدم یا نمی‌تونم مثل اونا موهام رو رنگ کنم با این که هم‌سن و سال من هستن، خب حسودیم می‌شه. هر روز بیرون ان، هر روز کافه هستن، خب منم دوست دارم این‌جور زندگی رو داشته باشم.

- منظورت از این‌جور زندگی این هست که هر روز کافه بری؟
نه، ولی الآن همه کسایی که سن من هستن یا یکی، دو سال بزرگ‌تر هستن یا با دوست پسرشون بیرون ان یا تنهایی خارج زندگی می‌کنن، مثل نیکا. منم دوست دارم آزاد باشم، ولی من تنهایی نمی‌تونم برم بیرون، همین دوستای خودم بیش‌تر از من آزادن.

- دوستان شما چه کار می‌کنن؟
همین دیگه با دوست پسرشون می‌رن بیرون یا حتی یکی از دوستام مامانش می‌دونست با پسره دوسته، با هم سه‌تایی می‌رفتن بیرون.

- به نظرت اگه اینستاگرام نبود، باز هم شما این‌جوری فکر می‌کردی؟
نمی‌دونم، شاید. ولی زندگی‌هایی که هم‌سن و سالای من دارن واقعاً برای من رؤیاییه.
- چرا؟

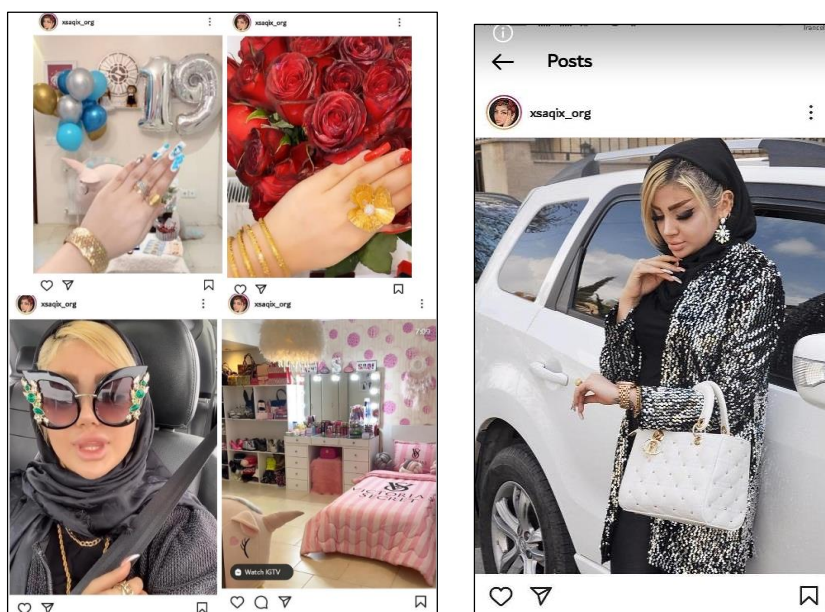
همین ساقی^۱ توی اینستاگرام، یه عالمه محصولات مراقبت پوستی داره، هر روز یه آرایشگاه یه عالمه آنباکسینگ داره و براش مجانی وسایلی میارن که معرفی کنه.

۱ - ساقی همتی از بلاگرهای معروف شهر کرج است. برخلاف ظاهرش که به خاطر عمل‌ها و آرایش زیاد سنش بیش‌تر نشان می‌دهد، تنها بیست سال دارد. او در بیش‌تر استوری‌ها و پست‌هایش در حال نمایش دادن طلا و جواهراتش، لباس‌های متنوع و لوازم آرایش‌های بسیاری که دارد و خلاصه در حال نشان دادن یک زندگی لاکچری و بی نقص از خودش هست. ساقی در چند سال گذشته روابط متعددی داشته و هر بار عکس جدیدی از خود و دوست پسرش در پیجش می‌گذارد و بعد تمام شدن رابطه، عکس‌ها را پاک کرده و با نفر بعدی از خودش و او عکس می‌گذار و این گونه ادعا میکند که عشق واقعی‌اش را پیدا کرده است. او در اینستاگرام به این صورت معروف شد که بعد از مدتی که با پسری دوست بود و هنگامی که رابطه‌شان تمام شد، فیلم‌هایی از خودش پخش کرد که می‌گفت مهبیار ***** خوردم، غلط کردم برگرد من هنوز دوستت دارم، ولی بعد از چند هفته وارد رابطه دیگری شد و این کار وی سوژه‌ای شد که همه پیج‌ها از او پست گذاشته و مسخره‌اش می‌کردند.

همین خانواده‌اش با محدود نکردنش گذاشتن پیشرفت کنه، ولی برای من فقط می‌گن درس بخون، هیچ کاری نکن یا سوگند قدرت شناس که همه‌اش با دوس پسرش می‌ره بیرون، با هم تولد می‌گیرن، کلاً این و ساقی هر چند ماه دوست پسرشون رو عوض می‌کنن، بعد چند ماه ماه‌گرد و کادو، تفریح و خوش گذرونی دارن.

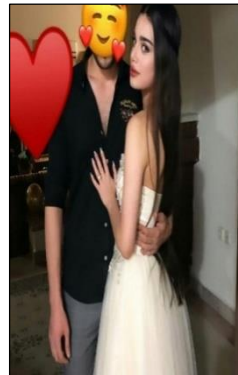
- می‌تونی بیش‌تر برای من در مورد ساقی و سوگند که گفتی بگی، این که چرا دنبال‌شون می‌کنی؟

خب قبلاً گفتم ساقی بلاگر دیگه، همه چیز معرفی می‌کنه، ۲۰ سالشه، ولی این قدر عمل و بوتاکس کرده سنش بیش‌تر می‌خوره، همه‌اش شناسنامه‌اش رو نشون می‌ده که ثابت کنه ۲۰ سالشه.



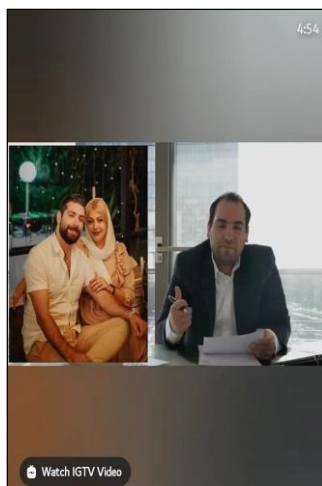
سوگند^۱ هم بعضی وقتا کار مدلینگ عروس انجام می‌ده، اونم ۱۹، ۲۰ سالشه، این و نفس زحمت‌کش هر دو برای شمال هستن، بعد بعضی وقتا میان برنامه رژیم می‌ذارن، منم بیش‌تر به خاطر همین دنبال‌شون می‌کنم یا دوست دارم ببینم امروز دارن چه کار می‌کنن، چون هر کاری که بکنن استوری می‌ذارن.

۱ - سوگند قدرت شناس با توجه به سن کمش روابط متعدد داشته و ساکن رشت است. وی به عنوان مدل عروس کار می‌کند و بلاگر معروفی است او نیز در پیجش زندگی لاکچری خودش را به همراه عکس‌هایی نیمه برهنه و حرکاتی نامتعارف به نمایش می‌گذارد.



- در مورد آقای حداد ...، گفتی بچه‌هاشون آمریکا هستن و این اطلاعات رو از پیج‌های اینستاگرام آوردی. می‌خواستم بدونم قبل اینستاگرام هم چنین نظراتی داشتی که حرف‌هاشون با عمل‌شون متفاوت هست یا نه؟
- نه، این اینستاگرام آبروشون رو برده.
- چه طور؟
- آخه توی تلویزیون که خودشون رو خوب نشون می‌دن و واقعیت رو نمی‌گن. ولی تمام واقعیت-شون توی این فضای مجازی، امین فردین^۱ که چه قدر پشت پرده‌های این افراد رو می‌گه.
- امین فردین کی هست؟
- قبلاً ایران خبرنگار بوده، ولی الان میاد پشت پرده این شاخای مجازی و این کسای که توی ایران وزیر و ... هستن رو می‌گه.

۱ - امین فردین متولد ۲۹ شهریور ۱۳۷۰، فارغ التحصیل لیسانس رشته مهندسی کامپیوتر (نرم افزار) از دانشگاه آزاد کرمانشاه است که کارش را از باشگاه خبرنگاران شروع کرد و حالا ساکن کشور آلمان است. امین فردین مدیر یک کانال یوتیوبی به نام پشت پرده است، او چند سالی است که در مورد موضوعات گوناگون افشاگری می‌کند و خود را یک پاپاراتزی نامیده است.



- می‌تونم برای من چندتا چیزی که گفته رو بگی، مثلاً راجع به چه کسی اومده صحبت کرده؟
آناشید حسینی بود یه زمانی رفته بود با پویان مختاری، این دختره زن پسر یکی از این مسوولا
بوده؛ آقا زاده بهش می‌گفتن. بعد امین فردین می‌اومد پشت پرده همین پسره رو می‌گفت که با
دخترای دیگه بوده، مثل ریحانه پارسا و... کلاً میاد خیلی چیزها می‌گه.

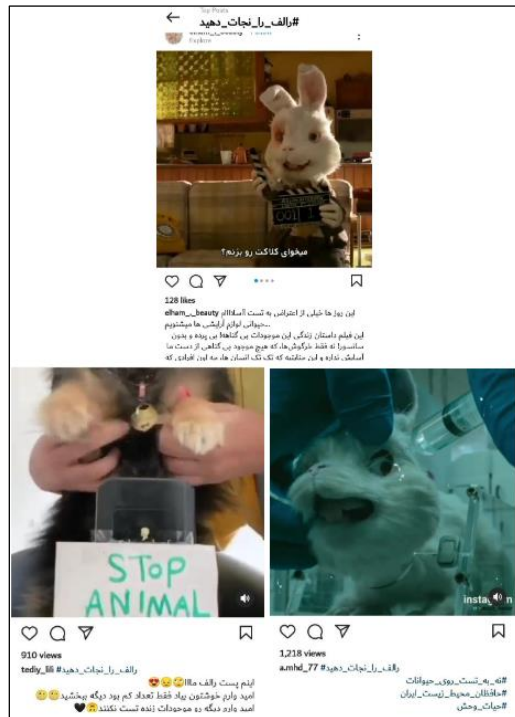
- دیگه چه چیزهایی گفته؟

یه مدت خیلی برقا قطع می‌شد، امین فردین گفت همه جا رو قطع می‌کردن، جز ناحیه‌هایی که
مسوولین زندگی می‌کردن. وزیر نیرو دستگاه‌های استخراج بیت کوین آورده بود، تازه همه خانواده‌اش
آلمان زندگی می‌کنن، خودش توی هتل‌های لاکچری تهران زندگی می‌کنه، ماهی ۴۰۰ میلیون
می‌گفت کرایه هتلش بوده.

- خوب توی اینستاگرام، یک مدت اکثر پیج‌ها در مورد رالف پست می‌گذاشتن، شما این پست
رو دیده بودی؟

همون خرگوشه که وسایل آرایشی روش آزمایش می‌کردن، آره دیدم، می‌گفتن محصولات که
تست حیوانی دارن نخرین.

۱ - در یک سال گذشته انیمیشن کوتاهی تحت عنوان رالف را نجات دهید، در اینستاگرام دست به دست می‌شد. انیمیشنی که
شاید در نگاه اول عادی باشد، اما هر چه قدر به جلو پیش می‌رود، تلخ و تلخ تر می‌شود. در این انیمیشن زندگی روزمره خرگوشی
به نام رالف که مورد تست لوازم آرایشی توسط انسان‌ها قرار می‌گیرد و بینایی خود را از دست می‌دهد، نمایش داده
می‌شود و مخاطب را دعوت می‌کند که در این کمپین شرکت کنند و محصولات آرایشی مثل برند Ysl, Dior, Loreal و...
که تست حیوانی دارند را خریداری نکنند.



- خوب نظرت راجع بهش چی هست؟

آره درسته، ولی ما که نمی‌تونیم بخریم کلاً.

- چرا؟

گرون هستن یا اصلاً این‌جا اصلش نمیداد، همه فیک هستن ما روی خودمون امتحان می‌کنیم.

- دیگه همچنین چیزهایی دیدی که پیج‌های اینستاگرام در موردش بیان پست بگذارن، مثلاً

حیوانات رو اذیت نکنیم یا چیزهایی شبیه این؟

آره، خیلی، یه مدت همه‌اش وایرال می‌شه، مثلاً می‌اومدن خوراکی‌ها می‌ریختن روی زمین،

روشون راه می‌رفتن یا الکی مصرف می‌کردن، بعد همه اومدن پست گذاشتن که این کار درستی

نیست، از کسانی که همچنین پست‌هایی می‌ذارن حمایت نکنیم و لایک‌شون نکنیم، تا دیگه اونا

چنین پستایی درست نکنن یا میان می‌گن، آره مجازی داره گولت می‌زنه.



- یعنی چه طوری مجازی گول مون می‌زنه؟
همین دیگه عکس با آرایش و فیلتر رو میان مقایسه می‌کنن با عکس واقعی!



- فکر می‌کنی اینستاگرام چه تأثیرهایی روی شما گذاشته؟
این که بخوام بیش‌تر به خودم برسیم.
- یعنی چی بیش‌تر به خودت برسی، می‌شه توضیح بدی؟

۱ - برخی از پیج‌های اینستاگرام در تقابل با پیج‌های دیگر که در حال نشان دادن افراد بی‌نقص و زندگی‌های لاکچری هستند، این پیج‌ها در حال نشان دادن و مقایسه کردن خود واقعی افراد و عکس‌هایی که در اینستاگرام منتشر می‌کنند هستند و از کاربران می‌خواهند که خود واقعی‌شان را بپذیرند.

مثلاً من توی همین پیجای اینستاگرام با محصولات مراقب پوستی بیش تر آشنا شدم یا این که من زیر چشمم یه کم سیاهی داره و گوده، بعداً هر موقع می خواستم برم بیرون برای این که این سیاهی رو مخفی کنم، کانسیلر و کرم پودر و اینا زیاد می زدم، ولی یکی از همین بلاگرا می گفت، خودش سیاهی و گودی داشته زیر چشمش، بعداً فیلر زده خوب شده، منم می خوام این کار رو کنم یا هر شب صورتم رو با محصولات مراقبت پوستی که خریدم می شورم، کلاً از پوستم مراقبت کنم تا این که با لوازم آرایشی بهش آسیب بزنم، دقیقاً کره ای ها این طوری هستن، آرایش زیاد نمی کنن، ولی خیلی از پوست شون مراقبت می کنن.

- از لحاظ عقیدتی و باورهای دینی اینستاگرام تونسته تأثیر روی شما بگذاره؟
آره خب، ولی فکر نکنم تأثیر اینستاگرام باشه، الان مثلاً روابط دختر و پسر یه چیز عادی شده، ولی بعضی خانواده ها مثل مال من یه کم سخت می گیرن، ولی توی اینستاگرام دختر و پسر به راحتی با هم می رن بیرون و می چرخن یا با هم عکس می گیرن و هم رو بغل می کنن. از نظر من اینا اشکالی نداره، هر چند توی کتابای درسی ما می گن نامحرم هستن، ولی دیگه دست دادن و بغل کردن به نظرم چیزی نیست.

- خوب دیگه به نظرت توی این موضوعات چه چیزهایی اشکال نداره یا دیگه توی اینستاگرام چه چیزهایی در مورد عادی بودن این مسایل دیدی؟
همین دوستی ها منظورتونه؟
- بله.

این برای خودم جالب بود، توی ژاپن دوست پسر اجاره ای هست.
- یعنی چه طور؟
یه سایت هایی هست، پسرا میان عکس شون رو می ذارن، بعد اکثراً حالا دختری خارجی میان یه پولی می دن، بعداً برای چند ساعت حالا با هم می رن بیرون و گردش.



- فقط برای پسرها این جوری هست؟

من توی اینستاگرام دیدم هم برای پسر هم برای دختر، می‌شه دوست دختر، دوست پسر اجاره‌ای گرفت. ولی توی کشورهای آسیایی مثل ژاپن از طریق یه برنامه‌ای که میان دختر یا پسر اجاره می‌کنن تا باهاشون برن گردش، ولی یه پیجی بود داشت نشون می‌داد توی کشورهای اروپایی زنا بیش‌تر توی ویتترین هستند، مثل این که می‌خوای لباس بخری، ولی اونا برای داشتن رابطه‌ی جنسی، نه گردش و تفریح که این زیاد جالب نیست.



- نظر خودت راجع به این موضوع چی هست، به نظرت دوست دختر و پسر اجاره‌ای خوب هست یا بد؟

به نظرم اگه مثل ژاپن باشه خوبه، می‌شه با افراد جدیدی آشنا شد، وقتی توی یه کشور دیگه تنها باشی.

- خوب شده چیزی که لازم نداشتی، به خاطر این که توی اینستاگرام دیدی بخری؟ آره، خیلی چیزها، اولش فکر می‌کردم شاید به دردم بخوره، ولی بعدش دیگه متوجه شدم که فایده نداشت.

- مثلاً چی خریدی؟

گن ساعت شنی، حجم دهنده لب و... .

- چرا فایده نداشت؟

اینا رو بلاگرا تبلیغ می‌کردن، می‌گفتن اگه این گن ساعت شنی رو بگیریم هیگل‌مون بعد یه مدت که استفاده کنیم شکل ساعت شنی می‌شه، ولی اصلاً به درد نخورد، تازه این قدر بستم همه کمر و شکمم درد می‌گرفت یا همون حجم دهنده‌ی لب، اصلاً هیچ لبم رو بزرگ‌تر نکرد.

- می‌خواستی لب بزرگ‌تر بشه؟

آره یه کم، ولی نشد که، لبم بیش‌تر خشک شد و پوسته پوسته می‌شد، این رو فیلر لب و چشم بیاد بزنم.

- منظورت از فیلر لب و چشم چی هست؟

فیلر باعث می‌شه گودی چشم دیگه معلوم نباشه و اگه به لب بزیم بزرگ می‌شه. هر دوش هر چند وقت یک بار باید ترمیم بشه، وگرنه از بین می‌ره و مثل قبل می‌شه.
- راجع به یک آهنگ گفتی که در مورد شوگر ددی بود، این چالش مخصوص خود اینستاگرام بوده؟

نه چالشای تیک‌تاک توی اینستاگرام میاد یا الان پسرا می‌گن شوگر ددی می‌خوان یا شوگر مامی که هزینه‌هاشون رو بدن.

- پسرها هم شوگر ددی می‌خواهند؟

آره، یه پستی بود، حالا اینا رو بیش‌تر خارجی‌ها پست می‌ذارن، ولی پیتجای ایرانی میان پست‌های اونا رو می‌ذارن که پسره با دوست دخترش تموم کرده بود، بعداً رفته بود با پدر دختره دوست شده بود، می‌گفت خیلی خوبه.



- راجع به افرادی که الآن ترکیه هستن گفتی، مگه بیش‌ترشون به خاطر داشتن سایت از ترکیه نرفتن؟

فقط دنیا و پویان و زن حاتمی رفتن، بقیه هستن، کاری‌شون ندارن.

- بقیه منظورت چه کسانی هستن؟

الآن مسیحا سایت بت داره، ولی ترکیه هست یا مت. اگه قانون شکنی نکنن، ترکیه با سایت- هاشون کاری نداره.

- منظورت از قانون شکنی چی هست؟

همین دیگه میلاد و پویان این‌طوری که توی اینستاگرام می‌گفتن، انگار تجارت دختر می‌کردن و مواد فروش بودن. به خاطر همین دنبال‌شونن، نه به خاطر سایتا، البته من نمی‌دونم، بعضی پیجا این‌طوری می‌گفتن. بعضی پیجا می‌گفتن به خاطر سایت ایناس، ولی ترکیه کلاً فکر نکنم اون‌جوری باشه، چون خیلی بهتر از ایران به مردم و مهاجرانش.

- از چه لحاظ فکر می‌کنی بهتر از ایران هست؟

همین که می‌ذارن هر کسی هر جور دوست داره زندگی کنه، هم باحجاب داره، هم بی‌حجاب کنار هم زندگی می‌کنن، کسی به کسی کار نداره. الآن خیلی از ایرانیا می‌رن اون‌جا خونه می‌گیرن، به خاطر آزادیش. ایرانم این‌جوری بود خوب می‌شد، دیگه این‌قدر کسی نمی‌خواست مهاجرت کنه، ولی اینا فقط به مردم بی‌چاره سخت می‌گیرن، گفتم که خودشون راحت هستن.

- فقط به خاطر حجابش می‌گی خوب هست؟

نه، خب توی ترکیه کل فروشگاه‌هاش برندهای خوب داره، مثل Zara, H&M, Mbersh&ka ولی ایران اینا رو بخوایم بخریم و برامون بیارن خیلی گرونه، پولای ما بی‌ارزش هستن، یه بوت برند M&H بخوایم بگیریم ۵ میلیون می‌شه به پول ما.

- این‌ها رو از کجا می‌دونی؟

به وسایل برند علاقه دارم، دنبال می‌کنم بعضی پیجاشون رو.

- خوب نظرت راجع به وسایل و لباس ایرانی چی هست؟

به درد نمی‌خورن که، من یه بارونی از اینستاگرام سفارش دادم، توی عکس این‌قدر قشنگ بود، ولی وقتی به دستم رسید افتضاح بود، هم جنسش و هم مدلش. مجبوریم وگرنه همه دوست داریم لباس‌های خوب بپوشیم، ولی حالا به خاطر گرون بودن نمی‌خریم، یه کلیپ دیدم توی اینستا که یه مسابقه بود توی افغانستان، بعد مجری از شرکت‌کننده می‌پرسید، بی‌ارزش‌ترین پول دنیا کجاست، گفتن ایران. بعد می‌خندیدن، دیگه همه جا ما رو مسخره می‌کنن.

- خوب به نظرت باید چه کار کنیم؟

باید دوباره یه انقلاب دیگه بشه، اینا ... برن، شاید اون وقت بهتر بشه.

- عزیزم راجع به گنی که خریدی قیمتش چه قدر بود و چی شد که فکر کردی گن مناسبیه و تصمیم گرفتی بخریش؟

قیمت گن ۶۵۰ اینا بود، ولی اصلاً به درد نمی‌خورد، خیلی دیر ارسال کردن، بعد یه مدت فنرهاش دراومد. خواهر نیلوفر بهبودی که اسمش نازنینه معرفیش کرد، هر دوتاشون بلاگر هستن، می‌گفت خیلی خوبه، خودش همین گن رو بسته بود و می‌گفت، بعد بستن این گن‌ها شکمم تخت شده، توی استوریش چندین بار تبلیغش رو گذاشت، بعد چون همیشه می‌گه من برای فالورام چیزای خوب معرفی می‌کنم، منم اومدم سفارش دادم، ولی اصلاً راضی نبودم.

- این که حالا شکم آدم تخت باشه به نظرت مهم هست؟

آره خب، الان خود همین نازنین میاد چالش‌هایی می‌ره که تیشرت اورسایز می‌پوشن، بعد میان پشت لباس رو تنگ می‌کنن که دور کمر هر کی لاغرتر باشه اون بهتره! به فالوراش گفته استوری بگیرید، منم تگ کنید تا آد استوری کنم.



- گن رو فقط برای این خریدی چون خودش داشت از گن استفاده می‌کرد و می‌گفت خوبه؟ آره، آخه این همیشه استوری می‌ذاره که من فال و دعا تبلیغ نمی‌کنم یا کسایی که بهش درخواست تبلیغ فال می‌دن برای برگشت معشوق و... خودش می‌گه اینا همه‌اش الکیه، ببینید چه

۱- چالش‌های بسیاری در اینستاگرام، تیک‌تاک و دیگر شبکه‌های اجتماعی وجود دارند که در آن افراد در حال نمایش دادن کمر باریک خود هستند.

یکی از معیارهای زیبای افراد در فضای مجازی داشتن شکم تخت و دور کمر باریک هست که افراد برای داشتن آن ممکن است دست به عمل‌های جراحی بزنند یا از گن‌ها و وسایلی استفاده کنند که برای آن‌ها ضرر دارد. برخی از بلاگرهای ایرانی با تبلیغ گن‌ها و پیج دکترهایی که پیکرتراشی می‌کنند، فالورهای خودشان را برای داشتن کمرهای باریک ترغیب می‌کنند.

قدر به من درخواست تبلیغ دادن، ولی من برای شما که فالورم هستید، ارزش قایلیم و بهتون چیز بدی معرفی نمی‌کنم یا می‌گفت من پیام اعتبار خودم رو زیر سوال ببرم، به شما بگم چیز بدی بخريد.

- تا حالا چیزهای دیگه مثل همین گن استفاده کردی که راضی نبودی؟
آره.

- می‌توننی به من بگی؟
برای من نبود، مامانم قبلاً ویبروشیپ خریده بود، منم یه مدت استفاده کردم.
- ویبروشیپ چی هست؟

از این کمربند لاغریا برای دور شکمه، وقتی می‌بندیم می‌زنیم به برق، بعد خودش می‌لرزه و می‌تونیم درجه ببریم بالا تا گرم بشه، این جوری باعث لاغری شکم و پهلوها می‌شه.

- شما و مادرت از این دستگاه راضی بودین؟

نه، مامان منم یه مدت استفاده کرد، بعد دیگه گذاشت کنار، منم اون اوایل می‌دیدم مامانم استفاده می‌کنه، من کوچیک‌تر بودم استفاده می‌کردم، ولی اصلاً هیچ فرقی نکرد. تازه وقتی درجه رو می‌بردم بالا، بعد این که باز می‌کردم شکمم قرمز می‌شد و همه‌اش روی شکمم می‌خارید.

- دوستان شما چی، اون‌ها هم از چنین وسایلی استفاده کردن؟

آره، یکی از دوستانم وقتی ۱۶ سالش بود، کوچیک کننده بینی گرفته بود، می‌خواست عمل کنه، ولی چون اون موقع سنش کم بود خانوادش نداشتن یا یکی دیگه از دوستانم از این چسبای نامریی خریده که توی اینستا الان خیلی تبلیغ می‌کنن، برای کوچیک و سر بالا نشون دادن بینی، ولی امسال فکر کنم، هر دوشون عمل کنن.

- نظر خودت راجع به این‌ها چی هست؟

به نظرم چسبه بهتره، چون قشنگ بینی رو لیفت می‌کنه، اما فقط برای عکس گرفتن خوبه، چون توی عکس مشخص نمی‌شه، ولی وقتی برای بیرون بزنی مشخصه.

- پیش‌تر گفתי کراهی‌ها برات جذاب‌ترن، می‌تونم علتش رو بدونم و خوب چه قدر اینستاگرام در این علاقه‌ات نقش داشته؟

به نظرم زیاد، چون الان بیش‌تر پیجای فارسی یا دارن در مورد شخصیت کراهی‌ها می‌گن که افراد آرومی هستن یا دارن راجع به اعتقاداتشون می‌گن که بیش‌ترشون دین ندارن یا تاریخ و فرهنگ کره می‌گن و خیلی چیزای دیگه... همه اینا باعث شده ازشون خوشم بیاد، تازه من سبک زندگی شون، فیس و زبان، و خلاصه همه چی‌شون رو دوست دارم. هم کشور پیشرفته‌ای هست، هم مردم کره فرهنگ‌شون رو حفظ کردن، کلاً وقتی باهاشون صحبت می‌کنی خیلی مؤدب هستن، من الان حتی دارم یاد می‌گیرم، غذاهاشون رو درست کنم.

- چه جوری؟

بعضی از پیجای اینستاگرام آموزش درست کردن غذای کره‌ای می‌ذارن، ولی بعضی موادش پیدا نمی‌شه، یه کم سخت می‌شه سفارش داد، ولی می‌شه پیدا کرد. من خودم از یه پیجی نودل‌های کره‌ای سفارش دادم، ولی برای درست کردن کیمچی، خیار و سس ماهی پیدا نکردم یا برای درس کردن سوشی، جلبک دریایی حتماً باید اینترنتی سفارش داد، وگرنه نمی‌شه حضوری خرید.

- پس غذاهای کره‌ای بلدی درست کنی؟

آره یه کم، الان یه کافه‌ای هست، تازه پیجش رو توی اینستاگرام پیدا کردم. اسمش کافه سئوله، همه دیزاینش مثل کافه‌های کره هست، نوشیدنی و غذاهای کره‌ای داره، حتماً می‌خوام اون‌جام برم. - گفتم بیشتر کره‌ای‌ها دین ندارن، نظر خودت در این مورد چی هست، خودت قبول داری یا نه؟

به نظرم این جوری بهتره، وقتی بزرگ بشیم خودمون انتخاب کنیم چه دینی داشته باشیم، نه این که از بچگی به اجبار بهمون بگن مسلمونی، مثلاً الان یه پسر کره‌ای هست، پدرش مسیحیه، مادرش هم مسیحیه، اما خودش مسلمون شده. بعد غذای حلال می‌خوره، دیگه گوشت خوک نمی‌خوره و یه پیج غذای حلال داره، خیلی توی اینستاگرام طرفدار مسلمون داره.

- راجع به خودکشی توی کره چیزی می‌دونی؟

آره، کره آمار خودکشی خیلی بالاست، همه‌اش می‌رن روی پل هان خودشون رو پرت می‌کنن پایین. به خاطر همین الان روی میله‌های اون پل، همه‌اش جملات انگیزشی و امیدوار کننده نوشته، تا اونایی که می‌رن اون‌جا خودکشی کنن، منصرف بشن.

- خوب به نظرت دین نداشتن کره‌ای‌ها با آمار خودکشی‌شون می‌تونه ارتباطی داشته باشه؟
چه ارتباطی!

- مثلاً این که افرادی که حالا دینی دارن کم‌تر خودکشی می‌کنن چون گناهه.

نه، فکر نکنم. بیشتر به خاطر این که همه‌اش دارن کار می‌کنن و زندگی سختی دارن، حتی خودشون می‌گن توی دراماهاشون جوری بچه‌های دبیرستان نشون می‌دن که همه‌اش در حال تفریح هستن توی مدرسه، ولی تا شب مدرسه می‌مونن، ولی واقعیت اینه، اون جوری تفریح و گردش ندارن.

- از همکاریت خیلی متشکرم.

خواهش می‌کنم.

تأملی دوباره:

مه‌لقای ۲۰ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی- تربیتی، اقتصادی، خانوادگی، روان‌شناختی، زیباشناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است. مه‌لقا در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به مواردی مانند: امکان کاربری آموزشی از اینستا و فنی شدن کاربران، اشاره داشته است.

مه‌لقا در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: جهانی‌اندیشیدن، به دست آوردن اندیشه‌ای که محدود در مرزهای کشور فرد نیست، اخذ سبک زندگی، نقد اجتماعی، تحلیل عاطفی (و مبتنی بر صفر و یک دیدن مسایل) به جای تحلیل عقلانی مسایل در برخورد با برخی از ناملايمات محیطی، تغییر اخذ اطلاعات از منابع داخل به خارج، تحقق هویت دوباره شده، استقبال از الگوهای ویرانگر، فقدان ساز و کار ته‌اجم شکن در روابط مجازی و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

مه‌لقا در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اخلاقی کاربران، به مواردی مانند: مخالفت با اسراف، مقابله با تسری فریبکاری در اینستا، استقبال از ارزش‌های لذت‌مدار، متزلزل شدن اخلاقیات، استقبال از اخلاق خودمدار و شهوی، تحول اخلاقی: حل و فصل همه چیز با پول و نظایر آن، اشاره داشته است.

مه‌لقای ۲۰ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به مواردی مانند: محوریت یافتن پول، ترفندهای ظریف زنان در فضای مجازی برای تحقق اهداف خاص خودشان، تجارت بدن و عفت و نظایر آن، اشاره داشته است.

مه‌لقا در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، به مواردی مانند: تحولات ارزشی خانواده‌ها، دور زدن اولیا، دور زدن خانواده و اطرافیان، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

مه‌لقا در مصاحبه خودش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به مواردی مانند: اتلاف وقت، کاهش حساسیت به روابط نامشروع، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است. مه‌لقا در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، به مواردی مانند: آگاهی بخشی، مصرف وسایل آرایشی، غوغای تن، اندیشه پیکرتراشی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

مه‌لقای ۲۰ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیستی کاربران، به مواردی مانند: دردهای اسکلتی، کاربری از وسایل غیر استاندارد (نظیر گن‌هایی که ممکن است منجر به جابه‌جایی اعضای داخلی بدن شوند)، اشاره داشته است.

مصاحبه شونده در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به ترغیب برخی از کاربران و صفحات اینستاگرامی مبنی بر ضرورت عطف توجه به مسایل محیط زیست و حمایت از زیست محیط، اشاره داشته است.

مه‌لقا در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار سیاسی کاربران، به مواردی مانند: کاهش عرق ملی، برخورد مبتنی بر نفی نظام، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است. مه‌لقا در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل عقیدتی کاربران، به مواردی مانند: تحول‌های عقیدتی، نقد دینی، متزلزل شدن اعتقادات، کنار نهادن ابعاد اعتقادی، غرق شدن در مادیات و دوری خود به خودی از معنویات، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

مه‌لقای ۲۰ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: به دست آوردن اندیشه جهانی شدن، جهانی‌اندیشیدن، اخذ ارزش‌های غیر بومی، اثرپذیری از اینفلوئنسرها، شاخ‌های مجازی و بلاگرها، تحلیل عاطفی (و مبتنی بر صفر و یک دیدن مسایل) به جای تحلیل عقلانی مسایل در برخورد با برخی از ناملایمات محیطی، برخورد عاطفی مبتنی بر صفر و یک با نظام، تغییر اخذ اطلاعات از منابع داخل به خارج، اثرات فرهنگ جمع‌گرا، رکیک شدن بیان در غیاب سازوکارهای تهاجم شکن، سوق دادن تفکر فرهنگی افراد به سمت هوس‌مداری، استقبال از ارزش‌های لذت‌مدار، سوق یافتن به سمت ابتذال فکری، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه مه‌لقای ۲۰ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، باید بیان داشت، مه‌لقا در مصاحبه خویش خاطرنشان می‌سازد، وی در برخورد با برخی از مشکلات کشور، از مسوولان ناامید شده است و از آنجا که جوانان (خاصه دختران)، بیش‌تر به شکلی عاطفی می‌اندیشند، در برخوردی مبتنی بر صفر و یک، در جریان نفی داخل، به خارج متوجه شده است و در این روند، از آنجا که فضای مجازی امکان دسترسی وی به اطلاعات و مقایسه‌های مختلف را فراهم آورده است، متوجه کشور کره و فرهنگ آن شده است و با کسب اطلاعات گسترده در مورد این کشور، در آرزوی مهاجرت به کره است. وی در مسیر تحقق هدفش ضمن ایجاد ارتباط با دانشجویانی که مشغول تحصیل در کره هستند، در برنامه چت به زبان کره‌ای نیز شرکت کرده و حتی دست به یادگیری تهیه غذاهای کره‌ای زده است.

از سوی دیگر مه‌لقا با نفی ارزش‌های داخل، دست به انتخاب الگوهایی زده است که یا ستاره پورن (نظیر میا خلیفه) بوده اند یا با بیکیانی (مانند مینا نامداری) در لایو خود حاضر شده اند یا کلیپ‌هایشان مشحون از طنزها و پرده‌داری‌های جنسی (نظیر مت و مسیحا) است و یا الگوی وی دختران بلاگری هستند که روابط بسیار بازی با پسران دارند. به همین ترتیب مه‌لقا گزارش می‌دهد، از دید وی، نه تنها مواردی مانند داشتن شوگر ددی برای دختران، بلکه مواردی مانند شوگر ددی برای پسران نیز موجه بوده و وی نظر نامساعدی در این ارتباط ندارد، همان گونه که با دوست پسرهای اجاره‌ای که در ژاپن مرسوم است، وی مشکلی ندارد. مضاف بر این مه‌لقا کاربر برنامه‌ها و برنامه‌های زنده‌ای هست که سرشار از هرزه‌نگاری (نظیر بیگو لایو و یا امگال) هستند.

نمونه مه‌لقا، نمونه بارزی در جوانانی است که با واپس خوردن از نظام و مواجهه بدون بسترسازی با فضای مجازی، در مسیر جهانی شدن و جهانی اندیشیدن، ممکن است به سادگی گرفتار آن آیند.

مصاحبه با علی، ۱۹ ساله

هزار سال حاضر نیستم برم سراغ برنامه‌هایی مثل سروش که ابزارهای... و کنترل آدم‌ها هستن.

- سلام!

سلام.

- حالت خوبه علی جان؟

خوبم. مرسی.

- از این که حاضر به وقت گذاشتن برای مصاحبه شدی، ممنونم.

خواهش.

- اجازه می‌دی، مصاحبه خودمون رو شروع کنیم.

بله. بفرمایید.

- علی آقا شما از چند سالگی اینستاگرام رو نصب کردی؟

فکر کنم حدوداً ۱۳ سالم بود.

- چی شد که اینستاگرام رو نصب کردی؟

راستش اون موقع مامان و بابام نمی‌داشتن کلاً توی این شبکه‌های مجازی باشم توی اون سن، چه شبکه‌های نیازمند به سیم‌کارت مثل تلگرام که اون موقع فیلتر نبود، چه شبکه‌ای مثل اینستا، کلاً خیلی حساس بودن روی این جنبه‌ها، از اون جایی که سیم‌کارت نداشتیم، تنها شبکه‌ای که می‌تونستیم داشته باشم اینستا بود، چون با ایمیل هم می‌شد، منم یه ایمیل از قبل داشتم، برا همین دیگه چون می‌خواستیم حداقل توی یکی از این شبکه‌ها باشم، اینستا رو ریختم.

- یعنی اون موقع والدینت روی کاربری شما از اینستاگرام هیچ نظارتی نداشتن؟

آخه نگفتم بهشون دیگه، یه تبلت داشتم، روی همین اینستا رو ریختم و نداشتم اونا بفهمن.

- برای چی می‌خواستی توی یکی از این شبکه‌های اجتماعی باشی؟

چون که خب من می‌دیدم همه اطرافیان و هم‌سن و سال‌هام هستن، ولی من مثل عقب‌مونده‌ها توی هیچی نبودم، هی داشت این چیزا بیش‌تر مد می‌شد و همه بچه‌ها درباره‌اش حرف می‌زدن، منم به همین دلایل و هم این که دوست داشتم بدونم دنیا چه خبره، دوست داشتم اینستا داشته باشم.

- اون موقع والدینت هم خودشون اینستاگرام داشتن؟

نه، همین الانم فک کنم چن ماهه تازه ریختن و خیلی هم بلد نیستن.

- خبر داشتی که والدین دوستان شما، نظارتی بر استفاده از اینستاگرام‌شون دارن یا نه؟
راستش نه، ولی خب حس می‌کنم اگه نظارت داشتن هم مثل من نبودن حتماً.
- خوب اون موقع دقیقاً چه استفاده‌ای از اینستاگرام داشتی؟
اون اوایل دوستانم رو بیش‌تر فالو کردم و خیلی کار دیگه‌ای بلد نبودم، اما کم‌کم با بخش اکسپلور آشنا شدم، طبق چیزایی که دوستانم دیده بودن، برا منم توی اکسپلور می‌آورد، مثلاً دوستانم مدل‌ها رو خیلی دنبال می‌کردن، برا همین برا منم می‌آورد، یکی از چیزایی که بود توی اکسپلورم این بود.
- دوستان شما به غیر از این مدل‌هایی که می‌گی، چه چیزهایی رو دنبال می‌کردن؟
مثلاً پیج‌های فان و کمدی یا شاید مطالب مربوط به فیلم و سریال و آهنگ و این‌جور چیزا، چیزای فوتبالی هم گاهی می‌دیدن و می‌اومد برام.
- خوب گفتی یکی از چیزهایی که توی اکسپلورت بود این مدل‌ها بودن، بقیه چیزهای توی اکسپلور چی بوده؟
یه بخشیش که بر اثر علایق دوستانم بود، اینا بودن، یه بخشیش هم خب بر اثر سرچ‌های خودم بوده که چیزایی مثل گیم و فیلم و سریال و خواننده‌های خارجی می‌اومد برام، من خودم اون اوایل خیلی علاقه‌ای مثلاً به مدل‌ها نداشتم، ولی بر اثر دوستانم و اینا منم کم‌کم خوشم می‌اومد و فالوشون می‌کردم، مثلاً صدف طاهریان!
- خوب این مدل‌هایی که گفتی، تا حالا شده روشون کراش بزنی؟

۱ - صدف طاهریان: هنرپیشه سینما و تلویزیون، مجری و مدل اهل ایران است. وی فعالیت سینمایی خود را از سال ۱۳۹۰ با فیلم هیچ‌کجا هیچ‌کس آغاز کرد.
او در فیلم‌های سینمایی سلام بر عشق، هیچ‌کجا هیچ‌کس، پس کوچه‌های شمرون و عصر یخبندان بازی کرده‌است. همچنین در تله فیلم‌های دارکوب و تلفن همراه نیز نقش داشته‌است. او پس از مهاجرت از ایران، کار مدلینگ خود را آغاز کرد. طاهریان به عنوان مدل با شرکت‌های آرایشی، زیبایی و نگهداری بهداشتی هم‌کاری داشته‌است. در سال ۲۰۱۶، شرکت واتسون که به عنوان بزرگ‌ترین فروشگاه زنجیره‌ای مراقبت‌های بهداشتی و زیبایی در قاره آسیا شناخته می‌شود، با طاهریان به عنوان مدل همکاری داشت. تصاویر او همچنین در مجله‌های زیبایی و مد خارجی استفاده می‌شود.



صدف طاهریان در آبان ماه سال ۱۳۹۴ چندین عکس بدون حجاب اسلامی و متفاوت با عکس‌های قبلی‌اش در شبکه اجتماعی اینستاگرام منتشر کرد. دقایقی پس از آن نیز وی با قرار دادن ویدیویی تأکید کرد که صفحه اینستاگرام او هک نشده و از کامنت‌ها و توجه کاربران تشکر کرد. او در صفحه شخصی‌اش در اینستاگرام، مهاجرتش به دوبی را نیز اطلاع‌رسانی و اعلام کرد.

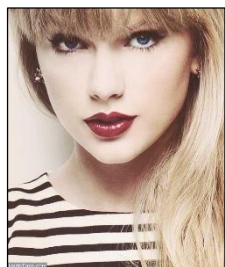
کراش که خب اگه منظورتون اینه از اندام شون و... خوشم بیاد که آره، مثلاً همین صدف طاهریان که مثال زدم، خیلی به نظرم خوشگل و خوش اندام بود و همه عکساش رو می دیدم، در این حد آره. - این مدل ها مگه دقیقاً چی کار می کنن که فالوشون می کنی؟

خب عکس های جذاب و تحریک کننده از خودشون می ذارن و اندام و چهره خیلی خوبی دارن دیگه، همین ها، مخصوصاً توی نوجوونی، کافیه تا آدم بره یه نفر رو فالو کنه.

- آیا مدل های مرد هم فالو می کنی یا از مدل های مرد تا حالا الگو گرفتی؟
خب قطعاً خیلی کم تر و فکر می کنم، این طبیعیه، چون بالاخره نفس فالور یک مدل بودن، به خاطر خوشگلی و هات بودنشه و خب از اون جایی که منم گی نیستم، طبیعیه خیلی کم تر جذب مدل های مرد بشم.

- محتوای پورنوگرافی رو هم در اینستاگرام دنبال می کردی؟
خب توی اینستا محتوای پورنوگرافیک به شکل اصلیش وجود نداره، چون اینستا خودش اجازه نمی ده، نهایتاً همین مدل ها و چنین افرادی بود، اما خب خود محتوای پورنوگرافیک رو بله، جاهای دیگه دیدم.

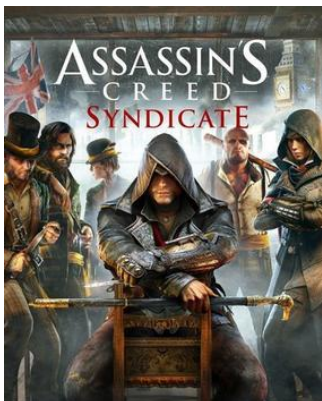
- خوب اون علایق شخصی که می گی دقیقاً چه چیزهایی بودن، مثلاً چه جور پست هایی بودن؟
گفتم دیگه، مثلاً گیم زیاد می اومد برام، چون خیلییی اهلش بودم، الانم کم تر، ولی هستم. مثلاً یه سری خواننده های خارجی رو خیلی دنبال می کردم و دوست داشتم مثل مایلی سایرس و تیلور سویفت، دیگه یه سری فیلم و سریال هم می اومد برام، ولی عمدتاً از اون سریال های دوزاری و سطحی، مدل و اینا هم که گفتم.



- این پست های درباره بازی که می گی، دقیقاً درباره ی چه بازی هایی بودن و چه جوری بودن؟
همه بازی های جذاب، مثلاً بازی های اکشن خب خیلی جذاب ان دیگه، مثلاً اون موقع دیوونه لست آف آس و ویچر بودم، البته از حق نگذریم هنوزم خیلی دوستشون دارم، البته می گم که اینا مثالن و کلاً مطالب مربوط به بازی های جذاب می اومد برام و می دیدم.



- شده که مثلاً با یک بازی‌ای از طریق اینستاگرام آشنا بشی و مصمم بشی که اون رو بازی کنی؟
آره، خب گاهی پیش می‌اومد که مثلاً توی پیج‌ها، یه بازی‌ای رو معرفی می‌کردن و مشتاق می‌شدم تجربه‌اش کنم.
- مثلاً چه بازی‌ای؟
دقیق یادم نیست، ولی فک کنم مثلاً بازی اساسینز کرید سیندیکیت^۱ رو این جوری شناختم و بازی کردم.



۱ - اساسینز کرید، کیش یک آدم‌کش یا عقیده یک قاتل و به تعبیر محاوره‌ای فرقه حشاشین، عنوان یک مجموعه بازی ویدیویی به سبک اکشن-ماجراجویی و مخفی‌کاری است که توسط پاتریس دیسلیت، جید ریموند و کوری می خلق شده است و به وسیله شرکت یوبی‌سافت تهیه شده و عرضه می‌شود. اولین نسخه در این سری اساسینز کرید بود که در ۱۴ نوامبر ۲۰۰۷ برای کنسول‌های پلی‌استیشن ۳ و اکس‌باکس ۳۶۰ منتشر شد.
اساسینز کرید سیندیکیت یک بازی ویدیویی تاریخی در سبک اکشن-ماجراجویی و مخفی‌کاری است که به وسیله یوبی‌سافت کبک توسعه یافته و توسط یوبی‌سافت عرضه شده است. این بازی در ۲۳ اکتبر ۲۰۱۵ برای کنسول‌های نسل هشتم، پلی‌استیشن ۴ و اکس‌باکس وان و در ۱۹ نوامبر ۲۰۱۵ نیز برای مایکروسافت ویندوز عرضه شد. این نهمین قسمت از مجموعه اصلی اساسینز کرید به‌شمار می‌رود که داستان آن ۷۵ سال پس از اتفاقات نسخه اساسینز کرید رخ می‌دهد. داستان بازی در دوره ویکتوریا شهر لندن اتفاق می‌افتد و شخصیت‌های قابل کنترل در این نسخه دوقلوهای آدم‌کش جیکوب و ایوی فرای هستند.

- داستان اون بازی چی بود؟

این کلاً یه سری عه و این نسخه هم یکی از نسخه‌هاش، داستان کلیش اینه که گروه اساسین‌ها، می‌خوان تمپلارها که می‌خوان انسان‌ها رو کنترل کنن و رئیس جهان بشن رو نابود کنن، برا همین در طول بازی باید اعضا شون رو بکشی و نذاری این کار رو کنن.

- به نظرت این‌ها می‌خواستن برای یک هدف خوب کار بدی کنن، درسته؟

راستش وقتی این آدم‌ها اون قدر بدن و شرور که می‌خوان جهان رو کنترل کنن، خب اشکالی نداره، یه سری قهرمان شجاع اگه لازم شد بکشن شون.

- اگر خود شما می‌تونستی، حاضر بودی که مثلاً همچین کاری بکنی؟

راستش نمی‌دونم، این سوالا خیلی سخته، ولی حس می‌کنم آره، شاید حاضر باشم، بعد آخه نحوه‌ی کار و استایل و کلاً همه چی این اساسین‌ها هم توی بازی خیلی جذابه، اصن آدم خوشش میاد.

- تلاش کردی از این بازی اساسین تا حالا الگوبرداری کنی؟

اگه می‌تونستم آره، مثلاً نحوه پوش‌شون خیلی جذابه، یه لباس بلند و یه کلاه روی سرشون کشیده می‌شه، حیف که نمی‌شه توی جامعه این جور ی بود امروزه.

- فیلم و سریال‌های سطحی منظورت دقیقاً چه فیلم و سریالایی هست و شده که متأثر از اون پست‌ها، بری و اون فیلم و سریال‌ها رو ببینی؟

امم مثلاً از این سریال‌های سطحی و قهرمانی، یادمه اون موقع‌ها سریال فلش^۱ رو می‌دیدم و خیلی دوست داشتم، البته یه بار مامان و بابام فهمیدن و پاک کردنش، البته بازم رفتم دیدمش، واقعاً کارشون غیرمنطقی بود، چون درسته حالا سریالش چیز عمیقی نبود، ولی خب برا یه بچه ۱۳، ۱۴ ساله، خیلی چیز ناشایستی نداشت که بخوان نذارن ببینن، کلاً به صورت ببخشید کوتاه‌بینانه‌ای، فقط چون می‌دونستن توی این سریال‌ها زن و مرد ممکنه هم رو ببوسن و اینا، دوست نداشتن ببینن.



۱ - فلش یک مجموعه تلویزیونی ابرقهرمانی آمریکایی، به کارگردانی گرگ برلانتی است که در آن گرانت گاستین نقش بری آلن / فلش را ایفا می‌کند. از دیگر بازیگران این مجموعه می‌توان به کندیس پتن، کارلوس والدس، دانیل پانابیکر، تام کاونان و جسی ال مارتین اشاره کرد.

این مجموعه برنده جایزه برگزیده مردم و نامزد جایزه برگزیده کودکان نیکلودین است. این سریال کراس‌آور از سریال‌های دنیای مشترک کماندار می‌باشد و با سریال‌های این دنیای تلویزیونی کراس‌آور دارد.

- شده بود که از سریال فلش که می‌دیدید سعی کنی توی زندگیت الگو بگیری؟
آره، یادمه مثلاً دوست داشتم شبیه اون لباس بپوشم، مثلاً کاراکتر اصلی یه مردی بود که وقتی روی پیرهن پلیور می‌پوشید، پیرهن رو طبق عادت مرسوم نمی‌داد توی شلوار و می‌داشت از زیر پلیور بزنه بیرون، چند بار این کار رو منم کردم، ولی همه بهم گفتن این چه کاریه و برا همین بی‌خیالش شدم.

- توی این سریال که گفتی، زن و مرد رابطه داشتن و هم‌دیگه رو می‌بوسیدن؟
آره، خب در حد بوسیدن و اینا زیاد بود یا مثلاً توی این سریال‌ها خب می‌دیدم، اون‌جا دوست دختر و پسر داشتن عادیه و آشنا می‌شدم با روابط و فرهنگ‌شون که خیلی برام جالب بود.

- به نظرت این چیزها عادیه، یعنی این‌جور روابط هیچ عیب و ایرادی نداره؟
نه، چرا ایراد داشته باشه، فرهنگ معیوب ما سال‌های ساله که همه‌اش می‌خواد دختر و پسر رو جدا کنه و نذاره درباره‌ی این مسایل تجربه و دانش زیادی داشته باشن، نتیجه‌اش هم شد این‌که از لحاظ جنسی توی این کشور خیلی بحرانه، وقتی این سریالا رو دیدم، نشونم داد که دنیا و زندگی اصن این‌جور که این‌جا می‌گن نیست و چشمم باز شد کم‌کم.

- به نظرت حد این روابط تا کجا باید باشه، یعنی کاملاً رها باشن یا یک حدی داره؟
حد که خب مثلاً آره، یعنی دیگه تا یه جایی می‌شه دوست دختر و پسر بود، یه بخشایی از رابطه رو فقط می‌شه توی ازدواج تجربه کرد.

- مثلاً چه بخش‌هایی؟
مثلاً دیگه یه چیزایی مثل بچه‌دار شدن، حس می‌کنم قبل ازدواج اشتباهه، چون تو وقتی هنوز ازدواج نکردی، ممکنه بالاخره کات کنی، پس بهتره قبل این‌که یه بچه به وجود بیاره، آدم از یه ثبات قابل توجهی در ارتباط با پارتنرش برخوردار باشه.

- خوب خودت تا حالا از طریق فضای مجازی با جنس مخالف ارتباط داشتی؟
یه بار از یه دختره خوشم اومد توی اینستا و چند وقت می‌کردیم، علایقش خیلی شبیه من بود اون موقع و بعد چند وقت نزدیک‌تر شدیم، حتی یکی، دو بار برام عکس فرستاد از خودش، منم با خودم فک کردم خوشگله، اما خب کاشف به عمل اومد که یکی از هم مدرسه‌ای‌هام بود و داشت ایسگا می‌کرد.

- واکنش شما وقتی متوجه شدی اون یکی از بچه‌های مدرسه خودتونه، چی بود؟
خب راستش با این‌که در کل با روابط مجازی اگه درست باشن، مشکلی ندارم، اما چون خودم چنین تجربه‌ای به عنوان اولین تجربه داشتم و ضدحال خوردم، دیگه نسبت بهش حداقل برای خودم یه کم گارد گرفتم و با احتیاط خیلی بیش‌تری با آدم‌ها در فضای مجازی تعامل می‌کنم، احتیاطی که فکر می‌کنم لازمه.

- خوب بعد از اون دیگه هیچ رابطه این‌چینی نداشتی؟

راستش نه دیگه، کلاً می‌گم که خیلی رفتارم با احتیاط شد در تعامل با دختر و رل زدن و این جور چیزها، برا همین دیگه تا الان پیش نیومده که بخوام دوباره چنین رابطه‌ای داشته باشم، البته می‌گم که اگه شرایط درستش فراهم باشه بدم نمیداد.

- دوستان خودت چه طور، اون‌ها از این جور روابط دارن؟
آره، خب خیلی‌هاشون با دخترهای مختلفی از طریق اینستا آشنا می‌شن و روابط مختلفی برقرار می‌کنن، حالا چه رل‌های عمیق، چه روابط سطحی فان و و چه روابط بنفیت.

- از روابطی که از طریق اینستاگرام برقرار می‌کنن، برای شما هم تعریف می‌کنن؟
اونایی که صمیمی‌ترن باهام آره، مثلاً یکی از رفیقام که کلاً خیلی از این بچه مایه‌دارها و دختربازها هست، رفته بود با یه دختره توی اینستا آشنا شده بود و بعد چند وقت لاس زدن و... ، ازش نود گرفت، آخر سر هم اگه اشتباه نکنم، چند بار با هم خوابیدن، البته اکثراً در حد این دوستم نیستن، اما به هر حال الان این مثال اومد توی ذهنم.

- تا حالا شده هیچ کدوم از این روابط آسیب ببینند؟
خب آره، گاهی اوقات شاید از طریق این مجازی از هم خوش‌شون اومده و رابطه عاطفی با هم برقرار کردن، اما چون شناختشون کافی نبوده از هم، بعد مدتی دیدن به درد هم نمی‌خورن و کات کردن که خب نتیجتاً باعث می‌شه آدم از لحاظ عاطفی آسیب ببینه.

- آسیب‌های روانی‌شون تا چه حد بوده؟
خب بسته به عمق رابطه، هر چی عمیق‌تر باشه، آسیبی که آدم از تموم شدنش می‌بینه، بیش‌تره دیگه، مثلاً همین مثالی که زدم، چون یه کم عمیق‌تر شده بودن، وقتی کات کردن، رفیقم تا چن وقت دپ بود.

- خوب به غیر از این خواننده‌ها و مدلی که گفتی، چه سلبریتی‌هایی رو دنبال می‌کنی و می‌کردی؟

مثلاً از خواننده‌های ایرانی، رپرهایی مثل جیدال^۱ و عرفان پایدار^۲ و رضا پیشرو^۳ رو هم فالو می‌کردم، یه سری بازیگرهای معروف خارجی مثل امبر هرد^۴ و ایرانی هم مثل مهناز افشار^۵ رو فالو داشتم.

۱ - علی غنی‌نژاد با نام هنری علی جیدال (خواننده رپ فارسی)، متولد ۲۰ بهمن‌ماه سال ۱۳۷۰ در تهران و ساکن پاریس است. جیدال دانشجوی انصرافی رشته سینما و تئاتر از دانشگاهی در فرانسه است. مادرش استاد آواز و نوازنده سه تار و دف بوده است. او خوانندگی را از دوران نوجوانی و در سن ۱۴ سالگی آغاز کرد. او مدتی را در یک شرکت تبلیغاتی و در رستوران هتلی در فرانسه کار کرد.

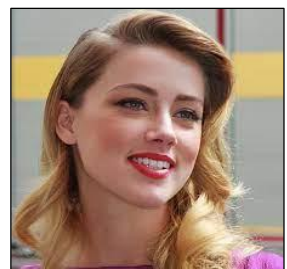
۲ - عرفان پایدار، خواننده و ترانه‌نویس ایرانی است. او فعالیت خود در عرصه موسیقی را با ترانه «شستشو» آغاز کرد و در سال ۱۳۸۶، اولین آلبوم موسیقی خود را با نام از خانه تا گور منتشر کرد. او پس از انتشار آلبوم از خانه تا گور، دو آلبوم دیگر با نام‌های همیشگی در سال ۱۳۸۹ و خداحافظی در سال ۱۳۹۴ منتشر کرده است. عرفان با انتشار خداحافظی در تاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۹۴، برای مدتی از عرصه رپ فارسی کناره‌گیری کرد که به گفته خودش، دلایل خداحافظی‌اش در آلبوم ذکر شده است و یکی از آن دلایل که در برنامه چندشنبه با سینا گفته بود، مشکلات عاطفی بود که در چند سال برایش اتفاق افتاده بود. عرفان در سال ۱۳۹۶، با تک‌آهنگ «خوش اومدی» با همراهی کنیس به عرصه موسیقی بازگشت و بعد از منتشر کردن چندین تک‌آهنگ، آلبوم مشترک خود با جیدال و به نام آیت التریپ را در ۲۱ دی ۱۳۹۷ منتشر کرد.

۳ - رضا پیشرو، خواننده، ترانه‌سرا، آهنگساز و تهیه‌کننده موسیقی در رپ فارسی است. او فعالیت غیرحرفه‌ای خود را از سال ۱۳۸۱ و با لقب «رضاتری پک» آغاز کرد. پیشرو در تأسیس برخی گروه‌های موسیقی زیرزمینی مانند صامت نقش داشته است. او در سال ۱۳۹۶ به دنبال بازداشت و محکومیت به دلیل فعالیت هنری غیرمجاز از ایران خارج شد و فعالیت هنری خود را در خارج از ایران ادامه داد.

۴ - امبر هرد، بازیگر آمریکایی است. او اولین بازی خود را در سال ۲۰۰۴ در درام ورزشی چراغ‌های جمعه‌شب انجام داد. پس از نقش‌های کوچک در سرزمین شمالی و آلفا داگ، اولین نقش اصلی خودش را در فیلم همه پسران عاشق ماندی لین (۲۰۰۶) به نمایش گذاشت، وی مدل و بازیگر سینما است و نخستین فعالیت او در سال ۲۰۰۷ با بازی در برنامه تلویزیونی سی‌دابلو آغاز شد.

دست‌یابی به موفقیت برای او در سال ۲۰۰۸ و با ایفای نقش در فیلم‌های عقب‌نشینی هرگز و پاین ایل اکسپرس حاصل شد. او جایزه پیشرفت را در جوایز جوان هالیوود دریافت کرده است. حضور او در فیلم‌هایی مانند خبرچینان، ناپدری، سرزمین زامبی‌ها و جونرها توجه بیش‌تری را برای او به ارمغان آورد، بازی بعدی او در فیلم جان کارپنتر به نام نگهبان بود. او در فیلم رانندگی جنون در کنار نیکلاس کیج همبازی بود و در فیلم خاطرات عجیب و غریب در کنار جانی دپ به ایفای نقش پرداخت که به دنبال آن برنده جایزه ویژه در جشنواره فیلم هالیوود شد. در سال ۲۰۱۴ در فیلم ۳ روز برای کشتن ظاهر شد و در سال ۲۰۱۵ در فیلم مایک جادویی ایکس ایکس‌ال و دختر دانمارکی بازی کرد. امبر همچنین در فیلم‌های لیگ عدالت (۲۰۱۷) از زک اسنایدر، و آکوامن (۲۰۱۸) از جیمز وان نقش شخصیت ابرقهرمان مرا را ایفا کرده است.

۵ - مهناز افشار، هنرپیشه سینما، تئاتر و تلویزیون اهل ایران است. او بازیگری را با مجموعه تلویزیونی گمشده در سال ۱۳۷۷ آغاز کرد و پس از آن با بازی در فیلم سینمایی دوستان به کارگردانی علی شاه‌حاجتی به سینما نیز راه یافت. افشار در سال ۱۳۸۹ برای ایفای نقش در فیلم سعادت‌آباد، سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل زن را از جشنواره فجر به دست آورد. مهناز افشار از سال ۱۳۹۸ در خارج از ایران زندگی می‌کند.



- و اون موقع موسیقی رپ گوش می‌دادید و آیا اون موقع حواشی رپ رو هم دنبال می‌کردید؟
آره، رپ گوش می‌دادم و خوشم می‌اومد، مثلاً خیلی اوقات تا برمی‌گشتم از مدرسه خونه، می‌رفتم ام پی تری پلیر رو روشن می‌کردم و آهنگ گوش می‌دادم، حواشیش هم آره دنبال می‌کردم، مثلاً دیس‌های زذبازی و رضا پیشرو به هم و غیره.

- این دیس‌هایی که می‌گی یعنی چه جوری بودن و داستان‌شون چی بود و نظرت در کل راجع بهشون چی هست؟

خب مثلاً اینا از همون اوایل رپ فارسی بودن و با هم رابطه خوبی نداشتن، گروه زذبازی یه جور رپ می‌کرد و پیشرو و هیچ کس ... یه جور و خب من خوشم می‌اومد، داستان پشت تیکه‌هاشون به هم رو توی آهنگا بدونم و اون ریتم و محتوای کوبنده دیس‌هاشون رو برام جذاب بود. اون موقع می‌گم که خیلی خوشم می‌اومد، اما الان هیچ جذابیتی برام نداره.

- به نظر خودت چی شد که جذابیتش رو برات از دست داد؟
راستش خب وقتی بزرگ‌تر شدم، با خودم فکر می‌کردم خب که چی حالا اون قدر به یکی دیگه فحش بده، آدم توی آهنگ و خودش رو شاخ بدونه، برا همین کم‌کم کم‌تر دنبال‌شون کردم، تا الان که دیگه کلاً اهمیتی برام ندارن. الان تلاش می‌کنم آثاری که بیش‌تر واقعاً رنگ و بوی هنر دارن رو دنبال کنم و سلیقه‌ام رو بهبود بدم.

- به نظر خودت اینستاگرام توی این تغییر نگرشت تأثیری هم داشته؟
راستش شروع این تغییر نگرشم بعید می‌دونم به خاطر اینستا بوده باشه، اما خب در ادامه هر چی بیش‌تر دنبال محتواهای جدیدتر و عمیق‌تر هنری و... توی اینستا می‌گشتم و بیش‌تر می‌دیدم، این نگرش جدیدم مستحکم‌تر می‌شد.

- یعنی دقیقاً مثلاً توی اینستاگرام دنبال چی می‌گردی؟
مثلاً می‌رفتم پیج‌هایی که درباره‌ی موسیقی‌های کلاسیک یا موسیقی‌های درست حسابی‌تری مثل پینک فلوید^۱ و کوین^۲ بودن رو دنبال می‌کردم و می‌کنم، یا مثلاً پیج‌های سینمایی معتبرتری که فیلمای مزخرف و سطحی فقط معرفی و تحلیل نمی‌کنن و آثار بهتری رو می‌گفتن و غیره.

۱ - پینگ فلوید، یک گروه موسیقی راک انگلیسی است که در سال ۱۹۶۵ در لندن بنیان نهاده شد. این گروه یکی از تأثیرگذارترین گروه‌های موسیقی راک انگلیسی است که توانست با موسیقی پراگرسیو و سایکدلیک، اشعار معناگرا و استفاده از تجربیات صوتی و خلق اجراهای زنده، به موفقیت بین‌المللی دست یابد و به یکی از محبوب‌ترین و تأثیرگذارترین گروه‌های موسیقی تبدیل شود.

۲ - کوین، یک بند راک بریتانیایی است که در سال ۱۹۷۰ در لندن تشکیل شد. ترکیب کلاسیک آن‌ها فردی مرکوری (خواننده اصلی، پیانو)، برایان می (گیتار، آواز)، راجر تیلور (درام، آواز) و جان دیکن (بیس) بود. آثار ابتدایی آن‌ها تحت تأثیر پراگرسیو راک، هارد راک و هوی متال بود، اما بند به تدریج با در اختیار گرفتن سبک‌های بیش‌تر مانند آرنا راک و پاپ راک، به کارهای معمولی‌تر و رادیویی‌پسندتر پرداخت.



- مثلاً این پینک فلوید و کوپین که می‌گی، درباره‌ی چی می‌خونن یا چه مدلی هستند که فکر می‌کنی از موسیقی‌هایی که قبلاً گوش می‌دادی بهتر هستن؟

خب اینا هم محتوای ترانه‌هاشون خیلی عمیق‌تر و هنرمندانه‌تره، مثلاً پینک فلوید دغدغه‌های اجتماعی زیادی داره آثارش یا کوپین بعضی کاراش واقعاً داستان قشنگی رو روایت می‌کنن، هم از لحاظ موسیقایی حرفه‌ای‌تر و جذاب‌ترن، مثلاً گیتار برقی‌ای که اینا می‌زنن رو هزار سال هیچ کدوم از بندهای ایرانی نمی‌تونه بزنه.

- این آثار هنری که گفتی توی پیج‌های سینمایی هستند، دقیقاً چه آثاری و با چه موضوعاتی هستند؟

خب مثلاً قبلاً نهایتاً فیلم‌های صرفاً اکشن و کم‌دی - عاشقانه‌های سطحی می‌دیدم، مثل سریع و خشن و...، اما خب تصمیم گرفتم برم واقعاً فیلم‌های درست حسابی‌تر سینما هم ببینم و ازشون لذت ببرم، فیلم‌هایی مثل پدرخوانده، فارست گامپ، فایت کلاب و... مثلاً عاشق همین فایت کلاب^۱ شدم وقتی دیدمش، بقیه‌شون هم عالی اند، برا همین پیج‌هایی که این فیلمای خوب رو بیش‌تر بررسی کنن، دنبال کردم.

خواننده اصلی گروه فردی مرکوری اصالتاً از خانواده‌ای پارسی‌تبار و زرتشتی مقیم هندوستان بود. این خواننده هنرمند و پرطرفدار که بیش از دو دهه در عرصه موسیقی راک درخشید، در پنجم سپتامبر سال ۱۹۴۶ میلادی در شهر زنگبار در کشور تانزانای کنونی (که آن زمان مستعمره بریتانیا بود) متولد گردید. در ابتدا خانواده‌اش نام او را «فرخ» گذاشتند، اما پس از آن و در شروع دوران دبیرستان که اولین فعالیت‌های موسیقی فردی از آنجا شروع شد او نخست نام هنری خود را «فردی» گذاشت و پس از مدتی فعالیت در گروه «کوپین» نام خانوادگی‌اش را نیز به مرکوری تغییر داد. او در همان دوران کودکی و پس از مشکلات سیاسی زنگبار به همراه خانواده‌اش به انگلستان مهاجرت کردند و پس از اتمام تحصیلات در رشته موسیقی و هنر به‌عنوان خواننده و ترانه‌نویس سبک موسیقی راک پا به این عرصه نهاد. این خواننده بریتانیایی به شخصیت گوتیک‌وار و پرزرق‌وبرق و صدای قدرتمندش بر روی صحنه مشهور بود. گروه کوپین در سال ۱۹۷۱ در شهر لندن شکل گرفت. فردی مرکوری خواننده اصلی و پیانیست، برایان می گیتاریست، جان دیکن گیتاریست و راجر تیلر به‌عنوان درامر اعضای گروه را تشکیل می‌دادند.

^۱ - فایت کلاب، فیلمی آمریکایی، ساخته دیوید فینچر در سال ۱۹۹۹ میلادی و در ژانر درام - روان‌شناختی است که بر اساس رمانی با همین نام به قلم چاک پالانیک ساخته شده‌است. بازیگرانی همچون ادوارد نورتون، برد پیت و هلنا بونهام کارتر در فیلم نقش‌آفرینی کرده‌اند. نورتون در نقش یک انسان معمولی که از شغل دفتری معمولی خود ناراضی است ظاهر می‌شود. او به همراه تایلر داردن صابون‌سازی که نقشش را برد پیت ایفا می‌کند، یک «باشگاه مبارزه» را تشکیل می‌دهد و درگیر رابطه با او و زنی به نام مارلا سینگر که هلنا بونهام کارتر نقشش را ایفا می‌کند، می‌شود.



- آیا از این فیلم‌ها تأثیری هم گرفتی یا از اون‌ها الگو گرفتی؟
آره، خب حس می‌کنم هم توی عقاید ما تأثیر داشتن بعضی‌هاشون، مثلاً عقیده‌ام نسبت به جهان و زندگی (مخصوصاً فیلم فایت کلاب توی این حوزه) و هم بالاخره سلیقه هنریم رو بالا بردن و باعث شدن دیگه هر فیلمی رو خوب و دیدنی ندونم.
- خوب دقیقاً عقیده‌ات نسبت به جهان و زندگی، چه جوری شده؟
مثلاً همون فایت کلاب بهم نشون داد که توی جهان امروزه چه جوری گرفتار یه سری اهداف پوچ و بیهوده توی زندگی شدیم، مثل پول و مال و منال بیش‌تر، خب اهداف مهم‌تری توی زندگی، مثل معنا رو فراموش کردیم و جامعه هم این وضع رو داره بدتر می‌کنه یا مثلاً فارست گامپ^۱ به نظرم نشون داد چه قدر مهربانی و خوبی لازمه برای زندگی.



- خوب گفتم دغدغه‌های اجتماعی، آیا پیچ‌های اجتماعی و سیاسی هم فالو می‌کنی؟
آره قطعاً، چندتا پیچ دارم که مسایل اجتماعی مختلف رو مطرح و بررسی می‌کنه، معضلات مختلفی مثل مشکلات و حقوق زنان و هم‌جنس‌گرایان و چندتا پیچ سیاسی هم دنبال می‌کنم که

۱ - فارست گامپ: فیلم آمریکایی در ژانر کمدی-درام، به کارگردانی رابرت زمکیس محصول سال ۱۹۹۴ پارامونت پیکچرز است. فیلم برپایه رمانی به همین نام که توسط وینستون گروم در سال ۱۹۸۶ نوشته شده بود ساخته شده‌است و در آن بازیگرانی چون تام هنکس، رابین رایت، گری سینایس، میکلتی ویلیامسون و سالی فیلد حضور دارند. این داستان چندین دهه از زندگی فارست گامپ (با بازی تام هنکس) را نشان می‌دهد، مردی کند ذهن، اما مهربان از آلاباما که شاهد چندین رویداد تاریخی مشخص در ایالات متحده در سده بیستم است و ناخواسته بر آنان تأثیر می‌گذارد.

اخبار سیاسی اخیر رو گزارش و تحلیل می‌کنن، مثل همین مذاکرات اخیر وین که رفتن گند زدن و برگشتن.

- درباره‌ی مسایل سیاسی‌ای که می‌گی، دقیقاً این مسایل رو چه جوری تحلیل می‌کنن؟
خب مثلاً چن وقت پیش این داستان طرح صیانت از فضای مجازی مطرح شد که سر و صدا کرد و الانم خدا می‌دونه قراره چه بدبختی‌ای سرمون بیارن دوباره، مثلاً سر همین ماجرا چندین پیج بود، ماده‌های مختلف این لایحه رو بررسی می‌کرد و نشون می‌داد که چه اقتضاحیه، می‌گفت به چه دلیل باید در برابرش مقاومت کرد و از همین الان مخالفت‌مون رو نشون بدیم، برای همین منم رفتم اون کارزار رو امضاء کردم و مطمئنم اگه یه روز این طرح عملی بشه، تا حد امکان سراغ برنامه‌های مزخرف‌شون نمی‌رم.

- چرا؟

چون این برنامه‌ها جایگزین نرم افزارهای جاسوسی هستن.

- چه طور؟

خب از چن وقت پیش که اینا خودشون رو به هر دری زدن، مردم سراغ برنامه‌هایی مثل سروش برن، اما بعد گندش در اومد که این برنامه‌ها واقعاً در خدمت اهداف نظام هستن و از اطلاعات مردم سوءاستفاده می‌کنن. هزار سال حاضر نیستم برم سراغ برنامه‌هایی مثل سروش که ابزارهای... و کنترل آدم‌ها هستن.

- درباره‌ی مسایل هم‌جنس‌گرایان چه نظری داری؟

خب اینا که توی ایران اصلاً به رسمیت شناخته نمی‌شن و مجازات‌شون هم می‌کنن، ولی باید این اقلیت‌ها رو به رسمیت شناخت و به حقوق‌شون احترام گذاشت، چون اونا هم انسان هستن بالاخره.

- شما هم مثل اون‌ها معتقدی که هم‌جنس‌گرایی یک چیز طبیعی هست؟

راستش تعیین این‌که دلایل بروز چنین حالتی چیه در سواد من نیست، اما خب فکر می‌کنم به هر حال این آدم‌ها هم انسان هستن و هم‌دیگه رو دوست دارن و آزاری برای بقیه ندارن، بنابراین چرا باید باهاشون رفتاری غیرانسانی بشه؟

- این‌که از نظر دینی این مسأله پذیرفته نیست، برات اهمیتی نداره؟

اسلام این همه چیزای... رو داره، اینم روش، به همین دلیل نه، برام مهم نیست.

- اینستاگرام در دیدت نسبت به اسلام تأثیری داشته؟

امم نمی‌گم اینستا لزوماً خیلی مؤثر بوده، یعنی حس می‌کنم خودم همیشه یه نگاه انتقادی و منفی داشتم بهش.

- آیا پیج‌هایی که مثلاً اسلام رو نقد کنن رو فالو می‌کنی؟

خب اینستا هم بالاخره محتواها و پیج‌های ضد دین کم نداره که توش از آدما و اندیشمندان بی‌دین و خدا حرف می‌زنن، به همین دلیل فکر می‌کنم آره، بالاخره تأثیر خودش رو حداقل تاحدی داشته و بله منم چندتا از این پیج‌ها فالو می‌کنم، مثل پیج سوشیال فیلسوفی.



- این پیجی که گفتی دقیقاً محتواش چی هست؟

خیلی از مسایل اجتماعی ایران، سیاست‌های... نظام و سوءاستفاده‌هایی که با دین از مردم می‌کنن رو دوباره شون صحبت می‌کنه، همچنین عقاید اشتباه و عهد بوقی خیلی از دین‌داران رو نقد می‌کنه. - مثلاً چه سوءاستفاده‌هایی؟

نظام دیگه، مثلاً به اسم دین همه آزادی‌ها و حقوق بشر رو از مردم گرفتن و می‌خوان اون حرف‌های مزخرف خودشون رو توی کله‌مون کنن، البته یه بخشیش هم از خود دینه که خب این پیج، اون رو هم نقد می‌کنه.

- اون پیج‌های اجتماعی - سیاسی که گفتی درباره‌ی مسایل زنان، دقیقاً چه چیزهایی می‌گن؟ مثلاً خب می‌گن که چرا زنان نباید اختیار این که موهاشون بیرون باشه یا نه، چی بپوشن، برن خارج یا نه و خیلی چیزای دیگه شون رو نداشته باشن؟ یا مثلاً راجع به قتل‌های ناموسی و آزارهای خانگی و اجتماعی‌ای که زنان توی جامعه، مخصوصاً توی کشورهایی مثل ایران می‌بینن، صحبت و آگاه‌سازی می‌کنن، در کل که زن‌ها توی ایران وضع حقوقی و اجتماعی خوبی ندارن و باید دوباره این مسایل صحبت بشه و آگاهی بالا بره.

- از مذاکرات وین گفتی، اخبار برجام رو از طریق اینستاگرام دنبال می‌کنی؟

والا من یه پیج خبری کلاً دارم و اونم بی‌بی‌سیه، این اخبار رو هم از طریق اون می‌بینم. خب نظرم هم که راستش من حالا تحلیل‌گر سیاسی نیستم به اون شکل، اما اگه موفقیت این مذاکرات باعث می‌شه، این وضع خراب این‌جا یه کم بهتر شه، امیدوارم که جواب بدن این مذاکرات و یه

توافقی بشه و هر چند با این ترکیبی که اینا فرستادن برای مذاکرات، وضعیت بدتر نشه و بیش تر بر ندارن تحریم مون کنن، واقعاً شانس آوردیم.

- نظرت راجع به وضعیت اقتصادی کشور چی هست؟

هزینه‌های مختلف زیاد شده، انگار چون هیچی پول ندارن و درآمدهاشون کم شده، فقط می‌خوان از مردم بچاپن، یه مشت... شدن همه کاره مملکت دیگه، تا چهار روز پیش دزد دست‌شون نمی‌دادن، حالا شدن وزیر و وکیل.

- از فعالان سیاسی کسی رو فالو می‌کنی؟

یه آقای هست به اسم بیژن اشتری که تازگی‌ها فالوش کردم، فعال نیست به اون شکل اما آدم باسوادی به نظر میاد باشه و مترجم چندین کتاب درباره همین علوم سیاسی هست. به غیر ایشون نه، خیلی فعال خاصی رو فالو نکردم، این آقای اشتری گاهی پست‌های جالبی می‌ذاره و درباره‌ی مسایل مختلف نظر می‌ده و تاریخ هم اون بین می‌گه، مثلاً اگه گمون نکنم از رابطه الان ایران با روسیه گفته بود و تا حدی با دوران قاجار مقایسه‌اش کرده بود.

- پیج‌های حمایت از محیط زیست رو هم فالو می‌کنی؟

امم در حال حاضر زیست محیط خیلییی از دغدغه‌هام نیست، فقط گاهی یه سری اخبار درباره‌اش رو می‌خونم و می‌بینم، چون به نظرم چه برامون دغدغه باشه یا نه، بالاخره مسأله مهمیه، مثلاً این اجلاس گلاسکو که چند وقت پیش در این باره بود، چندتا خبر درباره‌اش توی پیج‌های خبری خوندم.

- چه خبری بود دقیقاً؟

اگه درست یادم باشه، در این باره بود که چین و آمریکا توی زمینه کاهش تولید این گازهای مضر، به یه توافقی رسیدن که می‌گفت باز خوبه.

- تا حالا از طریق اینستاگرام چیزی خریدی؟

امم خرید بزرگ و مهم که تا حالا نه، یه بار فک کنم کلاً یکی از این ماگ‌ها خریدم، اونم پیج یه آشنا بود، وگرنه خب راستش رو بخوای، برای خریدهای مهم و کالاهای بزرگ و مهم و گرون اعتمادی ندارم به این پیج‌ها، چون که کالاشون با چیزی که نشون می‌دن، فرق داره یا اعتمادی به خودشون نیست، بعضی اوقاتم که کلاً کلاه‌بردارن، مثلاً برای خودم پیش نیومده، اما دیدم توی دوستانم که سرشون کلاه رفته توی این خریدها.

- دوستان با تجربه کلاه‌برداری مواجه شدن؟

آره، یکی‌شون مثلاً یه بار برای دوست دخترش کلی لوازم آرایشی از یکی از همین پیج‌ها خرید و کلی هم پول داد و جنس خارجی مثلاً گرفت، اما وقتی خریدهاش رسیدن، بعد چند وقت فهمیدن همه جنس‌ها فیک بوده و اون پیج هم پاسخ‌گو نبود و توجهی نکرد، اینا هم بی‌خیال شدن و خیلی پی اون رو نگرفتن دیگه، یکی رو هم دیدم استوری گذاشته بود درباره همین کلاه‌برداری‌ها، می‌گفت

اصلاً نمی‌ارزه به هزینه و وقت و انرژی‌ای که می‌گذاری برای این پیگیری کردن، تازه تهش هم پلیس فتا اصلاً پیگیری نمی‌کنه، فقط اگه پارتی داشته باشی، تازه شاید پیگیری کنن.

- تا به حال به فکر زدن یک پیچ توی اینستاگرام بودی که بتونی از این طریق کسب درآمد کنی؟

راستش بدم نمیاد یه پیچ بزnm که توش محتواهای روان‌شناسی و فلسفی و ادبی و سینمایی و اینا بذارم، هم محتواهایی اند که خودمم دوست دارم و مفیدن و خب هم می‌شه بعد از مدتی یه درآمدی هم از طریق تبلیغ ازشون داشت. تا الان عملیش نکردم، اما دوست دارم یه بار انجامش بدم ببینم چه طوره.

- دوستان خودت چه طور، آیا اون‌ها از طریق اینستاگرام تا حالا کسب درآمد کردن؟

آره، یکی از دوستان خیلی پول دارن و طلافروشی دارن، یه پیچ زد برای مغازه‌شون و پست‌های خوشگل و حرفه‌ای از جنس‌هاشون گذاشت توی پیچش، همین کار باعث شد مشتری‌هاشون خیلی بیش‌تر بشن و درآمد مغازه‌شون هم بیش‌تر شه، خب باباشم برای همین یه بخشی از این درآمد رو می‌ده بهش، یه دوست دیگه‌ام هم هست که یه پیچ سینمایی زد و تیکه‌های فیلم و سریال‌ها رو توش با زیرنویس می‌ذاره، اونم الان پیچش راه افتاده و کم‌کم داره تبلیغ می‌گیره.

- تا به حال تحت تأثیر تبلیغات فضای مجازی، در سایت‌های قمار، بازی کردی؟

خودم نه، اما یکی از دوستانم بود که چند وقت خیلی رفته بود توی نخ این کارا و توی یکی از این سایتا، روی خیلی بازی‌های مختلفی شرط‌بندی می‌کرد، البته اون اول پول کمی گذاشت، اما کم‌کم برد و بیش‌تر شد این پولش و خب اینم دیگه این‌جوری شده بود که می‌رفت روی چیزایی که اصلاً دانشی ازشون نداشت شرط‌بندی می‌کرد، مثلاً آن‌بی‌ای، برای همین بعد چن وقت اون پولش که زیاد شده بود، همه‌اش از دست در رفت، منم راستش رو بخوای اون موقع که داشت سود می‌کرد، تحریک شدم که برم این کار رو انجام بدم، اما خب وقتی دیدم تهش ضرر و از دست رفتن پوله، بی‌خیال شدم.

- با توجه به تبلیغات فراوان موجود در مورد رمز ارز، تا به حال تصمیم به سرمایه‌گذاری توی رمز ارز گرفتی؟

راستش نه و توی دوست‌های خودم ندیدم خیلی، اما در کل توی مجازی، مخصوصاً اینستا حالا، زیاد برمی‌خورم به این پیجایی که دارن تبلیغ می‌کنن و مثلاً از همین رمز ارزها می‌گن، مثل بیت کوین، اما خب نه خودم تا حالا واردش نشدم، چون هیچ‌چیزی نمی‌دونم درباره‌شون و علاقه‌ای هم ندارم خیلی و شنیدم می‌گن، اگه بلد نباشی، کلاً همه سرمایه‌ات رو یهو به باد می‌دی.

- پیچ‌های مختلف ورزشی رو توی اینستاگرام فالو داری؟

نه، پیج ورزشی خیلی دنبال نمی‌کنم، اما یه پیج دارم که نکاتی درباره تغذیه و کالری‌های غذاها و... می‌گه که برام جالبه، البته متأسفانه خیلی هم رعایت نمی‌کنم، حالا اما خب تلاش می‌کنم یه سری نکاتش رو رعایت کنم و تغذیه‌ام سالم‌تر باشه، یکی از دوستانم هست ولی، اون بسکتبال بازی می‌کنه، خیلی این پیج‌های ورزشی و اینا رو دنبال می‌کنه، این لایک می‌کنه، پست‌هاشون رو توی اکسپلور منم میاد.

- پیج‌های گردشگری و مسافرت رو فالو داری؟

راستش یه دوستی دارم که اون خیلی از این سفرها می‌ره، یه گروهی اند به اسم سفرهای خوب من که پیج اینستا دارن، خب یه بار به من هم گفت که بیا بریم و خوش می‌گذره، منم یه بار که سفرشون همین حوالی تهران بود و خیلی دور نبود، رفتم باهاشون و خب آره واقعاً خوش گذشت، گروه خوبی بودن و دختر و پسر راحت کنار هم بودن و خوش می‌گذروندن، حالا سفرهای دور فکر نکنم بتونم، اما باز همین سفرهای نزدیک دوست دارم برم باهاشون.

- پیج‌های اخبار ورزشی رو هم فالو می‌کنی؟

راستش خیلی نه، بچه که بودم خیلی عشق فوتبال بودم و کلی از لباس‌های این فوتبالیست‌ها رو داشتم، اما خب بزرگ‌تر که شدم، حتی قبل این که اینستا هم بریزم، دیگه برام جذابیت سابق رو نداشت، الان هم به اون شکل دنبال نمی‌کنم، اما خب گاهی بسته گریخته اخبار مهم رو می‌بینم، مثلاً خبرایی مثل این که مسی رفت پاریس واینا.

- گستره ارتباطات توی اینستاگرام بیش‌تر شده؟

آره خب، کلاً اینستا و فضای مجازی چنین پیامدی دارن بالاخره، منم از این قاعده مستثناء نیستم و با آدمای بیش‌تری آشنا شدم و آدمایی رو که از قبل می‌شناختم اما مثلاً صمیمی نبودیم رو بیش‌تر شناختم، به همین دلیل قطعاً گستره روابطم رو بیش‌تر کرده.

- کیفیت ارتباطات چه طور، اینستاگرام روی کیفیت ارتباطات هم تأثیری داشته؟

خب از اون جایی که باعث می‌شه راحت‌تر آدم‌ها با هم در ارتباط باشن و با هم حرف بزنن و حرف‌ها و زندگی هم رو ببینن، فکر می‌کنم می‌تونه کیفیت روابط رو هم بالا بیره، اما از طرفی به نظرم اگه زیادی اتکا بشه بهش و با رابطه واقعی ترکیب نشه، باعث می‌شه رابطه یه کم سطحی بمونه، می‌دونی به نظرم اون رابطه عمیقی که می‌تونه بین دو نفر باشه، چه دوستانه و چه عاطفی، نیازمند چیزایی مثل گفت و گوهای عمیق و بودن کنار هم هست که از طریق اینستا نمی‌شه خیلی از این‌ها رو داشت، برای همین فکر می‌کنم اگه رابطه‌ای صرفاً محدود به اینستا بمونه، نمی‌تونه خیلی عمق بگیره از بسیاری جهات.

- تا به حال از طریق اینستاگرام تلاش کردی با افراد خارجی ارتباط بگیری؟

یکی، دو بار با چن نفر توی کامنت‌ها بحث کردم، بعدش یه کم توی دایرکت هم صحبت کردیم، اما این که بخوام مثلاً برم یه دوست خارجی حتماً پیدا کنم و اینا نه، تا حالا نشده.
- این بحث‌ها سر چی بوده و چه جوری؟

توی یکی از این فن پیج‌های پینک فلوید بود، اون جا کامنت گذاشتم، درباره‌ی یه آهنگ نظر دادم، بعد روم ریپلای کردن و با هم درباره‌اش بحث کردیم.

- دوستان خودت چه طور، اون‌ها تلاش کردن با خارجی‌ها ارتباط بگیرن؟

آره، یکی از دوستان مثلاً چندتا رفیق خارجی از همین اینستا پیدا کرده که با هم چت می‌کنن و پست و استوری‌های هم رو می‌بینن، به نظرم چیز جالبیه این مسأله، چون باعث می‌شه با آدمای مختلفی توی جاهای متفاوت جهان آشنا بشی، مثلاً این دوستم تعریف می‌کرد که حتی یه رفیق مصری داره و گاهی توی دایرکت به انگلیسی چت می‌کنن با هم، منم دوست دارم حالا یه بار از این کارا کنم، یعنی دوست دارم حداقل تجربه‌اش کرده باشم.

- تا به حال شده که تلاش کنی از طریق اینستاگرام چیزی یاد بگیری؟

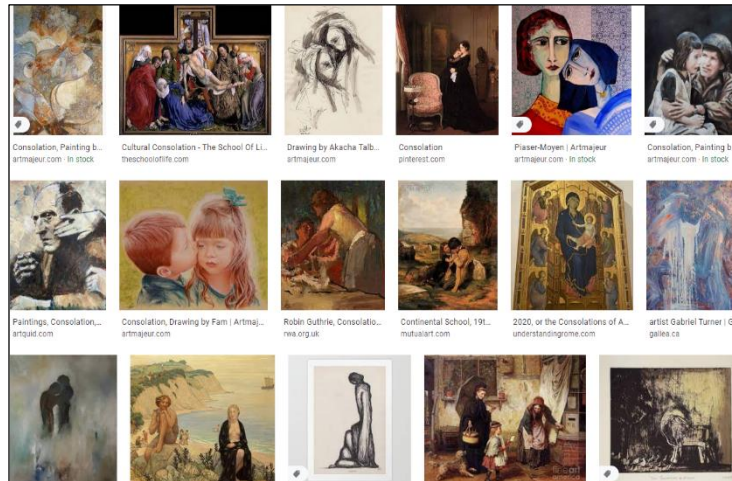
خب این که کلاً یه علم یا حرفه رو از اینستا یاد بگیرم، نه نبوده، چون فکر هم نمی‌کنم اصلاً اینستا برای چنین کاری ساخته شده و مناسب باشه، اما خب درباره چندتا از حیطه‌های مورد علاقه‌ام، چندتا پیج دارم که مطالب‌شون رو دنبال می‌کنم، مثلاً یه پیجی هست به اسم سد اسمال که مطالب جالبی می‌ذاره، مثلاً درباره خیلی مسایل کلی و همه گیر دانستی می‌ذاره و داستان‌های جالبی که در طول تاریخ رخ دادن رو تعریف می‌کنه و...، یا مثلاً یه پیجی هم دارم به اسم روان تحلیل که چیزای روان‌شناسی می‌ذاره و خوشم میاد گاهی می‌خونمش، مثلاً این حیطه روان‌شناسی رو از وقتی اینستا ریختم یه کم ازش خوشم اومد، چون یه سری حرفاش می‌تونه برای آدم مفید باشه، ولی خب فکر نمی‌کنم دانش روان‌شناسی درست حسابی‌ای به اون شکل به دست آورده باشم، صرفاً در حد یه سری نکات معمولی و عادی که جالب ان.

- دوستانت چه طور، اون‌ها تلاش کردن از طریق اینستاگرام چیزی یاد بگیرن؟

یه رفیق دارم که زبانش خوب نبود و برای همین کلی از این پیج‌های آموزش زبان رو فالو کرده بود، بعد مدتی زبانش بهتر شد و لغات بیش‌تری بلد بود، البته بخش عمده پیشرفت کلی‌ای که توی زبان داشت به خاطر کلاس بود، چون کلاس می‌رفت، اما این پیج‌ها هم بالاخره تاحدی مفید بودن.

- پیج‌های هنری رو هم توی اینستاگرام دنبال می‌کنی؟

یه پیج مثلاً اخیراً فالو کردم، به اسم کانسولیشنز آف آرت^۱ که رو نقاشی‌ها موزیک می‌ذاره و کلیپ‌های آرامش بخشی می‌سازه این جوری، توی اکسپلور دیدم یکی از پستاش رو و خوشم اومد و بعد رفتم پیجش رو فالو کردم.



یه پیج هم دارم که درباره موسیقی بی کلامه و در این باره پست می‌ذاره، این موسیقی بی کلام رو از قبل هم دوست داشتم، اما از وقتی این پیج رو و یکی، دوتا دیگه رو دیدم بیش تر هم ازش خوشم اومد و گوش می‌دم بهش، پیج‌های سینمایی هم دارم که مثلاً فیلم‌های خوب و مختلفی رو پیشنهاد می‌دن و مثلاً یه سری اخبار سینمایی هم می‌گن، البته سینما رو از قبل اینستا هم دوست داشتم، مثلاً یه فیلمی که توی یکی از این پیج‌ها چند وقت پیش معرفی کرده بود که دیدم و خیلی لذت بردم، فیلم این د مود فور لاو بود که یه فیلم عاشقانه چینی، خیلی قشنگ و هنری بود واقعاً فیلمش.

۱ - این د مود فور لاو، فیلمی هنگ کنگی در ژانر درام و رمانتیک محصول سال ۲۰۰۰ میلادی است. کارگردانی، تهیه‌کنندگی و نویسندگی این فیلم را وونگ کار وای بر عهده داشته‌است. هنگ کنگ، سال ۱۹۶۲. زنی جوان که منشی یک شرکت تجاری است، اتفاقی را در یک خانه برای خود و شوهرش اجاره می‌کند (شوهر زن بیش تر مواقع در سفر کاری است و در خانه نیست). هم‌زمان مردی روزنامه‌نگار اتفاقی را در همان خانه از همسایه کناری برای خود و همسرش اجاره می‌کند (همسر مرد نیز گویا کارمند هتلی ست، و بیش تر مواقع در خانه نیست).

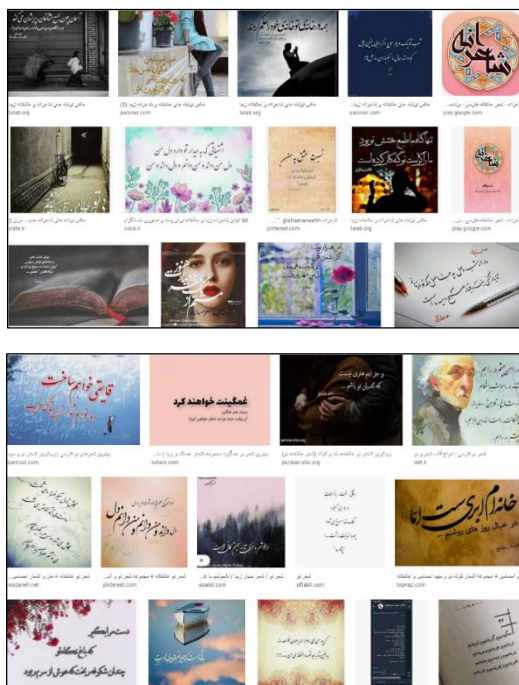
آن‌ها در یک روز اسباب کشی می‌کنند و گه گاهی به هم برمی‌خورند. تنهایی‌های‌شان کم کم آن‌ها را به هم نزدیک می‌کند تا سرانجام، شبی دل به دریا می‌زنند و با هم به یک غذا خوری می‌روند. همان شب است که در می‌یابند که همسران‌شان با هم سر و سری دارند و به آن دو خیانت می‌کنند.

از آن پس آن‌ها نیز به خود اجازه می‌دهند که اوقاتی را با هم بگذرانند، اما تنها در آن حد که جای خالی همسران‌شان را برای هم پر کنند، زن حتی اجازه نمی‌دهد که مرد دستش را بگیرد. مرد می‌خواهد روی فیلم‌نامه‌ای کار کند و از زن می‌خواهد که کمکش کند. زن، دو دل میان ادامه یا قطع ارتباط، عاقبت به او می‌پیوندد، به این امید که «ما مثل آن‌ها نمی‌شویم».

آن‌ها بدون هیچ تماس جسمانی، شبانه روز بر روی فیلم‌نامه کار می‌کنند و ساعات خوشی را می‌گذرانند، ولی نگاه‌های مزاحم، دخالت و حرف مردم باعث می‌شود که دوباره زن از مرد دوری گیرند و چندی میان‌شان فاصله بیفتد.



– آیا پیچ‌های شعر رو هم فالو می‌کنی؟
آره، یه پیچ فالو دارم به اسم شاعرانه و یه پیچ دیگه هم هست به اسم شعر نو که پست‌های شاعرانه و مختلف می‌ذارن.



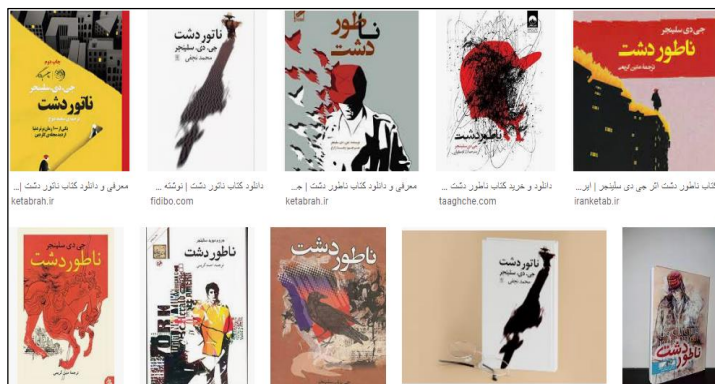
کلاً من از دوران دبیرستان شعر دوست داشتم و دنبال می‌کردم، خب برای همین از همون موقع هم شروع کردم به چنین پیچ‌هایی فالو کردن.

شی، زیر باران در گوشه خلوت یک کوچه، مرد به زن می‌گوید: «فکر می‌کردم ما مثل آن‌ها نمی‌شویم، ولی اشتباه می‌کردم». او می‌گوید که می‌داند زن، هرگز همسرش را به خاطر او رها نخواهد کرد و می‌گوید که به همین خاطر «چون از حرف مردم خسته است»، برای کار در روزنامه‌ای به سنگاپور می‌رود، و زن می‌ماند با اتاق‌ها، اشیاء و خاطره‌ها. سال‌ها بعد، هر دو با امید اندکی به آن اتاق‌ها باز می‌گردند. اشک در چشمان‌شان حلقه می‌زند و بغض گلوی‌شان را می‌گیرد. اما با آن که تنها دری میان‌شان فاصله می‌اندازد، می‌گذرند و همدیگر را نمی‌یابند، مرد حالا رازی دارد که آن راه تنها در حفره‌ای در دل یک دیوار باستانی، نجوا می‌کند.

البته خیلی اوقات شعرهای تکراری می‌دارن، ولی در کل خوشم میاد.

- پیج‌های کتاب هم فالو می‌کنی و اگر فالو می‌کنی چه جور کتاب‌هایی معرفی می‌کنن؟

فالو خیلی نمی‌کنم، اما توی اکسپلور برام زیاد میاره و خب کتاب‌های خیلی متنوعی معرفی می‌کنن، عمدتاً رمان، البته یه سری پیج‌ها هم هست که توی حیطه‌های خاصی کتاب معرفی می‌کنن، مثلاً یه پیج هست که گاهی می‌بینمش توی اکسپلور کتاب‌های فلسفی معرفی می‌کنه، مثلاً آخرین کتابی که خوندم رمان ناطور دشت بود که توی یکی از همین پیج‌ها معرفی شده بود، خوندمش و خیلی هم دوستش داشتم، چون به نظرم شخصیت اصلیش یعنی هولدن، خیلی جذاب بود و نوجوونی بود که حرفاش خیلی صادقانه و بی‌ریا بود و جامعه رو این شکلی نقد می‌کرد خیلی.



- دوستان خودت چه طور، اون‌ها پیج‌های فعالان سیاسی رو فالو می‌کنن؟

والا یه رفیق دارم خیلی عشق مارکسیسم و سوسیالیسم و این چیزاس و از این پیج‌ها فالو می‌کنه، البته من خودم خیلی درباره این چیزا دقیق نمی‌دونم و برای همین من از این پیج‌های چپی خیلی فالو ندارم، ما غیر از این دوستم کسی رو نمی‌شناسم که فعال سیاسی خاصی رو فالو کنه، به نظرم الان توی اینستا بیش‌تر محتوای سیاسی خبریه تا تحلیلی.

- توی اینستاگرام فعالیت سیاسی داری؟

فعالیت سیاسی که به شکل مثلاً سازمان یافته و با برنامه که نه، ندارم خب، اما گاهی یه سری اتفاقات باعث می‌شه درباره مسایل سیاسی استوری بذارم، مثلاً چند وقت پیش سال روز سقوط اون هواپیمای اوکراینی بود و خب احساس کردم خوبه منم توی اون کمپین #من_هم_شمعی_روشن_خواهم_کرد شرکت کنم، معمولاً خیلی چیزای سیاسی اینا نمی‌ذارم، اما خب چنین وقایعی‌ای رو چرا می‌ذارم، چون مثلاً همین هواپیما به نظرم خیلی جنایت مهبیی بود.

- دوستانت چه طور، در اینستاگرام فعالیت سیاسی - اجتماعی دارن؟

اکثراً در همین حد من هستن یه سری هاشون، مثل همین رفیقم که گفتم عشق چپ داره، خب اون بیش‌تر پست و استوری‌های سیاسی می‌ذاره، مثلاً برای همین شاعری که چند وقت پیش به خاطر سهل انگاری جمهوری اسلامی مرد، بکتاش آبتین، چندین بار استوری گذاشت، یه دختره رو هم می‌شناسم که عشق شاهه و پست‌های زیادی درباره‌ی بدی‌های جمهوری اسلامی و خوبی‌های شاه استوری می‌کنه مثلاً، اما می‌گم که عمدتاً در همین حد من فعالیت می‌کنن، حتی بعضی‌ها کم‌تر.

- پیج‌هایی که مطالب غمگین می‌گذارن هم فالو می‌کنی؟

یه پیج هست به اسم نباید می‌خواندیم که تیکه‌های کتاب‌ها و شعر و اینا می‌ذاره، مثلاً خب خیلی از مطالب این پیج دپ اند، اما نه از این دپ‌های احمقانه که یه چسناله‌ای می‌کنن و یه آهنگ روش می‌ذارن، مطالب این پیج ادبی و هنری اند، از اون تیرپ‌های چسناله خیلی بدم میاد، واقعاً روی مخ ان و احمقانه و چندش، از اینا هیچ وقت دنبال نمی‌کنم.

- آیا دوستان پیج‌های غمگین و دپ رو فالو می‌کنن؟

والا فکر می‌کنم این پیج‌ها یه دوره خیلی بیش‌تر روی دور و مد بودن و خوشبختانه الآن محبوبیت‌شون خیلی کم‌تر شده، اما آره چندتا از هم کلاسی‌های قدیمیم هستن که این پیج‌ها رو فالو دارن و گاهی پست‌هاشون رو استوری می‌کنن، مثلاً از این پیج‌های تکست سنگین و... که حال رو به هم می‌زنن اون قدر چرت ان، همه‌اش این مدلی اند که آره ما خوبیم و خوبی کردیم، اما همه به ما بدی کردن و روزگار خرابیه، در جواب اینا فقط باید گفت تموم شد؟ خیلی تأثیرگذار بود.

- نظرت راجع به پیج‌های فمینیستی توی اینستاگرام چی هست، فالوشون می‌کنی؟

امم راستش من اسم خودم رو فمینیست نمی‌ذارم، چون کسایی که امروزه از این لقب استفاده می‌کنن کسایی اند که خیلی عمدتاً افراطی اند و مردستیز هستند. اما خب پیج‌هایی رو فالو دارم و توی اکسپلور می‌بینم که اگه تماماً تمرکزشون حقوق زنان نیست، به این قضیه هم می‌پردازن. خب به نظرم این مطالب مخصوصاً توی جامعه ما ضروری اند، چون این‌جا زن‌ها خیلی حقوق بدیهی رو ندارن و باید همه مردم در این باره آگاه بشن، مثلاً پیج‌هایی هستن که پست‌هایی می‌ذارن درباره‌ی این که آقا چرا زنان نباید حق خیلی از انتخاب‌های زندگی‌شون، از حجاب گرفته تا ازدواج و خروج از کشور رو داشته باشن؟ ما خب می‌گم که یه سری پیج‌های فمینیستی و اینا هستن که انگار کارشون شده همه چی رو به مردسالاری و این چیزا ربط دادن که دیگه خیلی افراطی اند.

- دوستان چه طور، اون‌ها پیج‌های فمینیستی رو دنبال می‌کنن؟

دوست‌هام اونایی که پسرن کم‌تر، اما توی دخترا آره، خیلی زیاد شده و خب خوبه، بالاخره دخترها باید از حقوق خودشون آگاه باشن، البته امیدوارم گرفتار اون افراطی که گفتم نشن، فقط که البته خیلی‌هاشون هم می‌شن، کاریش هم نمی‌شه کرد.

- تا به حال در اینستاگرام با کسی دعوات شده و اگر شده سر چه موضوعاتی بوده؟

راستش یه بار توی کامنت یه پیجی داشتم، درباره‌ی یه فیلمی و کارگردانش و اینا بحث می‌کردم، یه مرده بود که نظرش مخالف من بود، تا یه جایی داشتیم نظراتمون رو می‌گفتیم و با هم مخالفت می‌کردیم و همه چی اوکی بود، اما از یه جایی به بعد شروع کرد به فحش دادن و مسخره کردن و اینا، منم اول جوابش رو دادم و گفتم بسه و ادب رو رعایت کن و...، اما خب اون هی ادامه می‌داد و بعد حتی اومد توی دایرکتم هم فحش داد. من که بلاکش کردم، اما این شد تجربه برام که توی این فضاها کم‌تر بحث کنم با هر کسی، چون یه‌سری‌ها واقعاً شعور و ادب استفاده از این فضای مجازی و اینستا رو ندارن.

- آیا دوستان تا حالا توی اینستاگرام دعوا کردن و تا به حال دعوی مجازی رو به واقعی کشوندن؟

یه رفیقم یادمه یه بار بود که رفت زیر پیج یه دختره کامنت گذاشت که چه خوشگل و...، بعد معلوم شد دختره دوست پسر داشته و طرف هم از این غیرتی‌ها بود، دیگه گیر داده بود تو غلط می‌کنی به دوست دختر من می‌گی خوشگل و...، تهدید می‌کرد که آره میام بالا سرت و چه می‌دونم از این دیوونه بازی‌ها، این رفیق منم اول می‌خواست بره واقعاً دعوا کنه، چون یارو مثل این که خیلی فحش‌های زشتی بهش داده بود، اما بعد این که دید یارو از این دیوونه‌هاست بی‌خیال شد و بلاکش کرد و خوب هم کرد، اینا از این دیوونه‌هان و ممکنه خل و چل بازی در بیارن و مثلاً چاقو بززن بهت.

- پیج‌های روان‌شناسی رو هم فالو می‌کنی؟

یکی، دوتایی دارم، یه پیجی هست که یکی از دوستانم که روان‌شناسی می‌خونه بهم معرفیش کرد، به اسم «د بتر چویس» پیجش یه رویکردی به اسم اگه اشتباه نکنم، تئوری انتخاب رو می‌گه و مطالب جالبی می‌ذاره، خیلی اوقات که دنبال می‌کنم، البته یه‌سری دوره‌های تخصصی دارن که من اونا رو شرکت نمی‌کنم و همون مطالب معمولی و روزمره و کارآمدشون رو می‌خونم که برام جالب ان.



- دوستان چه طور، اون‌ها پیج‌های روان‌شناسی رو فالو می‌کنن؟

آره، الان این پیج‌ها خیلی روی بورس ان و زیاد شدن، البته خیلی‌هاشون فکر می‌کنم از این زردهان که حرفاشون اساسی نداره و علمی نیستن، مثلاً همون دوستانم چندتاشون رو یه بار برام می‌گفت.

- تا به حال با پیج‌هایی که درباره‌ی چیزهایی مثل چاکرا و چشم سوم و این چیزها پست می‌گذارن، برخورد داشتی؟

والا برخورد که داشتم و دیدم، اما خب هیچ اعتمادی به اینا ندارم، چون که همه‌اش خرافاته دروغ و کلاهبرداری.

- دوستان خودت چی، اون‌ها از این پیج‌های چاکرا و چشم سوم فالو می‌کنن؟

اونا هم عمدتاً اگه برخورد داشتن، همین نظر من رو در این باره دارن، خیلی انگشت شمار می‌شناسم تا آخر به این چیزا اعتماد داشته باشن.

- پیج‌های فلسفی هم فالو می‌کنی؟

پیج فقط فلسفه اون شکلی باشه که نه، اما یکی از پیج‌هایی که دارم که مطالب فرهنگی طور می‌دارن، مثل همین پیج «نباید می‌خواندیم» یک‌سری مطالب فلسفی هم گاهی می‌خونم، اما پیجی که فقط فلسفه باشه ندارم.

- محتوی‌شون چی هست و دقیقاً چی می‌گن؟

مطالبی هم که می‌گن قطعاً چیزای فلسفیه که برخلاف حرفای دینی و این مدلیه و در مورد همه چیزه، انسان، جهان و... .

- دوستان چه طور، اون‌ها پیج‌های فلسفی رو فالو می‌کنن؟

دوستانم هم خیلی ندیدم که پیج فلسفی به اون شکل فالو کنن، نهایتاً مثل من یه‌سری پیج ادبی و این مدلی دارن که گاهی چیزهای فلسفی هم می‌ذاره.

- تحت تأثیر اینستاگرام به سمت مصرف سیگار کشیده شدی؟

من خودم سیگار نمی‌کشم، اما از دوستانم زیاد دیدم که مثلاً تحت تأثیر همین پستایی که توی اینستا از یه‌سری فیلم و سریال‌ها و یه‌سری کلیپ‌های سنگین دیدن، رفتن و سیگاری شدن.

- تحت تأثیر اینستاگرام به سمت مصرف الکل کشیده شدی؟

تحت تأثیر اینستا نشده مستقیم برم الکل بخورم، اما به خاطر چیزهایی که دیدم، مثل همین فیلم و سریال‌ها و این جور مطالب، نگاهم به خوردن الکل تغییر کرده، یعنی مثلاً اون جور که دین می‌گه، دیگه خوردن الکل رو حروم و بد و اینا نمی‌دونم و اگه یه بار فراهم بشه، بدم نمیاد که بخورم.

- از دوستان کسی تحت تأثیر اینستاگرام الکل مصرف می‌کنه؟

توی دوستانم یکی، دو نفری رو می‌شناختم که توی اینستا با یک‌سری پیج‌ها و افرادی آشنا شدن که الکل و مشروب و این چیزا می‌فروختن، البته مثل این که خیلی از چیزایی که می‌فروختن تقلبی بود و حال دوستانم چندباری خراب شد، حالش بعد خوردن اون عرق‌ها و مشروب‌ها.

- مجدداً از وقتی که برای مصاحبه گذاشتی متشکرم.

خواهش می‌کنم.

- خدانگه‌دار، موفق باشی.

ممنون.

تأملی دوباره:

علی ۱۹ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی- تربیتی، اقتصادی، خانوادگی، روان‌شناختی، زیباشناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است.

علی در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، از آموزش هنری خویش در اینستا یاد کرده است.

علی در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: جهانی شدن و جهانی اندیشیدن، مشارکت در برخی از فعالیت‌های اجتماعی (رواج هشتگ- سازی)، افزایش نقد اجتماعی کاربران، یافتن نگاه منفی نسبت به مسوولان و نظام سیاسی، فشار همسالان جهت کاربری از فناوری‌های ارتباطی جدید، کیفیت پایین ارتباط‌های مجازی، شکل‌گیری هویت دوپاره شده و کشیده شدن برخی درگیری‌های مجازی به فضای واقعی و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

علی در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اخلاقی کاربران، به مواردی مانند: القای هدف از زندگی به کاربران، استقبال نسبی از رفتارهای خشونت‌آمیز، رکیک شدن بیان، یافتن صراحت کلام و نظایر آن، اشاره داشته است.

علی ۱۹ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به مواردی مانند: سوءاستفاده‌های اقتصادی از کاربران کاربر فضای مجازی، پذیرش نسبی کسب پول به روش‌های نامشروع، ترغیب به شرط‌بندی و قمار بازی آنلاین و نظایر آن، اشاره داشته است. علی در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، از مخفی کاری و دور زدن اولیا توسط برخی از کاربران، اشاره داشته است.

علی در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به مواردی مانند: تحول در محتوای مورد کاربری کاربران در گذر زمان، ارضای هیجان‌جویی و گذران فراغت، جادوی اکسپلور، افزایش برخوردهای هیجان‌مدار، کاهش منطق‌گرایی در اینستا، ترس از مواجه شدن با افراد ناشناس فحاش در فضای مجازی، شروع زود هنگام روابط جنسی، تشویق کاربری از مواد دخانی و الکل، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

علی در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، به مواردی مانند: دیگرپیروی برخی از کاربران در ابعاد زیباشناختی از سلبریتی‌ها، اینفلوئنسرها و شاخ‌های مجازی، دامن زدن به علایق هنری کاربران، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

علی ۱۹ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیستی کاربران، از تبعات زیستی نظیر دردهای عضلانی اسکلتی و ناراحتی‌های بینایی یاد کرده است.

مصاحبه شونده در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، از علاقه (نظری) به مسایل زیست محیطی و ترغیب برخی از صفحات اینستاگرامی مبنی بر ضرورت عطف توجه به مسایل محیط زیست، اشاره داشته است.

علی در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار سیاسی کاربران، به مواردی مانند: افزایش نقد سیاسی، بی‌اعتمادی به برنامه‌های مختلف نظام (از جمله برنامه‌های فرهنگی)، یافتن نگاه منفی نسبت به حکومت و آمادگی مقابله با اقدام‌های مسوولان، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

علی در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل عقیدتی کاربران، به مواردی مانند: طرح خرافاتی دین و ایجاد تردید در اندیشه الهی و نگاه نه چندان مثبت به مباحث دینی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

علی ۱۹ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: ضعف برنامه‌های فرهنگی رسمی، برنامه‌های فرهنگی غیررسمی در داخل، عرضه محصولات فرهنگی، ایجاد امکان دسترسی به محصولات فرهنگی بی‌اعتمادی نسبی به برنامه‌های فرهنگی نظام، ارتقای فکری و فرهنگی کاربران، جهانی‌اندیشیدن، مواجهه با تولیدهای فرهنگی غرب (کارتون‌ها و انیمیشن‌ها، بازی‌ها، فیلم‌ها و سریال‌ها، سرگرمی‌ها)، ترغیب به انجام برخی از بازی‌های ویدیویی، اثرپذیری ارزشی از تولیدهای فرهنگی غرب، توجه به کاربری از برنامه‌های فرهنگی آن سوی آب، کاهش حساسیت در اثر مواجهه با الکل، تحول‌آفرینی در قالب‌های جنسیتی موجود در جامعه، تحول بیان (نظیر اختصار کلمات)، رکیک شدن بیان، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه علی ۱۹ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتابهای مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، علی در مصاحبه خویش با گزارش برخی از مشکلات نظام، برخوردی مبتنی بر صفر و یک دیدن مسایل را در دستور کار خویش قرار داده است و با نفی کلان نظام، رو به غرب آورده است. به این معنا که علی ضمن تأکید سرمایه‌گذاری‌های اندک نظام در ارتباط با برنامه‌های فرهنگی و نقد پر کردن بهینه اوقات فراغت اقشار مختلف اجتماعی، در مواجهه با فضای مجازی و اطلاع‌یابی از اوضاع و احوال مردم دیگر کشورهای جهان، در عمل جهانی شدن و جهانی اندیشیدن (و به تعبیر دقیق‌تر غربی شدن) را پیشه خود کرده است. جهانی اندیشیدن هم به سبب آن که افراد را با معیارهای ارزشی دیگر مناطق جهان مواجه می‌سازد، آنان را مستعد نقد دو چندان شرایط داخل و استقبال از شرایط ترسیم شده در دیگر کشورهای جهان می‌سازد.

علی در مصاحبه خویش خاطرنشان می‌سازد وی و دوستانش در جریان کاربری از انبوهی از کارتون‌ها، پویانمایی‌ها، بازی‌ها، فیلم‌ها و سریال‌ها و سرگرمی‌های غربی که به واسطه فضای مجازی، در دسترس آنان قرار گرفته است، با تغذیه از این محصولات فرهنگی در عمل به سمت و سویی سوق یافته‌اند که ایده‌آل نظام سرمایه‌داری حاکم بر غرب است، یعنی انسانی که همچون گاو کار کند و همچون گاو مصرف کند و در این بین در اندیشه زیرسوال بردن نظام سرمایه‌داری نیز نباشد.

مصاحبه با پگاه، ۱۷ ساله

کشور ما هیچ وقت هیچ چیزی برای ارایه به دنیا نداشته... کشور ما خیلی کشور ضعیف و عقب افتاده‌ایه و به نظر من مهاجرت لازمه خوشبختی و زندگی راحت.

- سلام پگاه، خوبی؟

سلام، خیلی ممنون. شما خوب هستید؟

- ممنون. چند سالت پگاه؟

۱۷ سالمه.

- یعنی کلاس یازدهم؟

بله.

- رشته‌ات چیه؟

ریاضی.

- پگاه برای خودت گوشی، تبلت یا لپ‌تاپ داری؟

بله. گوشی دارم برای خودم. لپ‌تاپم با خواهرم مشترکه.

- از کی برای خودت موبایل داری؟

خیلی وقته. حدوداً از چهارم دبستان.

- چه طور شد که برات موبایل گرفتن، خودت خواستی یا مامان و بابات خودتون گرفتن؟

خودتون گرفتن. می‌رفتم باشگاه و آموزشگاه. نگران می‌شدن برای همین گرفتن

- از اول موبایل هوشمند داشتی؟

نه، تا چهارم موبایلم هوشمند نبود، اما از چهارم برام موبایل لمسی گرفتن.

- پگاه همون طور که می‌دونی قراره راجع به اپلیکیشن اینستاگرام حرف بزنیم. تو از کی از

اینستاگرام استفاده می‌کنی؟

حدوداً ۵ ساله. من از کلاس هفتم از اینستاگرام استفاده می‌کنم.

- خب این طوری شروع کنیم، چه طور شد اینستاگرام نصب کردی؟

دوستام بعضیاشون نصب کرده بودن و خیلی تعریف می‌کردن ازش. برای منم جذاب شد و نصبش کردم.

- از چه چیز اینستا تعریف می‌کردن؟

خیلی یادم نمیداد، ولی خب اینستاگرام طوریه که برای خیلیا جذابه. بعد این که نصبش کردی

معتادش می‌شی. خیلی چیزای جالبی داره و حرفای این شکلی.

- یعنی خود تو معتاد اینستاگرامی؟

آره.

- چرا این طوری فکر می‌کنی؟

بعضی وقتا وسط درس به خودم می‌گم می‌رم یه ربع اینستا رو می‌گردم، بعد برمی‌گردم سر درس بعد یهو می‌بینم یک ساعت شد و من هنوز دلم نمی‌خواد برم درس بخونم.

- یعنی به خاطرش از درسات هم عقب می‌مونی؟

آره. خیلی پیش میاد به خاطر این کار مجبور می‌شم شب امتحان تا صبح بیدار بمونم.

- تا حالا به خاطر اینستاگرام، نمره کم هم گرفتی؟

بیش‌تر وقتا نه، چون هر وقتم وقت تلف کردم، به خاطرش شب نشستم خوندم تا صبح. فقط یکی دو بار شاید نشده تکلیفام رو انجام بدم به خاطرش و چند بارم نرسیدم خوب بخونم، نمره‌ام کم شده.

- معلمت چیزی گفته بهت؟

نه، چیز خاصی نگفته.

- دفعه بعدش سعی کردی تکلیفت رو انجام بدی و به خاطر اینستاگرام منفی نگیری؟

آره، من سعی می‌کنم، ولی خب این طوریم که هی دلم می‌خواد اینستاگرامو چک کنم.

- چرا می‌خوای اینستاگرام رو هی چک کنی؟

نمی‌دونم، اصلاً نمی‌تونم درس بخونم، حتی نیم ساعت. هی می‌خوام گوشی دستم بگیرم و برم اینستاگرام.

- تا حالا فکر کردی چه کار باید بکنی تا این تمایل شدید به استفاده از اینستاگرام کم‌تر بشه؟

یه مدت پاکش کردم. ولی نشد، سه روز بعدش دوباره نصبش کردم. بابام می‌گه اگر بخوام کنکور قبول شم، باید یه گوشی دکمه‌ای استفاده کنم.

- چرا وقتی پاکش کردی، نتونستی طاقت بیاری؟

چون استادم می‌گفت بیا فلان آهنگو بزن بذار پیجت.

- هر روز تقریباً چه قدر اینستاگرام استفاده می‌کنی، می‌شه

از روی خود برنامه بهم بگی؟

بله حتماً.

- تا حالا برای کم‌تر کردن استفاده‌ات از اینستاگرام فکری

کردی؟

آره، به نظرم لازمه یه مدت موبایل دکمه‌ای استفاده کنم.

نمی‌خوام کنکورم رو خراب کنم. اما باید با استادمم حرف بزنم.

- قبول داری ممکنه به خاطر اینستاگرام کنکورم رو خراب

کنی؟



بله، حتی دیدم بعضی دوستانم رو تو مدرسه که به خاطر استفاده زیاد از موبایل شون و اینستاگرام کنکور رو خراب کردن.

- یعنی چه طوری؟ می‌شه بیش‌تر توضیح بدی؟

بله، هم‌ه‌اش سرشون تو گوشی بود، حتی یکی‌شون سال کنکور با همین اینستاگرام دوست پسر پیدا کرد، بعدش که کات کرد حالش بد بود کلاً نمی‌تونست درس بخونه.

- چه طوری دوست پسر پیدا کرده بود؟

یه پسری از قبل فالوش کرده بود. بعد تو استوریا همدیگه رو دیده بودن. پسره استوری دوستم رو ریپلای کرده بود. یه مدت حرف زده بودن بعد از هم خوش‌شون اومده بود پسره پیشنهاد رابطه داده بود، دوستم قبول کرده بود.

- چی شد که کات کردن؟

مطمئن نیستم، اما یکی دوستانم می‌گفت، پسره از دست دوستم عصبانی شده بود که چرا یه پسر رو فالو کرده و باهاش حرف می‌زنه.

- خودتم تا حالا از طریق اینستاگرام دوست پسر پیدا کردی؟

آره یه بار خیلی کوتاه.

- چه طوری شد؟

چیز مهمی نبود، یه داستان کوتاهی بود هیچ کدومون هم ناراحت نشدیم و هنوزم دوست معمولی هستیم (تمایلی به بحث بیش‌تر در این مورد ندارد).

- دوستای دیگه‌ات داستان‌های این شکلی داشتن؟

یکی از هم‌کلاسیام چند ماه پیش نامزد کرد. پسره رو سه سال پیش تو اینستاگرام شناخته بود و دوست شده بودن.

- چه طوری همدیگر رو شناخته بودن، می‌شه دقیق‌تر بگی؟

پسره دوستم رو فالو کرده بود و دوستم خوشش اومده بود از تیپ و قیافش. بعد یه مدتی نمی‌دونم چی شده بود، پسره دایرکت داده بود به دوستم و یه کم حرف زده بودن. پسره یه سری اطلاعات داده بود راجع به خودش و دوستم خیلی ازش خوشش اومده بود. باهم وارد رابطه شده بودن، اما چون سن دوستم کم بود، همدیگه رو ندیده بودن. بعد چند ماه پسره به دوستم گفت بود ببخش من بهت دروغ گفتم. من هم اسمم و هم سنم چیزی نیس که بهت گفتم. ۲۱ سالم نیس، ۲۶ سالمه. توی ترکیه هم دانشجوی نیستم، راننده ماشین سنگینم. دوستم خیلی ناراحت شده بود و کلی گریه کرده بود به خاطر کار پسره. اما بعد یک ماه به پسره گفت بود بخشیدمت و ادامه دادن بودن به رابطه‌شون و الآن نامزد کردن.

- دروغ‌های دیگه هم دیدی تو اینستاگرام؟

- خیلی خیلی زیاد دیدم. هم خودم، هم تو دوستانم.
- می‌تونی از دروغ‌هایی که خودت دیدی بگی؟
- خیلی پیش اومده که پسرا اومدن گفتن من فلانم، من بیسارم، من خیلی پولدارم، من ترکیه‌ام. در صورتی که من می‌دونستم دروغ می‌گن یا پر از اطلاعات غلط و اخبارای دروغه.
- چرا پسرا دروغ می‌گن؟
- می‌خوان مثلاً مخ بزنن با این کارشون.
- یعنی چی؟
- می‌خوان با این کار دخترا رو جذب کنن و دوست بشن.
- چرا؟
- نمی‌دونم، ولی این رو می‌دونم بعضیاشون دنبال رابطه جنسی هستن.
- تا حالا دیدی موفق باشن؟
- توی اطرافم نه ندیدم، ولی خیلی شنیدم که باهم رابطه داشتن بعضیا.
- چی شنیدی؟
- چیز خاصی نشنیدم چون اونا دوستانم نبودن، اما مثلاً می‌دونم که از طریق اینستاگرام دوست شدن و بعد یه مدت رابطه جنسی داشتن.
- دوست‌ها در این مورد چیزی می‌گن یا خودت چیزی دیدی؟
- من نه، ولی دوستانم چندبار بهم گفتن که پسرا بهشون پیشنهاد رابطه جنسی دادن یا عکسای بد فرستادن.
- عکس بد یعنی چی؟ عکس از بدن خودشون و شکم‌شون و یا حتی عکسای بدتر و یا عکسای سایتای پورن.
- دوست‌ها واکنش‌شون چی بوده؟
- خب معلومه، بلاک کردن.
- مامان و بابای خودت یا دوست‌ها چیزی راجع به دوست پسر داشتن فرزندشون می‌دونند؟
- نه اصلاً، فقط اون دوستانم که تازه نامزد کرده مامان و باباش می‌دونستن.
- یعنی پدر و مادر شما و دوست‌ها اصلاً از اینستاگرام بچه خودشون خبر ندارن؟
- تقریباً می‌شه گفت اصلاً خبر ندارن. چون دوستانم یا پدر و مادرشون رو اکسپت نمی‌کنن و یا استوریاشون رو پنهان می‌کنن ازشون، اما من خودم پیجم پابلیک و همه چی رو می‌بینن، اما نمی‌ذارم گوشیم رو ببینن.
- پگاه تو بیش‌تر برای چی می‌ری اینستاگرام؟

حوصله‌ام ممکنه سر بره، برم اینستا بگردم. بخوام با دوستانم حرف بزنم. بعضی وقتا دنبال چیز خاصی. مثلاً دنبال آهنگ یا جواب سوال خاصی‌ام و به خاطرش می‌رم اینستاگرام. بعضی وقتا می‌خوام پست و استوری دوستانم رو ببینم. گاهی اوقات هم خود می‌خوام پست یا استوری بذارم می‌رم اینستاگرام.

- وقتی حوصله‌ات سر می‌ره و می‌ری اینستاگرام بهتر می‌شی؟
آره، خیلی وقتا بهتر می‌شم. کم می‌شه بی‌حوصلگی. توی قرنطیه خیلی کمک کرد اینستاگرام. اولاً که مدرسه هم نبود، من صبح تا شب تو اینستاگرام بودم.

- با دوستانم هم تو اینستاگرام حرف می‌زنی؟
آره، بعضی وقتا تو گروه حرف می‌زنیم، اما بیش‌تر ویدیو کال می‌کنیم. بازم اون اوایل کرونا بیش‌تر ویدیو کالامون تو اینستاگرام بود.

- به خاطر سوال و درس هم اینستا می‌ری؟
خیلی کم، ولی آره می‌رم.

- چه طوری جواب سوال‌های خودت رو پیدا می‌کنی؟ دوستانم می‌فرستن؟
نه، چندتا پیج اینستاگرامی هست، سوالای فیزیک و شیمی حل می‌کنن، از پیج اونا نگاه می‌کنم.
- استفاده درسی دیگه هم تو یا دوستانم از اینستا دارید؟
آره، دوستانم مشاور کنکور پیدا کردن از تو اینستاگرام و می‌رن پیشش. چند بار هم روش‌های تقلب یاد گرفتن از اینستاگرام.

- چه روش‌هایی، چه طوری؟
مثلاً یه ویدیویی بود که نشون می‌داد چه طوری سریع‌تر تقلب کنیم و این جور چیزا.
- دوستانم چه پست و استوری‌هایی می‌گذارن؟
چیزای خیلی زیادی می‌ذارن. مهمونی و جشن و بیرون رفتن و بعضیا هم می‌نویسن استوری می‌کنن حرفاشون رو.

- مثلاً چی می‌نویسن که استوری می‌کنن؟
خیلی چیزا. ناراحتیاشون، حساشون.
- می‌تونن بفرستی بعضی از نوشته‌هاشون رو؟
بله حتماً.



- همه دوست‌ها از این استوریا می‌گذارن؟
- نه بابا، فقط یکی دوتا شون. خیلی کم.
- غیر نوشته دیگه چی می‌گذارن تا از احساسات شون بگن؟
- یکی از دوستانم رو ساعدش با تیغ خط می‌اندازه خون میاد، عکس می‌گیره استوری می‌کنه.
- چرا این کار رو می‌کنن؟
- نمی‌دونم زیاد. وقتی که ناراحتن این کار رو می‌کنن. شایدم توجه می‌خوان از بقیه.
- تا حالا حرف زدی باهاشون در این مورد؟
- نه، خیلی صمیمی نیستم با اون دوستم.
- گفتی اینستاگرام پر از اطلاعات غلط و اخبارهای دروغه. می‌شه مثال بزنی؟
- مثلاً یهو می‌بینی یه پست نوشته آیا می‌دونستین دو هفته دیگه یه سیاره می‌خوره به زمین و همه ما قراره بمیریم؟ و کلی پست این شکلی دیگه یا یهو تو اکسپلور یه پست می‌بینم که نوشته اهواز سقوط کرد، تهران سقوط کرد. اینا همه‌اش دروغه اما خب بعضیا باور می‌کنن.
- چرا دروغ می‌گن؟
- برای لایک گرفتن و جذب فالور.
- این پستا و خبرها رو کجا می‌بینی؟
- اکسپلور اینستا.
- اکسپلور چی هست؟
- یه بخش اینستاگرامه که پستا و خبرایی که احتمال می‌ده دوست داشته باشی، اما پیجاشون رو فالو نکردی نشون می‌ده.

- واقعاً درست نشون می‌ده؟ دوس شون داری؟
آره، بیش‌تر وقتا پستای اکسپلور رو دوس دارم. اصلاً چیزی که باعث می‌شه خیلی وقتم تلف بشه تو اینستاگرام همین اکسپلوره.

- چرا؟ چه طوری باعث می‌شه وقتت تلف بشه؟
مثلاً یه لحظه می‌رم اکسپلور دنبال یه چیزی بگردم. یه پستی توجهم رو به خودش جلب می‌کنه، می‌رم ببینمش، هی می‌رم پستای بعدی رو ببینم و یهو می‌بینم نیم ساعته دارم تو اینستاگرام می‌گردم.

- مثلاً چه چیزهایی در اکسپلورت زیاد میاد؟ دوست داری عکس بدی ازش؟
آره حتماً. یه لحظه عکس بفرستم ازش.



خب می‌بینین دیگه. یه سری پستا راجع به مد و لباس هست. یه سری پستا راجع به ورزش و این جور چیزا. چون من از بچگی ورزش می‌کنم برای همین. یه سری پستای سیاسی هستن و اخبار. بعضی پستا چالش و این جور چیزا هستن. بعضی پستا خنده‌دارن. میم و پستای موفقیتم میاد. بعضی وقتا هم عکس غذا و فیلم غذا درست کردن. بعضی وقتا هم پستای یادگیری زبان و موسیقی.

- همه رو دوست داری و جزو علایق شما هستن؟

بله همه رو دوس دارم.

- پست‌های مد و لباس هم هست؟

عکس لباس و تیپ دخترا.

- چرا دوست شون داری؟

هم می‌تونم الگو بگیرم برای تیپم و هم بعضی وقتا پست فروشگاه‌های آنلاینه که می‌تونم خرید کنم.

- تا حالا از اینستاگرام چیزی خریدی؟

آره ولی الان دیگه کم‌تر می‌خرم. می‌ترسم.

- چرا؟

چند ماه پیش خواهرم یه مانتو خرید بعد از این که پولو واریز کرد بلاکش کردن!

- این اتفاق برای دوست‌های شما هم اتفاق افتاده؟

نه، فقط یک بار دیدم اونم خواهرم.

- از تیپ چه کسانی الگو می‌گیری؟

من خیلی خوشم نمیاد از تیپ بازیگرا و سلبریتا، جز چندتا، اما از تیپ بعضی اینفلوئنسرها^۲ و بلاگرا^۱

الگو می‌گیرم.

- اینفلوئنسر یا بلاگر کی هست؟

یه سری هستن که با فعالیت کردن تو اینستاگرام و عکس گذاشتن از خودشون و زندگی‌شون

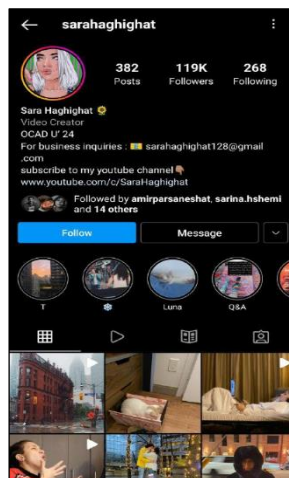
معروف می‌شن و مردم بهشون علاقه‌مند می‌شن.

- تو خوشت میاد اون طوری باشی؟

آره، خیلی. یه سری برنامه‌ها هم دارم براش.

- از بلاگر خاصی خوشت میاد؟

آره، سارا حقیقت.



۱- کسی که بتواند تأثیرگذار باشد و مخاطب زیادی را جذب کند، گفته می‌شود.

۲- به شخصی که یک بلاگ یا مجله اینترنتی را مدیریت کند و در آن مطلب ارایه دهد، بلاگر می‌گویند.

چرا ازش خوشش می‌آید؟

خب خیلی خوبه. هم خوش‌تیپه، هم خوشگله، هم ورزشکار و زندگی خوبی داره، هم هی خارج از ایرانه و می‌ره کشورای مختلف، با دوست پسرشم خیلی خوبه.

- بهش حسودیت می‌شه؟

واقعیتش، آره.

- مثلاً به چیش؟

این که همه‌اش کشورای مختلفه، به رابطه‌اش با دوست پسرش، به لباساش، به پولدار بودنش.

- تو هم دوست داشتی ایران نباشی؟

آره خیلی دوس دارم از ایران برم و مثل سارا حقیقت باشم.

- می‌خوای چه طور باشی؟

لباسایی که می‌خوام بتونم بپوشم. راحت بتونم برم بیرون با لباس ورزشی بدوم. مستقل باشم.

درس بخونم.

- چه دلایل دیگه‌ای برای مهاجرت داری؟

وضعیت اجتماعی کشور بده. وضعیت اقتصادی بده. همه چیز هر روز گرون می‌شه. مسوولا درست

عمل نمی‌کنن. برای دوست شدن با چهارتا پسر همه بهت نگاه بد می‌کنن. فرهنگ مردم خیلی

پایین و بده و جنبه هیچی رو ندارن و فقط توی زندگی بقیه دخالت می‌کنن. تفریحای کمی توی

ایران وجود دارن، در صورتی که توی کشورهای اروپا تعداد و تنوع تفریحات خیلی زیاد هست.

- دوست شدن با پسر خیلی برات مهمه؟

مهم که حیاتی نیست، اما خب دوست شدن با پسر یه چیز طبیعی و چیز رؤیایی نیست که توی

ایران این قدر درباره‌اش مشکل وجود داره.

چه تفریحایی هست که توی ایران وجود ندارن، ولی خارج از کشور هستن؟

خیلی تفریحا، از شهر بازیای بزرگ تا بهترین زمین‌های ورزش و پارک‌ها.

- کجا متوجه این مراکز تفریحی شدی؟

اینستاگرام همیشه می‌بینم.

- اطرافیان هم علاقه به مهاجرت دارن؟

آره، خیلی از دوستان و فامیلامون دنبال مهاجرت کردن هستن. ولی مامان و بابام خیلی موافق

نیستن.

- چرا مامان و بابات موافق نیستن؟

می‌گن هیچ کجا کشور خود آدم نمی‌شه. بهتره بمونی توی کشور خودت و با کسایی که می‌شناسی

و دوست دارن، زندگی کنی تا بری توی کشور غریب زندگی کنی.

- موافق حرف مامان و بابات هستی؟

نه، به نظرم این اختلاف نظرمون بیش‌تر به خاطر اختلاف سن و اختلاف عقیده‌مونه.

- دوست داری چه طوری لباس بپوشی؟

مثلاً دوست دارم پاییز کلاه بذارم سرم و شال سرم نکنم یا دوست ندارم تو تابستون لباس بسته

و سنگین بپوشم. دوست دارم با تیشرت برم بیرون، اما نمی‌شه.

- یعنی سارا حقیقت این طوری لباس می‌پوشه؟

نه فقط اون. همه کسانی که ایران نیستن و عکس می‌گذارن، راحت لباس می‌پوشن. مثلاً یکی

از هم‌کلاسیام مهاجرت کرده ترکیه با خانواده‌اش. از خودش عکس می‌ذاره و می‌بینم که چه قدر

راحت لباس می‌پوشه و خوش‌تیپه.

- حسودیت می‌شه؟

آره، خیلی.

- تو هم دوست داری مهاجرت کنی؟

آره، خیلی دوست دارم بعد از مدرسه از ایران برم. ولی خانواده‌ام نمی‌گذارن. مخصوصاً بابام.

- بابات چرا نمی‌ذاره؟

می‌گه اینا همه‌اش عکس ان. مهاجرت سخته. خانواده تو این جا هستن، نمی‌شه بری. ولی من

خیلی ناراحت می‌شم این قدر مخالفت می‌کنه.

- چرا این قدر ناراحت می‌شی؟

منم دوست دارم مثل کسانی که مهاجرت کردن و راحت زندگی می‌کنن، زندگی بکنم. حس

می‌کنم هیچ وقت نمی‌تونم راحت و خوشحال باشم مثل اونا.

- به نظرت ممکنه که وضعیت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور رو بهتر کنیم و به جای

مهاجرت، توی کشور خودمون بمونیم و تلاش کنیم جای بهتری برای زندگی بسازیم؟

نه، به نظرم اصلاً ممکن نیست. کشور ما هیچ وقت هیچ چیزی برای ارایه به دنیا نداشته،

مخصوصاً با وضعیت الان که سال‌های سال از کشورهای اروپایی و کشورهای پیشرفته دنیا عقب

هستیم و توان رقابت با اون‌ها رو در هیچ سطحی نداریم. کشور ما خیلی کشور ضعیف و عقب

افتاده‌ایه و به نظر من مهاجرت لازمه خوشبختی و زندگی راحت.

- تو می‌تونی کشور، خانواده، عزیزانت و شهر و خونه خودت رو رها کنی و بری یه جای کاملاً

دور از این جا زندگی کنی؟

آره، شاید سخت باشه، ولی ممکنه. خیلی از آدم‌ها دیدم تونستن. خیلی از موزیسینا رو دیدم

تونستن. منم مثل خیلیای دیگه مجبورم برم، مثل خیلیای دیگه که رفتن و سعی می‌کنن زندگی

بهتری بسازن، توی جای دیگه از دنیا و استقلال داشته باشن. منم سعی می‌کنم بعضی چیزها رو از اونا یاد بگیرم و عملی کنم.

- از کدوم سلبریتیا خوشت میاد؟

دیلان چیچک دنیز!



- این فرد که گفتی، کیه؟

یه بازیگر ترکیه‌ایه. فقط از اون و لباس پوشیدنش خوشم میاد بین سلبریتیا.

- از سلبریتیای ایرانی خوشت نمیاد؟

نه، کسی رو نمی‌شناسم و ازشون خوشم نمیاد.

- اصلاً تا حالا پیگیر سلبریتی‌های ایرانی بودی؟

نه، هیچ وقت. من اصلاً خوشم نمیاد از سلبریتی‌های ایرانی.

پگاه گفتی یه سری پست ورزشی هم توی اینستاگرام دوست داری. اونا چی هستن؟

آره، ورزشای معمولی و نرمشای خونگی ان.

- یعنی ازشون ورزش یاد می‌گیری و توی خونه ورزش می‌کنی؟

بله.

- دیگه چی هست؟

بعضی پستا هم راجع به تغذیه ورزشکاری و یه سری نکات سلامتی دیگه هم هستن.

- بهشون عمل می‌کنی؟

آره سعی می‌کنم بهشون عمل کنم.

- چه کسی اون‌ها رو می‌نویسه؟

نمی‌دونم، ادمین پیجا.

- آدمای متخصصی هستن؟

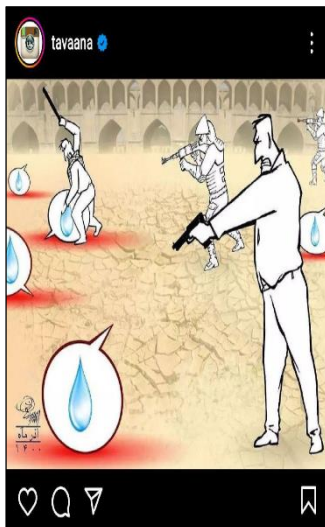
۱ - دیلان چیچک دنیز، بازیگر و مدل ترک، متولد ۹ اسفند ۱۳۷۳ در سیواس ترکیه است. او بزرگ شده شهر آنتالیا است و در استانبول اقامت دارد. در برخی از گزارش‌ها گفته می‌شود، والدین او زمانی که وی هشت ساله بود، از یکدیگر طلاق گرفته‌اند و او را مادرش بزرگ کرده است. دیلان چیچک دنیز در چندین سریال شبکه‌های ترکیه‌ای شرکت داشته است.

اکثراً نه. از اینترنت درمیارن.

- پست‌های سیاسی و اخبار رو دوست داری؟

خب وقتی یه اتفاقی می‌افته، دوست دارم بدونم راجع بهش.

- می‌تونی چندتا پست خبری که اکسپلورت اومده، برام بفرستی؟
بله، حتماً.



این روزا همه اخبار در مورد اصفهان هستن. بعضی وقتا هم در مورد کرونا.

- این پیج‌ها رو تو فالو می‌کنی؟

نه، فقط ایران اینترنتشال رو فالو دارم.

- در مورد اصفهان چی می‌گن؟

می‌گن مردم به خاطر نداشتن آب اومدن خیابون، اما پلیسا زدن شون.

- به نظرت درسته؟

آره، اما بعضیاشون غلطه.

- مثلاً چی؟

بعضی تصویرا که نشون می‌دن، مال اصفهان نیس مثلاً. قدیمی ان.

- از کجا می‌دونی؟

تو تلویزیون نشون می‌داد، بعضی تصاویر این پیجا رو و می‌گفت، مال چند سال پیشه یا اصلاً

مال ایران نیست.

- تو همه اخباری که تو اینستا می‌خونی رو باور می‌کنی؟

نه همه‌اش رو. بعضیا رو می‌فهمم دروغ ان، بعضیا رو نمی‌فهمم و بعضیا رو دیر می‌فهمم.

- چه طوری می‌فهمی دروغ هستن؟

بعضی وقتا تو تلویزیون می‌بینم و بعضی وقتا هم تو همون اکسپلور یه سری پستا میان که

شفاف‌سازی می‌کنن درباره شایعات اینستاگرام.

- راجع به کرونا چه خبرهایی می‌بینی؟

خیلی خبرا هست. بعضیا راجع به کرونای جهش یافته جدیده. بعضیا راجع به واکسن و بعضیا در

مورد تعداد کشته و خراب شدن وضع تو کشورای اروپاییه.

- خبر خوندن رو دوست داری؟

واقعیتش نه، حس خوبی بهم نمی‌ده. اذیت می‌شم بعضی وقتا.

- چرا اذیت می‌شی؟

بعضی خبرا باعث می‌شن بترسم و اعصابم خورد بشه برای یه مدت.

- پس چرا می‌خونی؟

بعضی وقتا لازمه.

- مثلاً کی؟

مثلاً خبرای راجع به کرونا خیلی کمک کرد تا بیش‌تر بدونم درباره این مریضی.

- سودی هم برات داشت؟

آره، باعث شد ماسک بزنم، دستام رو بشورم، برم واکسن بزنم.

- راجع به واکسن چی خوندی که باعث شد بری و واکسن بزنی؟

خیلیا الکی می گفتن واکسن بی تأثیره، واکسن ضرر داره، نباید واکسن بزنیم. اما خبرا می گفتن تو کشورا و شهرایی که مردم واکسن زدن کرونا خیلی کمه و بهتره همه مون واکسن بزنیم.

- کیا می گفتن واکسن بی تأثیره؟

خیلیا!!!!!! حتی بعضی دوستای من هنوز استوری می گذارن راجع به مضر بودن و الکی بودن واکسن.

- چی می گن؟

چیزای مختلفی می گن. مثلاً بعضیا می گن واکسنا برای کنترل آدما هس.

- از کجا می گن این حرفا رو؟

از همین اینستاگرام. یه سری پیج رو فالو کردن که اونا این حرفا رو می زنن.

- گفتی پست های چالش رو هم می بینی. اون ها چی هستن؟

چالش یه کار سخت و خاصیه که بعضی بلاگرا مدش می کنن و بقیه هم سعی می کنن انجامش

بدن، بعد بذارن اینستا.

- مثلاً چه چالش هایی رو دیدی؟

خیلی خیلی چالش هست. بیش ترش یادم نیس. ولی مثلاً یه چالش بطری بود که یه بطری نصفه

پر آب بود و سعی می کردن بندازنش هوا روی اون قسمت درش بیفته زمین و متعادل بمونه یا چالش

باگز بانی و تیشرت بود.

- چالش باگز بانی و تیشرت چی بود؟

چالشای خوبی بودن. یه کم زشت بودن. دخترا بدنشون رو نشون می دادن (تمایل به توضیح

بیش تر ندارد).

چالش باگز بانی



چالش باگز بانی مثبت 18 تریچ چالش تیک تاک

تماشای - play
دانلود - download



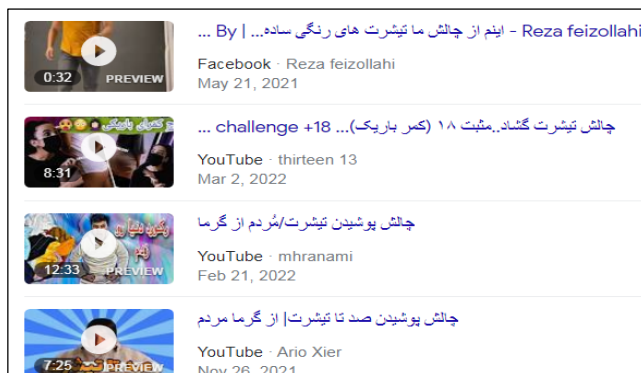
حضور ریحانه پارسا در چالش باگز بانی پشمام ریخت

تماشای - play
دانلود - download

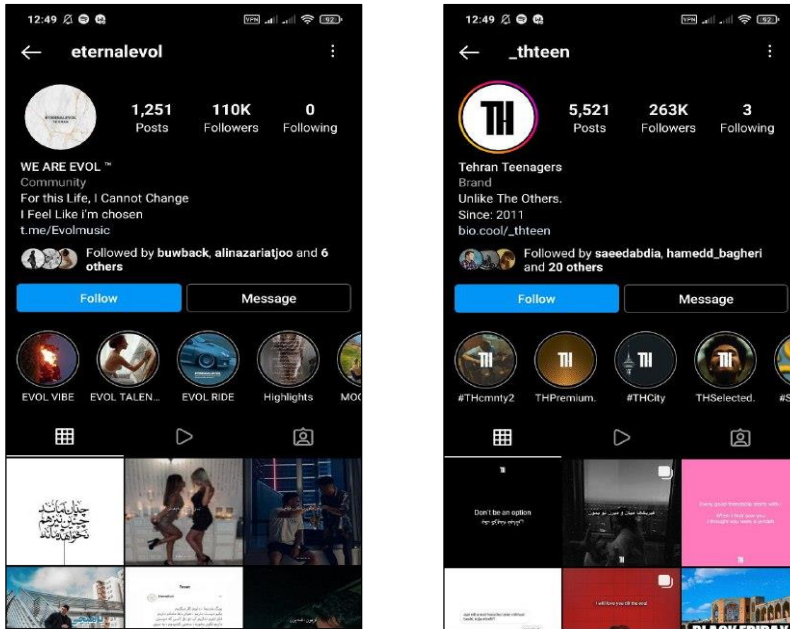


10 تا از برترین باگز بانی های ثبت شده تنها بین

- تو تا حالا چالش انجام دادی؟
- آره، خیلی چالش‌ها رو انجام دادم.
- حتی باگز بانی و تیشرت؟
- آره (می‌خندد).
- وقتی چالش‌ها رو انجام می‌دی، اون‌ها رو می‌گذاری توی پیجت؟
- نه، فقط دو سال پیش چالش بطری رو گذاشتم.
- پس چرا چالش‌ها رو انجام می‌دی؟
- برای این که ببینم منم مثل اونا می‌تونم یا نه و این که ببینم بدنم خوبه مثل اونا؟
- دوست‌ها هم چالش انجام می‌دن؟
- خیلی زیاد انجام می‌دن. مخصوصاً هم کلاسیام.
- بعد توی پیج‌شون می‌گذارن؟
- آره. حتی بعضی‌اشون تیک‌تاک دارن، اول می‌گذارن اون‌جا، بعد میارن اینستاگرام استوری می‌کنن.
- تو چرا مثل دوست‌ها رفتار نمی‌کنی؟
- بعضیا راحت انجام دادن‌شون، می‌بینم که همه می‌تونن برای همین نمی‌ذارم. بعضیا هم زشته گذاشتن‌شون. آشنا هست تو پیجم، ببینه بد می‌شه.
- پس بقیه دوست‌ها چه طوری اون چالش‌ها رو می‌گذارن تو پیج‌شون؟
- اونا مهم نیست براشون یه چالش سخته یا آسون، اگر انجامش بدن سریع می‌ذارنش. چالشایی مثل تیشرت و باگز بانی هم خودشون نمی‌گذارن پیج‌شون، بعضی پیجا هستن که می‌دن اونا می‌گذارن.



- چه پیج‌هایی می‌گذارن؟
- بعضی پیجا مثل THTEEN و اترنال ایوولو.



- این ها چه پیج هایی هست؟

اینا پیجایی هستن که نوجوونا و جوونا عکسای خودشون، تفریحاتشون، خوش گذرونی هاشون رو می فرستن و اینا استوری می کنن. عکساشون هم همیشه لاکچریه. بعضی وقتا هم چالش می گذارن مثل تیشرت و باگز بانی و می گن ویدیوی چالشاتون رو بفرستین. هر شهری یه پیج داره برای خودش. مثلاً THTEEN مال تهرانه.

- شهر خودت هم داره؟

آره، ولی من خوشم نمیاد، خیلی مسخره هس.

- تو تا حالا برای این صفحات عکس فرستادی؟
نه.

- چرا؟

چون عکسا و تفریحای من اون قدر خوب نیس که بفرستم.

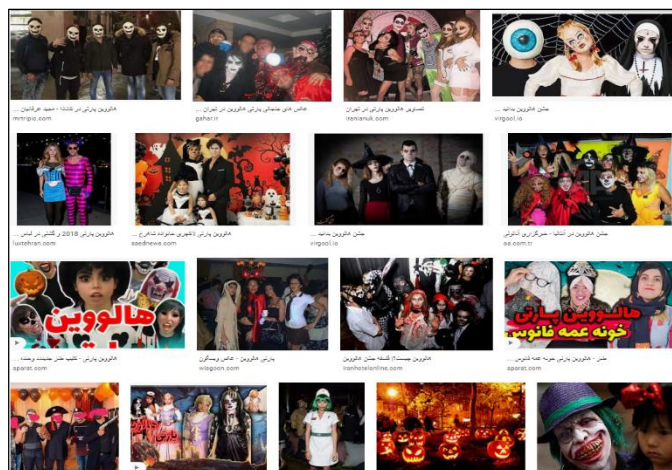
- دلت می خواد عکس بفرستی؟

آره، اگر عکس خوبی داشته باشم حتماً.

- مثلاً تفریحاتشون چیه؟

دختر و پسر پارتی می گیرن و می رقصن. هالووین پارتی می گیرن. می رن کویر. کلی مشروب و

آبجو دارن که ازشون عکس می گیرن.



- تو هم دوست داری از این تفریحات انجام بدی؟

آره، خیلی دوست دارم.

- دوست‌ها تفریحات این طوری دارن و عکس می‌فرستن؟

فقط یکی شون آره. خیلی پولدارن. دو هفته پیشم هالووین پارتی گرفته بود تو خونه خودشون و کلی عکس گذاشته بود.

- هالووین پارتی چیه؟

یه نوع جشنه که همه باید یه سری لباس خاص بپوشن که معمولی نیست و تقلید از یه شخصیت خاصه. مثلاً یکی مثل خون‌آشام گریم می‌کنه و لباس می‌پوشه یکی مثل اسپایدرمن.



تصاویر هالووین پارتی در تهران



- تو هم دوست داری بری هالووین پارتی؟

قبلاً دوست نداشتم، اما الآن عکساش رو دیدم، دوست دارم یه بار برم بینم چه طوریه؟

- پست‌های خنده‌دار هم می‌بینی؟

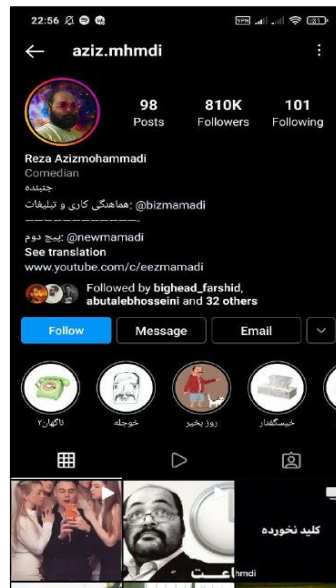
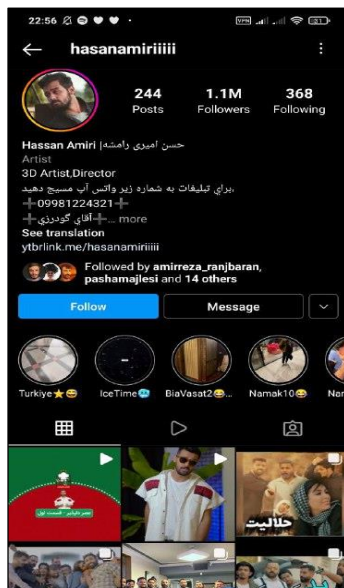
آره. چیزای زیادی هست. بعضی پیجا عکس و فیلم خنده‌دار بقیه رو می‌گذارن که خوشم نیامد

زیاد، اما بعضی پیجا هستن که صاحبش خودش محتوای خنده‌دار خوب تولید می‌کنه اونا رو دوس

دارم. بعضی وقتا هم دوربین مخفی می‌بینم.

- می‌تونی بگی مثلاً کدوم پیجا؟

مثلاً پیج عزیز محمدی یا حسن امیری.



- چرا این پیج‌ها رو می‌بینی؟

می‌خندم به بعضی ویدیوهاشون و حاله بهتر می‌شه.

- ویدیوهاشون رو خیلی نگاه می‌کنی؟

نه زیاد.

- چی می‌گن تو ویدیوهاشون که خنده‌داره؟

چیز خاصی نمی‌گن که بتونم دقیق اشاره کنم بهش. می‌تونن برین پیجش تو هایلایتاش و پستاش ببینن چیا می‌گه. بیش‌تر مسخره بازیه. بعضی وقتا حسن امیری با باباش شوخی می‌کنه.

- هر روز چه قدر می‌بینی؟

هر وقت برم اینستا، استوریای عزیز محمدی اولین چیزی هست که می‌بینم.

- آگه یه روز پیجش بسته بشه ناراحت می‌شی؟

آره، خیلی. نه این که از خود عزیز محمدی خیلی خوشم بیاد، نه. ولی خب من به چیزای زیادی نمی‌خندم و از فیلمای خنده‌دار زیادی خوشم نمیاد. حداقل از کلیپای عزیز محمدی خوشم میاد و می‌خوام بخندم بهشون. حتی یه مدت یه سری حرفا بود علیهش خیلی نگران بودم بگیرنش و پیجش بسته بشه.

- چی می‌گفتن پشت سرش؟

می‌گفتن تجاوز کرده.

- آخرش چی شد؟

هیچی، عذرخواهی کرد بابت حرفایی که پشت سرشه و گفت من همچین کاری نکردم.

- حسن امیری با باباش چه طوری شوخی می‌کنه؟

مثلاً پیشش درمیاره سیگار می‌کشه، از واکنش باباش فیلم می‌گیره یا جلوی باباش حرفای مسخره می‌زنه و از نگاه باباش فیلم می‌گیره.

- به نظرت کارش درسته؟

کار بدی نمی‌کنه. فقط شوخیه.

- چرا این کارها رو می‌کنن.

برای فالور گرفتن و ویو گرفتن.

- به چه دردشون می‌خوره؟

هم معروف می‌شن، هم پول درمیارن.

- دوربین مخفی چی نگاه می‌کنی؟

دوربین مخفیا خیلی خیلی زیاد و متنوعه.

- کدوم دوربین مخفی‌ها رو بیش‌تر دوست داری؟

مثلاً...، بعضی نوجوونا هستن تو پارکای تهران که اکپن و باهم فیلم می‌گیرن و دوربین مخفی ضبط می‌کنن.

- می‌شه بیش‌تر توضیح بدی؟

مثلاً زنگ می‌زنم به بابا و مامان شون می‌گن من لزی‌بینم. بعد اونا عصبانی می‌شن و اینا از واکنش اونا فیلم می‌گیرن یا مثلاً وسایل همدیگه رو می‌شکنن به اسم شوخی. بعضی وقتا به شوخی به هم فحش می‌دن و وقتی اون یکی عصبانی می‌شه، اون وقت می‌گن داشتم شوخی می‌کردم. - می‌تونن پیج‌شون رو بفرستی، من هم ببینم؟



مثلاً اینایی که فرستادم یه اکپین.

- دیگه چه دوربین مخفی‌هایی می‌بینی؟

مثلاً بعضیا هستن، می‌رن می‌شینن جلو مامان یا باباشون کارای زشت می‌کنن. مثلاً سیگار

می‌کشن یا الکی گوشی می‌گیرن دست‌شون، انگار دارن با دوست دختر یا دوست پسرشون حرف

می‌زنن. مامان و باباشون که عصبانی شدن از واکنش‌شون فیلم می‌گیرن.

- پس از این مدل دوربین مخفی‌ها دوست داری؟

آره، اینا خیلی خوب و خنده‌دارن.

- تو هم دوست داری انجام بدی؟

چند بار خواستم انجام بدم، اما ترسیدم.

- از چی ترسیدی؟

از عصبانی شدن بابام.

- می‌خواستی انجام بدی که بگذاری پیجت؟

نه، اصلاً فقط می‌خواستم انجامش بدم.

- چرا خب؟

نمی‌دونم، می‌دیدم بقیه انجام می‌دن، منم دوست داشتم امتحانش کنم.

- گفتی تو بعضی دوربین مخفیا زنگ می‌زنن به مامان و باباشون می‌گن که لزبین. واکنش

مامان و باباشون چیه؟

عصبانی می‌شن می‌گن برسی خونه نشونت می‌دم.

- چرا این حرف رو به مامان و باباشون می‌زنن؟

این روزا زیاد شوخی می‌کنن با ال‌بی‌جی‌تی بودن.

- چرا؟

کلاً خیلی زیاد شده. اینستاگرام پر از پیج‌ای ال‌بی‌جی‌تی و کسایه که می‌گن ما همجنس‌گرا

هستیم یا ازشون حمایت می‌کنن.

- تو با این دست از افراد مشکلی داری؟

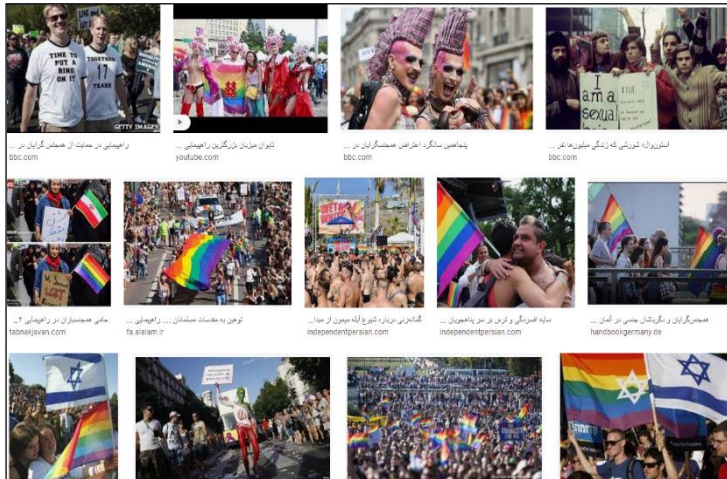
نه، کلاً نظری ندارم. چیزی نمی‌دونم راجع بهشون.

- پیج‌هاشون رو فالو می‌کنی؟

نه، فقط بعضی وقتا دوستانم و هم‌کلاسیام ازشون پست می‌فرستن داخل گروه اینستاگرام خودمون.

- مثلاً چه پست‌هایی می‌فرستن؟

راجع به زندگی همجنس‌گراها، این که چه قدر سخته زندگی شون. این که بعضی جاها می‌کشن - شون به خاطر همجنس‌گرا بودن. بعضی وقتا تو بعضی کشورا برای دفاع از همجنس‌گراها راه‌پیمایی می‌کنن، عکس اونا رو می‌فرستن.



- تو وقتی خبرهایی مثل قتل همجنس‌گراها رو می‌بینی، ناراحت می‌شی؟
آره، خیلی. مخصوصاً که اکثراً این مسأله تو ایران اتفاق می‌افته. چند بار بهشون گفتم، اینا رو نفرستین، اما با من دعوا کردن که تو نمی‌فهمی، تو مخالف ال‌بی‌جی‌تی هستی و این حرفا.
- بین دوست‌ها هست کسی که عضو این جامعه باشه؟
آره فقط یکی از هم‌کلاسیام. اون تو بیوش هم پرچم رنگین کمان گذاشته هم نوشته که همجنس‌گرا هس.
- خانواده‌اش می‌دونن؟
نه نگفته.

- فقط اون این پستای درباره همجنس‌گراها رو می‌فرسته و ازشون دفاع می‌کنه؟

۱ - پرچم رنگین کمانی پرچمی است شامل چند رنگ که به صورت افقی در کنار هم قرار گرفته‌اند که برگرفته از رنگ‌های رنگین کمان است. رنگ‌های اصلی رنگین کمان با رنگ‌های این پرچم تفاوت دارد، اما طراحی‌های بسیاری در سراسر دنیا این رنگ‌ها را به ترتیب در پرچم قرار می‌دهند که شامل قرمز، نارنجی، زرد، سبز، آبی، نیلی و بنفش است. در بعضی از پرچم‌ها نیز به جای نیلی از آبی دریایی استفاده می‌شود. استفاده از پرچم رنگین کمانی سابقه و قدمت زیادی در فرهنگ‌های مختلف دارد، این پرچم گاهی به عنوان نمادی برای تنوع و گاهی امید و آرزو استفاده شده است. برخلاف تصور عموم که پرچم رنگین کمانی را تنها برای دگرباشان (پرچم دگرباشان) می‌دانند، پرچم رنگین کمان امروزه به عنوان نمادهای مختلفی در جهان شناخته می‌شود، مانند پرچم غرور، افتخار همجنس‌گرایان یا به عنوان نماد پرچم صلح در ایتالیا یا اتحادیه بین‌المللی تعاون. همچنین در میان مردم حاشیه کوه اند نیز مردم بومی این منطقه برای مشخص کردن خود از نمادی به اسم wiphala استفاده می‌کنند که در آن از پرچم رنگین کمانی استفاده شده است.

نه، چندتا از دوستانم هستن که این طوری هستن و تو اینستاگرام حمایت می‌کنن.

- دیگه چه طوری حمایت می‌کنن؟

پست و استوری می‌گذارن برای حمایت و آگاهی بیش‌تر. همه‌اش راجع به این استوری می‌گذارن که این آدم‌ها هم حق زندگی دارن و باید درکشون کنیم.

- دوستان تو اینستاگرام کارهای حمایتی دیگه‌ای هم می‌کنن؟

آره، تو همون گروه هی پستای فمینیستی می‌فرستن. بعضی وقتا هم پست و استوری سیاسی هم می‌گذارن.

- پستای فمینیستی اون‌ها چه شکلیه؟

پستای بعضی فعالای فمینیسم رو می‌فرستن.

- مثلاً پست‌های کی؟

پستای کسایی مثل مسیح علی‌نژاد^۱ و فرانک عمیدی^۲ رو می‌فرستن.

- پستاشون چه طوری می‌شه؟

۱ - مسیح علی‌نژاد (زاده‌شده به نام معصومه علی‌نژاد قمی؛ ۲۰ شهریور ۱۳۵۵) خبرنگار، روزنامه‌نگار، نویسنده، مجری تلویزیونی و فعال حقوق زنان ایرانی - آمریکایی است. او بنیان‌گذار و طراح جنبش‌های آزادی یواشکی و چهارشنبه‌های سفید با هدف آزادی حجاب و رفع حجاب اجباری در ایران است. او خبرنگاری را از سال ۱۳۸۰ با روزنامه همبستگی آغاز کرد و بعد از آن با ایلنا همکاری کرد. از او در روزنامه‌های شرق، بهار، هم‌میهن و اعتماد ملی نیز نوشته‌هایی منتشر شده است. علی‌نژاد در مجلس شورای اسلامی ششم و هفتم خبرنگار پارلمانی بود. او در سال ۲۰۰۵ پرداخت عیدی ده میلیون ریالی به نمایندگان مجلس را در خبرگزاری ایلنا افشا کرد که جنجال بسیار آفرید و موجب اخراج وی از مجلس^۳ دشنام‌های جنسی برخی از نمایندگان مجلس نسبت به وی شد.

علی‌نژاد در دوران فعالیت خود در روزنامه اعتماد ملی مقاله‌ای جنجالی به نام «آواز دلفین‌ها» نوشت که در آن رفتار محمود احمدی‌نژاد را به رفتار مربیان تربیت دلفین با دلفین‌ها تشبیه کرده بود. او در این مقاله مردم رنج‌دیده‌ای که در سفرهای استانی گرد احمدی‌نژاد جمع می‌شوند تا به او نامه دهند را همانند دلفین‌های گرسنه‌ای دانسته بود که برای ربودن لقمه‌ای غذا از دست مربی، صدا از خودشان درمی‌آورند و حرکات دلفریب نمایشی انجام می‌دهند. این نوشته که از نظر هیئت نظارت بر مطبوعات توهین به رئیس‌جمهور و ملت ایران تلقی می‌شد، منجر به عذرخواهی مهدی کروبی (مدیر مسوول روزنامه) شد. هفته‌نامه تایم، در این باره مقاله‌ای به نام «مسیح در برابر احمدی‌نژاد» نوشت.

در تابستان ۱۳۸۸، علی‌نژاد مدتی را در ایالات متحده آمریکا به سر برد و تلاش کرد با باراک اوباما مصاحبه کند، ولی با وجودی که ویزای آمریکا به منظور مصاحبه با اوباما به او داده شده بود، تا زمان پایان مهلت ویزای او، موافقت دولت آمریکا با درخواست مصاحبه نهایی نشد و علی‌نژاد به انگلستان برگشت. در مدت حضور در آمریکا، علی‌نژاد در چند جا در جمع ایرانیان معترض حاضر شد و از جمله در روز ۲۵ ژوئیه ۲۰۰۹ در سان فرانسیسکو سخنرانی کرد و از جمله خطاب به حاکمیت ایران گفت «سی سال ما لرزیدیم، اینک شما بلرزد. او در ۲۹ اوت ۲۰۰۹ نیز مصاحبه‌ای با صدای آمریکا انجام داد که به همراه قطعاتی از کارهای ویدیویی علی‌نژاد با عنوان «یک توفان هوای تازه» پخش شد.

علی‌نژاد در سال ۲۰۱۰ به همراه تعدادی دیگر از نویسندگان و روشنفکران ایرانی بنیاد ایران‌ندا را تأسیس کرد.

۲- فرانک عمیدی خبرنگار بی‌بی‌سی است و از زنان فعال در نهضت فمینیسم به شمار می‌آید.

خیلی متفاوت می‌شه. مثلاً مسیح علی‌نژاد راجع به حجاب اجباری پست می‌ذاره. فیلم و عکس کسایی که به حجاب خانما گیر می‌دنو می‌ذاره. فرانک عمیدی راجع به حقوق بانوان در زمینه‌های مختلف پست می‌ذاره. بهشون می‌گه نسبت به بدنشون اختیار دارن و لازم نیست اون طوری باشن که مردا می‌خوان.

- تو چی؟ این پستا رو دنبال می‌کنی؟

نمی‌فرستم به کسی یا استوری نمی‌کنم اما خیلی وقتا پیج مسیح علی‌نژاد رو نگاه می‌کنم. فرانک عمیدم فالو کردم.



- از پست‌های مسیح علی‌نژاد خوش می‌اد؟

آره، خیلی.

- چرا؟

چون هم پستای سیاسیش خوبه، هم مخالف حجاب اجباریه و راجع بهش فعالیت می‌کنه و به دخترا کمک می‌کنه.

- تو هم مخالف حجاب اجباری هستی؟

آره.

- مسیح علی‌نژاد چه طوری به دخترا کمک می‌کنه؟

بهشون می‌گه چه طور اعتراض کنن. مثلاً چهارشنبه‌های سفید رو راه انداخت که هنوزم بعد از دو سال ادامه داره. بهشون می‌گه حق دارن هر طوری دوست دارن لباس بپوشن. حتی به مردم کمک می‌کنه اعتراض کنن. بهشون می‌گه کی و کجا اعتراض کنن. تشویق شون می‌کنه نترسن.

- چهارشنبه‌های سفید چیه؟

مسیح علی‌نژاد از دوسال پیش مردم رو تشویق می‌کنه تا چهارشنبه هر هفته بدون حجاب توی خیابون و جاهای عمومی ظاهر بشن و عکس و فیلم خودشون رو بفرستن تا بذاره تو پیجش.

- تا حالا تو خودت این کار رو کردی؟

آره، ولی فیلمی که گرفته بودم رو نفرستادم.

- چرا؟

ترسیدم.

- از چی؟

از این که بفهمن من کیم و من رو بگیرن.

- پس چرا ویدیو ضبط کردی؟

چون از بعضی چیزا تو این شرایط راضی نیستم.

- مثلاً چی؟

خیلی چیزا. مثل حجاب، تورم، مخالف دولت با موسیقی.

- دوست داری چه طور باشه؟

دوس دارم بیش‌تر شبیه کشورای اروپایی باشیم.

- اگر از مسیح علی‌نژاد خوشت میاد، پس چرا فالوش نکردی؟

خوشم نمیاد کسی بینه فالوش کردم.

- چرا؟

گیر می‌دن آشناها که چرا فالوش کردی این چیزا برای تو زوده و این جور حرفا.

- قبلاً دخالت کردن؟

آره قبلاً چند بار به بابام گفتن، پگاه چرا عکس این طوری گذاشته و بابام عصبانی شده.

- مگه عکست چه طوری بود؟

خیلی معمولی بود. فقط بزرگ می‌خندیدم تو عکس.

- از این که دخالت کردن ناراحت شدی؟

آره خیلی.

- فرانک عمدی رو گفتی فالو می‌کنی. پست‌های اون چه طورین؟ راجع به چه چیزهایی پست

می‌گذاره؟

فرانک عمیدی خیلی کم پست سیاسی می‌ذاره. پستاش بیش‌تر راجع به حقوق زنان و فمینیسمه. پستاش خیلی خوب هستن.

- می‌شه راجع به چندتا از پست‌هاش که خیلی خوشت اومده، بگی؟
- مثلاً از بدن خودش فیلم می‌گیره موقع ورزش کردن و پست می‌کنه. با این که بدنش خوشگل نیست زیاد، ولی این کار رو می‌کنه و به همه می‌گه درباره بدن خودشون راحت باشن و نترسن یا در مورد پرپود پست می‌ذاره و می‌نویسه و می‌گه باید چه طوری رفتار کنیم و چه طوری مراقب خودمون باشیم.

- چرا از فیلم‌های ورزش کردنش خوشت میاد.
چون باعث می‌شه منم درباره بدنم احساس راحتی بکنم و بدونم بد نیستم.
- پست‌های فرانک عمیدی رو به اشتراک می‌گذاری؟
آره، حتی یک بار استوری‌ش کردم.
- گفتی دوست‌هات هم پست‌های سیاسی می‌فرستن تو گروه. درسته؟
بله.

- مثلاً چه چیزهایی رو می‌فرستن؟
در مورد همین اعتراضات و اینا یا بعضی خبرا مثل طرح صیانت از فضای مجازی.
- مثلاً چی می‌گن؟
این که اعتراض هست، بریم ما هم.
- می‌رین؟
نه بابا، هیشکی نمی‌ره.

- حتی اون دوست‌هات که پست رو می‌فرستن و می‌گن بریم هم نمی‌رن؟
نه اونا هم نمی‌رن. یه لحظه جوگیر می‌شن پست رو می‌فرستن فقط.
- دیگه راجع به چه چیزهای سیاسی حرف می‌زنن؟
طرح صیانت از فضای مجازی. چند ماه پیش هم خیلی درباره اون حرف می‌زدن.
- چی می‌گفتن؟

از اون که خیلی می‌ترسیم. هر روز در موردش حرف می‌زنیم.
- چرا می‌ترسید؟
ما عادت کردیم به اینستاگرام و تلگرام. مخصوصاً اینستاگرام. اگر اینستاگرام نباشه همه دل-خوشی‌های ما خراب می‌شه.
درمورد طرح صیانت چه چیزهایی می‌گین؟

خیلی چیزا. بعضی دوستام عصبانی می‌شن. یه نامه بود که اون رو استوری کردیم و امضا کردیم تا طرح صیانت لغو بشه.

- پگاه تو خودت چه چیزهایی در صفحاتت می‌گذاری؟
من بیش‌تر فیلمای ساز زدنم رو می‌ذارم. بعضی وقتا هم از خودم عکس می‌ذارم.



- چیزایی که تو بایو پیجت نوشتی رو می‌شه توضیح بدی؟
اسم و کارم رو نوشتم اولش که مشخص ان. بعدش اون آیدی که نوشتم پیج کاری مامانم که پیجش دست منه و اون pluviophile یعنی کسی که به ابرها علاقه داره.

- کمانچه هم تدریس می‌کنی؟
بله.

- از اینستاگرام هم تاحالا شاگرد گرفتی؟
آره، همه هنرجو هام همه شون از اینستاگرام با من آشنا شدن.
- پیج کاری مامانت راجع به چه کاریه؟
مامانم کار با چوب انجام می‌ده. چیزای مختلف ریز و هنری می‌سازه. معرق کاری می‌کنه. گردنبند و گوشواره و مجسمه و تابلو و میز و خیلی چیزای دیگه می‌سازه من اونا رو تو این پیج می‌فروشم.
- موفق بودی توی این پیج؟
آره خیلی خوب بوده توی یک سالی که مدیریتش کردم. هم تونستم کلی چیز بفروشم و هم خودم خیلی چیزا یاد گرفتم.

- چه چیزهایی یاد گرفتی؟
راجع به بازاریابی و فروش و حرف زدن با آدم‌ها و این جور چیزا.

- استوری چه چیزهایی می‌گذاری؟

هایلایتم هست. چیزای خیلی زیادی نمی‌ذارم استوری. ساز زدنم که همیشه هست، اون هیچی. ولی عکس گربه خودم رو می‌ذارم. طول روز از آسمون عکس قشنگی بگیرم می‌ذارم و این طور چیزای روزمره. بعضی وقتا هم که یه مشکلی دارم استوری می‌ذارم بیان کمک کنن.

- مثلاً چه چیزهایی می‌پرسی؟

خیلی چیزا پیش اومده بپرسم. مثلاً کلافه و بی‌حوصله باشم می‌پرسم پیشنهاد شما چیه تا کمک کنن.

- مفید هم می‌شه؟

آره خیلی وقتا کمک کرده.

مرسی پگاه خیلی کمکم کردی.

خواهش می‌کنم.

تأملی دوباره:

پگاه ۱۷ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی- تربیتی، اقتصادی، خانوادگی، روان‌شناختی، زیباشناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است.

پگاه در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به مواردی مانند: یادگیری عملی بازاریابی و فروش، افت تحصیلی به دلیل اعتیاد به اینستاگرام، پر شدن اینستا از منابع غیر موثق، آلوده شدن فضای اینستا توسط افرادی فقط برای خودنمایی اخبار غیر موثق را در آن بازنشر می‌دهند، آموزش‌های ضدآموزشی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

پگاه در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: اطلاع رسانی، به اشتراک‌گذاری احساسات و عواطف، روزمره‌نویسی، جهانی‌اندیشیدن، انتقاد درباره وضعیت اجتماعی کشور، مهاجرت، نزدیک شدن فضای اینستا به ابتذال به سبب پذیرش تولید همه کاربران، حمایت برخی از نوجوانان از ال‌بی‌جی‌تی، تبیین دور زدن اولیا، گسست نسلی، خودنمایی، سبک زندگی بدون مسوولیت، غوغای لایک و فالو، غوغای تفرخطلبی بر مبنای لایک، ناامیدی از پیشرفت کشور خود و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

پگاه در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اخلاقی کاربران، به مواردی مانند: کاهش تدریجی حساسیت، حسادت به شرایط دیگران در فضای مجازی، عادی سازی فحاشی و برخی رفتارهای غیراخلاقی و نظایر آن، اشاره داشته است.

پگاه ۱۷ ساله، در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به مواردی مانند: یادگیری بازاریابی و فروش، شکل‌گیری همکاری اقتصادی خانوادگی، همکاری فرزندان در فروش کالای اولیا و نظایر آن، اشاره داشته است.

پگاه در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل خانوادگی کاربران، به مواردی مانند: دور زدن خانواده و پاک نگه داشتن صفحه کاربری در چشم اولیا، در معرض خطر قرار دادن آبروی خانواده، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

پگاه در مصاحبه خودش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به مواردی مانند: ارضای هیجان‌جویی در اینستا به مثابه پاسخ به خلاءهای اجتماعی، اضطراب‌های نوپدید، سوءاستفاده از تمایل خودنمایی نوجوانان (در جریان چالش‌های پیشنهادی)، اعتیاد به اینستاگرام، تخلیه روانی، درگیری‌های عشقی، تشویق برای ورود به عرصه هرزه‌نگاری، خودزنی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

پگاه در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، به معیار قرار گرفتن زیبایی در اینستا برای بسیاری از کاربران، اشاره داشته است.

پگاه ۱۷ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیستی کاربران، به آسیب‌های زیستی در اثر کژکاربری از اینستا، اشاره داشته است.

مصاحبه شونده در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به ترغیب برخی از کاربران و صفحات اینستاگرامی مبنی بر ضرورت عطف توجه به مسایل محیط زیست، اشاره داشته است.

پگاه در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار سیاسی کاربران، به مواردی مانند: فعالیت مدنی در اینستاگرام، تحریف واقعیت، جهت دهی اخبار شبکه‌های خارجی، فاصله گرفتن از اقدام سیاسی (که در حال حاضر توأم با رعب است)، رعب سیاسی از نظام، نگاه تحقیر آمیز به کشور خود، تشویق مردم به اعتراضات خیابانی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

پگاه در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل عقیدتی کاربران، به مواردی مانند: تشویق دختران به کشف حجاب در برخی صفحات مجازی، سوق دادن جوانان به سمت مسایل شهوی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

پگاه ۱۷ ساله، در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: اثرات فرهنگ جمع‌گرای ایران، تولید محتوای هنری برای فضای مجازی، امکان تولید

محتوا برای همه در اینستا، پیشی گرفتن الگوهای خارجی نسبت به الگوهای داخلی، تقلید کورکورانه، استقبال از تولیدهای فرهنگی ضدفرهنگ، سرمایه‌گذاری جهت ابتدال جوانان، سرمایه‌گذاری روی برنامه‌های ضداورزشی، عادی سازی برخی رفتارهای زشت، حمایت از همجنس‌گرایی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه پگاه ۱۷ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، پگاه در مصاحبه خود نمونه بارزی از برخورد صفر و صدی بسیاری از نوجوانان و جوانان را به نمایش نهاده است. به این معنا که بعضی از نوجوانان و جوانان کاربر اینستا، نسبت به برخی از خط‌مشی‌های فرهنگی - اجتماعی - عقیدتی - سیاسی کشور معترض هستند، اما به سبب یک طرفه بودن تبلیغات رسمی و ترسیم شرایط گل و بلبل در کشور و نادیده گرفته شدن اعتراض‌های نوجوانان و جوانان در رسانه‌های رسمی، آنان از پیگیری اعتراض‌های خود ناامید شده، در تصورات خود بیش از پیش غرق و تثبیت می‌گردند.

از سوی دیگر جوانان به دلیل برخورداری از روحیات عاطفی‌تر و سریع‌التأثیر بودنشان، به طور معمول واکنش‌های شدیدتری از خود بروز می‌دهند که سنخ این واکنش‌ها بیش‌تر از آن که منطقی باشد، عاطفی است. از این رو در برخوردهای آنان غالباً رویکردی صفر و صدی (یا سیاه و سفید) مشاهده می‌گردد و برخی از نوجوانان و جوانان با نفی خط‌مشی‌های فرهنگی - اجتماعی - عقیدتی - سیاسی نظام، در جست و جوی سناریوی جایگزین، متوجه غرب (که در حال حاضر سمبل آن اینستا محسوب می‌شود) شده، تغذیه ارزشی از آن را پیشه خویش می‌کنند. در نفی اخیر، دین و دیانت هم به دلیل آمیخته شدن با سیاستی که مورد نقد نوجوانان و جوانان هست، نفی می‌شود. در ادامه به تبع نفی دین، فرهنگ جاری کشور نیز که به میزان زیادی ملهم از خط‌مشی‌های سیاسی و عقیدتی پردازش شده است، نفی و انکار شده و جایگزین آن مواردی همچون حمایت از جریان‌های فرهنگی آن سوی آب (نظیر شیفتگی و دلدادگی به گروه‌هایی همچون بی‌تی‌اس، بلک پینک و مانند آن)، حمایت از جریان‌های فمینیستی و فمینیستی رادیکال، حمایت از اقلیت جنسی در ابعاد فرهنگی و پناه جستن به فال‌گیری‌های مختلف موجود در فضای مجازی و یا اعتقاداتی نظیر فنگ‌شویی، در ابعاد عقیدتی، در دستور کار آنان قرار می‌گیرد.

پگاه در مصاحبه‌اش با بیان موضع صفر و صدی خویش، ضمن بیان این که حاضر به پیگیری هیچ سلب‌ریتی ایرانی نیست، در مسایل فرهنگی بیان می‌دارد یا به دنبال انجام چالش‌هایی نظیر بطری، تی‌شرت، باگز بانی و امثال آن‌ها است (که حتی از شرح ساده چالش انجام شده خجالت می‌کشد) و یا پیگیر مسایلی نظیر هالووین پارتی و بچه پولدارهای تهران است و یا کاربر دوربین

مخفی‌هایی است که غالباً افراد با انجام کارهای غیر متعارف (نظیر درخواست کاندوم از اولیا) در صدد ثبت واکنش اولیا و اطرافیان خود بوده‌اند.

کاربری از صفحات افرادی نظیر مسیح علینژاد و فرانک عمیدی (واضع انقلاب نتراشیدن موی زیر بغل) و سایر فمنیست‌ها (که همچون نسرين افضلى فحاشی به عقاید و ادیان را در صفحه خویش آزاد اعلان کرده است)، از دیگر مواردی است که نگاه فرهنگی پگاه را شکل داده و کامل می‌کنند.

مصاحبه با فرشته، ۲۰ ساله

من گاهی با خودم می‌گفتم که چرا نمی‌تونم سفر آن‌چنانی برم؟ چرا من نمی‌تونم فلان وسیله رو بگیرم و اون بلاگره همه این کارا رو می‌کرد.

- سلام، خوبی؟

سلام خوبم.

- اسمت چیه خانومم؟

فرشته.

- فرشته جان دانشجویی؟

بله. سال اول هستم.

- اجازه می‌دی چندتا سوال از شما درباره کاربری جوانان از فناوری‌های ارتباطی جدید داشته باشم؟

اشکالی نداره.

- فرشته جان شما خودت چند ساله از اینستاگرام استفاده می‌کنی؟

دور و بر چهار سال، سال یازدهم که بودم مامانم اینستاگرام رو روی گوشی‌ش نصب کرد و من با اینستاگرام مامانم چیزای مختلف رو نگاه می‌کردم، بعد که سه سال برای کنکور موندم، تقریباً سال دوم که می‌خواستم کنکور بدم، خودم یه گوشی خریدم و روش اینستاگرام رو نصب کردم. - گفتم که وارد شدن شما به اینستاگرام با گوشی مادرت بود. آیا اون زمان پنهانی و دور از چشم مادرت می‌رفتی چیزی رو نگاه کنی؟

نه، اصولاً مامانم زیاد به پیج‌های اینستاگرامی حساس نبود، فقط هر وقت کلاً من گوشی دستم می‌گرفتم می‌گفت برو درس بخون، همین. اصولاً مشکلم با این بود که وقتت داره تلف می‌شه و الآن باید بری درس بخونی. ولی خب من سعی می‌کردم یه وقتایی برم سر اینستاگرام و گوشی که کارام رو تقریباً انجام داده بودم یا تایم استراحتم بود که زیاد مامانم اشکال نگیره. جالب این‌جاست که حتی وقتی می‌خواستم گوشی بخرم، مامانم مخالف این داستان بود و می‌گفت اول صد در صد مشخص بشه کنکور قبول شدی، بعد برو گوشی بخر و باهاش هر چه قدر می‌خوای کار کن. اما دیگه به اصرار من و این که بابام موافق بود با گوشی خریدنم، بالاخره گوشی رو خریدم که بعدشم نتایج کنکور اومد و معلوم شد که رتبه‌ام نمی‌رسه به رشته‌ای که می‌خوام و به فاصله چند هفته که خودم رو داشتم آماده می‌کردم برای کنکور بعدی، دوباره مامانم همه‌اش بهم اصرار می‌کرد که گوشی رو بذارم کنار، منم گاهی می‌ذاشتم کنار، ولی گاهی هم ازش استفاده می‌کردم. دیگه این

درگیری‌ها رو با مامانم من زیاد داشتم، تا این که بالاخره امسال که قبول شدم، مامانم بهم گیر نمی‌ده که چرا گوشی دستته.

- فکر می‌کنی در اون دوران، حساسیت زیاد مادرت به گوشی و اینستاگرام، در صرفه جویی وقت چه قدر تأثیر داشت؟

باید راستش رو بگم که خیلی زیاد بود، درسته که من خودم هم سعی می‌کردم استفاده‌ام از اینستا و گوشی کنترل ایجاد کنم، اما اکثر اوقات نمی‌تونستم، واقعاً نمی‌شد. بعد یه هو مامانم می‌اومد توی اتاقم و می‌دید که من هم‌چنان در حال استفاده از گوشی هستم، خیلی از مواقع اصلاً دعوا مون می‌شد و من بدتر اعصابم خورد می‌شد، اما اگه کنترل مامانم نبود و ترس از این که الآن میاد و دوباره می‌بینه که من دارم از گوشی استفاده می‌کنم، ممکن بود خیلی تایم درس خوندم بیاد پایین.

البته که همه‌اش استرس درس رو هم داشتم، با این که توی اینستاگرام می‌رفتم بالا و پایین. سال سوم که می‌خواستم کنکور بدم، اصلاً نمی‌تونستم تمرکز کنم، اون اولا خصوصاً، بدتر این که خب همه کلاس کنکورها هم هم‌چنان آنلاین بود و من نیاز داشتم به گوشی، ولی دیگه با اصرار مامانم یه دوره اون اوایل کنکور سال سوم، گوشی رو کامل گذاشتم کنار، خاموشش کردم و هر وقت می‌خواستم از یه برنامه‌ای استفاده کنم، می‌رفتم سراغ گوشی مامانم. تا اون وسط‌های سال سوم که دیدم واقعاً نیاز به فضای شخصی دارم و این که هر لحظه که لازم باشه، باید گوشی دم دستم باشه تا اطلاع رسانی کلاس‌های آنلاین رو هر لحظه بتونم ببینم، در حالی که مامانم صبح‌ها اداره بود و من اصلاً نمی‌تونستم به گوشی دسترسی داشته باشم. خلاصه این جوری شد که دوباره گوشی رو راه انداختم و استفاده کردم ازش.

- آیا در دورانی که گوشی رو خاموش کردی و دیگه یک مدت استفاده‌ات از اینستاگرام کم‌تر شد، تأثیری رو احساس کردی؟

(می‌خندد) همه‌اش، همه‌اش‌ها، استرس داشتم. واقعاً یه بخشی از ذهنم درگیر گوشی خاموش شده و خبرهای داخلش بود. دیگه سال سوم هم بود و واقعاً روم نمی‌شد زیاد هم برم سمت گوشی مامانم، شرایط خیلی سختی بود.

- چه چیزی در شما استرس ایجاد می‌کرد؟

واقعاً چیزای خیلی ساده، مثلاً این که اون استاده که فالو می‌کردم، چی توی اینستاگرام گذاشته امروز یا مثلاً ممکنه از دوستانم پیامی چیزی داده باشه توی گوشی و من حالا حالاها نبینم؟ و خیلی چیزای دیگه مثل همین چیزا. ولی دیگه یه خورده بعدش مجبور شدم به خاطر همه این عوامل و آنلاین بودن کلاسا، گوشیم رو دوباره روشن کنم و استفاده کنم.

- درباره‌ی اون اوایل که سمت اینستاگرام رفتی، در واقع اون اول، چی شد که کنجکاو شدی داخل اینستاگرام بری؟

در واقع اولش که مامانم اینستاگرام رو نصب کرد، تقریباً خیلی چیزای اینستاگرام برام جالب بود. اینستاگرام یه دنیای جدیدی که اگه بخوای بمونی توی خونه، انگار که یه دور کل دنیا و جامعه رو زدی و برگشتی. در واقع انگار بدون این که بری خارج از خونه توی اجتماعی.

- آیا به نظرت اجتماعی که توی فضای مجازیه، همون اجتماع واقعی هست؟

این رو باید بگم که به نظرم محیط واقعی هم که ما توش زندگی می‌کنیم، جاییه که خیلی از مواقع آدم خود واقعی‌شون نیستن. توی جامعه هم خیلی از آدم‌ها نادیده گرفته می‌شن، خیلیا هم به اصطلاح پررنگ می‌شن. اینستاگرام هم مثل همون اجتماع واقعی، هر کسی همون چیزی رو که دوست داره از خودش به نمایش بذاره، همون رو به اشتراک می‌ذاره با بقیه، طبیعتاً خیلیا نمایان توی اینستاگرام که غم و غصه‌هاشون رو بذارن.

- این که گفتی هر کسی همون چیزی رو که می‌خواهد به نمایش می‌گذاره، آیا برایش مثالی داری؟

بین اصولاً اینستاگرام قرار نیست اطلاعات جامع و کاملی از کسی یا چیزی بده، من الآن هر پیجی که برای تو مثال بزنم همین‌ه شرایطش، می‌خواد پیج علمی باشه یا سرگرمی، کلاً پررنگ کردن توی اینستاگرام زیاده.

- پس به نظرت اینستاگرام هم مثل جامعه واقعی می‌مونه؟

بین کلاً ما توی هر جامعه‌ای که قرار می‌گیریم، مثل مدرسه و دانشگاه و حتی وقتی که می‌ریم کتابفروشی یا توی رستوران که می‌خواهیم غذا بخوریم، هم‌نشینی که کنارمون، توی دسته‌ی مشخصی قرار می‌گیرن. مثلاً اونی که اومده کتابفروشی، می‌خواد کتاب بخره یا اونی که توی مدرسه باهامونه، هم رشته‌ای ما هست. ولی خوبی اینستاگرام اینه که من می‌تونم انتخاب بکنم کی رو توی زندگیم راه بدم، از مطالب کی استفاده کنم و کدوم رو انتخاب نکنم، ولی خب این بدی رو هم داره که اینستاگرام یه تعامل یک‌طرفه است برای همه‌مون.

- می‌شه بیش‌تر درباره این که گفتی اینستاگرام تعامل یک‌طرفه هست مثال بزنی؟

اینستاگرام اصولاً کارش به نظرم شبیه ویکی‌پدیا می‌مونه، یه مشت اطلاعات توش ریخته که شاید خیلی‌هاش هم درست نباشن، ما انتخاب می‌کنیم کدوم‌ها رو دنبال کنیم، در حالی که این‌جوری نیست که من بتونم با کسی که داره استوری می‌ذاره به طور مستقیم بحث کنم، فوقش اینه که لایکش می‌کنم یا توی نظرات می‌گم که مخالفم باهاش. اینه که حس می‌کنم بیش‌تر اینستاگرام اطلاعات در اختیار آدمای داره تا بخواد یه گفت و گو ایجاد کنه، امیدوارم خوب تونسته باشم مفهوم رو برسونم.

- خوب این‌جا اشاره کردی که خود افراد می‌تونن انتخاب کنن که از مطلب چه کسی استفاده کنند. آیا تا حالا با این مسأله روبه‌رو نشدی که اینستاگرام چیزی رو به شما پیشنهاد بده که خودت انتخاب نکردی؟

عموماً اون چیزی که ما انتخاب می‌کنیم هم اینستاگرام نشون می‌ده. البته این سوالی که پرسیدی درسته تا حدودی هم، بالاخره ممکنه گاهی هم چیزی پرتی نشون داده بشه.

- مثالی داری؟

نه، الان اصلاً توی ذهنم چیزی نیست که بگم، یادم اومد می‌گم، ولی خب اکثراً انتخاب خود مائه فقط.

- در واقع شما می‌گی ما توی اینستاگرام یک‌سری افراد رو انتخاب می‌کنیم تا از موضوعاتی که به اشتراک می‌گذارن استفاده کنیم، به نظرت تا چه اندازه می‌تونه این مسأله روی آدم‌ها تأثیرگذار باشن؟

به نظرم بستگی به آدمش داره، یکی ممکنه خیلی گیر به یه مسأله‌ای توی اینستاگرام و مدام همه‌اش توی اینستاگرام، یه فرد یا یه پیج رو دنبال کنه. اثر این چیزا می‌تونه روی اون آدم خیلی زیاد باشه، ولی من زیاد اون‌جوری نیستم، این که حالا پیام خیلی زیاد روی یه فردی توی اینستاگرام زوم کنم.

- آیا کسی رو می‌شناسی که خیلی از اینستاگرام تأثیر پذیرفته باشه؟

یه پسر عمه دارم هر دفعه من می‌بینمش توی اینستاگرام گم شده (می‌خندد)، ولی اصولاً تغییر زیادی توش ندیدم. آهان البته این رو بگم که اون پیج‌های بازاریابی رو هم فالو می‌کنه، معمولاً آگه توی مهمونی‌ها هم حرف بزنه، درباره اطلاعات بورس و بازاریابی‌ای که از اینستاگرام به دست آورده حرف می‌زنه، البته کتاب هم می‌خونه، اما عمده‌ی وقتش رو تا جایی که من می‌دونم توی اینترنت و اینستاگرام می‌ذاره.

- شده تا حالا حس کنی رفتار پسر عمه که گفتی، شبیه مثلاً بلاگرهای بورس یا بازاریابی شده باشه؟

خب من که از بورس بیزارم، واسه همین اصولاً زیاد توی این پیج‌ها نیستم، اما یادمه یه دفعه یکی‌شون رو خودش توی اینستاگرام به من نشون داد، استوری‌هایی که گذاشته بود رو، مدل حرف زدنش نه، (مکت می‌کند) ولی استایل لباس پوشیدنش خیلی، به نظرم شبیه پسر عمه‌ام بود. پسر عمه من از وقتی که دیگه توی این پیج‌های بازاریابی‌ها و این چیزا می‌گرده، هر دفعه می‌بینمش یه شلوار این مدل سربازی‌ها هست، فکر کنم بهش بگن شلوار نظامی، نمی‌دونم به هر حال، یه دونه از اون‌ها پوشیده با یه پیرهن آبی و یه کلاه سیاه. (می‌خندد) می‌دونم تصور کردنش وحشتناکه، البته ولی خب تا این که یه روز یکی از همون افرادی که فالو می‌کرد رو نشونم داد، خیلی تپیش شبیه پسر عمه من

بود. البته اینم هم بگم، همون روز برگشتم بهش گفتم، ببین من که از این چرت و پرت‌ها سر درنمی‌ارم، اما تیپت خیلی شبیه اینی هست که نشونم دادی، گفتش آره، این یارو تبلیغ یه پیج فروش محصولات رو می‌ذاره. یه دفعه هم، مثل این که گفته بوده خودش اون لباساش رو از اون جا می‌گیره و پسرعه منم از اون پیجه خرید اینترنتی کرده بوده و از اون موقع مشتری شون شده.

- اسم پیج رو می‌دونی؟

نه، حقیقتاً یادم نمی‌اد.

- یک جایی گفتم که زیاد روی یک فرد توی اینستاگرام زوم نمی‌کنی. می‌شه بیش‌تر توضیح بدی؟

من کلاً این جور نیستم که یه پیجی رو همیشه و دائماً فالو کنم، مثلاً یهو دلم واسه یکی از پیجا تنگ می‌شه، بعد می‌رم یه مدت فالوش می‌کنم و چیزایی که می‌ذارن رو نگاه می‌کنم، بعد که حوصله‌ام سر می‌ره تا یه مدت طولانی آنفالو می‌کنم. اکثر مواقع این جوریه، البته پیج‌های زیادی هم دارم که دایم فالو دارم.

- خوب یعنی حتی اون‌هایی رو هم که دایم فالو داری روشن زوم نمی‌کنی؟

گاهی اصلاً حوصله‌ام نمیاد ببینم پیج‌شون رو، واسه همین زود می‌زنم رد می‌شه پست‌هاشون رو یا اصلاً استوری‌هایی که می‌ذارن رو رد می‌کنم، اگه رو مود باشم ولی، این مدلی نیستم.

- می‌شه در مورد پیج‌هایی که داری برای من بگی؟

از اولین پیج‌هایی که اون موقع مامانم اینستاگرام نصب کرد من فالو کردم، پیج‌های معلم کنکوری‌ها بود. به خاطر این که یواش یواش نزدیک کنکورم شد، من یه جورایی توی حال و هوای کنکور بودم. دیگه بگم که یه سری پیج‌های خرید رو دنبال می‌کنم که زیادن. یه سری پیج‌ها که مربوط به دانشجویایی هست که توی فضای مجازی از خودشون مطلب می‌ذارن، چندتا پیج سرگرمی دارم، یه چندتا هم پیج مربوط به اخبار و اینا رو دنبال می‌کنم.

- خوب از اولین پیج‌هایی که مربوط به کنکور بودن برای من می‌گی؟

خیلی از معلم کنکورها که پیج‌های اینستاگرامی دارن، ممکنه حرف پشت سرشون باشه که همه‌اش دارن نقش بازی می‌کنن و درس نمی‌دن، من یه معلم کنکوری رو فالو می‌کردم، البته اسمش رو نمی‌گم‌ها، ولی من خیلی این معلم کنکور رو دوست داشتم. شاید مرحله اولی که پیج مربوط به معلم کنکورها رو دنبال می‌کردم، به خاطر این بود که از کلاس‌ها و تکالیفی که می‌دن و برنامه‌های همایش‌هاشون خبردار بشم.

ولی این معلمه که خیلی دوستش داشتم، همیشه بعدهای انگیزشی می‌داشت، این که آدم عمل کنه، به کاری که می‌خواد انجام بده، از این مدل حرفا زیاد می‌داشت که خدایی وقت کنکور من خیلی زیاد بهم حس خوبی می‌داد.

- این معلم کنکوری که می‌گی، تاحالا شده بود که از فالو کردن پیجش ناراحت بشی یا فقط حس خوب به شما می‌داد؟

نه، البته این که بگم همیشه حس خوبی نمی‌داده‌ها. باید اعتراف کنم که هر دو جمعه یک بار بعد از این که آزمون‌های قلمچی رو می‌دادم، اون معلمه، کارنامه‌های مربوط به بچه‌هایی که رتبه‌هاشون خوب شده بود و درصد اون درسی که باید بالا می‌زدن رو می‌داشت توی پیجش. در حد یه عالمه استوری می‌شد هر جمعه یا هر دوتا جمعه یک‌بار، من اکثر مواقع رتبه‌ام توی قلمچی خوب در نمی‌اومد و حالم خیلی بد بود اون جمعه‌ها، خیلی از مواقع یه دور گریه رو داشتم، ولی باز می‌رفتم و پیج این معلم رو نگاه می‌کردم و خیلی وحشتناک بود، چون درصد تک تک بچه‌هایی که استوری می‌کرد رو با خودم مقایسه می‌کردم و خیلی حالم بد می‌شد. حتی یه دفعه تا فردا صبحش حالم خیلی بد بود و کلی گریه کردم، البته بعدش خودم رو جمع و جور می‌کردم‌ها و دوباره شروع به خوندن و تست زدن می‌کردم. اما خب یه سری از مواقع خیلی برام سخت می‌شد.

- با این که هر دفعه از دیدن اون درصد ناراحت می‌شدی، هم‌چنان پیج اون معلم کنکور رو فالو می‌کردی؟

آره، همین طوره، حس عجیبی بود، اما واقعاً نمی‌تونستم آنفالوش کنم و این وسوسه بود که حتماً درصد بقیه بچه‌ها رو هم توی استوری‌ها ببینم. البته به محض این که نتایج کنکور سال سومم اومد هر چی پیج کنکوری داشتم کلاً حذف کردم. ولی این رو بگم که این معلم کنکوره که خیلی دوش داشتم یه چندتا نکته مثبت هم داشت‌ها، به نظرم همیشه جنبه انگیزشی در طول هفته‌اش خیلی خوب بود.

- فقط این مورد توی پیج‌های کنکور بود که شما رو اذیت می‌کرد؟

نه، بعد از این که کنکورم رو دادم، هر سه سال تا زمانی که نتایج بیاد، تمام مدت رو خیلی با وسواس می‌رفتم و این پیج‌های کنکور رو چک می‌کردم. مثلاً یه روز اون پیجا، پاسخ کنکور رو منتشر می‌کردن، یه روز تحلیل کنکور اون سال رو می‌داشتن، گاهی تشکر بچه‌ها رو می‌داشتن که کنکورشون رو حس می‌کردن خوب دادن و از این جور چیزا، من واقعاً حالم بد می‌شد.

- چرا آنفالوشون نمی‌کردی؟

نمی‌تونستم واقعاً آنفالو کنم، حس می‌کردم هر لحظه منتظرم تا نتایج بیاد و حس می‌کردم که این پیج‌ها رو لازم دارم همه‌شون رو داشته باشم. حتی بعضی مواقع شب از خواب پا می‌شدم، زود می‌رفتم قبل از این که سایت سازمان سنجش رو نگاه کنم، می‌رفتم پیج‌های کنکوری رو نگاه می‌کردم، تا ببینم زدن نتایج اومده یا نیومده.

- خوب قبل‌تر اشاره کردی که آدمی نیستی که زیاد به یک پیجی گیر بدی، اما این‌جا داری اشاره به این مطلب می‌کنی. آیا به نظرت این اعتیاد به اینستاگرام بوده؟

یه مسأله مهم اینه که کلاً کنکور خیلی موضوع استرس آوریه. من حس می‌کنم یکی از چیزایی که باعث می‌شد من این قدر حساس باشم روی اون پیچ‌ها، با این که خودم رو آدمی می‌بینم که زیاد گیر نیستم روی خیلی از پیچ‌های دیگه، همیشه استرس شدید برای کنکور بود. اما این هم درسته، اون موقع خصوصاً بعد از این که حالم از یه مشکلی توی درس و تست و اینا بد می‌شد، خیلی شدیدتر به پست‌ها و استوری‌های این استادای کنکور حساس می‌شدم، اصلاً نمی‌تونستم گوشی رو بذارم کنار. اما این مسأله خیلی هم اگر طول می‌کشید، شاید در حد یکی، دو روز بود. بعد من دوباره خودم رو جمع و جور می‌کردم تا دوباره برای کنکور تلاش کنم، اینستاگرام رو یا کلاً می‌ذاشتم کنار یا اگه می‌رفتم سراغش هم، چون توی وسط هفته عموماً آزمونی در کار نبود، معلمه فقط پست انگیزشی می‌ذاشت و باعث می‌شد من انرژی بگیرم. آهان این رو هم بگم که من کلاسای این معلمه رو اون آخرا که همایش می‌داشت، شرکت می‌کردم و خیلی از مواقع همین که می‌دیدم کلی از بچه‌ها راضی بودن از استاده و نتیجه گرفتن، خودم رو با این مسأله دل‌داری می‌دادم که ببین این استاد خوبیه، پس قطعاً تو هم درصدهات قراره بهتر بشه. البته استاد خیلی خوبی هم بود، ولی شاید من به اندازه کافی تلاش نمی‌کردم، نمی‌دونم.

- آیا دوستی هم داشتی که این مسأله رو تجربه کرده باشه؟

نه زیاد. خواهرم بود که همیشه این قدر ضد معلم کنکور بود و ازشون بد می‌گفت که اصلاً سمت معلم کنکور، خصوصاً اون‌هایی که توی اینستاگرام فعال بودن نمی‌رفت. ولی یه دوستی دارم که اون زیاد این معلم‌ها رو توی اینستاگرام دنبال می‌کنه، حتی چند دفعه یه سری معلم‌ها رو به من معرفی کرد و گفت برو ببین نمونه تدریس داره توی اینستا و از این چیزا.

- آیا اون دوستت هم این حالت‌ها رو از پیچ‌های کنکوری دریافت می‌کرد؟

(فکر می‌کند) اگه بخوام دقیق بگم نه، اکثراً من حالم بد می‌شد و هر وقت بهش می‌گفتم که این جووری شده، می‌گفتش که چرا؟ عجب چیزایی اعصاب تو رو خراب می‌کنن، همیشه به من می‌گه، تو زیادی حساسی.

- گفتم که یکی از دوستان به شما می‌گه که در بازخورد پیچ‌های کنکوری، زیاد حساس هستی.

می‌شه دقیق‌تر درباره‌اش توضیح بدی؟

قبل از کنکور که آزمون قلمچی و اینا رو می‌دادیم، اون هم خیلی اعصابش به هم می‌ریخت، چون مثل من زیاد درصدهاش خوب در نمی‌اومد. اما یادمه که وقتی بهش گفتم از استوری‌های استاده حالم چه قدر بد شده یا وقتی بهش گفتم یه دفعه که کلی گریه کردم، تعجب کرد. بعد تازه به من گفت برو پیش مشاور، گفت خودشم می‌ره و حس بهتری رو پیدا کرده و استرسشم کمتر شده. یادمه چند دفعه به من گفت که تو خیلی حساسی و زیادی واکنش نشون می‌دی، بی‌خیال باش، اما خب من گوش نمی‌دادم به حرفش.

- آیا این حرف دوست باعث نشد که فکر کنی شاید واکنش‌های خودت نسبت به پیج‌های کنکوری شدید بود؟

(می‌خندد) همین طور که می‌بینی، هنوزم اون حرف دوستم یادمه، ولی نه واقعاً اثر نداشت. چون به یاد حرفش اون لحظه‌ای که اعصابم دوباره به هم می‌ریخت یا زیاد مضطرب می‌شدم، نمی‌افتادم. جالب این‌جاست که بعد از این که کلی حرص می‌خوردم و گاهی یک شب درگیر درصدهای بقیه و استوری‌های استاده بودم، تازه بعدش به خودم می‌گفت خودت رو جمع کن، زیادی داری گیر می‌دی و حساس شدی.

- آیا این استرس زیاد که نتیجه چک کردن پیج‌ها بود روی بدنت هم اثری گذاشته بود یا فقط از لحاظ ذهنی درگیرت می‌کرد؟

(فکر می‌کند) نه فقط خیلی که به هم می‌ریختم و فقط گریه می‌کردم، بعدش سر درد می‌گرفتم همین. زیاد چیز خاصی رو که بگم مثلاً مهم بود، یادم نمیداد. سر دردها یه کم اذیت می‌کردن که بعدشم دوباره خودم رو جمع و جور می‌کردم و سر دردها هم خوب می‌شدن.

- گفتی دانشجویایی رو که توی فضای مجازی هستن هم دنبال می‌کنی، درسته؟
آره، دانشجویایی هستن که از رشته‌های مختلف ان، یه سریاشون هم دانشجویایی هستن که مهاجرت کردن.

- چه مطالبی می‌گذارن؟
خیلی از مواقع در مورد بورسیه و دانشگاه‌های خارج از کشور، الان که کرونا شده در مورد واکسن‌ها اطلاعات می‌ذارن. گاهی هم از خودشون یا سری چالش‌های کتاب‌خونی و این‌جور چیزا استوری می‌ذارن که من اونا رو دوست دارم.
- گفتی که دانشجویایی که مهاجرت کردن رو دنبال می‌کنی، شده تا حالا نسبت به مهاجرت اونها حس بدی پیدا کنی؟

اکثراً این اتفاق افتاده که براشون غصه بخورم و چند روزی هم پکر باشم. چون مثلاً موقعی که یکی از همین دانشجویها توی کشورهای خارجی داشتن واکسن می‌زدن، استوری گذاشت که نگران خانواده‌اش و افراد مختلف توی ایران که نتونستن زودتر واکسن بزنن و انگار که دلش این‌جا بود. مهاجرت خیلی چیز سخته، من خیلی گاهی براشون غصه می‌خورم که یه بخشی از وجودشون رو این‌جا گذاشتن و رفتن.

- گفتی که پیج‌های سرگرمی رو هم دنبال می‌کنی، چه پیج‌هایی هستن؟
خب یه سری پیج هستن مثل پیج سرنا امینی و شقایق محمودی، یه سری پیجای دیگه هم هستن مربوط به هنرمندا، مثل بهاره کیان افشار، سروش صحت، ایوب آقاخانی، (فکر می‌کند)، همینا فکر کنم.
- در مورد سرنا امینی که یک بلاگره گفتی که دنبالش می‌کنی، چرا؟



کلاً اون و یه چند نفر دیگه که دنبال شون می‌کنم، یه جورایی علت اصلیش به خاطر اینه که مثلاً یه سرباشون از خودشون استوری می‌ذارن که دارن ورزش می‌کنن، یه سرباشون مثلاً کتاب دارن می‌خونن، از اون دانشجوها هم یکی از دلایلی که یه سری هاشون رو فالو می‌کنم اینه که پست می‌ذارن که فلان درس رو داریم می‌خونیم یا مثلاً یه سری از بازیگرا چالش‌های مختلف می‌ذارن که من از این چیزا انرژی می‌گیرم.

البته شاید این ربطی به سرنّا آمینی نداشته باشه! سرنّا آمینی جوک می‌ذاره و من گاهی به پیجش سر می‌زنم. هر وقت که مثلاً حوصله ندارم یا استرس دارم، می‌رم توی پیجش و کلی با مطلب‌هایی که می‌ذاره و جوک‌هایی که می‌گه، می‌خندم.

یه چیزی هم راجع به اون دانشجوها بگم، مثلاً یادمه یکی از همون دانشجوها خیلی صحبت‌هاش جالب بود، تازه فارغ التحصیل شده بود و مثلاً در مورد آداب اجتماعی صحبت می‌کرد، مثل این که از طرف نپرسیم که توی چه گرایشی می‌خواد رشته‌اش رو ادامه بده و سعی کنیم صبور باشیم، تا

آدم‌ها بدون این که تحت فشار قرار بگیرن، یه گرایشی رو انتخاب کنن. این دانشجوئه که گفتم، یه سری آداب اجتماعی و این جور چیزها رو هم می‌ذاره، من هم خوشم میاد از این مدل پست‌ها، یه جورایی باعث فرهنگ سازی می‌شه.

ولی مثلاً اون جوری نیستم که کلاً برای هر کسی یه دنبال کننده پروپاقرص باشم. قبل‌تر گفتم، دیگه خیلی از پیج‌ها رو هر روز چک نمی‌کنم و گذری نگاه می‌کنم.

- در جایی اشاره کردی که یک‌سری از بازیگران چالش‌های مختلفی می‌گذارن که از اون‌ها هم انرژی می‌گیری، می‌شه درباره‌اش بیش‌تر توضیح بدی؟

حالا که بحث چالش‌ها شد، اول همون استاده که گفتم پیج کنکوریش رو فالو می‌کردم، درباره یکی از چالش‌های اون بگم. یه مدت یه چالشی گذاشته بود که یکی از دوستان من رو تشویق کرد، برم دقیق این چالشش رو توی اینستاگرام ببینم، یه چالش گذاشته بود برای بچه‌های کنکوری که ساعت ۶ صبح مثلاً بلند بشن از خواب، استوری بذارن که استاد ما بیداریم، دوستم بهم می‌گفت تو هم امتحانش کن برای کنکور، اولش منم شروع کردم، اما خدایی به سه روز نکشیده، دیگه ادامه‌اش ندادم، واقعاً نمی‌تونستم انجامش بدم و بعدتر فقط حس می‌کردم بهم استرس اضافه می‌داد.

یا درباره چالش‌های بازیگرا، یادمه یه چیزی خیلی مد شده بود یه مدت، یه برنامه‌ای هست که یه عکس از جوونی خودت می‌دی و تو رو پیر می‌کنه و تحویل می‌ده (می‌خندد)، لعنتی اسمش رو هرگز یاد نگرفتم. بگذریم، این رو من دیدم که چندتا از بازیگرا، یه مدتی هی استوری می‌داشتن که پیری ما هم قراره همین باشه و از این داستانا. اینم یه مدتی به من شوق می‌داد، چون باحال بود صرفاً دیگه، بعد هم که جنجالش خوابید و تموم شد. زیاد از این چالش‌ها هست، خیلی از مواقع یه آهنگی که یه مدتی اوج می‌گرفت، بقیه می‌اومدن از روش می‌خوندن و یا براش ادیت‌های باحال درست می‌کردن، یه سری از بازیگرها هم این کار رو می‌کردن، البته من همین جوری تفریحی برای انرژی مثبت‌شون نگاه می‌کردم. ولی خب چالش اون استادم، چالش خوبی بود به نظرم و واقعاً حیف که من نمی‌تونستم اجراش کنم.

- فکر می‌کنی این مدل چالش‌ها چه تأثیری روی شما داشتن؟

خب در واقع گاهی بهم یه انرژی کوچیک می‌دادن که برم یه کاری رو انجام بدم، خیلی از مواقع هم سرگرمی محض بود. ولی چالش‌ها کلاً چیزای جالبی هستن، برای من جذابیت خاص خودشون رو دارن، من از شون گاهی انرژی می‌گیرم. البته اینم بگم که واقعاً نتیجه درخشان خاصی اکثر اوقات نداره، تأثیری هم فکر نکنم روی من گذاشته باشه، این مدل چالش‌ها رو معمولاً گذری نگاه می‌کنم.

- آیا دوستی داری که از این چالش‌ها تأثیر پذیرفته باشه؟

فکر نکنم، درباره این چالش‌ها بعضی مواقع با دوستان حرف می‌زنیم و می‌خندیم، ولی من چیزی ندیدم که حس کنم تأثیر مهمی روشون گذاشته باشه. البته یه دوست هم دارم کلاً متنفره از چالش‌ها،

هر وقت اسم چالش‌های اینستاگرام رو میارم، می‌گه وقت تلف کردن محضه. حتی یه دفعه سر این مسأله کلی بحث کردیم که چرا چیزی که باعث انرژی دادن یا خندوندن می‌شه، وقت تلف کردنه! ولی خب اون قانع نشد (می‌خندد).

- گفتی که خیلی از این افراد رو به خاطر چالش‌های کتابخوانی یا ورزش و... فالو می‌کنی، این چه تأثیری روی شما داشته؟

اصولاً بگم هیچی (می‌خندد). آخه مثلاً یکی‌شون یه روز چالش ورزش می‌ذاره، واقعاً جوگیر می‌شم و ورزش می‌کنم، از فردا استوری‌هاش فقط می‌شه برام سرگرمی، یه جورایی اصلاً حوصله ادامه دادنش رو ندارم یا یادمه یه دفعه یکی‌شون چالش کتابخوانی گذاشته بود، من به یکی از دوستانم گفتم با هم شرکت کنیم، تا یک هفته خیلی خوب بودها، ولی بعدش این‌قدر درگیر کارای دانشگاه شدم که عملاً بی‌فایده شد. ولی انرژی هم می‌ده دیگه، گاهی وقتی استوری‌هاشون رو می‌بینم، با خودم می‌گم، حالا که اون داره ورزش می‌کنه، منم برم یه کم تکالیف دانشگاهم رو انجام بدم و از این کارا، ولی فکر کنم این که بگم طولانی مدت یکی از چالش‌ها رو دنبال کرده باشم نه. - گفتی که یکی از دانشجویایی رو دیدی که پست‌های فرهنگی داشته، بعد از این که این فرد رو فالو کردی چه تأثیری گرفتی؟

اون کار فوق‌العاده هست، هر دفعه که یه چیزایی مربوط به آداب فرهنگی می‌ذاره، مثل این که حالا از طرف نپرسیم کی می‌خواد ادامه تحصیل بده و این مدل سبک‌ها، کلی حس می‌کنم کارش می‌تونه به فرهنگمون کمک کنه. البته یادمه یه دفعه یه توصیه‌ای گذاشته بود که در فضای اجتماعی سعی کنیم، با لحن درست صحبت کنیم، فرداش توی گروه دانشگاهمون چون بچه‌ها تازه قبول شدن، سر یه چیزی دعواشون شد و شروع کردن به همدیگه تهمت زدن، واقعاً حس کردم که خیلی راه هست تا فرهنگمون مثل اون دختره بشه که پست‌های خوبی می‌ذاره.

- شده حس کنی رفتارت یا مدل حرف زدن شبیه همین دانشجویی که می‌گی شده باشه؟ (می‌خندد) البته، یه دفعه سعی کردم مدل اون، توی استوری‌هاش حرف بزنم، صدام رو ضبط کردم و دوباره گوش دادم، ولی با خودم گفتم عجب بد شده. همیشه حس می‌کنم توی تأثیرگذاری رو بقیه ناموفقم، واسه همین دیگه اون کار رو نکردم.

- در مورد سرنا امینی گفتی که پیجش رو دنبال می‌کنی، می‌شه بیش‌تر توضیح بدی؟ گفتم تاحدودی البته، اون پیجش برای جوک و خنده و این‌هاست. اکثراً حالم که بد بشه یا استرس بگیرم، اگه سمت گوشی برم می‌رم و به پیج این دختره هم سر می‌زنم، بعد کلی می‌خندم با جوک‌هاش و حالم بهتر می‌شه.

- ممکنه تأثیر دیگه‌ای هم این پیج روی شما گذاشته باشه؟

نه زیاد، من خیلی به این دختره گیر نمی‌دم. اکثراً محض خندیدن و شوخیه که می‌رم پست‌هاش رو می‌بینم همین، به نظرم پیچ خیلی خوبیه.

- در بخش‌هایی از مصاحبه از جنبه‌های منفی یک‌سری پیچ‌ها گفتم، در مورد جنبه‌های منفی‌ای که از پیچ‌های سرگرمی دریافت کردی هم چیزی هست که بخوای توضیح بدی؟
(فکر می‌کند) آره اتفاقاً، بذار برات تعریف کنم. اینی که ازش حس بدی گرفتم اسمش رو نمی‌گم‌ها، ولی در همین حد می‌تونم بگم که یه بلاگره. خوب می‌دونی دیگه زیبایی یه معیاریه که خانوما خیلی براشون مهمه، یه‌سری از مواقع آدم ممکنه این حس بهش دست بده، من زیبا نیستم، من یه مدت پیچ این بلاگر رو فالو می‌کردم، شاید سه، چهار ماه بعد از یه مدتی که فالو کردم، یه‌سری احساسات به من دست می‌داد، مثلاً این که چرا من این رو ندارم؟ چرا فلان چیز رو ندارم؟ چرا فلان سفر رو نمی‌تونم برم؟ و یه چیزی، البته بگم‌ها اینا همه حس‌هایی بود که به من دست می‌داد. قطعاً مشخص بود که اون طرف وجه‌هایی از زندگیش رو می‌داشت که خوبن، حتماً اونم توی خونه‌شون دعوا می‌کرد و شرایط سخت رو تجربه می‌کرد. اما اون پیچ به من حس بدی داد، با این که می‌دونستم اونم احتمالاً مشکلاتی داره، ولی اون موقعی که می‌رفتم توی پیجش، همه‌اش می‌گفتم طرف زندگی عالی‌ای داره و واقعاً این حس بهم دست می‌داد که شاید من خیلی بدم یا گاهی واقعاً توی آینه که نگاه می‌کردم، به خودم می‌گفتم من زشتم، شاید عجیب باشه، ولی این‌ها رو خیلی بهم القا می‌کرد.

آهان اینم بگم، گاهی با خودم می‌گفتم که چرا من نمی‌تونم سفر آن‌چنانی برم؟ چرا من نمی‌تونم فلان وسیله رو بگیرم و اون بلاگره همه این کارا رو می‌کرد.

چیزای خوب هم می‌داشت‌ها، مثلاً اطلاعات خوب هم می‌داد. ولی اگه این‌جوری بگم که بار منفی اون پیچ برای من بیش‌تر بود، درست گفتم، واسه همین دیگه فالوش نکردم بعد از یه مدت، واقعاً حس کردم دارم دیوونه می‌شم. اولش هی مقاومت می‌کردم واسه آنفالو کردنش، اما بعد که دیدم اصلاً اوضاعم خوب نیست، سریع مجبور کردم خودم رو آنفالوش کنم.

- گفتمی اطلاعات خوب هم می‌داد، منظورت از اطلاعات خوبی که می‌داد، چی بود؟
ببین مثلاً یه‌سری آداب اجتماعی و اینا رو می‌داشت اینم، مثلاً استایل لباس پوشیدن و این که چی رو با چی ست کنیم، از این مدل مطلب‌ها هم قرار می‌داد. ولی کلاً پیجش یه حس تناقضی به من می‌داد.

- یعنی چی حس تناقض به شما می‌داد؟

(مکث می‌کند) یه کم سخته بیان کردنش، نمی‌دونم چه شکلی بگمش. ببین این شکلی بود که طرف یه دقیقه چادر سرش می‌کرد، فرداش جلوی دوربین آرایش می‌کرد. مثلاً توی محرم چادر می‌پوشید، دو ماه بعدش، خودمونیم دیگه تعارف ندارم که، با دوست پسرش ترکیه بود. بعد من

همیشه با خودم می‌گفتم که خب آقا جان! حداقل خودت باش، چرا دوگانه رفتار می‌کنی، حالا جز حس بد و عصبانی شدنم، گاهی حرص هم می‌خوردم.

- ممکنه اسم این بلاگر رو به من بگی؟

نه، این رو لطفاً از من نخواه. می‌دونی حالا ممکنه این احساسات من بوده باشه، اون طرف هم این قدر شدید مشکل دار نبوده. می‌ترسم بعداً عذاب وجدان بگیرم که چرا گفتم.

- خوب می‌تونم این رو در نظر بگیرم کسی که خودش رو داخل یک شبکه اجتماعی بروز می‌ده، حتماً این رو می‌خواهد که انجامش می‌ده، نیازی نیست که اسمی ازش نبری.

آخه می‌دونی قضیه چیه، به نظرم اون طرف دوگانه رفتار می‌کرد، ولی واقعاً اگه به قول اون رفیقم زیادی حساس باشم چی؟ من برداشت خودم رو از اون می‌گم و راستش نمی‌خوام اسمش رو بگم، شرمندهام واقعاً.

- آیا این بلاگر رو کسی هم جز خودت فالو می‌کرد؟ دوستی که نظر اون رو هم درباره‌اش بهم بگی. یه بار سر این بحث می‌کردم با دوستم که شبکه‌های اجتماعی همه چیز رو پررنگ می‌کنه شاید، مثال این بلاگره رو زدم. بعدش که به اون گفتم، گفت این جور آدم‌ها خیلی زیادن توی شبکه‌های اجتماعی. بعدش یه خاطره درباره یه پیچی برام تعریف کرد که مثل این که یه دفعه دختری که پیج رو داشته، یه چت باکس می‌ذاره که هر سوالی دارین ازم بپرسین، خب خیلی‌ها ازش می‌پرسن که شغلش چیه؟ رشته‌اش چیه؟ و از این داستان‌ها. ولی دوتا از چت باکس‌هایی که گذاشته بود، مثل این که این مدلی بودن که (کجایی پیام برده‌ات بشم خانوم خوشگله)!

و جالب‌تر این که این دختره این‌ها رو استوری کرده بود، بعد مثل این که دختره در پاسخ به اون چت باکس‌ها فقط، یک کلمه نوشته بوده، نوشته بوده (اوهو)! همین. دوستم می‌گفت عکسای می‌که دختره از خودش می‌داشت، همه‌اش شبیه این مدل‌های مد بوده، مثلاً عکس می‌ذاشته با موهای آشفته و سرش رو کج می‌کرده و ژست‌های خاص می‌گرفته و از این داستان‌ها.

بعد درباره این دختره ما با هم که حرف زدیم، به این نتیجه رسیدیم که، اگه این دختره هدفش نمایش نبوده، پس چرا اصلاً اون چت باکس‌ها رو استوری کرده، بگذریم... اینه که فکر کنم، اون قدر این آدم زیاد باشن که اصلاً آدم نتونه کسی رو پیدا کنه که با این مدل رفتارها مواجه نشده باشه. ولی خب یه چیزیه هست که عجیبه واقعاً، همون آدم یک عالمه هم‌چنان فالور داره. مثلاً همین دختره که دوستم می‌گفت، دروغ چرا، من رفتم پیجش رو نگاه کردم، همه پست‌هاش یه جوری بودن که تو نوشته‌های پست‌هاش، کلی ادعای روشن‌فکری می‌کرد. جالب این که، توی یکی از استوری‌هاش، من یه دفعه دیدم نوشته بود: من به همه آرزوهای رسیدم و خیلی زندگی شاد و خوبی دارم! بگذریم... من رفتم کامنت‌های زیر پست‌هایی که می‌داشت رو خوندم، جالب این که کلی آدم نوشته بودن تو چه قدر خوبی دختر، چه قدر دانا هستی و کلی‌ها هم تأییدش کرده بودن، اینا هم به

نظرم دورویی. در واقع به نظرم، ایده دوستم درباره این یکی هم درست بود، آدم دوگانه‌ای بود، دوگانه رفتار می‌کرد.

- می‌شه بگی پست‌هاش چه مطالبی داشتن که می‌گی ادعای روشن‌فکری می‌کرد؟
این مدلی که من هنرمندم، من تکنیک می‌دونم، من فلان فیلم رو دیدم و تحلیلش این مدلیه و از این چیزا. ولی به نظرم فقط مدلس و قیافه حرفاش روشن‌فکرانه بود، من که اصلاً از متن‌هاش چنین چیزی رو حس نکردم.

- فکر می‌کنی این مسأله چه تأثیراتی روی آدم‌ها داره؟
خدا من رو ببخشه، می‌ترسم همه اینا قضاوتای من باشه، ولی می‌گم دیگه... واقعاً به نظرم باعث می‌شن آدم‌ها گول بخورن، بعد یه مدت و طبق حرفای همینا جلو برن توی زندگی‌شون، آخرش هم آسیب ببینن.
- مثالی داری که توضیحش بدی؟

همون کامنت‌های زیر پست‌ها به نظرم کامل گویای موضوع بودن. آدمایی که از کسی تعریف می‌کردن که حتی نمی‌دونستن شاید اون داره فقط یه مدل خاصی از خودش رو نشون می‌ده، بعد حرفای اون پست‌های اون طرف رو می‌خونن، بعدشم می‌رن برای بقیه هم تعریف می‌کنن. راستش من مثال نزدیکی ندیدم، اما فکر کنم همین هم شاید بتونه کامل کننده حرفم بشه.

- آیا روی شما هم این پیجی که دوستت گفته بود تأثیر داشت؟
یه کمی عصبانی شدم و حالم بد شد، زیاد طول نکشید که پیجش رو آنفالو کردم، چون وقتی رفتارهای دوگانه این رو هم می‌دیدم، بیش‌تر یاد اون بلاگره می‌افتادم. تازه به نظرم این دختره بدتر هم بود، چون خودش رو داخل یه مدل روشن‌فکری داشت القا می‌کرد، حداقل اسم بلاگر، بلاگره. ولی این خودش رو هنرمند می‌دونست، نمی‌دونم چرا.

- بعد از این که پیجش رو آنفالو کردی هم، همچنان اثری روی شما داشت؟
یه مدت خب اصولاً اکسپلور اینستاگرام ول کن نبود، همچنان پست‌های اون رو برام توی اکسپلور می‌آورد. خیلی از مواقع کنج‌کاویم می‌گرفت، برم ببینم چی نوشته و بعد باحال بد از اینستاگرام می‌اومدم بیرون. ولی بعدش، دیگه جدا خودم رو جمع و جور کردم و تصمیم گرفتم هر چی اکسپلور آورد، من نرم ببینمش. بعد یه مدت اکسپلور هم بی‌خیال شد (می‌خندد). اصولاً یه مدت احساسات بد این قضیه بود باهام، ولی بعدش دیگه رفع شد.

- بعد از این که پیجش رو آنفالو کردی این حس بد همراهت بود؟
نه، اون لحظه‌ای که پیج رو چک می‌کردم، خیلی این احساس بهم دست می‌داد. تا یه مدت بعد از آنفالو کردن هم، گاهی توی ذهنم می‌اومد کاراش و رفتاراش، ولی دیگه شدید نبود. تا امروز که ازم پرسیدی و یاد اون دورانم افتادم.

- کلاً چند ساعت در روز از اینستاگرام استفاده می‌کنی؟

نمی‌تونم روزانه بگم میانگین چه قدر استفاده می‌کنم، واقعاً بستگی به روزش داره. تا ماه‌های قبل که تابستون بود، ۴ تا ۵ ساعت می‌شد اکثراً. آخه تفریح دیگه‌ای نداشتیم، بابام به خاطر کرونا می‌گه سفر اصلاً نریم و از سمت دیگه هم، در عین حال که بی‌کار بودم استرس نتایج کنکور رو هم داشتم، با اینستاگرام سرگرم می‌شدم.

اما الآن گوشی رو قشنگ می‌ذارم کنار و سعی کردم وابستگی رو هم کم کنم. یکی از دلایلی هم اینه که سرم شلوغ شده، دیگه نمی‌رسم مثل اون موقع چهار، پنج ساعت توی اینستاگرام باشم. - صرف وقت طولانی مدت توی اینستاگرام، آیا به چشم یا به طور کلی قسمت‌های مختلف بدن شما آسیبی زده؟

نه، نه، چه آسیبی؟ (می‌خندد)، دراز می‌کشم روی تخت و چک می‌کنم، البته یه چیز مسخره بگم گاهی دستم خواب می‌ره، این قدر گوشی رو می‌گیرم بالای صورت وقتی دراز کشیدم. بعد گوشی رو در حد چند دقیقه می‌ذارم کنار و دوباره برش می‌دارم. البته می‌گم الآن خیلی کمتر کردم مدت استفاده از اینستا رو.

- گفتی که بازیگرهایی هم دنبال می‌کنی، اون‌ها چه مطالبی رو می‌گذارن؟
بین مثلاً بهاره کیان افشار رو دنبال می‌کنم، یه پیجی داره که اخبار و اینا رو هم داخلش می‌ذاره، در واقع دغدغه‌منده.



پیج سروش صحت هست که واقعاً اطلاعات خیلی خوبی می‌ذاره، از یه سمتی هم حس دانایی بهم می‌ده.



- درباره‌ی بهاره کیان افشار صحبت کردی و گفتی که پیجش دغدغه‌مند هست، می‌شه بیش‌تر توضیح بدی؟

به نظرم آدم خیلی خوبیه، خودش همیشه کمک مؤسسه خیریه می‌کنه، اصلاً در کل خیلی سعی داره مردم رو آگاه کنه. گاهی هم از درد مردم توی شرایط این جامعه حرف می‌زنه، اینا باعث می‌شن من فالوش کنم، شخصیت دوست داشتنی‌ای داره.

- گفتی که پیج سروش صحت هم به شما حس دانایی می‌ده، منظور چی هست، می‌شه مثال بزنی؟
خنده داره، ولی خیلی این حس رو بهم می‌ده، نمی‌دونم چه جورى بگم، ولی مثل اینه که یکی وقتی می‌گه من سروش صحت رو فالو دارم، یعنی آدم معمولی‌ای نیست، چون خود سروش صحت به نظرم خاص و متفاوت هست. برنامه‌ی کتاب باز که توی تلویزیون هم پخش شد، اونم کلی به نظرم باعث شد من جذبش بشم.

- مطالب داخل پیجش هم آیا این حس دانایی رو به شما می‌ده؟
(می‌خندد) باورت می‌شه زیاد توی پیجش فعال نیست؟ خیلی کم. البته منکر این نمی‌شم که هر وقت پست می‌ذاره، پستش عالیه. در واقع گاهی یه متن کوتاهی توی اینستاگرام می‌نویسه و پست می‌کنه. واقعاً مطالب خیلی زیاد یا فلسفی و این مدلی نمی‌ذاره، ولی متن‌های خیلی کوتاه و فوق-العاده‌ای می‌نویسه، اما خوب فعالیت‌هاش داخل این جامعه، نه لزوماً اینستاگرام، اصولاً خیلی تأثیر گذارن و این خودش باعث شد، من پیجش رو فالو کنم.

- آیا سروش صحت تداعی کننده کسی هم هست که داخل اینستاگرام هم فالوش می‌کنی؟
نه دقیقاً، خود سروش صحت (می‌خندد). واقعاً به خاطر کارهایی که می‌کنه و برنامه‌های خیلی مفیدی که می‌ذاره من طرفدارشم.

- آیا فالو کردن این پیج به جز این که حس دانایی به شما می‌ده، تأثیرات دیگه‌ای هم داشته؟
باید بگم فالو کردن پیجش نه زیاد، ولی خودش چرا مؤثر بوده، من برنامه کتاب باز رو از تلویزیون گاهی وقتا می‌بینم، خیلی خوبه.

- از ایوب آقاخانی هم یاد کردی؟
آره. اونم بازیگر و فیلمنامه نویس و کارگردان هست.



بعد یه چیزی راجع به تبلیغات هم بگم، فکر کنم موضوعش جالب باشه.

- بگو.

همین بلاگرهایی که دارم، گاهی تبلیغات مختلف می‌ذارن، بعد از طریق اون تبلیغا، من یه سری پیج دیگه رو که خوبن دنبال می‌کنم.

- تبلیغات غیر مفید هم دیدی؟

آره، یه پیجی بود که خیلی زیاد تبلیغ می‌داشت. وقتی دیدم زیاد تبلیغ می‌ذاره یه مدت کلاً پیجش رو چک نکردم، ولی آنفالوش هم نکردم. ولی این رو بگم که یادم افتاد، اون پیجی که می‌گم تبلیغاتش رو دوس دارم، مثلاً طرف دو ماه خودش از محصولی که می‌خواست معرفی کنه استفاده می‌کنه، بعد میاد و اون پیج رو معرفی می‌کنه، این رو خیلی دوست دارم.

- شده تا حالا یک مدت طولانی اینستاگرام رو چک نکنی؟

نه، معمولاً حتی موقعی که کنکور داشتم هم شاید هفته‌ای، دو هفته‌ای یک بار سر می‌زدم یا گاهی هر شب چیزای مختلف رو چک می‌کردم. ولی خب اینستاگرام خیلی زیاد نت مصرف می‌کنه، قشنگ آدم می‌خواد سریال دانلود کنه همه حجم اینترنت رو اینستاگرام می‌تونه بگیره، اینه که این مسأله زیاد شده برام که برای کم‌تر مصرف کردن اینترنت، یه کم کم‌تر به اینستاگرام سر بزنم.

- آیا پیج‌های اخبار یا سیاست رو هم دنبال می‌کنی؟

نه حقیقتاً، زیاد توی فاز سیاست دوست ندارم وارد بشم که توضیح بدم.

- فکر می‌کنی این پیج‌ها چه تأثیری روی تفکر سیاسی شما داشتن؟

نه، تأثیری روی مدل فکر کردن من که نداشتن، اما خب یه سری مواقع وقتی خبرهای مربوط به قضایای سیاست رو می‌شنوم، خیلی حالم بد می‌شه.

دقیقاً عین پیج‌های کنکوریه اینم. واسه همینم خیلی از مواقع که می‌بینم داره این مدل خبرا اوج می‌گیره و همه توی اینستا شون یه مطلبی درباره این چیزا می‌ذارن، تا یه مدت اصلاً اینستاگرام رو سعی می‌کنم چک نکنم. البته عملاً غیر ممکن می‌شه، اما خب سعی می‌کنم کم‌تر اینستا رو چک کنم. یه دفعه نشستم فقط کلی گریه کردم، درباره‌ی یکی از همین خبرای سیاسی، یه دفعه هم عصبانی شدم این قدر که نگو، بعد رفتم با خواهرم حرف بزنم حالم بهتر بشه و با اونم دعوا شد، چون مخالف من بود و دیگه هیچی، حالم فقط بدتر شد.

- می‌شه بیش‌تر درباره‌ی این خبرهای سیاسی‌ای که می‌گی توضیح بدی؟

نه دیگه، لطفاً دقیق‌تر نخواه ازم که توضیح بدم، راستش دوست ندارم زیاد درباره سیاست حرف

بزنیم.

- پس یک سوال دیگه بگذار بپرسم، درباره‌ی دیدگاه مذهبی چی، آیا اینستاگرام باعث شده اثرگذاری خاصی روی شما داشته باشه؟

یه چیز جالب بگم، ماه رمضان قبل که گذشت، من برای روزه گرفتن، هر وقت گرسنه‌ام می‌شد، می‌رفتم خودم رو با اینستاگرام سرگرم می‌کردم. جوک‌های مختلف می‌خوندم، گاهی هم اگر فرصت می‌شد کامنت‌های مختلف زیر پست‌ها رو می‌خوندم تا سرگرم بشم و یادم بره روزه‌ام. یکی از کارآمدترین کارها، برای وقتی روزه‌ای همینه. باور کن (می‌خندد).

- اینستاگرام بر دیدگاه مذهبی تأثیر دیگه‌ای هم داشته؟
(فکر می‌کند) نه، بعید می‌دونم. بیش‌ترین خاطره من با اینستاگرام و دین، مربوط به همین ماه رمضان پیش می‌شد.

- خوب قبل از این داشتی درباره سریال‌های ترکیه‌ای که می‌بینی می‌گفتی، یک سوال داشتم، آیا بازیگرهای این سریال‌ها رو داخل اینستاگرام دنبال نمی‌کنی؟

نه، فقط یه پیجی رو دنبال می‌کنم که یه سری ادیت و خبرا رو، درباره‌ی سریالای ترکیه‌ای یا بازیگراشون می‌ذاره که اونم نه این که دائماً فالو کنم. گاهی می‌رم به پیجه یه سری می‌زنم و یه سری از پست‌های بی‌خودش رو (می‌خندد) نگاه می‌کنم، بعدم میام بیرون دوباره از پیجه.

- اسم پیج چی هست؟

یه آیدی بلندی داره، Mysweeeeetseries.



- آیا به نظرت این پیج اثری روی شما گذاشته؟

باز داستان همون سریال‌هاست، واقعاً فقط باهاشون سرگرم می‌شم همین.

- تا حالا شده حس کنی داری الگویی از سریال‌ها برمی‌داری؟

(مکث می‌کند) نه بابا. نه بعید می‌دونم، حداقل الان که چیزی یادم نمیاد.

- خیلی ممنون از این که وقت گذاشتی، متشکرم.

خواهش می‌کنم.

تأملی دوباره:

فرشته‌ی ۲۰ ساله، در مصاحبه خود درباره اثرهای کاربری از شبکه اجتماعی اینستاگرام، به مباحثی حول محورهای اثرهای آموزشی، اجتماعی، اخلاقی- تربیتی، اقتصادی، خانوادگی، روان‌شناختی، زیباشناختی، زیستی، زیست محیطی، سیاسی، عقیدتی و فرهنگی اشاره داشته است.

فرشته‌ی در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل آموزشی کاربران، به مواردی مانند: اینستا به مثابه محلی برای یادگیری‌های فردی، افزایش اطلاعات عمومی و مورد علاقه کاربران، آگاهی از کلاس‌ها و مطالب کنکوری، اخذ بازخوردهای آموزشی، اتلاف وقت و اخذ اطلاعات آموزشی متفاوت و سردرگمی ناشی از آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

فرشته در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در رفتار اجتماعی کاربران، به مواردی مانند: طرح چالش‌های مثبت و معنادار اینستاگرامی و فراگیر شدن آن‌ها، به اشتراک‌گذاری رفتارهای صحیح از جانب یک سری صفحات اینستاگرامی، تعامل یک طرفه در اینستاگرام، آشفتگی روانی در نتیجه اطلاع از اخبار سیاسی و اجتماعی در اینستاگرام، شکل‌گیری هویت کاذب و مواجهه با سبک زندگی التقاطی و نظایر آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

فرشته‌ی ۲۰ ساله در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل اقتصادی کاربران، به مواردی مانند:

تشویق مصرف‌زدگی در فضای اینستا، افزایش هزینه‌ها به سبب خریدهای بیش از حد اینستاگرامی و برخی از دردهای خریدهای اینترنتی و نظایر آن، اشاره داشته است.

فرشته در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل روانی کاربران، به مواردی مانند: بمباران اطلاعاتی کاربران توسط اینستا و خستگی ذهنی ناشی از آن، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

فرشته در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق زیباشناختی کاربران، به مواردی مانند: تأثیرپذیری از الگوهای اینستاگرامی و القای احساس خودزشت‌پنداری توسط اینستاگرام، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

فرشته‌ی ۲۰ ساله در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیستی کاربران، به مواردی مانند: سردرد در نتیجه استرس‌های ایجاد شده در جریان کاربری از اینستاگرام، اشاره داشته است.

مصاحبه شونده در مصاحبه خود در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل زیست محیطی کاربران، به ترغیب برخی از کاربران و صفحات اینستاگرامی مبنی بر ضرورت عطف توجه به مسایل محیط زیست، اشاره داشته است.

فرشته در مصاحبه‌اش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در مسایل عقیدتی کاربران، به مواردی مانند: گرایش به ابعاد مادی و دور شدن از ابعاد معنوی در فضای اینستا و کم اثر شدن تدریجی حساسیت نسبت به مسایل ارزشی و عقیدتی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

فرشته‌ی ۲۰ ساله در مصاحبه خویش در زمینه اثرهای کاربری از اینستا در علایق فرهنگی کاربران، به مواردی مانند: تفریح‌های معطوف به اینستاگرام گردی در دوران کرونا، سرگرم شدن با اینستاگرام و لذت بردن از تفریحات موجود در فضای مجازی، در سطح خود و دوستانش اشاره داشته است.

اگر در زمینه مباحث مطرح شده در مصاحبه فرشته‌ی ۲۰ ساله، با ارجاع سایر محورهای مطرح شده به دیگر کتاب‌های مجموعه حاضر، توجه خود را صرفاً معطوف به ابعاد فرهنگی (که مورد بحث اثر حاضر است) کنیم، می‌توان بیان داشت، فرشته در مصاحبه خویش ضمن تأکید جذابیت‌هایی نظیر گذران فراغت در اینستا با کم‌ترین هزینه و بیش‌ترین هیجان و ترضیه خاطر ممکن، از مواردی مانند مواجهه کاربران با بمباران اطلاعاتی از سویی و مواجهه با حجم انبوهی از اطلاعات نامنسجم و بعضاً متعارض از سوی دیگر یاد می‌کند که عطف توجه به آن‌ها ضروری است!